



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

شہرِ مزار

عظیم ابوالحسن علی کلباسی



علی نوری بانی زادہ اصفہانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشاهیر مزار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی

نویسنده:

علی کرباسی زاده اصفهانی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	مشاهیر مزار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۷	فهرست مطالب
۳۱	مقدمه
۳۵	فصل اول: بقعه و تکیه علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»
۳۵	اشاره
۳۷	تأسیس
۳۸	قبور
۳۸	مشاغل مدفونین
۳۸	وضعیت فعلی
۳۹	جنس و نوع سنگ قبور
۳۹	تعداد قبور
۴۰	نقوش
۴۱	سنگ نوشته ها
۴۱	معماری
۴۲	بقعه
۴۶	حوض
۴۶	بازسازی تکیه
۴۹	فصل دوم: میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»
۴۹	اشاره
۵۱	میرزا ابوالمعالی کلباسی
۵۱	نام، لقب و کنیه

۵۱	تولد، والدین و خاندان
۵۴	دوران کودکی و نوجوانی
۵۶	بشارت به آینده ی درخشان
۵۷	توفیق الهی در رشد و شکوفایی ابوالمعالی
۵۸	گفتاری از ابوالمعالی در شرح احوال خود و پدر گرامی
۶۱	تحصیلات و اساتید
۶۳	استاد به روایت شاگرد
۶۳	اشاره
۶۳	میر سید محمد شهشهانی (حدود ۱۲۰۰ - ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ ق)
۶۵	میر سید حسن مدرّس (۱۲۱۰ - ۱۲۷۳ ق)
۶۶	یادآوری:
۶۸	زمانه و معاصران
۶۹	احوال معنوی و فضایل اخلاقی
۷۰	زهد و روی گردانی از دنیا
۷۰	ادعیه و راز و نیاز
۷۱	تأکید بر انجام تعقیبات و مستحبات نماز
۷۲	احتراز از اموال شبهه ناک
۷۲	احتیاط در تصرف در امور
۷۴	احترام به سادات
۷۵	سوگواری در مجالس عزای سیدالشهدا(ع)
۷۵	روحانیت و صفای مجلس و معنویت محضر ابوالمعالی
۷۶	هدر ندادن اوقات و جدّیت در تحصیل علم
۷۷	برطرف شدن وسواس شرعی از آیت الله بروجردی به سفارش میرزا ابوالمعالی
۷۸	حوزه ی تدریس و شاگردان
۸۴	جایگاه ویژه ی اجتهاد و لزوم کسب مقدمات آن
۸۴	در نگاه میرزا ابوالمعالی

۸۶	احتیاط در صدور اجازه
۸۸	سفارش به تقوی و لزوم تهذیب اخلاق پیش از تحصیل دانش
۸۸	جدیت در تحقیق و تألیف
۹۰	آثار و تألیفات
۹۰	اشاره
۹۱	فقه
۹۳	اصول فقه
۹۴	رجال
۹۷	شرح بر ادعیه و زیارات و روایات معصومین علیهم السلام
۹۷	کلام و متفرقه
۹۹	تفسیر
۱۰۰	آثار چاپ شده ی علامه ابوالمعالی
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	رساله فی بیان کیفیت زیارت عاشورا
۱۰۱	رساله فی بیان الاستشفاء بالتربه الحسینیه
۱۰۱	مجموعه رسائل اصولی میرزا ابوالمعالی
۱۰۱	رساله فی الاستخاره من القرآن المجید و الفرقان الحمید
۱۰۲	الرسائل الرّجالیه
۱۰۲	شرح خطبه ششقیه
۱۰۳	شیوه های جدید ابوالمعالی در علوم اسلامی و نوآوری در علم رجال و درایه
۱۰۴	عوامل پیشرفت و اسباب ترقی میرزا ابوالمعالی
۱۰۶	آمدگی برای سفر آخرت
۱۰۶	وفات
۱۰۸	مزار ابوالمعالی و برکات آن
۱۱۰	مرقد ابوالمعالی
۱۱۰	زیارتگاه مؤمنین و محل استجابت دعا

۱۱۰	کرامتی از ابوالمعالی پس از فوت وی
۱۱۲	عَلَمه میرزا ابوالمعالی از نگاه دیگران
۱۱۹	فصل سَوّم : فرزندان و خاندان میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»
۱۱۹	اشاره
۱۲۱	فرزندان و خاندان میرزا ابوالمعالی
۱۲۳	حاج میرزا جمال الدین کلباسی
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	تحصیلات
۱۲۴	مراتب زهد و تقوی
۱۲۵	تدریس و شاگردان
۱۲۶	آثار و تألیفات
۱۲۷	وفات و مدفن
۱۲۷	همسر و فرزندان
۱۲۸	علامه میرزا جمال الدین کلباسی در آثار دیگران
۱۲۹	آیت الله حاج میرزا محمود مقتدایی
۱۳۵	حاج میرزا کمال الدین معروف به میرزا ابوالهدی کلباسی
۱۳۵	نام، لقب و کنیه
۱۳۵	تولد
۱۳۶	تربیت و تحصیلات
۱۳۸	معاصران
۱۳۹	مقام علمی و حوزه تدریس
۱۴۰	شاگردان و راویان
۱۴۲	جایگاه ممتاز عَلَمه میرزا ابوالهدی در علم رجال و داریه
۱۴۳	علت توجه میرزا ابوالهدی به علم رجال
۱۴۵	احوال شخصی و فضایل اخلاقی
۱۴۶	زهد و پرهیزکاری

- ۱۴۶ ----- میرزا ابوالهدی و جمال الدین فرشتگان بر روی زمین
- ۱۴۷ ----- قناعت و پرهیز از تجمل
- ۱۴۷ ----- عنایت ویژه به نماز در اول وقت و تأکید بر تعقیبات
- ۱۴۸ ----- تواضع و غلبه ی بر هوی
- ۱۴۸ ----- کرامات معنوی و مکاشفات روحانی
- ۱۴۹ ----- روزی بی گمان
- ۱۴۹ ----- ندای غیبی
- ۱۴۹ ----- دعوت شده ی به بهشت
- ۱۵۰ ----- تجلی معارف توحیدی و نیل به مرتبه یقین
- ۱۵۱ ----- بشارت حسینی
- ۱۵۲ ----- نزول سُندُس و اِسْتَبْرَق از آسمان
- ۱۵۳ ----- حکایاتی شنیدنی و عبرت آموز درباره ی برخی علما و رجال نامی از زبان فقیه علامه میرزا ابوالهدی
- ۱۵۳ ----- فوت شگفت آقا سید محمد باقر درچه ای
- ۱۵۴ ----- حواله ی امیر مؤمنان علی(ع) به حاجی سید اسد الله [شفتی]
- ۱۵۴ ----- اقتدای فرشتگان به سید بحر العلوم
- ۱۵۵ ----- راه نجات به ولایت و اصلاح امور ناس
- ۱۵۵ ----- آثار و تألیفات
- ۱۵۵ ----- اشاره
- ۱۵۶ ----- فقه
- ۱۵۸ ----- اصول فقه
- ۱۶۰ ----- رجال و حدیث
- ۱۶۶ ----- تفسیر قرآن و شرح خطب و ادعیه امامان علیهم السلام
- ۱۶۸ ----- کلام و حکمت
- ۱۶۹ ----- اخلاق و عرفان
- ۱۷۰ ----- تاریخ و سیره
- ۱۷۲ ----- هیئت و نجوم و حساب

۱۷۲	رسائل متفرقه
۱۷۳	بازگشت به سوی معبود
۱۷۴	وفات و مدفن
۱۷۶	فرزندان و خاندان گرامی
۱۷۹	میرزا ابوالهدی از نگاه علما و بزرگان
۱۸۲	اعقاب دختری میرزا ابوالمعالی کلباسی
۱۸۹	شجره نامه ی خاندان ملاباشی
۱۹۱	حاج محمد حسن خراسانی کرباسی نیای بزرگ خاندان کلباسی در اصفهان
۱۹۱	اشاره
۱۹۱	تولد و والدین
۱۹۴	سبب نامگذاری ایشان به کرباسی
۱۹۵	آثار خیر و فعالیت‌های اجتماعی حاج محمد حسن
۱۹۶	حاج محمد حسن کرباسی و آقا محمد بید آبادی
۱۹۷	مقامات علمی و معنوی و جایگاه ممتاز حاج محمد حسن کرباسی
۱۹۸	وفات و مدفن
۲۰۱	اولاد و فرزندان
۲۰۲	حاج شیخ محمدباقر کلباسی
۲۰۲	اشاره
۲۰۲	والدین و نیاکان
۲۰۳	تحصیلات
۲۰۳	وفات و مدفن
۲۰۵	حاج شیخ موسی کلباسی
۲۰۵	اشاره
۲۰۶	تحصیلات
۲۰۶	وفات و مدفن
۲۰۸	میرزا عبدالرحیم کلباسی

۲۰۸	تولد و والدین
۲۰۹	تحصیلات
۲۰۹	فعالیت های دینی و اجتماعی و ویژگی های اخلاقی
۲۱۰	آثار و تألیفات علمی
۲۱۱	وفات و مدفن
۲۱۲	اولاد و فرزندان
۲۱۳	ترغیب آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تحصیل علم توسط میرزا عبدالرحیم کلباسی
۲۱۵	نماز باران و به منبر رفتن میرزا عبدالرحیم به دستور آقا نجفی
۲۱۷	حاج شیخ ابوالفضل کلباسی
۲۱۸	حاج شیخ محمد علی کلباسی
۲۱۸	حاج میرزا علی محمد کلباسی
۲۱۹	آقا رضا کلباسی
۲۱۹	میرزا محمد حسین کلباسی
۲۲۱	فصل چهارم : فقیهان و دانشمندان تکیه میرزا ابوالمعالی
۲۲۱	اشاره
۲۲۳	آیت الله حاج شیخ محمد حسین قودجانی اشنی
۲۲۳	تولد و والدین
۲۲۳	تحصیلات
۲۲۴	دوستان و معاصران
۲۲۴	هجرت به قودجان و اشن
۲۲۵	تدریس و شاگردان
۲۲۶	ویژگی های اخلاقی و روحی
۲۲۷	حکایاتی از آیت الله قودجانی اشنی
۲۲۸	وفات و مدفن
۲۲۸	فرزندان
۲۳۰	آیت الله حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی

۲۳۰	تولد
۲۳۰	تحصیلات و اساتید
۲۳۱	یادآوری
۲۳۲	معاصرین
۲۳۲	مشاغل و مناصب اجتماعی
۲۳۳	وعظ و سخنرانی
۲۳۴	سرپرستی سازمان جوانان اسلامی
۲۳۵	تدریس و شاگردان
۲۳۶	تألیفات و آثار
۲۳۶	اشاره
۲۳۷	۱ - تفسیر
۲۳۹	۲ - کلام و اخلاق
۲۴۲	۳ - حکمت و عرفان
۲۴۳	۴ - حدیث
۲۴۳	۵ - مباحث متفرقه
۲۴۷	آیت الله اشنی و خاطره ای از امام خمینی
۲۴۷	اشاره
۲۴۷	وفات و مدفن
۲۴۹	همسر و فرزندان
۲۵۰	حاج آقا مرتضی رشتی
۲۵۱	ملا مصطفی فروشانی سدهی
۲۵۱	حاج سید محمّد حسن موسوی کاشانی (حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۲۰ ق.)
۲۵۱	تولد و تحصیلات
۲۵۲	جایگاه و منزلت علمی
۲۵۲	رئیس خطیبان و سلطان الواعظین
۲۵۳	آثار و تألیفات

۲۵۳ اشاره
۲۵۳ ۱ . ینابیع الحیاه فی موارد الآیات
۲۵۴ ۲ . مواعظ حسنه
۲۵۴ ۳ . رساله در امر به معروف و نهی از منکر
۲۵۴ ۴ . منهج الواعظین و مسلک الراشدین
۲۵۵ ماجرای تکفیر یا تفسیق حاج سید حسن کاشی و سبب آن
۲۵۷ آشنایی بیشتر با رساله ی امر به معروف و نهی از منکر
۲۵۸ فتوای ادیبانه ی صاحب روضات
۲۵۸ سرانجام کار سلطان الواعظین
۲۵۹ وفات و مدفن
۲۵۹ خاندان و فرزندان
۲۶۲ فصل پنجم: هنرمندان و شاعران در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی
۲۶۲ اشاره
۲۶۴ مهدی نوایی
۲۷۰ (حاجی) آقا میرزا موسی خان انصاری اصفهانی
۲۷۱ میرزا عبدالحسین فرزند غلامرضا حکیم الهی (شهرضایی)
۲۷۷ تصاویر
۳۲۷ تصویری از خاندان، آشنایان و آرامگاه میرزا ابوالمعالی کلباسی
۳۳۸ تصاویر جمعی از مشاهیر شاگردان میرزا ابوالمعالی کلباسی
۳۴۲ فهرست اعلام
۳۷۷ فهرست منابع و مأخذ
۳۸۶ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: کرباسی، علی، ۱۳۴۶-

عنوان و نام پدیدآور: مشاهیر مزار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی/علی کرباسی زاده اصفهانی.

مشخصات نشر: اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.: مصور، نمونه.

شابک: ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۶۰۱۷-۸۷-۸

یادداشت: پشت جلد لاتینی شده: Ali Karbasi Zadah Esfahani. Mashahir-e mazar allamah.
Abulma'ali Kalbasi

یادداشت: کتاب حاضر با همکاری "مجموعه فرهنگی تاریخی و مذهبی تخت فولاد اصفهان" منتشر شده است.

یادداشت: نمایه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۳۱ - ۳۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: کلباسی، محمدبن ابراهیم، ۱۲۴۷-۱۳۱۵ق. - سرگذشتنامه.

موضوع: کرباسی (خاندان).

موضوع: مجتهدان و علماء -- ایران -- اصفهان -- سرگذشتنامه.

رده بندی کنگره: ۳/۵۵/۳/۷۵ ک ۴/۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۷۵۴۴

ص: ۱

اشاره

مشاهیر مزار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»

مشاهیر مزار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»

تألیف: علی کرباسی زاده اصفهانی

ناشر: کانون پژوهش

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: قائم گستر

شابک: ۹۶۴-۶۰۱۷-۸۷-۸

قیمت:

۳۵۰۰ تومان

با همکاری مجموعه فرهنگی تاریخی و مذهبی تخت فولاد اصفهان

ص: ۲

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول: بقعه و تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی ۱۷

تأسیس ۱۹

قبور ۲۰

مشاغل مدفونین ۲۰

وضعیت فعلی ۲۰

جنس و نوع سنگ قبور ۲۱

تعداد قبور ۲۱

نقوش ۲۲

سنگ نوشته ها ۲۳

معماری ۲۳

بقعه ۲۴

حوض ۲۸

بازسازی تکیه ۲۸

ص: ۴

فصل دوم: میرزا ابوالمعالی کلباسی ۳۱

نام، لقب و کنیه ۳۳

تولد، والدین و خاندان ۳۳

دوران کودکی و نوجوانی ۳۶

بشارت به آینده ی درخشان ۳۸

توفیق الهی در رشد و شکوفایی ابوالمعالی ۳۹

گفتاری از ابوالمعالی در شرح احوال خود و پدر گرامی ۴۰

تحصیلات و اساتید ۴۳

استاد به روایت شاگرد ۴۵

میر سید محمد شهشهانی (حدود ۱۲۰۰ - ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ ق) ۴۵

میر سید حسن مدرس (۱۲۱۰ - ۱۲۷۳ ق) ۴۷

زمانه و معاصران ۵۰

احوال معنوی و فضایل اخلاقی ۵۱

زهد و روی گردانی از دنیا ۵۲

ادعیه و راز و نیاز ۵۲

تأکید بر انجام تعقیبات و مستحبات نماز ۵۳

احتراز از اموال شبهه ناک ۵۴

احتیاط در تصرف در امور ۵۴

احترام به سادات ۵۶

سوگواری در مجالس عزای سیدالشهدا(ع) ۵۷

روحانیت و صفای مجلس و معنویت محضر ابوالمعالی ۵۷

هدر ندادن اوقات و جدیت در تحصیل علم ۵۸

برطرف شدن وسواس شرعی از آیت الله بروجردی به سفارش میرزا ابوالمعالی ۵۹

حوزه ی تدریس و شاگردان ۶۰

جایگاه ویژه ی اجتهاد و لزوم کسب مقدمات آن ۶۵

ص: ۵

در نگاه میرزا ابوالمعالی ۶۲

احتیاط در صدور اجازه ۶۷

سفارش به تقوی و لزوم تهذیب اخلاق پیش از تحصیل دانش ۶۹

جدیت در تحقیق و تألیف ۶۹

آثار و تألیفات ۷۱

آثار چاپ شده ی علامه ابوالمعالی ۸۰

عوامل پیشرفت و اسباب ترقی میرزا ابوالمعالی ۸۴

آمادگی برای سفر آخرت ۸۶

وفات ۸۶

مزار ابوالمعالی و برکات آن ۸۸

مرقد ابوالمعالی زیارتگاه مؤمنین و محل استجابت دعا ۹۰

کرامتی از ابوالمعالی پس از فوت وی ۹۱

علامه میرزا ابوالمعالی از نگاه دیگران ۹۲

فصل سوّم: فرزندان و خاندان میرزا ابوالمعالی ۹۹

حاج میرزا جمال الدین کلباسی (متوفی ۱۳۵۰ ق) ۱۰۳

تحصیلات ۱۰۳

مراتب زهد و تقوی ۱۰۴

تدریس و شاگردان ۱۰۵

آثار و تألیفات ۱۰۶

وفات و مدفن ۱۰۷

همسر و فرزندان ۱۰۷

علامه میرزا جمال الدّین کلباسی در آثار دیگران ۱۰۸

حاج میرزا محمود مقتدایی ۱۰۹

حاج میرزا کمال الدّین معروف به میرزا ابوالهدی کلباسی ۱۱۵

ص: ۶

نام، لقب و کنیه ۱۱۵

تولد ۱۱۵

تربیت و تحصیلات ۱۱۶

معاصران ۱۱۸

مقام علمی و حوزه تدریس ۱۱۹

شاگردان و راویان ۱۲۰

جایگاه ممتاز علامه میرزا ابوالهدی در علم رجال و داریه ۱۲۲

علت توجه میرزا ابوالهدی به علم رجال ۱۲۳

احوال شخصی و فضایل اخلاقی ۱۲۵

زهد و پرهیزکاری ۱۲۶

میرزا ابوالهدی و جمال الدین فرشتگان بر روی زمین ۱۲۶

قناعت و پرهیز از تجمل ۱۲۷

عنایت ویژه به نماز در اول وقت و تأکید بر تعقیبات ۱۲۷

تواضع و غلبه ی بر هوی ۱۲۸

کرامات معنوی و مکاشفات روحانی ۱۲۸

روزی بی گمان ۱۲۹

ندای غیبی ۱۲۹

دعوت شده ی به بهشت ۱۲۹

تجلی معارف توحیدی و نیل به مرتبه یقین ۱۳۰

بشارت حسینی ۱۳۱

نزول سُندُس و اِسْتَبْرَق از آسمان ۱۳۲

حکایاتی شنیدنی و عبرت آموز درباره ی برخی علما و رجال نامی از ... ۱۳۳

فوت شگفت آقا سید محمد باقر درچه ای ۱۳۳

حواله ی امیر مؤمنان علی(ع) به حاجی سید اسد الله [شفتی] ۱۳۴

اقتدای فرشتگان به سید بحرالعلوم ۱۳۴

ص: ۷

راه نجات به ولایت و اصلاح امور ناس ۱۳۵

آثار و تألیفات ۱۳۵

بازگشت به سوی معبود ۱۵۲

وفات و مدفن ۱۵۳

فرزندان و خاندان گرامی ۱۵۵

میرزا ابوالهدی از نگاه علما و بزرگان ۱۵۸

اعقاب دختری میرزا ابوالمعالی کلباسی ۱۶۱

شجره نامه ی خاندان ملباشی ۱۶۸

حاج محمد حسن خراسانی کرباسی نیای بزرگ خاندان کلباسی ۱۷۰

تولد و والدین ۱۷۰

سبب نامگذاری ایشان به کرباسی ۱۷۳

آثار خیر و فعالیت های اجتماعی حاج محمد حسن ۱۷۴

حاج محمد حسن کرباسی و آقا محمد بید آبادی ۱۷۵

مقامات علمی و معنوی و جایگاه ممتاز حاج محمد حسن کرباسی ۱۷۶

وفات و مدفن ۱۷۷

اولاد و فرزندان ۱۷۹

حاج شیخ محمدباقر کلباسی ۱۸۰

والدین و نیاکان ۱۸۰

تحصیلات ۱۸۱

وفات و مدفن ۱۸۱

حاج شيخ موسى كلباسى ١٨٣

تحصيلات ١٨٤

وفات و مدفن ١٨٤

ميرزا عبدالرحيم كلباسى ١٨٦

تولد و والدين ١٨٦

ص: ٨

تحصیلات ۱۸۷

فعالیت های دینی و اجتماعی و ویژگی های اخلاقی ۱۸۷

آثار و تألیفات علمی ۱۸۸

وفات و مدفن ۱۸۹

اولاد و فرزندان ۱۹۰

ترغیب آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تحصیل علم توسط میرزا عبدالرحیم کلباسی ۱۹۱

نماز باران و به منبر رفتن میرزا عبدالرحیم به دستور آقا نجفی ۱۹۳

حاج شیخ ابوالفضل کلباسی ۱۹۵

حاج شیخ محمد علی کلباسی ۱۹۶

حاج میرزا علی محمد کلباسی ۱۹۶

آقا رضا کلباسی ۱۹۷

میرزا محمد حسین کلباسی ۱۹۷

فصل چهارم: فقیهان و دانشمندان تکیه ابوالمعالی ۱۹۹

حاج شیخ محمد حسین قودجانی آشنی ۲۰۱

تولد و والدین ۲۰۱

تحصیلات ۲۰۱

دوستان و معاصران ۲۰۲

هجرت به قودجان و آشن ۲۰۲

تدریس و شاگردان ۲۰۳

ویژگی های اخلاقی و روحی ۲۰۴

حکایاتی از آیت الله قودجانی اشنی ۲۰۵

وفات و مدفن ۲۰۶

فرزندان ۲۰۶

حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی ۲۰۸

ص: ۹

تولد ۲۰۸

تحصیلات و اساتید ۲۰۸

معاصرین ۲۱۰

مشاغل و مناصب اجتماعی ۲۱۰

وعظ و سخنرانی ۲۱۱

سرپرستی سازمان جوانان اسلامی ۲۱۳

تدریس و شاگردان ۲۱۳

تألیفات و آثار ۲۱۴

آیت الله اشنی و خاطره ای از امام خمینی ۲۲۴

وفات و مدفن ۲۲۴

همسر و فرزندان ۲۲۶

حاج آقا مرتضی رشتی ۲۲۷

ملا مصطفی فروشانی سدهی ۲۲۸

حاج سید محمد حسن موسوی کاشانی ۲۲۸

تولد و تحصیلات ۲۲۸

جایگاه و منزلت علمی ۲۲۹

رئیس خطیبان و سلطان الواعظین ۲۲۹

آثار و تألیفات ۲۳۰

فتوای ادیبانه ی صاحب روضات ۲۳۵

سرانجام کار سلطان الواعظین ۲۳۵

وفات و مدفن ۲۳۶

خاندان و فرزندان ۲۳۶

فصل پنجم: هنرمندان و شاعران تکیه ابوالمعالی ۲۳۹

مهدی نوایی ۲۴۱

(حاجی) آقا میرزا موسی خان انصاری اصفهانی ۲۴۷

ص: ۱۰

میرزا عبدالحسین فرزند غلامرضا حکیم الهی (شهرضایی) ۲۴۸

دیگر هنرمندان مدفون در تکیه ابوالمعالی ۲۴۹

تصاویر نسخ و اسناد خطی ۲۵۳

تصاویری از خاندان آشنایان و آرامگاه میرزا ابوالمعالی کلباسی ۲۰۳

تصاویر جمعی از مشاهیر شاگردان میرزا ابوالمعالی کلباسی ۳۱۴

فهرست اعلام ۳۱۹

فهرست منابع و مآخذ ۳۳۱

ص: ۱۱

سخن از تخت فولاد (لسان الارض)، حکایت آغاز آفرینش و نیز حدیث افتخار آفرینی ایرانیان مسلمان است. در باره قداست و پاکی این سرزمین گفته اند که پس از وادی السلام نجف اشرف و سایر گورستان های اعتبار مقدسه، قبرستان تخت فولاد، شریف ترین و متبرک ترین مقابر و گورستان های ایران بلکه عموم شهرهای شیعه نشین است. با این حال، شرافت و قداست هر محل، به صاحب و اشغال کننده ی آن محل است. در طول قرن های متمادی و به ویژه در زمان بعد از اسلام، رجال بزرگی در این سرزمین به خاک سپرده شده اند. با نگاهی به تخت فولاد و تکیه ها و بقعه ها و قبور موجود در آن، می بینیم که طبقات گوناگون و صاحبان آوازه در علم و عمل، هنرمندان و شاعران، فقیهان و حکیمان، عارفان و مفسران، مردان سیاسی و صاحب منصبان، ساکنان این وادی به ظاهر خاکی و در حقیقت آسمانی اند. افزون بر این، در این سرزمین می توان گنجینه ای از آثار مختلف هنری از جمله معماری، گچ بری، کاشی کاری، خوش نویسی، حجاری، شعر و ماده تاریخ، نگارگری، طراحی و نقوش نمادین از دوره های مختلف در اصفهان را مشاهده کرد. از دوران صفویه و سپس در زمان قاجار، بقعه ها و تکیه های بسیاری - مانند تکیه ی بابارکن الدین، تکیه ی میرفندرسکی، تکیه ی میرزا رفیعا، تکیه ی آقا محمد بیدآبادی، تکیه ی آقا شیخ محمد تقی نجفی (تکیه ی مادر شاهزاده) و... - بر سر قبور عالمان و بزرگان تخت فولاد ساخته شد تا مردمان و نسل های بعدی با دیدن عمارات و تکایا، به یاد دوران زرین

دینی و فرهنگی خود بیفتند و با افتخار به ریشه و گذشته ای چنین درخشان، آینده ای درخشان تر را رقم زنند. چرا که مزار تخت فولاد یاد آور ادوار طلایی فرهنگ اسلامی و ایرانی و زنده کننده خاطره ی مدینه ی فاضله ی اصفهان و مکتب فقهی - فلسفی آن است.

یکی از بقعه ها و تکایای معروف در تخت فولاد، بقعه و تکیه ی فقیه اصولی و مجتهد نامی علامه میرزا ابوالمعالی کرباسی مشهور به کلباسی است. این بقعه، که بلافاصله پس از فوت میرزا ابوالمعالی، توسط داماد و شاگرد او مرحوم حاج میرزا احمد ملّا باشی بنا گردید، به تدریج محل دفن بزرگان خاندان میرزا ابوالمعالی و جمعی از دیگر علما و مؤمنین و نیز عامه ی مردم اصفهان شد. نگارنده که علاقمند به مطالعه و تحقیق پیرامون عالمان و بزرگان تخت فولاد است - چنان که پیشتر نیز کتابی در باره ی حکیم متأله و فقیه متشرع آقا محمد بید آبادی منتشر ساخته - به تحقیق و جمع آوری منابع و مطالب در باره ی میرزا ابوالمعالی و خاندان گرامی اش سرگرم بود. تا این که دوست و همکار گرامی جناب آقای دکتر اصغر منتظر القائم - عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدیر دانشنامه تخت فولاد - پیشنهاد نمودند که پژوهش و مطالعات خود پیرامون میرزا ابوالمعالی و برخی علمای تکیه ی وی را گسترش داده و در مجموعه ای مستقل منتشر نمایم.

کتابی که در پیش رو دارید: هم شرح احوال فقیهان و عالمان دینی و هم هنرمندان و شاعران مدفون در تکیه و نیز شرحی در باره ی سبک معماری و جنبه های هنری و تزئینی تکیه را در بر می گیرد. قسمت مربوط به شرح احوال و ذکر آثار عالمان و روحانیون تکیه ی میرزا ابوالمعالی - که بخش اصلی و اعظم کتاب حاضر را تشکیل می دهد - توسط نگارنده و بخش مربوط به جنبه های هنری و معماری بقعه و تکیه ی ابوالمعالی و شرح احوال تنی چند از هنرمندان مدفون در تکیه توسط یکی از

کارشناسان و پژوهشگران مجموعه تاریخی مذهبی تخت فولاد تهیه و نوشته شده است.

یادآوری می‌نمایم که در باره‌ی برخی از علمای مدفون در تکیه، جز سنگ نوشته قبر اطلاعی به دست نیامد که از آن جمله مرحوم سید اسماعیل خلیفه سلطانی می‌باشد.

از آن جا که با خاک سپاری میرزا ابوالمعالی در این قطعه از تخت فولاد، تکیه و بقعه‌ای به نام ایشان ساخته شد بخش علما و روحانیون کتاب حاضر با شرح احوال علامه میرزا ابوالمعالی و خاندان و اعقاب پسری و دختری او آغاز شده و سپس شرح زندگانی علمای کلباسی مدفون در تکیه بر اساس حروف الفبا آورده شده است. همچنین از آن جا که مقبره‌ی عالم عارف مرحوم حاج محمد حسن خراسانی کرباسی - جدّ امجد میرزا ابوالمعالی - روبروی تکیه واقع شده است، شرحی نیز در باره‌ی معظم له آورده ایم که پس از زندگانی میرزا ابوالمعالی و خاندانش، قرار گرفته است؛ و سپس شرح احوال دیگر علما و بزرگان مدفون در

تکیه ارائه شده است. در ضمن، برای اینکه خواننده‌ی گرامی پیش از مطالعه‌ی احوال علمای مدفون در تکیه‌ی ابوالمعالی، با وضعیت تاریخی و سبک هنری و معماری بقعه و تکیه‌آشنایی یابد، بخش مربوط به سبک معماری تکیه در ابتدای کتاب آورده شد. شرح حال مختصری از هنرمندان و شاعران مدفون در تکیه نیز در انتهای کتاب قرار گرفته است که در برخی موارد، بخاطر فقدان منابع یا عدم دسترسی تهیه‌کنندگان به خاندان صاحب قبور، به متن سنگ نوشته‌ها، اکتفا شده است.

در این جا بر خود لازم می‌دانم از مدیر مجموعه فرهنگی، مذهبی تخت فولاد جناب آقای مهندس محمد رضا نیلفروشان تشکر نمایم. همچنین از خانم مریم سعیدیان و آقایان: حمید خلیلیان و سید احمد عقیلی که دو نفر اول در تهیه و تحریر

بخش مربوط به بقعه و تکیه ابوالمعالی و هنرمندان مدفون در آن، و نفر دوم و سوم در غلطگیری کتاب، فعالیت نمودند، و نیز جناب آقای دکتر اصغر منتظرالقائم که منشأ آثار خیر و اقدامات ارزنده ای در مجموعه تخت فولاد شده و تصحیح و ویراستاری کتاب به ویژه بخش مربوط به معماری و هنری بقعه ی ابوالمعالی را انجام داده است تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از جناب آقای مرتضی جنتیان مدیر محترم انتشارات کانون پژوهش و خانم نرگس جنتیان که مسئولیت حروفچینی کتاب را برعهده داشته است، سپاسگزاری می نمایم.

در پایان گوشزد می نمایم که علاوه بر استفاده ای که از منابع و مآخذ گوناگون در کتاب حاضر کرده ام بسیاری از مطالب آن، بر اساس نسخه های خطی یا مصاحبه ی با علماء و بزرگان، نوشته شده است که در ذیل هر مورد، از عزیزانی که نگارنده را یاری و مساعدت نموده اند، سپاسگزاری کرده ام. از خوانندگان گرامی انتظار می رود با دقت و حوصله در این اثر بنگرند و نگارنده را از کاستی های آن، آگاه فرمایند.

والسلام

اصفهان اسفند ماه هزار و سیصد و هشتاد و سه

محرم الحرام چهارصد و بیست و شش

علی کرباسی زاده اصفهانی

ص: ۱۵

فصل اوّل: بقعه و تکیه علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»

اشاره

ص: ۱۶

با به خاک سپاری فقیه علامه آیت الله آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی در سال ۱۳۱۵ هجری در شرق اراضی تخت فولاد، بقعه ای توسط حاج میرزا احمد ملاباشی داماد و شاگرد میرزا ابوالمعالی بر سر مزار این عالم بزرگ ساخته شد و به تدریج در اطراف بقعه اطاق های خانوادگی و شخصی برپا گردید و به مرور زمان بسیاری از مشاهیر، علما و بزرگان و هنرمندان در صحن و اطاق های داخل بقعه به خاک سپرده شدند. (۱)

این تکیه که به نام آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی نام گذاری شد، در سمت شرق خیابان فیض

و داخل کوچه لسان الارض واقع شده است. در سمت غرب این تکیه تکایای جهانگیرخان قشقایی و شهشهرانی، و جنوب آن، تکیه خواجهویی قرار دارد. مساحت فعلی تکیه کلباسی ۳۳۹۴ متر مربع می باشد. درب ورودی تکیه در جهت جنوب و داخل کوچه لسان الارض است که فاصله آن تا خیابان فیض ۱۰۳ متر می باشد.

پس از دفن میرزا ابوالمعالی در تکیه در سال ۱۳۱۵ ق. اطاق هایی در چهار جهت تکیه ساخته شد که از لحاظ سبک معماری از بناهای چهار ایوانه تبعیت می کردند ولی پس از مرمت، احیاء و بازسازی تکیه، اطاق ها تخریب و در حال حاضر تنها بنای بازمانده از این تکیه زیبا، بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی است. این بقعه نمونه بارز

ص: ۱۸

سبک معماری دوران قاجاریه است که از لحاظ فنون معماری مذهبی و سنتی قابل توجه و ارزشمند و دارای ویژگی های سادگی، زیبایی و عدم استفاده از نقوش تزئینی است.

قبور

از خاندان های معروفی که در این تکیه مدفون هستند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

رسولی (جنوب غرب)، منشیء (شمال)، قزوینی (شمال شرق)، مطهری یا کاشانی (جنوب شرق)، شیخ بهایی (جنوب غرب)، صراف، عصار، صیرفیان پور، کرباسی، مجلسی، کلاهدوزان و فیروز.

مشاغل مدفونین

شهرت و مشاغل متوفی گاه بر روی سنگ قبور ثبت می شده است از جمله مشاغل مدفونین در این تکیه می توان به علف، عصار، قناد، گلاب گیر، ابریشمکار، قلمزن، دلال، چیت ساز، نجار و موارد دیگر اشاره کرد.

علاوه بر مردم اصفهان افرادی از شهرهای اطراف مثل علویجه، فریدن، گز و.... در این تکیه مدفون هستند.

وضعیت فعلی

پس از بازسازی تکیه، قبور در دو سطح اطراف بقعه در مرکز و دیگری ایوان اطراف تکیه قرار گرفته اند. قبور به صورت منظم در یک جهت و یک ردیف به صورت ترتیبی هستند. هم جنس بودن و یکنواختی سنگ قبور، فضای قابل توجهی

را در تکیه ابوالمعالی کلباسی ایجاد کرده است.

جنس و نوع سنگ قبور

نوع سنگ نیز به تبعیت از اندازه با توجه به شهرت و مکنت و اهمیّت متوفی متفاوت است. ضمن این که به علت کثرت و کاربرد زیاد سنگ آهکی در رنگ ها و انواع گوناگون، بیشتر سنگ قبور از جنس آهکی است. ولی سنگ قبور مشاهیر خاندان کلباسی از جنس مرمری با تنوع رنگ های سفید و زرد یشمی است. در برخی موارد سنگ قبور به صورت پوشش کاشی لعاب دار با متن نوشته یا بدون سنگ نوشته در رنگ های مختلف سفید، آبی لاجوردی، فیروزه ای و مشکی است.

تعداد قبور

قبور موجود در تکیه با استناد به کالک برداشت قبور که توسط مهندسین مجموعه فرهنگی، مذهبی تخت فولاد تهیه شده است، ۱۸۳۴ نفر می باشد. سنگ قبور شماره گذاری شده و مشخصات فنی آنها روی نقشه ثبت گردیده است. شایان توجه است این آمار رقم دقیق و کلی مدفونین تکیه از ابتدا تاکنون نیست و به نظر می رسد برخی از قبور در زمان احیاء و مرمت و بازسازی تکیه و تخریب دیوارهای آن مفقود شده است.

نام عالمان و روحانیون مدفون در بقعه و تکیه ی علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی عبارت است از (به ترتیب حروف الفبا):

ابوالفضل کلباسی، ابوالمعالی کلباسی، ابوالهدی کلباسی، احمد ملّاباشی، اسدالله مطهری، اسماعیل خلیفه سلطانی، جمال الدین کلباسی، رضا کلباسی، زین العابدین مطهری، عبدالرحیم کلباسی، علی محمد کلباسی، محمدباقر کلباسی، محمد

حسام الدین کلباسی، محمدحسن موسوی کاشانی، محمدحسین قودجانی اشنی، محمدعلی کلباسی، محمود مقتدایی، محمود ملاباشی، مرتضی رشتی، مصطفی فروشانی، موسی کلباسی، نورالدین قودجانی اشنی.

نام شاعران، فرهنگیان و هنرمندان مدفون در تکیه نیز عبارت است از:

آقاجان ایلیا کاشی ساز، ابوالقاسم ایلیا کاشی ساز، باقرخان عراقی، عبدالحسین حکیم الهی، عبدالله ایلیا کاشی ساز، علی بدیع الصنایع، کریم شریفیان، محمد مهدی مغزیان، مصطفی شریفیان، موسی خان انصاری، مهدی نوایی.

نقوش

معمولاً حجاران بر روی سنگ قبور، علاوه بر ثبت اطلاعاتی در مورد متوفی و حرفه او و اشعار و ماده تاریخ هایی که نزدیکان و دوستان شاعر متوفی برای وی سروده اند، بنا به تناسب رابطه بین جنس، سن، حرفه و عقاید و شهرت متوفی را با نقوش موجود در سنگ قبور به راحتی تزئین می کردند. گاه نیز بدون در نظر گرفتن این معیارها نقوش نمادین و تزئینی را بر سنگ ها حجاری می کردند. در برخی موارد نیز اصلاً نقشی حک نکرده و با استفاده از سنگ های گران قیمت و ممتاز یاد متوفی را جاودانه می ساختند. سنگ قبور داخل بقعه قاب بندی شده و در سنگ قبور موجود در کنار ابوالمعالی کلباسی و فرزندانش کاشیکاری شده و با استفاده از تنوع رنگ و نقش زیبایی خاصی به داخل بقعه داده اند. در برخی موارد علماء و بزرگان مذهبی از وجود نقش بر سنگ قبرشان اکراه داشته اند. سنگ قبور خاندان کلباسی داخل بقعه فاقد نقوش تزئینی است. دیگر سنگ های موجود در صحن تکیه، تزئینی و گاه ترکیبی از نقوش تزئینی و نمادین است. در قاب های هندسی و مضلع، پائین سنگ ها نقوش برگرفته از طبیعت مثل گل و بوته و مواردی از این قبیل است. نقوش مهر و تسبیح و

شانه و مهر هم نشان دهنده تدین و تقید متوفی به دین بوده است. فرو رفتگی‌ها یا هشتی‌های موجود در سنگ‌ها نشانه بهره برداری متوفی از ثواب و اعمال متأخر می‌باشد. هم‌چنین ابزار حجاری شده بر سطح سنگ نشان دهنده شغل و شهرت متوفی بوده است.

سنگ نوشته‌ها

کاربرد خط مهم‌ترین وسیله انتقال شناسنامه اخلاف به آیندگان است. در این معیار نیز شخصیت متوفی، مهارت و ظرافت حجّار سهم به‌سزایی داشته است.

با مقایسه خطوط سنگ‌قبور تکیه ابوالمعالی کلباسی با تکیه آغاباشی که هر دو در یک دوره تاریخی برپا گشته‌اند می‌توان به این نتیجه رسید که سنگ‌قبور مشاهیر و علمای مذهبی با خطوط ثلث، نستعلیق و نسخ حکاکی شده است.

نوع حجاری خطوط، در این مورد نیز حائز اهمیت است. تا اواخر دوران قاجاری خطوط به صورت برجسته بر روی سنگ‌ها حکاکی شده است. در درجه بعد کاربرد استفاده از خط نستعلیق است که گاه برای مشاهیر، به ویژه ادبا و بزرگان اجتماعی به کار می‌رفت. کاربرد این نوع خط، به صورت برجسته بر روی سنگ‌ها حک شده است. دیگر قبور نیز به صورت کلی به خط نستعلیق با توجه به میزان مهارت حجّار به صورت دسته‌بندی حکاکی شده و در مواردی حجّار اصلاً مهارتی از خود به نمایش نگذاشته است.

معماری

مشخصه بارز معماری تکیه میرزا ابوالمعالی آن است که در ساخت آن ارتباط محکمی میان مفاهیم مذهبی و عناصر معماری دیده شده است و به همین سبب این

بنا را در زمره ابنیه مذهبی نمادین قرار داده است، به این معنا با قرار گرفتن مشاهیر و بزرگان در بقعه وسط تکیه، در اطراف هم بناهای دیگری ایجاد می شود و همگی حول یک محور یعنی بزرگترین فرد مدفون در تکیه قرار گرفته و در نهایت آن را به صورت یک مکان مقدس درآورده است. (۱)

بقعه

بقعه ی تکیه میرزا ابوالمعالی هشت ضلعی است و طرز ساخت آن بدین صورت است که نیم طاق های پایه هشت گوش گنبد و رئوس آن مماس با نقطه میان اضلاع هشت گانه است که برای جلوگیری از آویزان شدن زوایا در داخل هشت گوش، آن را به اضلاع بیشتر تقسیم کرده و علاوه بر ایجاد پایه گنبد، پیش آمدگی گوشه و زوایا را به حداقل رسانیده است. هرچه عمل تکثیر اضلاع بیشتر می شود به محیط دایره نزدیک تر می شویم و محیط را به حدی می رساند که گنبد در نظر اول دایره به نظر می رسد. لذا هرچه از پائین به طرف بالا می رود پره های هشت گانه دوزنقه ها یا فیل پوش هایی را به وجود می آورد که از به هم پیوستن آنها با یکدیگر پایه گنبد مدور ایجاد می شود.

روش غالب در سبک معماری تکیه به تاسی از معماری قاجاریه کاربندی آجری و استفاده از روش رسمی بندی در بنای هشت ضلعی بقعه به منظور سهولت و زیبایی خاص بنا می باشد.

در این عمل کاربرد اشکال هندسی و ایجاد انعطاف در بقعه و شکسته بندی در جوانب مختلف به وضوح دیده می شود.

ص: ۲۳

۱- روبرت هیلن براند، مقاله مقابر، معماری ایران در دوره اسلامی، گردآورنده یوسف کیانی: ۸۱ - ۵۸.

استفاده از اشکالی چون شمسه برای انتقال حجم گنبد به کنده ها و جلوگیری از ایجاد ارتفاع در سقف، زیبایی خاصی به گنبد داده است. چنان که کاربرد تویزه برای پر کردن شیارهایی است که در نتیجه استفاده از شمسه به وجود آمده است در جوانب گوناگون به چشم می خورد. اشکال دیگر مثل پاباریک، ترنج و فیل پوش در جهت تکمیل عظمت و زیبایی معماری بقعه به کار رفته است. تزئینات داخل و خارج تماماً آجر با نقوش گوناگون است.

«قوس» رایج ترین شکلی است که در بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی دیده می شود و در اشکال متفاوت مدور و تیز (۱) تزئین گردیده است. کاربرد نیم طاق، کاسه بندی، طاقچه و درگاه، اطاق نما، در و پنجره، در بنای بقعه به کار رفته است.

طاق نما نیز مانند قوس، پایه گنبد را از فضای بالا جدا می کند و در مورد بنای آرامگاهی کاربرد زیادی دارد. دهانه نیم طاق ها و درگاه ها و طاق نماها با آجر و پنجره آجری به صورت مشبک گرفته شده است و در چهار گوشه نیم طاق ها چهار درگاه قرار دارد که سه عدد آن با آجر و صابونک های کاشی گرفته شده است و یکی از درگاه ها درب ورودی است و مهم ترین فایده آن عدم استفاده زیاد از مصالح و ایجاد دیوار ضخیم است. نقول های به کار رفته در بقعه به منظور قرار دادن پنجره یا قاب مشبک بوده است که در اشکال مختلف ساخته شده است و جمعاً چهار نقول با ابعاد $۷۵/۳ * ۰۵/۱$ متر است و دهنه های داخلی آن $۹۰ * ۴۹$ یا $۴۷ * ۲۴۵$ سانتی متر و دهنه ی خارجی آن $۹۵ * ۱۰۱$ سانتی متر است.

بقعه به صورت بسیار زیبایی بنا شده که گنبد روی آن، این زیبایی را دوچندان می سازد. کف داخلی بقعه $۵۵/۸ * ۶۵/۸$ سانتی متر و ارتفاع آن از کف تالاب بام بدون

ص: ۲۴

احتساب ابعاد گنبد ۵ متر می باشد.

گنبد بقعه تکیه میرزا ابوالمعالی یک پوش به شکل عرق چین است که در معماری ایران در قرون نخستین اسلامی بسیار رواج داشته است. گنبد از داخل بر روی ۱۲ لوزی و ۱۲ پاباریک قرار دارد و بار گنبد را ۴ نیم طاق تحمل می کند. مهم ترین عواملی که سبب ساخت این گونه گنبد در بنا می شود عبارتند از: ممانعت از نفوذ رطوبت در سقف و حجیم نشان دادن گنبد و نیز کاهش ثقل و سنگینی. پوشش داخلی گنبد آجری است که روی نیم طاق، قوس ها، ستون ها و اشکال هندسی واقع شده است در حالی که همین خطوط یا نموده های تزئینی در قسمت بیرونی گنبد به چشم نمی خورد. (۱)

در قسمت بیرونی بقعه، محل اتصال اضلاع هشت گانه به یکدیگر شیارهایی ایجاد شده که معمار با استفاده از آجر و ایجاد فرورفتگی و برجستگی در آن نقوش تزئینی به وجود آورده است. در برخی زوایا دو دوزنقه به کار رفته که فرو رفته است و ناودان هایی برای هدایت آب باران از گنبد به سطح زمین و جلوگیری از تخریب گنبد به چشم می خورد. ارتفاع گنبد از سطح بام حدود سه متر و محیط آن ۵/۲۲ سانتی متر است.

توجه به قرار گرفتن بقعه و معماری غنی، زیبا و پر رمز و راز آن و استفاده از اشکال، فرم ها و رنگ های زیبا و متناسب با آن، جذابیت ویژه ای در تکیه ایجاد کرده است و آن را به عنوان یکی از ابنیه مذهبی ارزشمند قرار داده است.

بنای تکیه مربوط به دوران قاجاری است و بقعه در وسط تکیه و اطاق ها در اطراف قرار داشته است. قرار گرفتن بقعه در وسط توجه افراد را پس از ورود به تکیه به مرکز

ص: ۲۵

آن جلب می کند.

مهم ترین مصالحی که در ساخت بقعه به کار رفته آجرهای مربعی ۲۰ سانتی متری است. تنوع این نوع آجر در ابعاد گوناگون آن در بناهای دوران قاجاری به ویژه قابل توجه است. صابونک های کاشی در انواع رنگ های متنوع در قسمت های گوناگون بنا به کار رفته است. استفاده از آجر در بنای بقعه علاوه بر غنی و باشکوه بودن بنا باعث استحکام آن نیز گردیده است که همراه با کاربرد خطوط و اشکال مستقل نوعی حس حرکت و استحکام را در بنا ایجاد کرده است. این امر با روی هم چیدن متفاوت آجرهای کوتاه و بلند که به وفور در بقعه دیده می شود، بنا را خارق العاده می کند و می تواند به عنوان نقوش تزئینی مورد توجه قرار گیرد.^(۱)

از شیوه های کاربرد آجر در تکیه ابوالمعالی استفاده از روش قواره بندی است که با استفاده از قطعات منحنی و مستقیم آجر در طرح های مختلف نقوش ایجاد می شود. نماسازی بنا با این روش و ایجاد حجم برجسته، سبب استحکام بنا و ایجاد نقوش می شود و کاربرد مصالح دیگر را در بنا غیر ضروری می سازد. به این ترتیب می توان گفت تزئینات داخل و خارج تماماً آجر با نقوش گوناگون است. سردر ورودی تکیه، بالای نیم طاق ها و قوس های کوچک و کف بقعه با کاشی به رنگ فیروزه ای تزئین و با صابونک های کاشی تزئین شده است.

آنچه در ارتباط درون بقعه با صحن تکیه بیشتر جلب توجه می کند کاربرد پنجره های مشبک در گوشه های مختلف است. پنجره های مشبک نیم طاق های سه گانه و از جنس آهن است. به طوری که دهانه نیم طاق ها با آجر و پنجره آجری به صورت مشبک گرفته شده و در چهار گوشه نیم طاق ها چهار درگاه قرار دارد که یکی

ص: ۲۶

۱- محمدیوسف کیانی، تزئینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی: ۵۱.

از این درگاه ها درب ورودی است. وجود پنجره های مشبک سبب تهویه هوا، ایجاد محیط معنوی و تعدیل رطوبت و نور داخل بقعه شده است.

اطاق های اطراف تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی به مرور زمان تخریب شده و در حال حاضر مجموعه فرهنگی، مذهبی تخت فولاد صحن تکیه را بازسازی و مرمت کرده است.

مهم ترین عامل مؤثر در تخریب بقعه، رطوبت است که باعث وارد آمدن خسارات جدی به قسمت های مختلف بقعه از جمله خالی شدن بند آجرها از بدنه خارجی بقعه و تخریب مشبک های آجری بالای نیم طاق ها و عناصر زیرین آن شده است.

حوض

از قدیم مرسوم بوده است که بر روی سنگ قبر متوفی، آب، که نشانه ی حیات جاودانه است، می پاشیدند. از این رو در بسیاری از بقاع و تکایای موجود در تخت فولاد، حوض هایی نیز تعبیه و ساخته می شده است. در جنوب بقعه ابوالمعالی حوضی از جنس سنگ آهکی خاکستری با پوشش آبی آسمانی در ابعاد ۳۷ * ۹۵ * ۱۳۵ سانتی متر دیده می شود که در حال حاضر به شبکه آبرسانی متصل و جهت وضو، شستشوی سنگ قبور و سیراب کردن درختچه های صحن تکیه مورد استفاده قرار می گیرد.

بازسازی تکیه

گفتنی است که در سال ۱۳۷۸ شمسی، تکیه ی میرزا ابوالمعالی، مرمت و بازسازی گردید و توسط مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد، کار محوطه سازی صحن و

بدنه سازی دیواره های تکیه، انجام شد.

تکیه ی میرزا ابوالمعالی به ویژه مزار حضرتش، مورد توجه عموم زائرین تخت فولاد و محلّ برآمدن حاجات و کفایت مهمات مؤمنین و مؤمنات است. از دیگر اقدامات این مجموعه مرمت بقعه و تسطیح و منظم کردن سنگ قبور و ثبت و شماره گذاری بر روی نقشه، تأمین روشنایی و نصب یک پروژکتور روشنایی در صحن تکیه و خلع ید متصرفان و ایجاد حفاظهای آهنی در صحن تکیه و بقعه و دیوار جنوبی و تسطیح زمین و سنگ فرش نمودن آن با ریگ و ایجاد پوشش گیاهی در قسمت های مختلف بوده که هزینه ای بالغ بر ۳۰۰ میلیون ریال را دربر داشته است. در همین راستا پروژه ای در مورد معماری تکیه به سال ۱۳۷۹ و به همت مجموعه تخت فولاد شهردای اصفهان آغاز و انجام یافت.

هم اکنون پوشش گیاهی تکیه را درختچه های خرزهره، شمشاد و برخی درختچه های دیگر تشکیل می دهد. سنگ قبور در دو ردیف و به صورت دایره ای تنظیم، تسطیح و محوطه سازی شده و در ورودی تکیه به صورت بسیار زیبا به کوچه لسان الارض نصب شده است. دیواره ها با کاه گل سرخ پوشش شده است. در دیوارها نمادهایی از طاق نما و فرورفتگی های تزئینی به کار رفته است. راه ورودی با قالب های سیمانی تعمیر و دو پلکان راه ورود به صحن تکیه را ممکن می سازد.

ص: ۲۸

فصل دوّم: ميرزا ابوالمعالي كلباسي «ره»

اشاره

ص: ۳۰

نام، لقب و کنیه

نام شریفش محمّد، ملقب به باقر و مُکنی به ابوالمعالی است. وی بیشتر به کنیه اش مشهور است و در واقع، کنیه بر اسم غلبه یافته، به گونه ای که نام اصلی (محمّد) در منابع و در میان نویسندگان، متروک گردیده است. (۱) البتّه از آن جایی که یکی از برادران میرزا ابوالمعالی نیز نامش «محمّد» بوده، اشتهاً وی به ابوالمعالی، موجب برطرف شدن هرگونه خلط یا اشتباه خواهد شد.

تولد، والدین و خاندان

میرزا ابوالمعالی، طبق دست نوشته ی پدر گرامی اش حاجی کرباسی، تقریباً یک ساعت پیش از طلوع صبح چهارشنبه هفتم ماه شعبان سال هزار و دویست و چهل و هفت قمری برابر با هزار و دویست و ده شمسی دیده به جهان گشود. (۲)

میرزا ابوالمعالی فرزند یکی از علمای بزرگ جهان تشیع، فقیه و اصولی نامدار قرن سیزدهم هجری علّامه ی مجتهد زاهد مرحوم آیت الله حاجی محمّد ابراهیم

ص: ۳۲

۱- تاریخ و جغرافیای گناباد: ۱۹۵؛ حاجی کرباسی و اولادش: ۹۸

۲- البدرالتمام: ۲۰؛ تاریخ و جغرافیای گناباد: ۱۹۶ - ۱۹۵

کرباسی - مشهور به کلباسی - (۱۱۸۰ - ۱۲۶۱ ق) و نواده ی عالم عارف زاهد مرحوم آیت الله حاج محمد حسن خراسانی کرباسی (متوفی ۱۱۹۰ ق) است. (۱)

مادر میرزا ابوالمعالی، همسر دوم حاجی کرباسی، یعنی خواهر زوجه ی علامه میر سید محمد شهبهانی بوده است. مرحوم شهبهانی، علاوه بر اینکه از شاگردان حاجی کرباسی بوده، باجناب حاجی و شوهر خاله ی میرزا ابوالمعالی هم بوده است. (۲)

از نام مادر ابوالمعالی، اطلاعی در دست نیست اما همین اندازه می دانیم که همسر علامه ی شهبهانی خواهر میرزا عبدالخالق نائینی (۱۲۴۲ - ۱۳۰۴ ق) بوده (۳) پدر و عبدالخالق یعنی میرزا حبیب الله از احفاد حاج میرزا محمد جعفر مصاحبی نائینی، و مادرش دختر حاج میرزا احمد مصاحبی بوده است. (۴) بدین ترتیب اگر علامه ی شهبهانی صاحب همین یک همسر بوده باشد و یا در هر حال، مادر ابوالمعالی، خواهر همین همسر علامه شهبهانی باشد، می توان گفت که مادر میرزا ابوالمعالی، یکی از خواهران میرزا عبدالخالق و دختران میرزا حبیب الله نائینی به شمار می رود. با فرض درستی انتساب مذکور، حاجی کرباسی و آقا میر سید محمد شهبهانی، شوهر عمه های عبرت نائینی، و مرحوم ابوالمعالی نیز پسر عمه ی او بوده اند.

حاجی کرباسی چنان که نواده اش در بدرالتمام آورده پنج پسر از یک زن و یک

ص: ۳۳

۱- شرح احوال پدر و جد بزرگوار میرزا ابوالمعالی، در کتب تراجم و نیز به تفصیل در چندین کتاب و رساله ی مستقل آمده است. بنگرید به خاندان کلباسی، کتاب شناسی آخر کتاب.

۲- البدرالتمام: ۲۰

۳- مکارم الآثار ۷: ۲۶۹۲ و ۸: ۲۸۴۰.

۴- همان ۷: ۲۶۹۲

پسر و دو دختر از زن دیگری داشته که در مجموع، شش پسر و دو دختر می شوند. (۱) اما از برخی احفاد دیگر مرحوم حاجی نقل شده است که معظم له، هفت پسر و سه دختر داشته که یک پسر در همان زمان پدر از دنیا رفته و بدین ترتیب اولاد مرحوم حاجی در مجموع ده نفر بوده اند. (۲)

پنج برادر میرزا ابوالمعالی که از همسر اول پدر او بوده اند به ترتیب عبارتند از: آقا محمد مهدی، حاج آقا محمد، شیخ محمد جعفر، حاج محمد رضا و آقا نورالله. (۳) مرحوم ابوالمعالی نیز که کوچکترین اولاد پدر بوده همراه با دو دختر، از همسر دوم حاجی بوده اند. (۴)

برادران ابوالمعالی، همگی از مراجع عظام و فقهای کرام اصفهان، و بیشتر آنان صاحب رسایل عملیه و آثار و تألیفات متعدد در علوم و معارف اسلامی و نیز برخوردار از مناصب امامت جماعت و تدریس و دیگر شئون اجتماعی و سیاسی، بوده اند. (۵) از سوی دیگر، همسران خواهران ابوالمعالی، حضرات آیات: میرزا محمد خلیل سدهی، حاجی میرزا عبدالجواد نوری و حاجی میرزا محمد کاظم لاهیجی، از علما و

ص: ۳۴

۱- البدرالتمام: ۱۷

۲- این قول از مرحوم آقا سید ابوالحسن کتابی - نوه ی دختری مرحوم حاج میرزا محمود بن حاج محمد مهدی بن حاجی کرباسی - نقل شده است. بنگرید به: تاریخ و جغرافیای گناباد: ۱۹۳

۳- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ص ۳۰؛ طبق قول دیگری، آقا نورالله فرزند چهارم و حاج محمد رضا پسر پنجم بوده است. (التذکره العظیمیه: ۳۹)

۴- بدرالتمام: ۱۷ و ۲۰

۵- بنگرید به: خاندان کلباسی، مقصد دوم، فصل اول تا ششم

فقهای اصفهان و دارای مناصب دینی و سیاسی و صاحب تألیفات علمی بوده اند.^(۱) شوهر عمه ی ابوالمعالی یعنی عالم کامل و فقیه عارف مرحوم ملّا محمّد معروف به فاضل نائینی نیز از بزرگان علمای اصفهان و مورد وثوق خواص به شمار می رفته است.^(۲)

بدین ترتیب میرزا ابوالمعالی، میراثی ارزشمند از خاندانی چنین شایسته و برجسته است که از سوی پدر و مادر به سلسله ای از علما و بزرگان شیعه می پیوندد، به گونه ای که کمتر می توان در میان خانواده های علمی، نظیری برای آن یافت. با این حال او به فضل پدران و برادران و خاندان، بسنده نکرد، بلکه مشکلات و سختی هایی در پیش روی او قرار گرفت که جز با همت عالی و پشتکار قوی و مدد خدایی، نمی توانست به چنان مقام والایی در علم و زهد و اخلاق نایل گردد.

دوران کودکی و نوجوانی

محمّد که به حق، ملقب به ابوالمعالی شده بود، زیر سایه ی پرمهر پدر و مادر، دوران خوش کودکی را می گذراند، اما دیری نپایید که دست تقدیر، سرنوشت او را گونه ای دیگر رقم زد. او هنوز چهارده بهار بیشتر نداشت که پدر بزرگوارش حاجی کرباسی را در هشتم جمادی الاولی سال ۱۲۶۱ ق. از دست داد و از آن جا که پدر نگران حال و آینده ی فرزند عزیزش ابوالمعالی بود، در روزها و لحظات پیش از فوت، نوجوان خردسال خود را به خدا سپرد و سرنوشت و امور او را به سرنوشت ساز عالم

ص: ۳۵

۱- علاوه بر خاندان کلباسی (۱۴۳ - ۱۴۴) بنگرید به: جغرافیای اصفهان: ۶۸.

۲- بنگرید به: جلال الدین همایی، تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر: ۳۲۴ و ۳۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۷۵؛ خاندان کلباسی: ۹۱

ابوالمعالی که به هنگام فوت پدر، نوجوانی بیش نبود به شدت اندوهگین گردید؛ خلاء از دست دادن بزرگ مردی که علاوه بر پدری، می توانست بهترین مربی اخلاق و استاد علم و فضیلت او به شمار رود، برایش حادثه ای جبران ناپذیر و غمی جانکاه بود.

وی در این دوران، صدمات بسیاری دید و پس از فوت پدر، با فقر و تنگدستی و سختی های بسیاری، دست و پنجه نرم می کرد. ابوالمعالی، خود فرموده است که به قدری سختی و ناملايمات به من روی آورد که اگر به سنگ وارد می آمد، آن را آب می کرد و اگر به دریاها برخورد می نمود، آن ها را از جریان می انداخت. (۲) میرزا ابوالمعالی در پایان کتاب بشارات الاصول با اشاره به احوال میرزای قمی - استاد و شیخ پدرش حاجی کرباسی - و بیان ابتلای او به فقر، می نویسد که آن مرحوم فقط مبتلا به فقر بود ولی من، علاوه بر آن، گرفتار سختی های کمرشکن و شداید غیر قابل وصفی بودم. (۳) فقر به گونه ای بر او چیره گشت که شش ماه از سال را روزه گرفت، تا به این آیه ی شریفه: «واستعينوا بالصبر و الصلوه» (۴) عمل کرده و بدین ترتیب، نام خود را در فهرست صالحین ثبت نماید. آری او به دستور قرآن، که برای مقاومت در برابر مشکلات، امر به صبر یعنی روزه فرموده است، عمل می کرد. او همچنین نماز مغرب و عشا را با همان وضوی نماز صبح، با تمامی گرفتاری ها و اشتغالاتش می خواند. عبارات ابوالمعالی در پایان شرح زیارت عاشورا، نشان دهنده ی شدت ابتلا

ص: ۳۶

۱- البدرالتمام: ۲۵

۲- همان: ۲۰.

۳- بشارات الاصول (مخطوط): خاتمه

۴- سوره بقره، آیه ۴۵

و عمق ناراحتی های اوست: «... در این دار بلا و آزمایش... به گونه ای صبر پیشه کردم که کودک را پیر، بزرگ را فرتوت و مؤمن را هلاک می ساخت... و در حالی که در چشمم خار و در گلویم استخوان بود...» (۱).

با این که تمامی اسباب انقطاع از تحصیل برای ابوالمعالی فراهم بود، اما عزم راسخ و شوق وافر او به کسب دانش، همچون سدّی محکم در برابر موانع مذکور، نگذاشت تا خللی در اراده ی آهنین او پدید آید. او در این راه، از هر چیزی حتّی میراث و دارایی پدر نیز چشم پوشید و البتّه، خداوند نیز بر او منت گذاشت و در سال های بعد، از راه بی گمان و با اسباب خارق العاده، رزقی گسترده به او بخشید. (۲)

بشارت به آینده ی درخشان

مرحوم ابوالمعالی در پایان شرح بر زیارت عاشورا می نویسد که پس از حادثه ی جانگداز درگذشت پدر، برای اینکه ببیند امر او به کجا خواهد انجامید، به قرآن تفأل می زند و این آیه ی شریفه می آید که: «و أنا اخترتك فاستمع لما یوحی» (۳).

در همین کتاب همچنین نقل می کند که همسر پدرش (یعنی همسر نخست حاجی که غیر از مادر ابوالمعالی بوده) همزمان با تولد ابوالمعالی، در عالم رؤیا می بیند که شخصی همراه با کودکی از طرف آسمان آمد و [با اشاره به مادر طفل] گفت که این، فرزند فلانی است. (۴)

از حاجی کرباسی نیز نقل شده است که در لحظات نزدیک به تولد ابوالمعالی، فرد

ص: ۳۷

۱- شرح زیارت عاشورا، خاتمه: ۱۲۴

۲- البدرالتمام: ۲۰

۳- سوره طه، آیه ۱۳

۴- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۵

موثقی خواب می بیند که شخصی همراه با طفلی نزد حاجی می آید و حاجی در حال شیر دادن به اوست. حاجی در تعبیر این خواب می فرماید که به زودی کودکی از او به دنیا می آید و زحمات او را متحمل می گردد. (۱)

ابوالمعالی نقل می کند که همسر او نیز پیش از ازدواج، در خواب دیده بود که ماه از جای خود کنده شد و به سوی او متوجه گشت. (۲)

توفیق الهی در رشد و شکوفایی ابوالمعالی

ابوالمعالی در آثار متعدد خود، لطف و مدد الهی را عامل اساسی پیشرفت علمی و کمالات معنوی اش دانسته است. وی، توفیق در تحصیل و صبر بر سختی ها و تحمل شداید را بدون عنایات پروردگار، امری مُحال دانسته و به داستان واگذاری امور خود توسط پدرش به خداوند سبحان اشاره می کند. حاجی کرباسی «ره» به هنگام نوشتن تاریخ تولد فرزندش ابوالمعالی، کار او را به خدای بزرگ سپرده و نیز از خدا درخواست نمود که فرزندش در خدمت شریعت مطهر قرار گیرد، آن چنان که برای علمای پیش از او تحقق نیافته باشد. (۳)

البته، این مقتضای کتاب و سنت شریف است که اعمال صالح والدین، موجب عنایات پروردگار به فرزندانشان می گردد؛ همان گونه که در قرآن کریم، داستان عبد صالح (که احتمالاً همان خضر نبی علیه السلام است) و تعمیر دیوار مربوط به دو غلام یتیم، بر آن دلالت دارد. در واقع درستکاری پدر، سبب اصلاح دیوار توسط عبد صالح بود تا

ص: ۳۸

۱- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۵

۲- همان

۳- رساله الاستخاره: ۱۱۴

اینکه به اراده ی خداوند سبحان، دو غلام مزبور، به هنگام رسیدن به حدّ رشد و بلوغ، بتوانند از گنج نهفته در زیر آن استفاده ببرند. این در حالی است که بنا بر برخی روایات، فاصله ی زمانی میان دو غلام و پدر صالحشان، سالیان بسیار بوده است، چنانکه در برخی روایات آمده که خداوند سبحان به خاطر درستکاری و صلاح یک مؤمن، حال فرزندان او و فرزندان فرزندان او و اهل خانه و نیز اهالی خانه های اطرافش، همگی را اصلاح می فرماید. (۱)

مرحوم ابوالمعالی، آن گونه که خود نوشته، نه تنها اسباب و شرایط تحصیل را فاقد بوده بلکه موانع بسیاری نیز بر سر راهش قرار داشته است که جز با توفیق و عنایت الهی، هیچ پیشرفتی برایش میسر نبوده است. ایشان، ترقی و پیشرفت پدر بزرگوارش را نیز در همین راستا دانسته و اشاره می کند که پدر پدرش یعنی عالم عارف زاهد مرحوم حاج محمد حسن خراسانی کرباسی نیز در هنگام بیماری فوت، دست به دامان رحمت گسترده ی خدایی شده و کار فرزندش محمد ابراهیم را به پروردگار عالم می سپارد. حاجی کرباسی، تمامی مقامات علمی و درجات معنوی و عزّت و اعتبار خود را مرهون همین واگذاری امر او توسط پدرش به خدای سبحان دانسته و به برخی خواص می فرمود که: آنچه برای او حاصل شده، در اثر اعمال صالحه ای است که پدرش انجام می داده است. (۲)

گفتاری از ابوالمعالی در شرح احوال خود و پدر گرامی

در این جا برای مزید فایده، بخشی از رساله ی فارسی میرزا ابوالمعالی، که در آن به

ص: ۳۹

۱- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۵

۲- رساله الاستخاره: ۱۱۴ - ۱۱۵

احوال خود و پدر و جدّ بزرگوارش اشاره کرده، را برای نخستین بار در این مجموعه به خوانندگان گرامی تقدیم می‌نمائیم:

«... و از عجایب امور، کثرت سرعت اجابت نفرین والد ماجد «اعلی الله تعالی فی دارالخلد مقامه» بود که چنین سرعت اجابتی، خصوصاً با کثرت این سرعت، از احدی در شریعت مطهره بلکه سایر شرایع، مذکور نیست. برخی نقل کرده اند که سرعت دعا در شبی، از سرکار ایشان به نحوی شده بود که بعضی گفته بودند که سرکار ایشان به علم نجوم و احکام کواکب از نظرات کواکب اطلاع دارند؛ و بر حسب زمان مناظره سرکار ایشان به دعاء بارش تشریف می‌برند و به طریق معتبر نقل شده آن که سرکار ایشان در حق شخصی روزی بعدازظهر به اصرار و اکتار، نفرین فرمودند، بعضی معاریف پای منبر گفت با هر که بود کار او را ساخت، آن شخص در جایی که به جهت خوابیدن ظهر رفته بود دیگر از آن جا بیرون نیامده. بعضی از اجله علما «رفع الله تعالی مقامه» با سرکار ایشان صحبت می‌داشته اند در این باب می‌فرموده اند که اعتقاد من این است که مقارن نفرین نمودن شما، زهوق روح از بدن این شخص شده... و بالجمله ترویجی که سرکار ایشان به شریعت مقدسه فرموده اند بلا اشکال از احدی از علماء سابقین و لاحقین «رضوان الله تعالی علیهم» به ظهور نرسیده... و عنایات بالغه خداوند جلیل جلت عظمته بعد از حسن فطرت و تقوای خود سرکار ایشان به واسطه اعمال صالحه والدین سرکار ایشان بوده.

والد سرکار ایشان از اهل علم بوده، بعضی نقل نمودند که میرزای قمی مرحوم به ایشان مرقوم فرموده بودند مجتهدالزمان، و معدلک مشغول به عملگی می‌شده اند به جهت بعض مدارس، و والده سرکار ایشان در مطبخ نماز قضا می‌نموده اند با اینکه طبیح احتیاج به اشتغال نداشته، و از ثمرات اعمال صالحه سرکار ایشان، توفیقی بود که خداوند لیل و نهار به این ذره بی مقدار در این روزگار تباه، عنایت فرموده با انقطاع

اسباب تحصیل از تمام جهات از شدت متاعب تحصیل، سه دفعه مبتلا به ناخوشی شدم. حال که دفعه سوم می باشد، چند سال می باشد که مبتلا می باشم، دویست و پنجاه هزار بیت متجاوز نوشته ام به اعماق نظر که از هفتصد هزار بیت متجاوز، استخراج شد: «الهی ان لم تبتدنی الرحمه منک بحسن التوفیق فمن السالک لی الیک فی واضح الطريق». زمان وفات ایشان حقیر به حد بلوغ نرسیده بودم. در باب سخن حضرت خضر که خداوند اعلی حکایت می فرماید در فقره اصلاح نمودن دیوارش [که مشرف بر انهدام شده بود که فرمود این دیوار مال دو یتیمی می باشد که زیر آن ها گنجی بود متعلق به آن ها و پدر آن ها فرد صالحی بود، خواستم دیوار را اصلاح نمایم تا آنکه دو طفل به حد بلوغ برسند و گنج را بیرون آورند. بعضی ذکر نموده اند که فاصله میان این دو یتیم و پدر صالح، هفت طبقه بوده و در بعضی اخبار وارد است که خداوند علی اعلی به صلاح مؤمن، اصلاح می فرماید حال اولاد او را و همچنین حال اولاد اولاد او را و حال اهل خانه او را و حال اهل خانه هایی که در حوالی او می باشد. مضافاً آن که در مقام انقطاع به درگاه خداوند عزیز متعال در مقام ذکر تاریخ تولد حقیر مرقوم فرموده اند: «و اودعته عندالله سبحانه فانه لم یبق من عمری شیء جدّاً». یعنی من او را به خداوند عزیز متعال سپردم زیرا که به عمر من چیزی باقی نمانده است. چنانچه سرکار ایشان می فرموده اند که عنایات خداوند متعال در حق سرکار ایشان به واسطه آن بود که سرکار ایشان را والد سرکار ایشان به خداوند ارفع اعلی سپرده و همچنین عنایاتی که از خداوند عزیز مقتدر جلّت آلائه و عظمت نعمائه به این ذره بی مقدار شرف وصول یافته، محال بود که بدون قدرت الهیه خارقه عادت صورت بگیرد. «ولله الحمد ثم له الحمد بعدد ما احاط علمه الی یوم القیمه».

یکی از ویژگی های برجسته میرزا ابوالمعالی، جدیت شگفت آور او در دانش اندوزی بود. او عمر شریف خود را جز در کسب علم و تحقیق و تصنیف سپری نکرد و در این راه لحظه ای غفلت روا نداشت. در بخش ویژگی های شخصی و اوصاف اخلاقی او، نکات جالبی در این باب، خواهد آمد. هرچند که ابوالمعالی محضر استادان برجسته ای را درک نمود، اما تعداد آن ها بسیار کم بود و در واقع شخصیت و مقام والای علمی او، علاوه بر تأثر از استاد، مرهون تلاش طاقت فرسا و پشتکار فوق العاده خودش بود.

هرچند ابوالمعالی در ابتدای نوجوانی، پدرش را از دست داد، اما عالمان و اندیشمندانی به دست پدر بزرگوار او تربیت شده بودند که می توانستند تا حدودی جای خالی پدر را برای او پر نمایند. یکی از این بزرگان عالم فاضل و فقیه بارع مرحوم آقا سید محمّد باقر دهکردی بوده است. مرحوم دهکردی مدّت پانزده سال نزد حاجی کرباسی شاگردی کرد و در منزل ایشان سکونت نمود و تربیت و تعلیم فرزندان حاجی را بر عهده داشت. از جمله همین میرزا ابوالمعالی که تحصیلات مقدماتی خود را نزد او فرا گرفت. این مطلب را فقیه و مرجع نامی مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی (فرزند آقا سید محمّدباقر مذکور) که خود از شاگردان میرزا ابوالمعالی بوده، در زندگی نامه ای که به قلم خود نوشته ذکر فرموده است.^(۱)

اما دو استادی که بیشترین تأثیر را در شکل گیری شخصیت ابوالمعالی، داشته اند،

ص: ۴۲

۱- المسلسلات ۲: ۳۴؛ درباره ی تاریخ ولادت و وفات آقا سید محمد باقر دهکردی و یا احوال و آثار ایشان، اطلاعی به دست نیامد.

علامه ی میر سید محمّد شهبهانی و علامه ی میر سید حسن مدرس بوده اند؛^(۱) دو تن از بزرگان فقها و مدرّسین حوزوی اصفهان و مشاهیر علمای قرن سیزدهم هجری، که از شاگردان طراز اول حاجی نیز به شمار می رفته اند. علامه شهبهانی که شوهر خاله ی ابوالمعالی هم به شمار می رفت و منزلش نیز نزدیک خانه ی حاجی بود، در رشد و شکوفایی ابوالمعالی، نقش مهمی ایفا نمود. ابوالمعالی از دوران کودکی و نوجوانی تحت تربیت این عالم بزرگ قرار داشت و در همان ایام، کتبی مانند درّه الغریبه ی سید بحر العلوم را نیز پیش او فرا گرفت^(۲) و بعدها نیز تحصیلات عالی و دروس اجتهادی خود را نزد این فقیه و اصولی نامدار ادامه داد.

ابوالمعالی در بسیاری از آثار و رسایل اش، از این استاد خود، تعبیر به «شیخنا السید» نموده^(۳) و نکات جالب توجهی درباره ی احوال و روحیات ایشان آورده است.

استاد بزرگ دیگر میرزا ابوالمعالی، فقیه و مرجع بزرگ، مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس اصفهانی بوده است.^(۴) با این که ابوالمعالی به هنگام وفات علامه ی مدرس، بیست و پنج سال بیشتر نداشت، اما با زحمت و تلاش بسیار، قابلیت خود را نشان داد و توانست بخوبی از محضر این یگانه ی دوران، بهره کافی ببرد. عمده ی تحصیلات ابوالمعالی نزد این استاد بوده و از نظریات بکر و آرای بدیع او در فقه و اصول، استفاده ی زیادی کرده است. احوال معنوی، اوصاف ملکوتی و اخلاق نیکوی این استاد، تأثیری شگرف بر روح پاک و ضمیر صاف ابوالمعالی گذاشت، به گونه ای که

ص: ۴۳

۱- ملا عبدالکریم گزی: تذکره القبور: ۳۲ - ۳۳؛ مکارم الآثار ۴: ۱۳۰۲

۲- البدر التمام: ۲۰

۳- الرسائل الرجالیه ۱: ۲۶

۴- تذکره القبور: ۳۲ - ۳۳؛ مکارم الآثار ۴: ۱۳۰۲

همواره از او به بزرگی و عظمت یاد می نمود و فضایل و مناقبش را می ستود. (۱)

استاد به روایت شاگرد

اشاره

هرچند که نام و شرح احوال دو فقیه نامی آیات مدرّس و شهشهرانی، زینت بخش بسیاری از کتب رجالی و منابع تاریخی است و آثار تکوینی و تدوینی هردو به حوزه های علمی شیعی همواره می درخشد، اما در این جا به بیان برخی از احوال و اوصاف هردو بزرگ از زبان بزرگمردی مانند ابوالمعالی، و به خامه ی شخصیتی کم نظیر چون ابوالهدی می پردازیم.

میر سید محمد شهشهرانی (حدود ۱۲۰۰ - ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ ق)

آن گونه که میرزا ابوالهدی از پدرش میرزا ابوالمعالی نقل می کند، مرحوم شهشهرانی در حدود سی سالگی، به تحصیل علم مشغول شده است. سبب این تأخیر آن بوده است که وی پیش از پرداختن به کسب علم، به کشاورزی اشتغال داشته است. روزی میان او با شخص دیگری، نزاع رخ می دهد و با آن شخص درگیر شده و سرانجام سر او را مجروح می سازد. سید محمّد که به خاطر ترس از انتقام طرف مقابل، هراسناک بود، در حجره ی مدرسه باباقاسم پنهان می شود. چند روزی در آن جا می ماند و با دیدن درس و بحث طلاب، شوق به تحصیل علم در او شعله ور می شود. به طوری که در اثر شدت توجه و کثرت مراقبت بر تحصیل علم، به زودی درجات بالای علمی را پیموده و بر دیگر معاصران و اقران خود فائق می گردد. (۲)

ص: ۴۴

۱- البدرالتمام: ۲۱ - ۲۲

۲- البدرالتمام: ص ۲۱

یکی دیگر از شگفتی های زندگانی علامه شهشهانی، جریان نابینایی ایشان است و داستان آن از این قرار بوده است که در دوران شیرخوارگی او، شخصی برای مادرش مقداری انار تعارفی می آورد و در پی آنکه آن را در جای مناسبی بگذارد، بدون آن که متوجه باشد، پای خود را بر روی صورت سید محمد، که در خواب بوده، می گذارد و از همان ایام بوده است که وی، یک چشم را به طور کامل و بخشی از چشم دیگر را از دست می دهد. (۱) مرحوم شهشهانی همچنین در نهایت فقر و شدت تنگدستی بوده است، به گونه ای که خود برای ابوالمعالی فرموده بوده است که به هر کسبی حتی پست ترین آن، خورا مشغول ساختم، کارم به جایی رسید که دیگر نمی توانستم برای خود و عیالم گوشت تهیه کنم و بخوریم. تا آن که چهل روز می گذشت و عیالش در گوش او و او نیز در گوش عیالش اذان می گفت، همان گونه که در شریعت اسلام وارد شده است. (۲)

گفتنی است که علامه میر سید محمد شهشهانی از بزرگان فقهای امامیه و علمای علم اصول و از مراجع نامی شیعه در قرن سیزدهم هجری به شمار می رود که از محضر بزرگانی مانند: حاجی کرباسی، صاحب حاشیه و آقا سید محمد مجاهد بهره برد و خود، استاد و شیخ بسیاری از علمای بزرگ مانند: میرزای شیرازی، صاحب روضات، فاضل اردکانی، میرزا ابوالمعالی کلباسی میرزا بدیع درب امامی، شیخ هادی طهرانی و دیگران بوده است. از آثار ایشان نیز می توان به انوار الریاض، انیس المتقین، الغایه القصوی و رساله عملیه اشاره کرد. (۳)

ص: ۴۵

۱- البدرالتمام: ۲۱

۲- همان

۳- بنگرید به: روضات الجنات ۲: ۱۰۴؛ مکارم الآثار ۸: ۲۸۴۱ - ۲۸۳۶؛ مجله میراث جاویدان: ش ۱۹ و ۲۰؛ خاندان

کلباسی: ۳۰۵

وی نیز شیخ و استاد ابوالمعالی بوده و مرحوم ابوالمعالی به شدّت تحت تأثیر نظریات علمی و کمالات اخلاقی او قرار داشته است. او در کتب و رسائل خود با احترام زیاد از این استاد یاد فرموده و از او به «سیدنا» تعبیر می نماید. (۱)

اخلاق نیکو، کردار پسندیده و اوصاف ملکوتی، از دیگر ویژگی های استاد بوده که ابوالمعالی از آن ها یاد کرده است. از جمله نقل می کند علامه عادتش بر آن بوده که پیش از درس، شاگردان را موعظه و نصیحت می فرمود. روزی حاضران در مجلس درس را به خوف از مقام پروردگار فرا می خواند و یکی از شاگردان که به نصیحت استاد عمل نمود، از گریه و زاری زیاد، بینایی خود را از دست داد. (۲)

مرحوم ابوالمعالی همچنین نقل می فرماید که از دیگر سفارش های سید استاد، توصیه به اندیشیدن زیاد در مسائل و موشکافی و دقت نظر در مطالب بود و من به این وصیت استاد عمل نمودم، به گونه ای که مبتلا به ضعف قلب و تشویش خاطر، به حدی که قابل وصف نیست، شدم. (۳)

شایان ذکر است که علامه میر سید حسن مدرس اصفهانی از بزرگان فقها و مجتهدین و از مشاهیر اصولی قرن سیزدهم هجری و از مراجع بزرگ و صاحب فتوی در دارالعلم اصفهان بوده است. حُسن بیان، دقت نظر، تأسیس در فقه و اصول، ژرف اندیشی در مسائل، صاحب آرای بکر و نوآوری در علوم، جامعیت در معقول و منقول، زهد و تقوی، احتیاط در امور، اهل ذکر و مناجات های شبانه از جمله

ص: ۴۶

۱- الرسائل الرجالیه ۱: ۲۶

۲- البدرالتمام: ۲۱

۳- همان

ویژگی های علمی و عملی و ممتاز آن یگانه ی دوران به شمار می رود. از شاگردان او می توان به حضرات آیات عظام: میر سید محمد هاشم چهارسویی، میرزای شیرازی، صاحب روضات، میرزا محمدحسن نجفی، ملا- محمدباقر فشارکی، آقا محمدرضا قمشه ای، شیخ محمد طاهر دزفولی، مولی آغا خوئینی قزوینی و شیخ الشریعه اصفهانی و از آثار او نیز می توان به: جوامع الاصول، شرح مختصر النافع، رساله ی عملیه، و حواشی بر شفا و اسفار اشاره کرد.^(۱)

یادآوری:

در برخی از کتاب هایی که در سال های اخیر به چاپ رسیده، نام علمای دیگری را نیز در ردیف اساتید میرزا ابوالمعالی آورده اند که برخی اشتباه بوده و بعضی هم بدون مدرک و سند است. از جمله در کتاب علمای بزرگ شیعه در این باره آمده است: «[ابوالمعالی] در دارالعلم اصفهان از محضر پدر بزرگوارش و شیخ محمد باقر اصفهانی و مرحوم مدرّس و آیات خوانسری

برخوردار بود تا به مراتب علمی و عملی کامل گشت...»^(۲) هرچند با توجه به تصریح علامه میرزا ابوالهدی به شاگردی پدر بزرگوارش تنها نزد دو استاد نامی سید مدرّس و سید شهشهانی، توضیح دیگری لازم به نظر نمی رسد، اما در این جا می افزائیم که:

الف: میرزا ابوالمعالی هنگام فوت پدر، نوجوانی سیزده یا چهارده ساله بوده و هنوز توانایی استفاده علمی از محضر پرفیض پدرش حاجی کرباسی را نداشته است

ص: ۴۷

۱- بنگرید به گفتاری از همین نگارنده بزرگ مدرّس دارالعلم اصفهان در: مجله ی حوزه اصفهان، دفتر اول: ۸۹ - ۶۲

۲- علمای بزرگ شیعه: ۳۱۵

هرچند که از فضایل اخلاقی و اوصاف ملکوتی او بهره برده است. افزون بر اینکه معلوم نیست که مرحوم حاجی در اواخر عمر شریف خود با توجه به سن بالا و ضعف جسمانی، اصلاً تدریس می کرده است یا نه! و همانطور که پیشتر نیز گفته شد مرحوم ابوالمعالی در ایام کودکی و نوجوانی، نزد مرحوم سید محمد باقر دهکردی، مقدمات را خوانده است. از همه ی این ها گذشته، حتی اشاره ای به این مطلب [تحصیل نزد پدرش] توسط شخص ابوالمعالی یا میرزا ابوالهدی نشده است.

ب: مرحوم حاج شیخ محمد باقر اصفهانی (۱۲۳۵ - ۱۳۳۰ ق) از فقها و علمای بزرگ معاصر میرزا ابوالمعالی بوده نه استاد او.

ج: اگر منظور از آیات خوانساری، حضرات صاحب روضات و علمای چهارسویی باشند، هر دو بزرگوار همچون میرزا ابوالمعالی در طبقه ی شاگردان سید مدرّس و سید شهشانی بوده اند و جناب ابوالمعالی همزمان با آیات خوانساری، صاحب منصب تدریس در حوزه ی اصفهان بوده است.

گفتنی است که حضرات آیات: شیخ محمد باقر نجفی و میرسید محمد هاشم چهارسوقی از اساتید و مشایخ میرزا ابوالهدی - فرزند میرزا ابوالمعالی - بوده اند.

و اما نویسنده ی مقدمه ی رسائل رجالی ابوالمعالی نیز، شخصی با نام امیر محمد صادقی را از جمله اساتید میرزا ابوالمعالی معرفی کرده است (۱) که احتمالاً آن را با دیگر لقب خانوادگی علمای مدرّس اشتباه کرده است. خاندان مرحوم علامه ی مدرّس، پیش از اشتهار به «مدرّس» به «میرمحمد صادقی» معروف بوده اند (۲) و لذا

ص: ۴۸

۱- الرسائل الرجالیه ۱: ۲۱

۲- بنگرید به گفتاری از همین نگارنده در مجله ی حوزه ی اصفهان: بزرگ مدرّس دارالعلم اصفهان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۹ ش، ش ۱، ص ۶۲

حتی پس از معروفیت به «مدرس» همچنان در برخی منابع از ایشان به سید حسن میر محمد صادقی یاد شده است.

زمانه و معاصران

میرزا ابوالمعالی در نیمه ی اول قرن سیزدهم هجری یعنی در دورانی پا به عرصه ی هستی گذاشت که حوزه ی اصفهان به مرکز بزرگ تحقیق و تدریس در علوم اسلامی و معارف شیعی تبدیل شده بود و به یمن وجود دو فقیه نامی حاجی کرباسی و سید حجهالاسلام و شاگردانشان و نیز حکیم متأله آخوند ملا-علی نوری حوزه ی پرفیض اصفهان به دانشگاه جامع علوم اسلامی تبدیل شد، که در رشته های مختلف علوم، اساتید برجسته و نام آوری به تدریس و تألیف و ترویج مبانی و معارف اسلامی و احکام دینی همت می گماردند. توفیق و پیشرفت علمی این حوزه بدان جا رسید که به برکت مجلس درس استاد ابوالمعالی یعنی علامه میر سید حسن مدرس اصفهانی، طلاب و دانش پژوهان برای ادامه ی تحصیلات خود، نیازی به مهاجرت به دیگر حوزه های علمی حتی عتبات عالیات نداشته اند^(۱) و یک طبله از دروس مقدماتی و سطح تا مراتب خارج و تحقیقی و در نهایت نیل به درجه ی اجتهاد، را تماماً در دارالعلم اصفهان پشت سر می گذاشته است.

میرزا ابوالمعالی از تربیت شدگان این حوزه و خود از بزرگان فقهی اصولی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری به شمار می رود. هم زمان با معظم له، بسیاری از فقها و حکمای برجسته در اصفهان بسر می بردند که از حوزه های پررونقی در تدریس علوم اسلامی و نیز آثار و تألیفات گرانبهایی برخوردار بوده اند.

ص: ۴۹

از میان علمای بزرگ معاصر میرزا ابوالمعالی می توان به برخی از مشاهیر آنان اشاره کرد که از آن جمله اند حضرات آیات عظام: میرزا سید محمد هاشم چهارسویی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ق)، صاحب روضات (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳ ق)، میرزا محمد حسن نجفی (۱۲۳۷ - ۱۳۱۷ ق)، ملا-محمدباقر فشارکی (متوفی ۱۳۱۴ ق)، ملا-اسماعیل حکیم درب کوشکی (متوفی ۱۳۰۴ ق)، جهانگیر خان قشقایی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۸ ق)، شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی (۱۲۳۵ - ۱۳۰۱ ق)، حاج شیخ مرتضی ریزی لنجانی (متوفی ۱۳۲۹ ق)، آخوند کاشی (حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۳۳ ق) و میر سید محمدتقی مدرس اصفهانی (۱۲۷۳ - ۱۳۳۳ ق).

همچنین گفتنی است که دوران زندگی مرحوم ابوالمعالی همزمان با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده و تنها دو سال آخر عمر ابوالمعالی، یعنی سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ ق، مصادف با روی کار آمدن و سلطنت مظفرالدین شاه قاجار بوده است.

از آن جا که میرزا ابوالمعالی همواره در سکوت و خلوت خود بسر می برده و تمام توجهش مصروف تدریس و مباحثه و اهتمام به تألیف و تحقیق و مطالعه و نیز عبادت و فکر و ذکر بوده است، از برخورد و مجالست او با علما و اُمرا و یا تبادل افکار و آرا میان او و بزرگان، آگاهی چندانی در دست نیست.

احوال معنوی و فضایل اخلاقی

میرزا ابوالمعالی، همچون پدرش حاجی کرباسی و نیز دو استاد بزرگوارش سید مدرّس و سید شهشاهی، علاوه بر مقام بلندی که در علوم اسلامی و تدریس و تألیف در این معارف داشت، از جایگاه ویژه ای نیز در اخلاق و زهد و تقوی برخوردار و در فضایل انسانی و مکارم اخلاقی، مدارج بالایی را پیموده بود. تمامی نویسندگانی که به شرح زندگانی و بیان احوال او پرداخته اند، او را شخصیتی کم نظیر در علم و عمل

دانسته و دقت نظر، حسن تحریر، اندیشه‌ی عمیق، احتیاط در امور، ورع و پرهیزکاری، حُسن خلق، إعراض از دنیا و دیگر ویژگی‌های برجسته‌ی او را ستوده و حکایاتی شگفت‌انگیز از او آورده‌اند.

زهد و روی گردانی از دنیا

ابوالمعالی از لذات دنیوی، اعم از جاه و مقام یا خوردنی و پوشیدنی، گریزان بود. از جمله حالات او آن بود که دوست می‌داشت بر روی زمین بنشیند و از نشستن در غیر جاهای پست، دوری می‌نمود؛ به گونه‌ای که این حالت را در روزهای آخر مرض فوتش نیز داشت. یک روز که به روی زمین تکیه کرده و سرش را روی زمین گذاشته بود، از او خواستند که برخاسته و جایش را تغییر دهد، او این شعر را خواند:

من لم يطأ التراب برجله

وَطَأَ التُّرَابَ بِصَفْحَةِ الْاِحْدِ

و اطرافیان که عزم راسخ او را دیدند، از اصرار خود صرف نظر نمودند.

همچنین، از معاشرت با اهل دیوان و امرای دولتی، اجتناب می‌ورزید مگر به هنگام ضرورت؛ و این طریقه‌ی او برای همگان مشهود بود. (۱)

ادعیه و راز و نیاز

ابوالمعالی، به خواندن دعا، به ویژه در شب‌های جمعه و آن‌هم با جلوس بر روی زمین، بسیار مقید بود. نقل می‌کنند که شخصی از جناب ابوالمعالی درخواست نمود تا هنگام تحویل سال، در خدمت ایشان باشد. ابوالمعالی پذیرفت و از آن‌جا که به خواندن دعا در هنگام تحویل سال و با حالت نشسته بر روی زمین مقید بود، او را نیز

ص: ۵۱

به این کار، دعوت نمود. (۱) هرچند که بین مردم، معمول است که به هنگام راز و نیاز با معبود بی نیاز بر روی فرش می نشینند، اما به عقیده ی مرحوم ابوالمعالی، مناسب مقام تضرع به درگاه ربّ الارباب و تواضع در برابر او، ایجاب می کند که بر روی زمین بنشینند، همانطور که سیره ی برخی از بزرگان چنین بوده است. (۲)

میرزا ابوالهدی پس از ذکر مطلب فوق از قول پدرش ابوالمعالی، همه و بویژه اهل علم را به پیروی از سلوک معظم له در نحوه ی دعا و راز و نیاز، توصیه می نماید.

مرحوم ابوالمعالی، در مقام عبادت و تضرع و مناجات، یگانه ی دهر بوده و در این باره، حکایاتی شگفت آور از او آورده اند. از جمله فردی که در منزل ابوالمعالی بسر می برده نقل می کند که شب هنگام، صدایی به گوشم خورد که مانند آن را در تمام مدت عمر نشنیده بودم. به دنبال صدا رفتم و دیدم که میرزا ابوالمعالی بر خاک و روی زمین ایستاده و ترسان از روز قیامت، به تضرع و ابتهال در درگاه حق و گریه و زاری شدیدی مشغول است. (۳)

گویند به هنگام نماز، عیال و فرزندان را از محل عبادت به جای دیگری انتقال می داد که حواسش به ارتباط با خدا باشد. (۴)

تأکید بر انجام تعقیبات و مستحبات نماز

ابوالمعالی، اهل تعقیبات پس از نماز و مقید به انجام مستحبات در نمازها بود. ایشان معمولاً میان اذان و اقامه، فاصله می انداخت و در سجده با صدای بلند به درگاه

ص: ۵۲

۱- همان

۲- همان

۳- البدرالتمام: ۲۵ - ۲۴

۴- سیاحت شرق: ۱۷۶

خداوند تضرع می نمود. مدت زمان تعقیبات، زیارات و سجده های پس از نماز عشاء او، گاهی

اوقات، چهار تا پنج ساعت به درازا می کشید و تعقیبات پس از نماز صبحش نیز تا دو ساعت پس از آفتاب، ادامه می یافت، بدون آنکه با کسی، مگر به ضرورت یا اضطرار، سخن بگوید. (۱)

نقل می کنند که هنگام اشتغال به تعقیبات نماز، رنگ چهره اش تغییر می کرد و مایل به سرخی می شد و امکان نداشت که سرش را از سجده بردارد و چشمانش خشک باشد. (۲)

احتراز از اموال شبهه ناک

ایشان از اموال شبهه ناک به شدت پرهیز می نمود و در خوراک و پوشاک خود، مواظبت ویژه ای داشت. به گونه ای که از استعمال اموال دولتی دوری می نمود. گویند روزی لقمه ای در دهان گذاشت و هنگامی که برایش روشن شد که از اموال شبهه ناک بوده، فوراً از دهانش بیرون آورد و فرمود: تاکنون مال شبهه ناک وارد دهانم نشده است. همچنین آورده اند که ایشان به هنگام حضور در مجلس اهل دیوان، که نوشیدن چای در آن ها مرسوم بود، با خود، قند همراه می برد تا با آب گرم میل فرماید. (۳)

احتیاط در تصرف در امور

میرزا ابوالمعالی با تأسی به پدر بزرگوارش، منتهی درجه ی احتیاط را مراعات

ص: ۵۳

۱- همان

۲- البدرالتمام: ۲۳

۳- همان: ۲۴

می نمود. از جمله نقل می کنند که ایشان، با اینکه معمولاً تصرفی در امور نمی نمود، اما روی جهاتی، ناچار به تصرف در حمامی که جدّ امجدش مرحوم حاج محمد حسن وقف فرموده بود، شد. واقف مقرر فرموده بود که مال الاجاره ی حمام، صرف روغن چراغ طلاب مدارس معینی بشود. از آن جا که در زمان ابوالمعالی، استعمال نفت متداول شده بود، برخی از طلاب، از آن مرحوم خواستند که روغن چراغ را تبدیل به نفت نماید، اما ایشان اجازه نداد، بدان جهت که مبادا بر خلاف نظر واقف عمل شود!

صاحب بدرالتمام پس از نقل این حکایت می نویسد: کسی تصور نکند که معظم له این گونه امور را در اثر جمود قریحه و کمی هوش و ذکاوت، انجام داده است. ایشان حتی در بسیاری از قواعد فقه و اصول و رجال، که مسلم میان فحول است، مانند قاعده ی جرح، اصالت صحت افعال مسلمین، لفظ ثقه، وجوب ترجیح و امثال آن، قدح و خدشه وارد کرده است. بلکه باید گفت که ایشان امور فوق را از باب شدت احتیاط و پرهیزکاری انجام می داده است. (۱)

جریان فوق، از مواردی بود که ابوالمعالی ناچار به تصرف شده بود؛ در حالی که ایشان معمولاً در امور شرعی مطلقاً تصرف نمی فرمود تا مبادا کاری مخالف واقع صورت گیرد و هیچ عاملی، از قبیل عزت و اعتبار، ثروت و مقام و دیگر امور دنیوی، نمی توانست جلودار او از عمل بر طبق واقع شود. از جمله آورده اند که یکی از شاهزادگان از میرزا ابوالمعالی اجازه خواسته بود تا در برخی از املاک، تصرف نماید و در عوض، مبلغ گزافی برای ایشان هدیه بفرستد. ولی معظم له نظر به اشکالی که در ثبوت ولایت عامه برای مجتهد است، اجازه نداد و با ردّ پذیرش هدیه، اظهار فرمود: «اگر جمیع آنچه در عالم هست برای من بفرستید نخواهم پذیرفت و مخالفت امر خدا

ص: ۵۴

احترام به سادات

مرحوم ابوالمعالی برای سادات احترام ویژه ای قائل بود و دیگران را نیز به این عمل سفارش می فرمود. حتی برخی از شاگردان خود را، که از سادات بودند، به هنگام دخول و خروج از منزل، بر خود مقدم می داشت و هیچگاه حاضر نمی شد بر سیدی پیشی گیرد. (۲) چنان که از مرجع بزرگ عالم تشیع مرحوم آیت الله بروجردی نقل شده که می فرمود: با اینکه میرزا ابوالمعالی، استاد من بودند، امّا حاضر نمی شدند که من پشت سر ایشان راه بروم... و من هرگاه به منزل ایشان می رفتم به خاطر همین احترام ها و تکریم ها شرمنده می شدم. (۳) ابوالمعالی دیگران را نیز به احترام گذاشتن به سادات سفارش و از اهانت به آنان نهی می فرمود. نقل می کنند که شخصی، به علویه ای که مشغول خدمت به او بود، توهین کرده بود و چون ابوالمعالی متوجه گشت، آن شخص را برحذر داشت و فرمود: این کار را نکنید، اگر حضرت صادق علیه السلام حیات داشتند و در محضر آن حضرت بودی، آیا جرأت داشتی که این گونه کارها را بکنی؟ پس، از خداوند و ائمه ی اطهار علیهم السلام بترس و اولاد آن ها را تحقیر نکن که زنده و مرده ی آن ها یکسان است و فرقی ندارد. (۴) صاحب بدرالتمام در تأیید طریقه ی پدر بزرگوارش، در بزرگداشت مقام سادات، به نقل کلمات فقیه حکیم ملا اسماعیل خواجویی، در رساله ای که به این موضوع اختصاص داده، پرداخته و سیره ی برخی از

ص: ۵۵

۱- البدرالتمام: ۲۵

۲- همان: ۲۶

۳- مجله ی حوزه، شماره ۸۳: ۳۹

۴- البدرالتمام: ۲۶

علما و احادیث اهل بیت علیهم السلام در این باره را ذکر کرده است.

سوگواری در مجالس عزای سیدالشهدا(ع)

مرحوم میرزا ابوالهدی نقل می کند که پدرش میرزا ابوالمعالی، در شب و روز عاشورا و نیز شب و روز بیست و هشتم صفر، علاوه بر حضور در مجالس سوگواری، خود شخصاً در آن مجالس، خدمت می نمود. نقل می کنند که روزی پس از پایان نماز ظهر و عصر در مسجد به امامت ابوالمعالی، یکی از وعاظ بر منبر رفت و بنا بر رویه و سیره ی ذاکرین، اشعاری از محتشم کاشانی خواند و آنگاه به ذکر رؤیایی پرداخت که در آن، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یکی از وعاظ را به خاطر مرثیه نخواندن بر خامس اهل عبا حضرت سیدالشهدا علیه السلام، توبیخ و سرزنش کرده بودند. ابوالمعالی پس از شنیدن رویای مذکور، منقلب گردید و بسیار گریست و تصمیم گرفت که از این پس، خود بر منبر رفته و مرثیه سرایی نماید. (۱)

روحانیت و صفای مجلس و معنویت محضر ابوالمعالی

آخوند گزی، که ظاهراً خود محضر ابوالمعالی را درک نموده و شخصاً به حضور پرفیض اش نائل آمده و به شدت تحت تأثیر فضای روحانی حاکم بر آن قرار گرفته است، درباره ی ابوالمعالی می نویسد: «مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: «مَنْ نُجَالِسُ» با که نشست و برخاست نیم؟ فرمود: «مَنْ يَدْرِكُكُمْ اللَّهُ رُوَيْتَهُ وَيَزِيدُكُمْ فِي الْعِلْمِ مَنْطِقَهُ وَيَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ» یعنی کسی که دیدار او شما را به یاد خدا اندازد و گفتار او بر علم شما بیفزاید و کردار او شما

ص: ۵۶

را مایل به آخرت نماید». حالات آن مرحوم به همین وصف ها بود. صحبت موعظه و علم دقایق اخلاق و اخلاص را ملاحظه می فرمودند.»(۱)

از مرحوم آیت الله بروجردی، که از شاگردان مبرز میرزا ابوالمعالی بوده، نیز نقل شده است که فرموده بود: «مجلس آقا میرزا ابوالمعالی، شبیه مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله بود، روحانیتی داشت که انسان سیر نمی شد.»(۲)

هدر ندادن اوقات و جدیت در تحصیل علم

میرزا ابوالمعالی، تلاش فوق العاده ای در کسب دانش داشت و با صرف نظر از لذایذ دنیوی، عمر شریف خود را صرف مطالعه و تحقیق و تدریس و تألیف نمود. ایشان همواره سرگرم اندیشه و دقت در مطالب علمی بود، بطوری که حتی هنگام صرف غذا و زمان خواب و استراحت، از تفکر در امور، غافل نبود. گاه اتفاق می افتاد که در خلال شب از خواب بیدار می شد و به فکر فرو می رفت و یا در حمام می اندیشید و در همان جا چراغ روشن می کرد و قلم و دوات را می طلبد و آنچه را که به ذهنش خطور کرده بود، می نوشت. شایان توجه است که نوشتجاتی از ایشان در دست است که به رنگ حنا آمیخته شده که اثر همان حنایی است که انگشتان خود را در حمام با آن خضاب می کرده است.(۳)

آن گونه که خود در پایان یکی از آثارش فرموده، در همه ی احوال، چه در راه رفتن یا هنگام خواب، حتی به هنگام سخن گفتن دیگران با او و.... ، مشغول تفکر و

ص: ۵۷

۱- تذکره القبور: ۳۲

۲- مجله حوزه، ش ۵۳: ۵۷

۳- نمونه هایی از این آثار اکنون در کتابخانه ی نواده ی میرزا ابوالمعالی - مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی - موجود است.

اندیشیدن بوده است و به هیچ وجه، درازی زمان و زیادی رنج، مانع از ژرف نگری و موشکافی در بررسی مطالب نمی شد. از این رو، هر مشکلی برای او آسان و هر مطلب دشواری را براحتی می فهمیده است. (۱)

به فرموده ی میرزا ابوالهدی، اگر این جدّیت و پشتکاری خارق العاده در کسب علم نبود، چگونه برای ابوالمعالی، نیل به آن مراتب و درجات عالی، میسر می گشت؟ با سرگرم شدن به امور متعارف، چگونه می توان به چنین مراتبی رسید، بلکه اساساً این گونه امور، موجب توقف گشته و مانع بر سر وصول به کمالات بالایی علمی و عملی خواهد بود! میرزا ابوالمعالی با پرداختن جدّی به دانش و معرفت، باب مراوده و معاشرت با مردم، مگر به ندرت و بر حسب ضرورت، را ترک نمود و زبان حالش چنین بود:

انما الدّل فی مداخله النّاس

فدعها و کن کریماً رئیساً

لیس عندی اجلّ من العلم

فلا تبتغی سواء انیسا

برطرف شدن وسواس شرعی از آیت الله بروجردی به سفارش میرزا ابوالمعالی

از مرحوم آیت الله بروجردی نقل شده است که فرمود: «من در ابتدای طلبگی، در وقت نماز و پاره ای از افعال آن، وسواس داشتم. ایشان از حالت من آگاه بود. یک روز پس از درس به من گفت: شما بمانید. وقت نماز شد. گفت: بلند شوید نمازتان را بخوانید. من هم طبق معمول نماز را خواندم. گفت: همین نماز کافی است و احتیاجی به اعاده ندارد. از آن به بعد من با اطمینان خاطر، نمازم را بدون اعاده می خواندم و این

ص: ۵۸

حوزه ی تدریس و شاگردان

میرزا ابوالمعالی، از حُسن قابلیت باطنی و با تمام مشکلات درونی و ظاهری، چنان تحصیل علم را وجهه همت عالی خود ساخت که در اندک زمان، نام و آوازه ی نبوغ و تحقیقات و شهرت علمی اش همه جا پیچید. وی، با این که از متولدین اواسط قرن سیزدهم هجری بود، در اثر شایستگی و پشتکار خارق العاده اش، از علمای نامی و مدرسین برجسته ی اواخر قرن سیزدهم دارالعلم اصفهان به شمار می رفت. حوزه ی درسی او، از حیث کمی و کیفی، نسبت به دیگر مجالس علمی وقت، ممتاز بود و به واسطه تحقیقات دقیق و افکار عمیقی که ارائه می نمود، جمعیت بسیاری از فضلا و دانش پژوهان را به سوی خود جلب کرده بود؛ به گونه ای که از شهرهای دور و نزدیک روی به محضر پرفیضش می آمدند تا از خرمن علوم و فضائش خوشه چینند. حوزه ی درس ابوالمعالی علاوه بر اهمیت بالای علمی، درس اخلاق عملی نیز به شمار می رفت و به تعبیر آخوند گزی، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود. با نگاهی به فهرست اسامی شاگردان میرزا ابوالمعالی، بخوبی معلوم می شود که شمار بسیاری از فقیهان و مراجع نامدار شیعه در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری، از مدرس پرفیض معظم له برخاسته اند؛ بزرگانی که خود از مفاخر نامی امامیه در حوزه های علمی ایران و عتبات عالیات بوده اند.

از جمله شاگردان علامه ابوالمعالی می توان به فقیه اعلم مرحوم حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی مرجع نامدار جهان تشیع اشاره کرد که حدود ده سال در فقه

ص: ۵۹

واصول و رجال از محضر استاد بهره برد و عمده و اساس شاگردی او نزد این استاد بوده و مرجع او در حلّ مشکلات علمی اش به شمار می رفته است. اشکالات علمی و روشن و متین و خصوصیات اخلاقی آیت الله بروجردی نظر اساتید او به ویژه میرزا ابوالمعالی و میر سید محمدتقی مدرّس و سید محمدباقر درچه ای را به خود جلب کرد و آنچنان این مردان بزرگ از شاگرد با استعداد خود مواظبت می کردند که کارهای خصوصی او را هم زیر نظر داشتند. (۱)

در این جا به نام برخی از شاگردان و راویان از میرزا ابوالمعالی اشاره می نمائیم و امیدواریم که با لطف و عنایت پروردگار متعال، به نام دیگر شاگردان معظم له نیز دست یابیم. (۲) فهرست ذیل بر اساس نام اصلی و به ترتیب حروف الفبا می باشد:

حضرات آیات عظام و حجج اسلام:

سید ابراهیم موسوی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق)

ص: ۶۰

۱- زندگانی آیت الله بروجردی: ۲۵؛ الاستخاره، مقدمه: ص ۳۶

۲- منابعی که در آنها به شاگردی شخصیت های مذکور نزد میرزا ابوالمعالی اشاره شده عبارتند از: دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۹۳، ۱۹۱، ۲۸۱ و ۳۳۳؛ نقباء البشر: ۶۰۵ و ۷۶۴؛ مشهدالامام: ۱، ۱۱۴ و ۳؛ ۸۷؛ گنجینه دانشمندان ۲: ۸۶ و ۴؛ ۵۰۶ و ۱۷؛ آتشکده اردستان ۲: ۴۰۶؛ مکارم الآثار ۵: ۱۸۰۴ و ۷؛ ۲۲۹۴ و ۶؛ ۲۱۷۳ و ۲۲۱۵ و ۸؛ ۳۱۰۷؛ مقدمه ی مناهج المعارف: ۱۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۵۸ و ۶۲ و ۲۰۴؛ فرزندگان خوانسار: ۳۵ و ۷۰ و ۱۰۵؛ مقدمه مهدوی بر حقوق زن و میراث: ۹؛ تاریخ بروجرد ۲: ۴۱۹ و ۴۲۲ و ۵۸۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۲۸۵ و ۳؛ ۲۲۳؛ علمای گلپایگان ۲: ۹۲ و ۳؛ ۲۸۳؛ الاجازه الکبیره: ۱۹ و ۱۷۰؛ یادنامه ی حاج سید اسماعیل هاشمی: ۱۲ - ۱۳؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا: ۷۹؛ دائرهالمعارف تشیع ۲: ۶۵؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۹۸؛ البدرالتمام: ۴۵؛ ضیاءالابصار ۲: ۴۸۸ و ۳؛ ۱۴؛ مفاخر یزد ۱: ۱۶۷ و ۳۸۰؛ شرح حال رجال ایران ۱: ۳۴؛ زندگانی آیت الله بروجردی: ۲۳ و ۲۵؛ مجله حوزه: ش ۵۸؛ ۵۰؛ آل الکرباسی: ۲۲۶؛ خمینی شهر: ۲۰۲، ۲۱۸ و ۳۰۷.

سید ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ ق)

سید ابوالقاسم رضوی شیخ ابوالقاسم کبیر قمی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۹ ق)

سید احمد خوانساری صفایی (۱۲۹۱ - ۱۳۵۹ ق)

سید احمد ملّاباشی (متوفی ۱۳۳۱ ق)

شیخ اسدالله بن حسین [اصفہانی]

شیخ اسدالله ثقفی الاسلام یزدی (۱۲۸۱ - ۱۳۷۰ ق)

سید جلال الدین مؤید الاسلام (۱۲۸۰ - ۱۳۴۹ ق)

شیخ جمال الدین کلباسی (متوفی ۱۳۵۰ ق)

سید جمال الدین گلپایگانی (۱۲۹۶ - ۱۳۷۷ ق)

سید حسن کاشی (متوفی ۱۳۲۰ ق) سید حسن نحوی (۱۲۸۷ - ۱۳۶۱ ق)

شیخ حسنعلی نخودکی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۱ ق)

سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق)

سید حسین رضوی سید حسین روحانی (۱۲۵۳ - ۱۳۳۸ ق)

شیخ رحیم ارباب (۱۲۹۷ - ۱۳۹۶ ق)

سید رضا جابلقی بروجردی (متوفی حدود ۱۳۵۰ ق)

سید رضا ملّاباشی (متوفی ۱۳۳۴ ق)

شیخ زین العابدین نخعی گلپایگانی (۱۲۶۷ - ۱۳۴۶ ق)

سید شهاب الدین نحوی (۱۲۶۳ - ۱۳۴۰ ق)

شیخ ضیاءالدین عراقی (۱۲۸۷ - ۱۳۶۱ ق)

شیخ عباسعلی قاضی زاهدی (متوفی ۱۳۶۲ ق)

شیخ علی جرقویه ای (متوفی حدود ۱۳۲۵ ق)

شیخ علی اکبر یزدی صدرآبادی (۱۲۵۳ - ۱۳۰۹ ش)

شیخ علی محمد نجف آبادی (متوفی ۱۳۳۲ ق.ه)

سید فخرالدین خوانساری (۱۲۷۳ - ۱۳۴۸ ق)

کمال الدین ابوالهدی کلباسی (متوفی ۱۳۵۶ ق)

سید محمد مدرّس (۱۲۹۰ - ۱۳۶۶ ق)

سید محمدباقر درچه ای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ق)

شیخ محمدجعفر امین العلماء (متوفی ۱۳۲۸ ق)

سید محمدجعفر صهری (متوفی ۱۳۳۲ ق)

شیخ محمدحسن طالقانی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۱ ق)

سید محمدحسن موسوی هاشمی (متوفی ۱۳۴۱ ق)

سید محمدحسین اردستانی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۶ ق)

شیخ محمدحسین قودجانی اشنی (۱۲۸۵ - ۱۳۷۵ ق)

شیخ محمدحسین کرمانی (حدود ۱۲۴۵ - ۱۳۳۰ ق)

ملا محمدحسین کرهرودی سید محمدحسین مدرّس کهنگی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۶ ق)

سید محمدحسین مرتضوی شیخ محمدحسین نائینی (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ ق)

سید محمدحسین بروجنی (متوفی ۱۳۳۸ ق)

شیخ محمدصادق سربندی بروجردی (ح ۱۲۸۵ - ۱۳۶۵ ق)

سید محمدعلی معروف به آقابرگ (متوفی بعد از ۱۳۲۰ ق)

سید محمدمهدی درچه ای (متوفی ۱۳۶۴ ه.ق)

سید محمود خوانساری (۱۲۶۵ - - ق)

سید (شمس الدین) محمود مرعشی نجفی (۱۲۷۴ - ۱۳۳۸ ه.ق)

سید محمود موسوی ریاضی (۱۲۶۵ - - ق)

شیخ مرتضی طالقانی (۱۲۸۰ - ۱۳۶۴ ق)

شیخ مرتضی قمشه ای (۱۲۳۶ - ۱۳۴۱ ق)

شیخ مصطفی فروشانی اصفهانی (متوفی ۱۳۵۲ ق.)

شیخ منیرالدین بروجردی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۲ ق)

سید نوح الدین بروجردی سید یحیی یزدی واعظ طبیعی است که تعداد شاگردان میرزا ابوالمعالی بسیار بیش از موارد مذکور در فهرست فوق می باشد. با توجه به اینکه تحقیقات علمی و اوج درخشش ابوالمعالی در فاصله ی میان سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۵ قمری بوده و در حدود چهل سال مذکور، ایشان از بزرگترین مدرّسین و فقهای دارالعلم اصفهان به شمار می رفته، می توان حدس زد که فضلا و دانش پژوهانی که در خلال این مدّت به کسب علم در اصفهان مشغول بوده اند، از محضر معظم له بهره برده اند. از این رو می توان به احتمال زیاد بزرگانی مانند علمای ذیل را نیز از شاگردان ابوالمعالی دانست:

حضرات آیات میر سید علی نجف آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، میرزا مهدی دولت آبادی، ملا محمدجواد صافی گلپایگانی، میرزا حسن خان جابری انصاری، میر سید حسن نجفی قوچانی، میرزا رضا کلباسی، میر سید حسن چهارسویی، میرزا ابوالحسن بروجردی، میر سید محمّد حسن مدرّس، ملا محمّد حسن خوانساری، سید محمّد کاظم موسوی اسفیدواجانی،
میر سید محمود

ابن الرضا، شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی، شیخ ابوالقاسم دولت آبادی، میرزا ابوالقاسم طرب، ملا محمدحسین شاکریان، میرزا علی بکایی جزی، شیخ محمد علی زاهد، سید محمد علی ابطحی سدهی، میرزا علی اکبر شیخ الاسلام، شیخ محمود مفید، ملا حسن دولت آبادی، ملا محمد مهدی فاضل خوانساری، شیخ محمد علی کرمانی، میر سید محمد صدرالواعظین، میرزا عبدالرزاق محدث حائری، حاج سید حسین علوی و سید علی محمد دولت آبادی.

گفتنی است که محل تدریس میرزا ابوالمعالی، مدرسه ی حاجی کرباسی بوده است. این مدرسه، که خود مرحوم حاجی نیز در آن تدریس می فرموده است، به همین منظور و به همت والای وی ساخته شد. مدرسه ی کلباسی، در کوچه ی جنب مسجد حکیم و به مساحت نزدیک یک جریب بوده و از مدارس مهم علوم دینی و معارف اسلامی در اصفهان به شمار می رفته و علما و بزرگان بسیاری در آن تربیت شده اند. متأسفانه امروز از این مدرسه هیچ اثری نیست و به خانه های متعدد مسکونی تبدیل شده است. (۱)

میرزا ابوالمعالی در مدرسه ی مذکور، در علوم گوناگون اسلامی از جمله ادبیات، فقه، اصول و رجال تدریس می کرده و به ویژه حوزه ی اصول فقه و رجال او رونق به سزایی داشته است.

جایگاه ویژه ی اجتهاد و لزوم کسب مقدمات آن

در نگاه میرزا ابوالمعالی

ابوالمعالی، اجتهاد را امری خطیر می دانست و لزوم مقدمات بسیار علاو بر

ص: ۶۴

۱- بنگرید به: تاریخ نائین ۴: ۱۲۳؛ خاندان کلباسی: ۱۰۲-۱۰۳

رعایت تقوی جهت نیل به این درجه ی بزرگ، موجب شد وی نیز همچون پدر بزرگوارش حاجی کرباسی و جدّ والا مقام همسرش سید حجه‌الاسلام، به راحتی، اجتهاد کسی را نپذیرد. معظم له اجتهاد در فقه را مشروط به امور و عواملی می دانست که در کمتر کسی قابل تحقق بود و در این باره، در یکی از آثار خود می نویسد: سوگند که در دایره ی معرفت، حصول هیچ دانشی به مانند علم فقه سخت و دشوار نیست و نمی توان سطری در آن نوشت مگر آنکه ضرورتاً مباحث آن را بر اساس اصول فقه تکمیل نمود؛ بلکه اساساً فقه بدون اصول مانند نتیجه بدون مقدمه است، همان گونه که صرف آگاهی از قوانین اصول نه نشان دهنده ی آمادگی جهت استنباط احکام از مدارک و نه دالّ بر حصول ملکه ی استنباط است. مانند آن که آگاهی از قواعد خیاطی، کاشف از حصول ملکه ی خیاطی نیست، بلکه باید در آن تمرین و ممارست نمود. (۱)

در عین حال، به نظر ابوالمعالی، یک فقیه باید علم رجال را نیز، به سبب لزوم نقد اخبار، کامل نماید و البته چه در علم فقه و چه در دانش های دیگر، رعایت تقوی، امری لازم و ضروری است. نیل به درجات پایین در فقه، بدون تقوی و ارتباط قلب با عالم اسرار، ممکن نیست! چه رسد به حصول قوه ی قدسیه، که از توابع عصمت است، و با دوری از مبدأ اعلی، دستیابی به چنین مقامی برای مردمانی که «لهم قلوب لا یفقهون بها و..... اولئک کالانعام بل هم اضلّ سیلاً» (۲) چگونه میسر است!؟

میرزا ابوالمعالی بر این باور است که چه در دانش فقه و چه در علوم دیگر، حُسن قریحه و جودت ادراک و استقامت در سلیقه، ضروری است و لذا اجتهاد را امری نادر و کمیاب می دانست. ایشان، ادعای اجتهاد از سوی ناهلان را بدترین احوال و

ص: ۶۵

۱- البدرالتمام: ۲۷

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۹

خطرناکترین اعمال می شمرد و همین امر، از مهمترین عللی بود که او را از صدور اجازه ی اجتهاد به اشخاص، باز می داشت. (۱)

احتیاط در صدور اجازه

در میان طلاب و دانش پژوهان حوزه های علمیه از قدیم تا کنون، معمول بوده است که پس از استفاده ی علمی از محضر استاد، از او درخواست اجازه می کردند تا به اصطلاح مهر تأییدی بر موفقیت های علمی و نیل به درجات بالای معرفتی آن ها باشد. البته اجازات انواع مختلفی مانند: اجازه ی اجتهاد، نقل حدیث، تصرف در امور حسبه و غیره که از همه مهمتر، از حیث اثبات درجات علمی شخص، اجازه ی اجتهاد بوده است.

با این حال، برخی از فقها و مدرّسین بزرگ، از دادن اجازه خودداری و یا به تعداد بسیار معدودی، اجازه می داده اند. از جمله ی این بزرگان میرزا ابوالمعالی است که در مدّت عمر شریف خود به هیچیک از شاگردان خود، اجازه ی اجتهاد نداد و شاگردان مجلس درس وی فهمیده بودند که نمی توانند از سوی استاد به افتخار دریافت چنین اجازه ای نائل شوند. گویند یکی از شاگردان حوزه ی ابوالمعالی، که شخصی اندیشمند و با استعداد نیز بود، از استاد درخواست اجازه کرد و خواسته ی خود را چندین بار تکرار و بر آن پافشاری نمود. استاد که اصرار شاگرد را دید، سرانجام چند سطر بر روی یک برگه نوشت و به او داد. ایشان در این به اصطلاح اجازه نامه، پس از حمد و ثنای پروردگار و صلوات بر حضرت محمدصلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهارعلیهم السلام، شخص درخواست کننده، و به اصطلاح مجاز، را به تحصیل تقوی و یادآوری مرگ

ص: ۶۶

سفارش نمود و همین اندازه نوشت که شخص مذکور، مدتی نزد من تحصیل کرده و به ذکر آنچه درباره ی او باور داشت، بسنده کرد. این، نخستین اجازه نامه ای بود که میرزا ابوالمعالی نوشت و بر خلاف دیگر اجازه نامه های رایج، از بکار بردن عباراتی مانند اینکه ایشان «قلیل النظیر فی هذا العصر» یا «فاقدالمثال بین الاقران» و مانند آن است، خودداری نمود؛ زیرا تصور می کرد که در میان طلاب عتبات عالیات و حوزه های دیگر،

نظایر این شخص وجود دارند و چه بسا بهتر هم باشند. ابوالمعالی با اینکه به شاگرد خود اعتقاد داشت و او را شخصی درستکار می دانست عباراتی مانند جملات مذکور را بکار نبرد تا مبادا تصریح یا تلویح به مقام اجتهاد و تصرف در احکام و امور شرعی یا رجوع مردم به او باشد. (۱)

هرچند که علامه ابوالمعالی از صدور اجازه ی اجتهاد به شاگردان خود، خودداری می نمود، اما از سوی معظم له، برای برخی از علما و دانشمندان، اجازه ی نقل حدیث صادر شده است. برای مثال دو فرزند گرامی و دانشمندش حضرات آیات: علامه میرزا جمال الدین و علامه میرزا ابوالهدی از پدر گرامی خود روایت می کنند. (۲) همچنین برخی از فقها و مراجع بنام مانند: حاج سید حسین بروجردی، میرزا ابوالقاسم کبیر قمی، حاج ملا علی محمد نجف آبادی و سید شمس الدین محمود مرعشی از علامه میرزا ابوالمعالی روایت می کنند. (۳)

ص: ۶۷

۱- البدرالتمام: ۲۷

۲- الاجازها لکبیره: ۲۱ و ۳۵؛ المسلسلات ۲: ۵۵.

۳- الاجازها لکبیره: ۱۹؛ آل الکریاسی: ۲۳۶

ابوالمعالی با اینکه بر لزوم جدّیت در کسب علم بسیار توصیه می نمود و ژرف اندیشی در مسائل و تحقیق در مباحث را برای دانش پژوه، بسیار ضروری می دید، با این حال، بر این باور بود که این کار، جز با تقوی و تهذیب اخلاق، میسر نیست. زیرا علم به خودی خود دردی را که دوا نمی کند هیچ، بلکه دردآور نیز هست. علم به تنهایی، جز هم و غم چیزی همراه ندارد و لذا کسی که در پی آنست نیز گویی به دنبال نابودی و هلاکت است.

ایشان در این رابطه، به سفارش حاجی کرباسی به علامه میر سید حسن مدرّس اشاره می کند که فرموده بود: تضرّع و زاری به درگاه خداوند منان را در شب، ترک نکنید، حتی در آن هنگام که تردید دارید آیا صبح داخل شده بوده یا شب باقی بوده است. حاجی و سید مدرس هر دو به همین شیوه عمل می کردند و البته به توفیقاتی هم دست یافتند.

ابوالمعالی در کتاب بشارات خود، آیاتی از قرآن را دالّ بر اینکه تقوی موجب برقراری و انتظام کار دنیاست، گردآوری و مورد بحث و بررسی قرار داده است.^(۱)

جدّیت در تحقیق و تألیف

از ویژگی های مهم میرزا ابوالمعالی، که مایه ی امتیاز و درخشندگی او در میان علما و بزرگان دو قرن اخیر نیز بوده، تألیفات و آثار بسیار او در عین اشتغال بر تحقیقات ژرف و آرای ابتکاری است. ایشان از دوران جوانی خود دست به کار تصنیف شد، اما بنا را در این کار بر دقت نظر و وسواس خاص در تحقیق مطالب گذاشت. در مطالب

ص: ۶۸

علمی، دقت و اندیشه و پژوهش بسیار می نمود و گاهی روزها و ساعت ها پیرامون موضوعی خاص، تأمل و تفکر می نمود و هیچگاه پیش از موشکافی و ژرف بینی های بسیار، دست به قلم نمی برد. از این رو هنگامی که چیزی می نوشت، نکات تحقیقی و معانی ژرف در آن ها موج می زد. (۱)

ابوالمعالی، تألیفات بسیار، اما بدون تحقیق، را نمی پسندید و بر این باور بود که آثار علمی هر دانشمندی را باید بر پایه ی عمق نظر و ژرفای اندیشه ی صاحبش ارزیابی نمود. او خود در موضوعات و مباحث علمی، از شایستگی و تصرف و خلاقیت بالایی برخوردار بود و زحمات طاقت فرسایی در تصنیف و تألیف کتب و رسائل خود متحمل گشت. از جمله در تألیف کتاب ارزشمند بشارات، در فن اصول فقه و در سه مجلد، گاه می شد که برای نوشتن دو برگ از آن، دو ماه می اندیشید! بشارات، به فرموده ی میرزا ابوالهدی، کتابی وزین و عمیق که هرچند از حیث محتوا و ژرفای مطالب، مایه ی شگفتی است، اما حیرت آورتر از آن، این که این کتاب را پیش از سن چهل سالگی نوشت، اثری که در نوع خود، مسلماً کم نظیر است. بدین ترتیب آثار و تصانیفش بر دیگران برتری یافت، چرا که دربر دارنده ی نکاتی ویژه همراه با تتبعات سودمند و تحقیقات دقیق و تصرفات عمیق بود و پیش از شروع در بحث، مقدمات مفید متعددی را مطرح می نمود و پس از اتمام نیز، تنبیهات بسیاری را ارائه می فرمود؛ و البته تمامی این موارد را چنان با نظر صائب و دقت کامل مطرح می نمود که جا برای نکته ای مجهول یا امری مبهم و مجمل باقی نمی گذاشت. (۲) در ادامه، پس از اشاره به فهرست آثار ایشان، مواردی از آرای تحقیقی و نظریات تأسیسی معظم له

ص: ۶۹

۱- البدرالتمام: ۲۱

۲- همان

را خواهیم آورد. گفتنی است که مرحوم آقا نجفی قوچانی در سیاحت شرق می نویسد که میرزا ابوالمعالی در زمان حیاتش، کتاب بزرگی به چاپ رسانیده و قربه الی الله به طلاب، مجانی می داده است و خود آقا نجفی نیز نسخه ای از آن را دریافت کرده و از جمله مباحث آن کتاب، رساله ای مستقل درباره ی تحریر نزاع در دلالت نهی بر فساد بوده است. (۱) تا آن جا که می دانیم، مجموعه رسائل اصولی میرزا ابوالمعالی و از جمله، رساله ی مذکور دو سال پس از درگذشت مؤلف در تاریخ سوم جمادی الاولی سال ۱۳۱۷ قمری همراه با مقدمه ی فرزند علامه ی او میرزا ابوالهدی چاپ شده است و تنها دو رساله ی: شرح زیارت عاشورا و الاستشفاء بالتربه الحسینیه در زمان حیات مؤلف چاپ و منتشر گردیده است. (۲) مگر آن که برخی رسائل اصولی او در زمان حیاتش نیز چاپ شده باشد که هیچ آگاهی، جز گفته ی آقا نجفی قوچانی، از آن نداریم.

آثار و تألیفات

اشاره

میرزا ابوالمعالی لحظه ای از عمر شریف خود را هدر نداد و همواره در کار مباحثه، مطالعه، تحقیق و تحریر بود. حاصل عمر پربرکت و تلاش مستمر او، علاوه بر تربیت شاگردان مبرز و محقق، به جای گذاشتن رسائل و کتب متعدد در علوم: فقه، اصول، رجال، کلام، تفسیر، حدیث، ادبیات و شرح بر ادعیه و مناجات معصومین علیهم السلام بود. ابوالمعالی در پایان رساله ی شرح زیارت عاشورای خود،

ص: ۷۰

۱- سیاحت شرق: ۱۷۶

۲- بنگرید به ادامه ی همین گفتار: آثار چاپ شده علامه ابوالمعالی.

فهرستی از بیشتر آثار خود ترتیب داده (۱) و فرزند دانشمندش میرزا ابوالهدی نیز در البدرالتمام نام برخی دیگر از آثار را آورده و درباره ی مفاد و اهمّیت تعدادی از رسائل ابوالمعالی توضیحاتی داده است. (۲) تعداد این آثار، بیش از هشتاد رساله و کتاب است که بیش از نیمی از آن ها تاکنون چاپ و منتشر گشته است. از آن جا که مرحوم ابوالمعالی به هنگام تألیف شرح بر زیارت عاشورا، هنوز تعدادی از آثار خود را ننوشته و یا برخی را ناتمام نگاهشته بود، در پایان شرح مذکور تنها به نام حدود شصت اثر خود اشاره فرموده است. در این جا نخست آثار معظم له را بر اساس موضوع، طبقه بندی کرده و سپس کتب چاپ شده را جداگانه نام می بریم.

فقه

۱. رساله ی منظوم در وضو، که بطور مبسوط مبحث وضوی شرح کفایه ی محقق سبزواری را به شعر درآورده است. (۳)

۲. رساله الاستیجاریه فی الاستیجار للعباده. (۴)

۳. رساله الاسرافیه فی تحقیق الاسراف موضوعاً و حکماً. (۵)

۴. رساله ی اصوات النساء و احکامها و بیان مایجوز و مالایجوز من سماعها و استماعها. (۶)

ص: ۷۱

۱- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۹ - ۱۲۷

۲- البدرالتمام: ۳۱ - ۴۱

۳- الذریعه ۱: ۵۰۵

۴- الذریعه ۲: ۳۵

۵- الذریعه ۲: ۷۵

۶- الذریعه ۲: ۱۷۴

٥ . بيع المعاطاه (١)

٦ . رساله فى التداوى بالمسكر (٢)

٧ . رساله فى اشتراط الرجوع الى الكفايه فى الحج (٣)

٨ . رساله فى تفتير الغبار و الدخان للصيام (٤)

٩ . رساله فى الشرط ضمن العقد (٥)

١٠ . شرح كفايه سبزوارى مشتمل بر مباحث وضو كه پيشتر به منظوم آن اشاره شد. (٦)

١١ . رساله فى التيه (٧)

١٢ . رساله فى ان وجوب الطهارات نفسى او غيرى (٨)

١٣ . رساله فى الصلوه فى الماهوت (٩)

١٤ . رساله فى الصلوه فى الحمام الوقف الذى يتصرف فيه غير الاهل (١٠)

١٥ . رساله فى الغساله (١١)

ص: ٧٢

١- الذريعه ٣ : ١٩٣

٢- الذريعه ١١ : ١٤١

٣- الذريعه ١١ : ٧٨

٤- الذريعه ١١ : ١٥٣

٥- الذريعه ١٤ : ١٨٣

٦- الذريعه ١٤ : ٣٦

٧- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨

٨- همان

٩- همان

١٠- همان

١١- البدرالتمام: ٣١

۱۶. رساله فی العصیر العنبی (۱)

۱۷. رساله فی الصحیح و المعیب (۲)

۱۸. حواشی بر شرح لمعه (۳)

اصول فقه

۱۹. البشارات فی اصول الفقه (سه مجلد) (۴)

۲۰. رساله فی حجّیه الظن (۵)

۲۱. رساله فی حجیه المظنّه (۶)

۲۲. رساله فی الشک فی الجزئیة و الشرطیه و المانعیه (۷) (رساله ی اصاله البرائه)

۲۳. رساله تردد الواجب بین المتبائنین (۸)

۲۴. رساله فی الفرق بین الشک فی التکلیف و الشک فی المکلف به (۹)

۲۵. رساله فی بقاء الموضوع الاستصحاب (۱۰)

۲۶. رساله فی تعارض الاستصحابین (۱۱)

ص: ۷۳

۱- همان

۲- همان

۳- نسخه ی اصل این حواشی مفصل و محققانه نزد آیت الله روضاتی در اصفهان موجود است.

۴- البدرالتمام: ۲۱؛ الذریعه ۳: ۱۱۰

۵- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۷

۶- همان؛ الذریعه ۶: ۲۷۶

۷- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۷؛ الذریعه ۲: ۱۱۳

۸- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۷

۹- مجموعه رسائل میرزا ابوالمعالی: رساله ششم

۱۰- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۷

۱۱- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۷

٢٧ . رساله فى تعارض الاستصحاب و اصله صحه العقد(١)

٢٨ . رساله فى الاستصحاب واليد(٢)

٢٩ . رساله فى البقاء على تقليد المجتهد الميِّت(٣)

٣٠ . رساله فى ان الاصل فى الاستعمال حقيقه(٤)

٣١ . رساله فى تحرير النزاع فى دلالة النهى على الفساد(٥)

٣٢ . رساله فى تعارض الاستصحاب بالملكه السابقه مع اليد(٦)

٣٣ . رساله فى الجبهه التقيديه و التعليه(٧)

رجال

٣٤ . رساله فى الثقه(٨)

٣٥ . رساله فى اصحاب الاجماع(٩)

٣٦ . رساله فى نقد الطريق(رساله فى نقد مشيخه الصدوق فى الفقيه و الشيخ فى التهذيبين)(١٠)

ص: ٧٤

١- همان: ١٢٨ ؛ الذريعه ١١ : ١٤٩

٢- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨

٣- همان

٤- البدرالتمام: ٣١ ؛ الذريعه ١١ : ٨٢

٥- البدرالتمام: ٣١ ؛ الذريعه ١١ : ١٣٧

٦- الذريعه ١١ : ١٤٩

٧- شرح زيارت عاشورا: ١٢٩ ، اين رساله با عنوان: رساله فى الفرق بين الحيشه التقيديه و الحيشه التعليه در مجموعه رسائل ابوالمعالي چاپ شده است.

٨- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ١١ : ١٦٠

٩- شرح زيارت عاشورا: ١٢٩

١٠- همان

٣٧. رساله فى تصحيح الغير و جواز معامله الصّححه بمجرّد التصحيح و عدمه (رساله فى جواز الاكتفا فى تصحيح الحديث بتصحيح الغير و عدمه) (١)

٣٨. رساله فى النجاشى (٢)

٣٩. رساله فى محمد بن الحسن المبدو به بعض الاسانيد الكافى (٣)

٤٠. رساله فى ابى داود المبدو به بعض الاسانيد الكافى (٤)

٤١. رساله فى الحسين بن محمد المبدو به بعض الاسانيد الكافى (٥)

٤٢. رساله فى محمد بن عبد الله المبدو به بعض الاسانيد الكافى (٦)

٤٣. رساله فى على بن محمد (٧)

٤٤. رساله فى محمد بن زياد (٨)

٤٥. رساله فى معاويه بن شريح (٩)

٤٦. رساله فى حماد بن عثمان (١٠)

٤٧. رساله فى محمد بن فضيل (١١)

ص: ٧٥

١- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٩٥ و ١١: ١٠٣

٢- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦٧

٣- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦٤

٤- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨

٥- همان

٦- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦٢

٧- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦١

٨- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦٤

٩- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨

١٠- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٥٦

١١- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨؛ الذريعه ٤: ١٦٥

- ٤٨ . رساله فى محمد بن سنان(١)
- ٤٩ . رساله فى على بن الحكم(٢)
- ٥٠ . رساله فى ابى بكر الحضرمى(٣)
- ٥١ . رساله فى محمد بن قيس(٤)
- ٥٢ . رساله فى على بن السندى(٥)
- ٥٣ . رساله فى حفص بن غياث و سليمان بن داود و قاسم بن محمد(٦)
- ٥٤ . رساله فى روايات ابن ابى عمير(٧)
- ٥٥ . رساله فى ترجمه ابن غضائرى(٨)
- ٥٦ . رساله فى محمد بن شريح(٩)
- ٥٧ . رساله فى احمد الحسين(١٠)
- ٥٨ . رساله فى عبدالله بن محمد(١١)

ص: ٧٦

-
- ١- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٦٤
- ٢- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٦٠
- ٣- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٤٩
- ٤- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٦٥
- ٥- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٦١
- ٦- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨ ؛ الذريعه ٤ : ١٥٥ و ١٥٧ و ١٦٢
- ٧- شرح زيارت عاشورا: ١٢٨
- ٨- الذريعه ٤ : ١٤٨
- ٩- الذريعه ٤ : ١٦٥
- ١٠- الرسائل الرجاليه، مقدمه: ١ : ٢٣
- ١١- همان

٥٩. رساله فى حسين بن عبدالله (١)

٦٠. رساله فى احمد بن محمد (٢)

٦١. رساله فى الشيخ البهاى (٣)

٦٢. رساله فى المحقق الخوانسارى (٤)

٦٣. رساله فى التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام (٥) ٦٤. رساله فى تزكيه اهل الرجال (فى تزكيه الرواه من اهل الرجال) (٦)

٦٥. رساله فى السند الصحيحه الكامله (٧)

٦٦. الحواشى على ترجمه الشيخ البهاى (٨)

٦٧. الحواشى على ترجمه المحقق الخوانسارى (٩)

٦٨. الفوائد الرجاليه (١٠)

شرح بر ادعيه و زيارت و روايات معصومين عليهم السلام

٧٢. شرح بر خطبه شقشقيه (١١)

٧٣. شرح بر مشكلات برخى از ادعيه (١٢)

٧٤. رساله فى الاستخاره من القرآن المجيد (١٣)

٧٥. الاستشفاء بالتربه الحسينيه (١٤)

٧٦. شرح زيارت عاشورا (١٥)

٧٧. شرح زيارت جامعه (١٦)

كلام و متفرقه

٧٨. رساله فى الجبر و التفويض (١٧)

٧٩. رساله فى الشبهه الاستلزام (١٨)

- ١- همان
- ٢- همان
- ٣- شرح زیارت عاشورا: ١٢٨؛ الذریعه ٤: ١٥٣
- ٤- شرح زیارت عاشورا: ١٢٨؛ الذریعه ٤: ١٥٥
- ٥- الذریعه ١١: ١٥٢
- ٦- الذریعه ١١: ١٤١
- ٧- الذریعه ١٢: ٢٣٦؛ شرح زیارت عاشورا: ١٢٩
- ٨- الذریعه ٧: ١٠٦
- ٩- الذریعه ٧: ١٠٦
- ١٠- الذریعه ١٦: ٣٣٧
- ١١- الذریعه ١٣: ٢٢٢ و ١٤: ١١٤
- ١٢- البدرالتمام: ٣٤
- ١٣- شرح زیارت عاشورا: ١٢٩؛ الذریعه ٢: ١٨
- ١٤- الذریعه ٢: ٢٣
- ١٥- الذریعه ١٢: ٧٩ و ١٣: ٣٠٨
- ١٦- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ١٠٥
- ١٧- شرح زیارت عاشورا: ١٢٩؛ الذریعه ٥: ٨٣
- ١٨- شرح زیارت عاشورا: ١٢٩؛ الذریعه ٨: ٢٢٩

۸۰. رساله فی الشبهه الحماریه (۱)

۸۱. رساله فی الشبهه فی حمل المشکوک فیہ علی الغالب (۲)

۸۲. رساله فی الحساب (۳)

۸۳. رساله در احوال انسان (۴)

۸۴. دیوان اشعار عربی (۵) (بیش از هزار بیت)

۸۵. رساله در شرح احوال خود و پدر گرامی اش به فارسی (۶)

تفسیر

۶۹. حواشی بر قرآن کریم (از سوه ی نساء تا سوره ی معارج) (۷)

ص: ۷۷

۱- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۹

۲- همان

۳- همان ؛ الذریعه ۷ : ۴

۴- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۹

۵- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۹

۶- نسخه ی خطی

۷- شرح زیارت عاشورا: ۱۲۹

۷۰. تفسیر قرآن (۱)

۷۱. رساله در خطبه های تألیف یافته از آیات قرآن (۲)

آثار چاپ شده ی علامه ابوالمعالی

اشاره

در میان کتب و رسایل شناخته شده ی میرزا ابوالمعالی، خوشبختانه تاکنون چهل و هشت عدد آن یعنی بیش از نیمی از آن ها به چاپ رسیده است. برخی از این آثار در زمان حیات خود مؤلف «ره» و بیشتر آن ها پس از وفات ایشان به زیور طبع آراسته شده است. نام آن دسته آثاری که از معظم له انتشار یافته، عبارت است از:

رساله فی بیان کیفیت زیارت عاشورا

مؤلف، این کتاب را در تاریخ بیست و ششم ماه صفر ۱۲۹۰ ق. به پایان رسانده و آن گونه که در پایان کتاب اشاره فرموده، نوشتن آن بیست سال به درازا کشیده است.

ص: ۷۹

۱- همان

۲- همان

حتی مؤلف از باب احتیاط و دقت، پانزده بار در این کتاب، اصلاح و تجدید نظر کرده و گاهی در یک یا دو برگ از آن، یک تا دو ماه می اندیشیده است. چه بسا پیرامون عبارتی از آن، روزها و هفته ها تأمل می کرده است. این کتاب در زمان حیات مؤلف در سال ۱۳۱۰ ق. با همت و سرمایه ی حاج عبدالغفار بن حاج محمداسماعیل و با خط زیبای محمد باقر در تهران چاپ شده است. کتاب مذکور، یکصد و سی صفحه بوده و جای جای آن به حواشی محققانه ی مؤلف آراسته شده و در پایان هر حاشیه عبارت «منه دام ظلّه» یا «منه عفی عنه» به چشم می خورد.

رساله فی بیان الاستشفاء بالتربه الحسینیه

این کتاب نیز به خط کاتب نامبرده و در چهل و سه صفحه در سال ۱۳۱۴ ق. چاپ و منتشر شده است. کتاب مذکور نیز همراه با حواشی بسیار از مؤلف «ره» می باشد.

مجموعه رسائل اصولی میرزا ابوالمعالی

شامل پانزده رساله ی اصولی و رجالی مؤلف که دوازده رساله ی آن در علم اصول فقه و سه رساله ی دیگر در رجال حدیث می باشد. این مجموعه در هزار و شانزده صفحه است که دارای یک مقدمه به قلم فرزند علامه ی مؤلف، فقیه زاهد میرزا ابوالهدی در بیان فهرست رسائل و نیز یک مؤخره به نام «البدراالتمام» باز به قلم ایشان می باشد. رسائل مذکور با تلاش و هزینه ی داماد و شاگرد مؤلف مرحوم میرزا احمد ملّاباشی در سال ۱۳۱۷ ق. در تهران چاپ سنگی و منتشر شده است.

رساله فی الاستخاره من القرآن المجید و الفرقان الحمید

این رساله که پیشتر در سال ۱۳۱۶ منضم به قرآن مجید مذیل به کشف الآیات چاپ

شده بود، به طور مستقل در سال ۱۴۱۱ ق. توسط مؤسسه امام المهدی علیه السلام در قم چاپ شده است. مقدمه ی رساله به عهده ی دانشمند گرامی آقای سید عبدالحسین موسوی شوشتری و تحت اشراف عالم محقق آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی و به اهتمام حاج محمد حسن محبّ آل رسول اصفهانی بوده است. این کتاب دارای یکصد و چهل و شش صفحه است و مقدمه ی مبسوطی توسط آقای شوشتری به بیان کیفیت استخاره و شرایط آن اختصاص داده شده است.

الرسائل الرجاليه

مجموعه رساله های ابوالمعالی در علم رجال حدیث که شامل ۲۹ رساله می شود. این مجموعه در چهار مجلد همراه با مقدمه و تحقیق آقای شیخ محمدحسین درایتی و به همت دارالحدیث در سال ۱۳۸۰ ش و در شهر قم چاپ و منتشر شده است. محقق کتاب در مقدمه پیرامون شرح احوال مصنف و طریقه اصطلاحات او و نیز شیوه ی تحقیق در چاپ این رسائل، بحث کرده است و در این کار از یاری و مساعدت برخی از فضلا و نویسندگان نیز برخوردار بوده است.

شرح خطبه ششقیه

این رساله با مقدمه و تحقیق جناب آقای مجید هادی زاده در مجموعه ای با نام میراث حوزه اصفهان (دفتر اول، صفحات ۲۰۵ - ۲۷۸) در زمستان ۱۳۸۳ با پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان و توسط مؤسسه فرهنگی الزهرا علیها السلام در قم چاپ شده است. محقق درباره ی این رساله در مقدمه می نویسد:

«رساله شرح خطبه ی ششقیه - که گویا مؤلف آن را به نام خاصی نخوانده است - نشان از دل بستگی های حدیث پژوهانه او دارد.... رساله بر اساس دیدگاه های

زبان شناسانه تنظیم شده و توضیحات لغوی و گاه دستوری، بیشترین درونمایه ی آن را تشکیل می دهد.»

شیوه های جدید ابوالمعالی در علوم اسلامی و نوآوری در علم رجال و درایه

از امتیازات علامه ابوالمعالی آن است که آثار به جای مانده از معظم له، دارای سبک نو در طرح برخی از مسائل، نوآوری در بعضی مباحث و آگاهی های لازم و مفید برای محقق است. آثار ایشان در زمینه های فقه، اصول، رجال، تفسیر و ادعیه، حاوی تحقیقات ژرف و دقت نظرهای عمیق و آرای جدید او می باشد.

از جمله دانش هایی که وی در آن تبحر بسیار و نوآوری های فراوان داشته، علم رجال و درایه الحدیث است.

میرزا ابوالمعالی در آثار رجالی خود، تمامی آنچه را که یک مجتهد یا محقق بدان نیازمند است، و علمای پیشین آنرا نادیده گرفته و متأخرین نیز آن را به شمار نیاورده اند، فراهم آورده است. از جمله امتیازها و ویژگی های خاص آثار و مباحث رجالی او موارد ذیل است:

۱- آثار رجالی وی، مطالب و مباحثی را شامل می شود که به ادعای مؤلف، نه در میان متقدمان و نه در میان متأخران و معاصران مطرح نبوده و به ذهن هیچیک، خطور نکرده است (۱) از جمله آن که مباحثی را مطرح نموده است که اساساً پیش از او، عنوان بحث مستقلی نداشته و مؤلف، مبتکر بحث تفصیلی آن ها بوده است مانند: رساله ی مفصل و تحقیقی و ابتکاری او در معنای ثقه (۲) یا رساله ی دیگر او در لزوم نقد مشیخه

ص: ۸۲

۱- الرسائل الرجالیه ۱: ۳۳

۲- همان

۲ - مباحثی که هر چند پیش از این توسط محققان مطرح شده است ولی مؤلف با شیوه های نو تبعی کامل و احصایی تمام، به تبیین و توضیح آن ها مبادرت ورزیده است مانند بحث از برخی رجال و شخصیت ها یا اسمای مشترک یا بحث از اصحاب اجماع.

۳ - شیوه و طریقه ی ورود مؤلف در مباحث رجالی، تکیه بر استقصاء و احصای کامل همراه با تدبّر بسیار در جزئیات و توضیح بسیار روشن و کافی در باره ی مبهمات علم رجال است. از عادات مؤلف، طرح مقدمات سودمند و مفصل و افزودن تنبیهات بسیار بر آن بوده و مباحث جانبی متعددی را پیش می کشد، بدون آنکه هیچ اخلال و اشکالی به اصل بحث وارد آید. از این رو در آثار وی، هیچ نکته ی مجهول یا مبهمی برای خواننده ی محقق باقی نمی ماند.

۴ - پژوهش های رجالی ارائه شده در مجموعه رسائل ابوالمعالی، از بهترین مستندات فرزند محقق او علامه میرزا ابوالهدی در کتاب بی مانند سماء المقال - که به جواهر رجال معروف است - می باشد.

عوامل پیشرفت و اسباب ترقی میرزا ابوالمعالی

سخن در باب مقام علمی و جایگاه ویژه ی ابوالمعالی در میان فقیهان و اصولیان امامیه و نقش بزرگ او در رشد و تکامل دانش های اسلامی از جمله فقه و اصول و رجال، هر چند گذرا؛ پیشتر به میان آمد. وی در اثر استعداد زیاد و کوشش بسیار، بر تمامی معاصرین خود فائق آمد و دانش پژوهان پروانه وار بر گرد شمع وجودش جمع

ص: ۸۳

آمدند و به خاطر حُسن تقریر و بیان سحرآمیز و گفتار تحقیقی اش، باوری عجیب به او پیدا کردند. همان گونه که پیشتر نیز گفته شد با اینکه دارالعلم اصفهان در آن ایام مرکز علوم دینی و معارف شیعی بود، مدرس ابوالمعالی امتیاز ویژه ای داشت و گروه زیادی از علما و فضلا پیش از مهاجرت به عتبات، از مجلس درس معظم له به مراتب بالای فضل و کمال نائل شده بودند.

هرچند میرزا ابوالمعالی پرورش یافته ی دو فقیه نامدار شیعی یعنی سید مدرّس و سید شهشهانی بود، اما در عین حال شخصیتی خودساخته بود که دقت نظر و ژرف اندیشی و پژوهش را با قدرت بیان و نیز وارستگی و تقوی جمع کرده بود. فرزند دانشمندش فقیه زاهد بارع میرزا ابوالهدی با اشاره به تحمل آلام روحی و رنج های بسیار ابوالمعالی از دوران نوجوانی به بعد، و کسب دانش در عین مصائب جانکاه و گرفتاری های طاقت فرسای او، منشأ این توفیقات ربّانی را سه عامل ذیل می داند: (۱)

۱. پدر گرامی اش جناب حاجی کرباسی - که معدن علم و تقوی و منبع فضل و هُدی بود - در اواخر عمر خود، کار فرزند نوجوانش ابوالمعالی را به خواست و مشیت خدا واگذار کرد. بدیهی است که واگذاری امور به سرنوشت ساز عالم، چه تأثیرات شگفت و نتایج حیرت آوری در بر خواهد داشت!

۲. ترک پیروی از نفس و هوا، و شدت احتیاط در امور و تقوی، که خود، رکن اساسی تحصیل و پایه ی اصلی نیل به کمالات است.

۳. اشتغال و توجه به تحصیل علم در تمام شب و روز، و پشتکار مداوم برای غلبه بر تمامی موانع.

ص: ۸۴

میرزا ابوالمعالی به مصداق حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که «زیرک ترین مؤمن کسی است که از همه نسبت به مرگ ذاکرتر و برای سفر مرگ با استعدادتر باشد»، برای دیدار پروردگار خود آماده شده بود. گویند که حدود دو ماه پیش از وفات ایشان، به هنگام تعقیبات یکی از نمازهایش، ندایی از عالم غیب شنید که: «خانه ی تو در بهشت آماده و مهیاست»؛ و آن مرحوم این جریان را با عین عباراتی که به او الهام شده بود، برای خواص نقل کرده است. (۱) آری ابوالمعالی مشمول این دعای شریف - از زبان دُرر آفرین حضرت سید الساجدین علیه السلام - قرار گرفته بود که: «اللهم ارزقنی... الاستعداد للموت قبل حلول الفوت» (۲). البته چنین ادعایی از بزرگمردی که عمر شریف خود را در علم و عمل، آن هم برای خداوند، صرف نمود، دور از انتظار نیست. چرا که این گونه مقامات و احوال، از آثار ارتباط با عالم انوار و بودن در زمره ی علمای اخیار و صلحای ابرار است. (۳)

وفات

ابوالمعالی حتی تا آخرین ساعات عمر شریفش، مباحثه و تحقیق علمی را کنار نگذاشت. ایشان در چند روز آخر، به بیماری اسهال خونی مبتلا شده بود که مدّت آن هم بیش از پنج روز به درازا نکشید. در روزهای نخست بیماری، اثری از مرگ در پیکر شریفش نبود و حتی تا سه روز اول، به تفکر و تصنیف مشغول بود، به گونه ای

ص: ۸۵

۱- البدرالتمام: ۲۹

۲- مفاتیح الجنان: اعمال شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان

۳- البدرالتمام: ۲۹

که با طیب و دیگران، پیرامون مسائل علمی، مباحثه می کرد. اما در روز آخر، از همان آغاز صبح، حالش دگرگون شد و در مغرب و پس از آن شدت یافت و به هنگام طلوع فجر، مزاج ایشان کاملاً تغییر یافته بود. در این هنگام پزشکان بر بالین او گرد آمدند و با تمامی تلاش ها، هیچ بهبودی در حال وی حاصل نشد. میرزا ابوالهدی که در لحظات آخر، پروانه وار بر گرد شمع رو به خاموش پدر حضور داشت، می فرماید که در این هنگام به دنبال پزشکی حاذق رفتم ولی هنگامی بر بالین پدر رسیدم که کار از کار گذشته بود و صدای شیون و فریاد از اتاق پدرم بلند بود. همین که خبر رحلت او را شنیدم، دنیا در برابر چشمانم تیره و تار گشت و قلبم آتش گرفت. (۱)

میرزا ابوالمعالی پس از شصت و هفت سال و شش ماه و بیست روز عمر، دقایقی پس از طلوع فجر روز چهارشنبه بیست و هفتم صفرالمظفر هزار و سیصد و پانزده قمری برابر با هزار و دویست و هفتاد و شش شمسی به دیار ابدی شتافت. (۲) گویی چنین مقدر بود که پس از عمری تلاش با اخلاص در راه شریعت محمّدی، در شب وفات صاحب شریعت حضرت خیرالمسلین محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، به دیدار حضرتش برود و پاداش زحمات خود را دریافت نماید؛ هرچند که با رفتن او، جامعه ی علمی جهان تشیع به ویژه حوزه ی اصفهان و مردم آن یکپارچه عزادار شدند و با وفات او در شهر ولوله ی عجیبی برپا شد. برخی از شعرا، ماده تاریخ فوت میرزا ابوالمعالی را با عباراتی مانند «له غرف» و یا «غفر له» آورده اند.

میرزا ابوالهدی درباره ی ماده تاریخ فوت پدر بزرگوارش چنین سروده است. (۳)

ص: ۸۶

۱- البدرالتمام: ۳۱ - ۳۰

۲- همان

۳- همان

فقلت أشتك فما في بيانك و ان افدت ارشاد

فحاشاه عن موت هي غشيه ارباب السداد كه لفظ الغشيه، تاريخ فوت مي باشد.

گفتنی است كه مورخ محقق شهير ميرزا حسن خان جابري انصاري در قطعه اي، ماده تاريخ فوت را چنين آورده است: «لقد ماتت علوم أبي المعالي»^(۱) كه برابر با سال ۱۳۱۶ ق. مي شود. علامه ي رجالي نامدار مرحوم معلم حبيب آبادي در اين باره مي نويسد: «نوشته ي [مرحوم جابري انصاري] غلطی فاحش و آشكار است، زيرا كه مؤلف اين تاريخ، چون ماده تاريخي براي [ابوالمعالي] گفته و آن ۱۳۱۶ مي شده، مي خواسته سال وفات را مطابق ماده كند نه ماده را مطابق آن....»^(۲)

مزار ابوالمعالي و بركات آن

پس از وفات مرحوم ميرزا ابوالمعالي، ميان اهالي اصفهان، در خصوص محل دفن پيكر آن مرحوم، اختلاف روي داد و حتي چندين موضع براي اين كار حفر گرديد. ميرزا ابوالهدى كه از وضعيت پيش آمده نگران شده بود، مي فرمايد كه از سوي خدا ملهم شدم كه آن مرحوم در همين محل كنوني به خاك سپرده شود. هرچند كه مخالفت بسياري با اين نظر من شد، اما از آن جا كه از مرحوم پدرم نيز در زمان حياتش چيزي در اين باره شنيده بودم، همين را نشانه ي رضايتم او گرفتم و بر رأي خود

ص: ۸۷

۱- تاريخ اصفهان: ۱۷۲ و ۱۹۴

۲- احوال حاجي كرباسي و اولادش: ۱۰۰

پافشاری کردم. سرانجام با توفیق خداوند سبحان و طبق خواسته ی خود آن بزرگوار، اسباب کار فراهم گردید و پیکر آن مرحوم نزدیک آرامگاه جدّ امجدش حاج محمدحسن خراسانی کرباسی - روبروی مقبره ی ملّا اسماعیل خواجویی - دفن گردید. (۱) در همان سال، بقعه ای شایسته و مقبره ای ویژه ی آن مرحوم توسط حاج میرزا احمد ملّاباشی، داماد و شاگرد ابوالمعالی، ساخته شد. (۲) به یمن حضور مبارک ابوالمعالی در این محل، عذاب از برخی مدفونین در آن جا، برطرف گردید و در جوار همسایه ای بهشتی، از رنج و ناراحتی رهایی یافتند. گویند که پس از وفات میرزا ابوالمعالی، شخصی در عالم رؤیا، نائب باقرخان - که از ارباب دولتی بود - را مسرور و خوشحال دید و با شگفتی، جریان را از او جویا شد. باقرخان در پاسخ گفت که از زمانی که در این محل دفن شدم، در حال عذاب بودم تا این که عالم عامل آمرزا ابوالمعالی همسایه ی من شد و از آن پس تاکنون، عذاب از ما برطرف شده است. (۳)

پس از خاکسپاری ابوالمعالی، دل‌های مؤمنین متوجه این محل گشت و به برکت مرقد شریف او، جمع بسیاری از علما و فضلا و وعاظ در این محل آرمیدند و بسیاری از عوام و خواص وصیت کردند که پس از فوت در کنار مزار بهشتی این عالم ربّانی، به خاک سپرده شوند.

بر روی سنگ قبر میرزا ابوالمعالی جملات زیر نوشته شده است:

و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام

آرامگاه آیها لله العظمی آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی طاب ثراه تولد شعبان المعظم

ص: ۸۸

۱- البدرالتمام: ۳۲

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۵۸

۳- البدرالتمام: ۳۲

۱۲۴۷ و فات ۱۳۱۵ قمری فرزند مرحوم آیه‌الله العظمی مرجع تقلید شیعیان جهان شیعه حاج محمد ابراهیم کلباسی اعلی الله مقامه الشریف

مرقد ابوالمعالی

زیارتگاه مؤمنین و محل استجابت دعا

میرزا ابوالمعالی، به سبب تقوا و مخالفت با هوا و نیز صبر و تحمل فوق العاده و حلّ گرفتاری های عامّه در زندگانی دنیوی، به مقامات بالای در حیات برزخی اش نائل گشت. گویند که آن مرحوم پس از فوت، در عالم رؤیا به شخص خواب بیننده فرموده بود که در اثر صبر در راه ولایت امیر مؤمنان و اولادش علیهم السلام به این مقام رسیده ام که خواسته کسی را که به من پناهنده شود و توسل جوید، برطرف می نمایم. (۱)

مردم اصفهان، زیارت تربت ابوالمعالی را برای برطرف شدن حاجات خود مؤثر می دانند، این امر به تجربه برای آن ها ثابت شده است. مشهور است که در این شهر، مردم بر سر مزار ایشان رفته و با خواندن چهل بار سوره ی مبارکه فاتحه، ابوالمعالی را نزد خدا واسطه قرار می دهند تا خواسته هایشان، به ویژه در باب دیون و قروض، به هدف اجابت برسد. (۲)

کرامتی از ابوالمعالی پس از فوت وی

پس از وفات میرزا ابوالمعالی، یکی از تجار اصفهان که ورشکست شده و به پول

ص: ۸۹

۱- رساله الاستخاره: ۱۱۴

۲- همان: مقدمه ۳۸

آن زمان، سیصد تومان مقروض بوده، پریشان حال می شود. نه کسی به او قرض می داده و نه چیزی برای فروش داشته است. بر سر قبر میرزا ابوالمعالی رفته و به ایشان متوسل می شود و می گوید: آقا دیگر چیزی از زندگی ام باقی نمانده که بفروشم و سیصد تومان بدهکارم، عنایتی بکنید. شما پیش خدا واسطه شوید تا فرجی برایم برسد. آنگاه زیارت عاشورا و چهل حمد خوانده و به روح میرزا ابوالمعالی هدیه می کند.

بعد از ظهر، تکیه بان تخت فولاد نزد تاجر می آید و می گوید: یکی با شما کار دارد و شما را می خواهد! ایشان هنگامی که بیرون تکیه می آید، می بیند مردی با یک الاغ ایستاده است. نزد آن مرد رفته و می گوید: چه کار دارید؟ می گوید: ملک التجار مرا دنبال شما فرستاده و شما را می خواهد، سوار شوید تا شما را به منزل ملک التجار ببرم. وی که هنوز نمی داند جریان چیست، وارد انگورستان و منزل ملک التجار می شود و می بیند که ایشان پشت دستگاه چای نشسته است. ملک التجار پس از پذیرایی مفصلی از او (تاجر ورشکسته) می گوید: من بعد از ظهرها یک مقدار می خوابم، امروز که خوابیده بودم، در عالم رؤیا دیدم مرحوم آمیرزا ابوالمعالی تشریف آوردند و فرمودند: سیصد تومان بردارید به فلان کسی که آمده بر سر قبر من بدهید؛ چون ایشان مقروض است. من از خواب بیدار شدم و خدمتکارم را با الاغ دنبال شما فرستادم که شما را سوار کند و اینجا بیاید تا سیصد تومان را به شما بدهم. (۱)

ص: ۹۰

۱. محمد حسن خان اعتماد السلطنه (۱۲۵۹ - ۱۳۳۱ ق):

«میرزا ابوالمعالی بن العلامه حاج محمد ابراهیم کرباسی، از اجله علما و جله فقها معدود می گردد.»^(۱)

۲. آخوند ملا عبدالکریم گزی (۱۲۶۰ - ۱۳۳۹ ق):

«مرحوم آمیرزا ابوالمعالی که اصغر اولاد مرحوم حاجی کلباسی «اعلی الله مقامهما» بود و مراتب زهد و تقوی و اخلاق کامله و گوشه نشینی و کثرت اشتغال به فکر در علوم و نوشتن کتب علمیّه بیش از آنست که در این مختصر گنجد. مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام [بود].... حالات آن مرحوم به همین وصف ها بود. صحبت موعظه و علم دقایق اخلاق و اخلاص را ملاحظه می فرمودند....»^(۲)

۳. آخوند ملا حبیب الله شریف کاشانی (متوفی ۱۳۴۰ ق):

«المیرزا ابوالمعالی نجل الفاضل الکلباسی «ره» کان علما فاضلا اصولیا مدققا له مصنفات منها کتاب البشارات فی شرح الاشارات فی الاصول و کان کثیر الدقه زاهدا صالحا صادقا صهرالحاج السید محمد باقر الاصفهانی»^(۳)

تنها مطلبی که در مورد عبارت بالا باید گوشزد نمائیم این است که ابوالمعالی را داماد سید حجه الاسلام پنداشته است؛ و حال آن که ابوالمعالی داماد یکی از پسران

ص: ۹۱

۱- المآثر و الآثار ۱ : ۲۳۱

۲- تذکره القبور: ۳۲

۳- لباب الالقباب: ۱۱۶ - ۱۱۵

سید به نام مرحوم آقا میر سید زین العابدین بوده است.^(۱) در میان فرزندان حاجی کرباسی، پسر ارشد یعنی مرحوم حاج آقا محمد مهدی، داماد سید حجه‌الاسلام بوده است.^(۲) گفتنی است که بعضی نیز به اشتباه، حاج آقا محمد مهدی را داماد میرزای قمی نوشته‌اند.^(۳)

۴. ملا زین العابدین نخعی گلپایگانی (۱۲۶۷ - ۱۳۴۶ ق) از خواص شاگردان میرزا ابوالمعالی:

«الشیخ الزاهد و العالم العابد سلمان دهره و ابوذر عصره ذوالمجد و الشرف العالی المیرزا ابوالمعالی نجل الشیخ الزاهد و الکهف العابد منبع العلم و التقوی و معدن الحلم و النهی العالم العلیم الحاج محمد ابراهیم الکلباسی «قده» و کان شیخی مذکور من الزاهدین المنزورین المعرضین عن حطام الدنیا و رئاسه اهلها مقبلاً الی التصنیف و التألیف مصرّاً علیهما مستغرقاً لاوقاته فیهما و کان رحمه الله بازاً بی محباً و مصرّاً للمعاشره لی و المکالمه معی فی المباحث العلمیه و المطالب الاخلاقیه فرحمه الله و اعلی درجته.»^(۴)

۵. میرزا ابوالهدی کلباسی (۱۲۷۸ - ۱۳۵۶ ق):

«انه [ابوالمعالی] شمس سماء العلم و التحقیق، و بدر فلك الفضل و التدقیق، سلطان العلماء و تاج همّتهم و برهان الفقها و نجم ائمتهم، خاتم المجتهدین و زبدتهم، و قدوه المحققین و أسوتهم، فحل الاصولیین و عمادهم، و قریع الرجالیین و سنادهم، الزاهد الورع، العریف العلیم، و الحبر البدل الغطریف، العظمم العلامه، فاق الافاضل

ص: ۹۲

۱- بنگرید به بخش خاندان ابوالمعالی

۲- بیان المفخر ۲: ۱۶۵

۳- بیان المفخر ۲: ۱۶۵

۴- علمای گلپایگان ۳: ۲۸۴ - ۲۸۳

كلهم، جمعت و أيم الله فيه مناقب.

سِيمَاهُ نَاطِقَةٌ بِنُورِ عُلُومِهِ

فَجَنَابُهُ فَلَكَ وَ هُنَّ كَوَاكِبُ

المواع بافتضاض أباكار الافكار، و التحرير المتبحر الذي لم يظهر نظيره في الاعصار...»(١)

٦. حاج شيخ عباس قمي (١٢٩٤ - ١٣٥٩ ق):

«ابوالمعالی الاصفهانی عالم، فاضل، متبحر، دقیق، فکور، کثیرالتبع، حسن التحریر، کثیر التصنیف، کثیر الاحتیاط، شدید الورع،

کامل النفس، منقطع الی العلم و العمل، له مصنفات فی الفقه و الاصول و الرجال...»(٢)

٧. سید محمدحسن قوچانی معروف به آقا نجفی (١٢٩٥ - ١٣٦٣ ق):

«آقا میرزا ابوالمعالی که از علمای متبحر حالیه است و بسیار متدین... و این قدر فکور است که در نوره خانه به فکر مطلبی

بوده، ملتفت شده که اسافل اعضاء مجروح شده که طیب، مدتی معالجه می کرده و این قدر زحمت در نوشتن و تصنیف

کتاب ها می کشد که در ساعتی که به حمام می رفته، قلمدان و جزوات را با خود می برده و در همان جا نیز می نویسد ولو

دستش در حنا باشد...»(٣)

٨. حاج سید حسن امین عاملی (١٢٨٤ - ١٣٧١ ق):

«عالم، عامل، فاضل، متبحر، دقیق النظر، کثیرالتصنیف، کثیر الاحتیاط، شدید الورع، عالم ربّانی، منقطع الی العلم، لا یفتر عن

التحصیل ساعه، لم یکن فی عصره اشدّ انکباباً منه علی الاشتغال»(٤).

ص: ٩٣

١- البدر التمام: ١٩

٢- الکنی و الالقباب ١: ١٥٩؛ هدیة الاحباب: ٤٧ - ٤٦

٣- سیاحت شرق: ١٧٦

٤- اعیان الشیعه ٢: ٤٣٣

۹. شیخ محمد علی مدرّس تبریزی (۱۲۹۶ - ۱۳۷۳ ق):

« [ابوالمعالی] از فحول علمای امامیه اوایل قرن چهاردهم هجری می باشد که عالمی است فاضل، متبحر، دقیق الفکر، کثیرالتبع، محتاط و متقی، فقیه اصولی رجالی، تألیفات متنوعه بسیاری دارد که حاکی از مراتب سامیه علمیه وی می باشند. » (۱).

۱۰. میرزا حسن خان جابری انصاری (۱۲۸۷ - ۱۳۷۶ ق):

« مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی، نجل مرحوم کلباسی،.... وصف زهد و جهدش در علم و تألیفات، حدّ اوحدی نیست... علوّ مقام آن بزرگ عالم زاهد بالاتر از نگارش، تألیفات بسیار داشته، قریب به پنجاه رساله، تحقیقات فقهی و اصولی و غیرهما دارد... و شاید مرقوماتشان به یک کرور بیت برسد... » (۲).

۱۱. آقا شیخ بزرگ طهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق):

«الشیخ میرزا ابوالمعالی بن الشیخ ابراهیم الکلباسی الاصفهانی، عالم جلیل و متهد کبیر و مصنف خبیر، ولد باصفهان... و تلمذ بها علی السید الشهشہانی و السید المدرّس.... حتی برع و کمل فمن آیات فضله و اجتهاده رسائله الاصولیه... » (۳).

۱۲. میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ق):

«آقا میرزا ابوالمعالی کرباسی اصفهانی رحمه الله که کوچکترین اولاد مرحوم حاجی کرباسی «اعلی الله مقامه»... با نداشتن مربّی ظاهری از حسن قابلیت باطنی تحصیل علم را وجهه همّت عالی خود ساخته... تا از علمای بزرگوار گردید و در

ص: ۹۴

۱- ریحان‌الادب ۷: ۲۶۹

۲- تاریخ اصفهان: ۱۷۲ و ۲۹۴ - ۲۹۳

۳- نقباء البشر ۱: ۸۰ - ۷۹

دقت و احتیاط در امور دینیه به درجه ی عالی رسید و کتب چندی به رشته ی تألیف کشید که در بسیاری از مباحث و مسائل فقه و اصول و رجال رساله یی مخصوص تألیف کرده...» (۱).

«مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی «اعلی الله مقامه» از اجله ی علما و عظام و فقهای اصفهان بود و در زهد و تقوی و إعراض از دنیا و اخلاق فاضله و ملکات ملکوتیه، مقامی سامی داشته... و [در منابع مختلف] شرح جلال قدر و بزرگی و بزرگواری و حالات بابرکات و صفات هدایت آیات و تألیفات و تصنیفات آن جناب را به شرح رقم کرده اند.» (۲).

۱۳. سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶ ق):

«میرزا ابوالمعالی محمد کلباسی فرزند مرحوم حاج محمد ابراهیم، عالم فاضل محقق، مجتهد جامع فقیه اصولی جامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهدین، محقق مدقق، دقیق الفکر، کثیرالتبع، در غایت زهد و تقوی. در باره ی زهد و ورع ایشان بین الخواص و العوام حکایاتی منقول است که همگی دلالت بر عظمت مقام او می کند...» (۳).

۱۴. حاج سلطان حسین تابنده (۱۳۳۲ - - ق):

«ششمین فرزند ایشان [حاجی کرباسی]، مرحوم حاجی آقا میرزا محمد ملقب به باقر و مکتبی به ابوالمعالی بود... و او نیز در فضل و کمال و زهد و تقوی و حُسن خلق و گوشه نشینی از معاریف آن زمان بوده و نهایت ورع و تقوی را داشته و در موقع

ص: ۹۵

۱- مکارم الآثار ۴: ۱۳۰۲ - ۱۳۰۱

۲- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۹۷

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۵

فوت پدر هنوز به سنّ تکلیف نرسیده بود و از این رو در اوایل جوانی، صدماتی متحمل شده و در راه تحصیل علوم، رنجهایی کشیده تا به مقام اجتهاد رسید....»(۱).

ص: ۹۶

۱- تاریخ و جغرافیای گناباد: ۱۹۵

فصل سوّم: فرزندان و خاندان میرزا ابوالمعالی کلباسی «ره»

اشاره

ص: ۹۸

میرزا ابوالمعالی که خود از سوی پدر و مادر به دو خاندان بزرگ علمی و مذهبی تعلق داشت، همسرش را نیز از یکی از خانواده های بزرگ و نامدار جهان تشیع یعنی خاندان سید حجهالاسلام شفتی اصفهانی برگزید. همسر گرامی ابوالمعالی، دختر آقا سید زین العابدین شفتی (متوفی پیش از ۱۲۹۰ ق) بوده است. (۱) مرحوم آقا سید زین العابدین از علما و دانشمندان معتبر اصفهان بوده و اهل فضل و کمال و براعت و شهرت و جاهت به شمار آمده است. (۲) ایشان دارای دو دختر بود، که یکی از آن ها همسر آقا میرزا ابوالمعالی و دیگری، همسر آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه (۱۲۴۵ - ۱۳۲۴ ق) بوده اند. بدین ترتیب، آقا سید ابوجعفر نیز که خود از علمای به نام اصفهان و صاحب تألیف و تصنیف بوده است، باجناب میرزا ابوالمعالی به شمار می رفته است. مرحوم آقا سید ابوجعفر از طرف پدر و مادر به دو تن از شخصیت های بزرگ جهان تشیع می پیوندد. پدرش فقیه و مرجع نامی مرحوم آقا سید صدرالدین موسوی عاملی (۱۱۹۳ - ۱۲۶۳) و مادرش دختر علامه ی دهر شیخ جعفر کاشف الغطا (۱۱۵۶ - ۱۲۲۸) بوده است. (۳)

ص: ۱۰۰

۱- بنگرید به: بیان المفاخر ۲: ۱۵۸ و ۱۷۴؛ مکارم الآثار ۴: ۱۳۴۰؛ خاندان کلباسی: ۲۴۳.

۲- المآثر و الآثار ۱: ۲۲۱.

۳- گفتنی است که مرحوم آقا سید ابوجعفر از دختر آقا سید زین العابدین صاحب پسری با نام آقا سید علی شد که بعداً پدر همسر میرزا ابوالهدی کلباسی گردید. مرحوم آقا سید ابوجعفر از یکی از همسران دیگرش (دختر مرحوم صدرالاسلام نصیری) نیز صاحب فرزندی به نام آقا سید حسین - آیت الله حاج آقا حسین خادمی (۱۳۱۹ - ۱۴۰۵ ه) عالم و فقیه نامی و رئیس وقت حوزه علمی اصفهان - گردید.

میرزا ابوالمعالی از همسر گرامی اش، صاحب دو فرزند پسر و یک دختر گردید. دو پسر دانشمندش علامه میرزا جمال الدین و علامه میرزا کمال الدین ابوالهدی و دختر گرامی اش نیز همسر عالم فاضل مرحوم حاج میرزا احمد ملّاباشی بوده است. (۱)

ص: ۱۰۱

۱- مکارم الآثار ۴: ۱۳۰۴؛ بیان المفخر ۲: ۱۷۴.

اشاره

میرزا جمال الدین فرزند ارشد علامه میرزا ابوالمعالی و خود از بزرگان علما و فقهای اصفهان به شمار می رفته است. در هیچ یک از منابع موجود به سال تولد ایشان اشاره نشده است، اما با توجه به اینکه ایشان پنج سال از برادر خود میرزا ابوالهدی بزرگتر بوده است، بنابراین در سال ۱۲۷۳ ق. دیده به جهان گشوده است.

تحصیلات

میرزا جمال الدین پس از نشو و نما و تربیت نزد پدر و مادر عابد پرهیزکارش، به کسب دانش پرداخت. بیشتر تحصیلات ایشان نزد پدر بزرگوارش بود و تا زمان حیات پدر از محضر پرفیض وی در فقه و اصول و رجال و ادبیات بهره های فراوان برد و مفتخر به کسب اجازه ی حدیث نیز از سوی والد ماجدش گردید. (۱) وی هم زمان با کسب علم به تدریس و تربیت طلاب در حوزه ی اصفهان اهتمام داشت، به گونه ای که برخی از شاگردان میرزا ابوالمعالی نزد میرزا جمال الدین نیز درس خوانده اند. ایشان در همین ایام از فقیه اصولی و مرجع نامی جهان تشیع علامه میر

ص: ۱۰۲

سید محمد هاشم چهارسویی نیز اجازه ی روایت گرفت. (۱)

میرزا جمال الدین پس از حادثه ی جانگداز فوت پدر بزرگوارش، برای آگاهی از سبک فقهی و مکتب اصولی نجف اشرف، به همراه برادر گرامی اش میرزا ابوالهدی روانه ی عتبات عالیات شد. در دوران اقامت در نجف اشرف از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه‌الاصول و آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروها لوثقی استفاده نمود و از هر دو استاد گرامی اش مفتخر به دریافت اجازه گردید. (۲) ایشان در همین ایام به تدریس علوم اسلامی نیز اشتغال داشت و جمعی از طلاب و فضلا در نجف اشرف از محضر او استفاده کرده اند. (۳)

مراتب زهد و تقوی

میرزا جمال الدین را در علم و زهد تالی جدّ بزرگوارش حاجی کرباسی و پدر گرامی اش میرزا ابوالمعالی دانسته اند. (۴) ایشان همچون پدر و اجداد بزرگوارش در انزوا به سر می برده و کمتر اهل معاشرت و رفت و آمد بوده است و حتی در منزل خود به تدریس و مباحثه اشتغال داشته است و زندگی ایشان نیز در کمال قناعت و سادگی بوده است. (۵) نماز جماعت وی امتیاز خاصی داشته است و خواص و بزرگان در نماز خود به ایشان اقتدا می کردند. محل اقامه جماعت ایشان در مسجد جوجه نزدیک

ص: ۱۰۳

۱- همان، الاجازها لکبیره: ۳۵

۲- الاجازها لکبیره: ۳۵

۳- المسلسلات ۲: ۵۴

۴- تاریخ اصفهان: ۲۹۴

۵- خاندان کلباسی: ۲۴۴؛ رجال اصفهان: ۱۹۸

منزلشان جنب مسجد حکیم بوده است. (۱) وی علاوه بر جلالت در نسب و حسب، موصوف به مکارم اخلاقی و اوصاف ملکوتی نیز بوده است، به گونه ای که او و برادرش در اصفهان به سلمان و ابوذر زمان شهرت داشته اند. (۲)

تدریس و شاگردان

همان طور که پیشتر گفته شد، علامه میرزا جمال الدین همزمان با تحصیل در حوزه ی نجف اشرف به تدریس نیز اشتغال داشت و پس از بازگشت از نجف به اصفهان در سال ۱۳۴۰ ق. عمر شریف خود را به تدریس و تربیت فضلا و تألیف و تحقیق اختصاص داد و از جمله ید طولایی در نجوم داشت. (۳) از جمله شاگردان معظم له حضرات آیات: مرحوم حاج سید حسین بروجردی، حاج میرزا علی آقا شیرازی و مرحوم آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی بوده اند. آیت الله مرعشی در ایام اقامت در نجف اشرف به ویژه در ریاضیات و نجوم از محضر علامه جمال الدین استفاده کرده و از این استاد خود روایت نیز می کند. هرچند که مرحوم مرعشی از گم کردن اجازه روایتی خود از میرزا جمال الدین، اظهار تأسف کرده اما یادآور شده که از این استاد به همان طرق و مشایخ میرزا ابوالهدی روایت می کند و در واقع مشایخ این دو برادر بزرگوار در روایت و درایت یکی بوده اند. (۴)

ص: ۱۰۴

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸؛ خاندان کلباسی: ۲۴۵

۲- مقدمه ی سماء المقال ۱: ۳۹

۳- خاندان کلباسی: ۲۴۵؛ ماضی النجف و حاضرها ۳: ۲۳۶

۴- المسلسلات ۲: ۵۴؛ خبرگان ملت ۱: ۴۲۶ و ۴۲۹.

مرحوم علامه حاج میرزا جمال الدین کلباسی آثار بسیاری در فقه، اصول، هیئت، حساب و غیر آن داشته است که متأسفانه پس از فوتشان، بیشتر آن‌ها در دسترس نیست و ظاهراً برخی افراد، مخطوطات ایشان را رایگان و یا به قیمت ناچیزی خریداری کرده و برده‌اند. (۱) آنچه از تألیفات معظم له در منابع موجود اشاره شده، عبارتند از:

۱ - تلخیص الهیئه که شامل مهمات مسائل هیئت قدیم و معرفت تقویم و اسطرلاب است. (۲)

۲ - شرح بر کفایه‌ی استادش آخوند خراسانی که بصورت شرح مزجی است. (۳)

۳ - کتابی در اصول فقه از باب انسداد تا اواسط استصحاب نزدیک به سیصد صفحه. (۴)

۴ - رساله‌ای در صلوه المسافر. (۵) نسخه‌ی اصل این رساله به خط زیبای مؤلف و در دو بیست و چهار صفحه است. عبارات آغازین رساله چنین است: «المقصد الثامن فی البحث عن صلوه المسافر و الکلام اولاً فی شروطها و هی امور سته علی ما یأتی

ص: ۱۰۵

۱- خاندان کلباسی: ۲۴۶

۲- الذریعه ۴: ۴۲۸

۳- خاندان کلباسی: ۲۴۶

۴- کتابی، رجال اصفهان: ۱۹۸. در این کتاب یادآوری شده است که کتاب اصول فقه مذکور، نزد فرزند ارشد مؤلف مرحوم حاج آقا محمد مهدی موجود بوده است.

۵- متن کامل این رساله نزد آیت الله مقتدایی موجود است. با سپاسگزاری از ایشان و نیز با تشکر از امیر بازنشسته نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی جناب آقای حسین احمدی شهرآباد که همکاری صمیمانه با نگارنده در این کار داشته‌اند.

انشاء الله تعالى بيانها...» پایان رساله: «وقد وقع الفراغ بحمد الله تعالى من تحرير تلك الاوراق في ازمه وقوفى في المشهد المقدس الغروي على مشرفه الالف التحيات و قد قارن عشر الاول من اول الربيعين من عام الاربعين و الثلثاه بعد الالف من الهجره المقدسه و ارجو من الله تعالى ان يعاملنا بفضله الواسع....».

وفات و مدفن

مرحوم حاج میرزا جمال الدین سرانجام در ۱۷ ماه رمضان المبارک سال ۱۳۵۰ ق. برابر با ۵ اسفند ماه ۱۳۱۰ ش. در زادگاهش اصفهان وفات نمود و در تکیه ی مرحوم پدرش میرزا ابوالمعالی جنب قبر آن بزرگوار آرمید. (۱)

بر روی سنگ قبر وی، جملات زیر نقش بسته است:

«کل من علیها فان آرامگاه آیهالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی طاب ثراه وفات رمضان المبارک ۱۳۵۰ قمری
فرزند مرحوم آیهالله العظمی آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی اعلى الله مقامه الشریف»

همسر و فرزندان

مرحوم آقا میرزا جمال الدین در حدود سال ۱۳۲۸ ق. با دختر عالم فقیه فاضل مرحوم حاج شیخ ابوتراب کلباسی (۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ ق) فرزند حاج شیخ محمد جعفر بن حاجی کرباسی، ازدواج نمود. (۲) حاصل این ازدواج دو پسر و یک دختر بوده

ص: ۱۰۶

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۱. در کتاب خاندان کلباسی تاریخ وفات میرزا جمال الدین ۱۸ ماه رمضان آمده است ولی با توجه به اینکه مرحوم معلّم حبیب آبادی در آن ایام در اصفهان بوده و خود می فرماید که تاریخ فوت را در همان روز وفات یادداشت نموده است، آنچه در متن آمده صحیح تر به نظر می رسد.

۲- خاندان کلباسی: ۲۴۵ و ۱۹۸

است. (۱) پسران ایشان در سلک روحانیت و از علمای علوم دینی نبوده اند (۲) ولی دختر آن مرحوم، همسر عالم فاضل جلیل مرحوم حاج میرزا محمود مقتدایی خوراسگانی (متوفی ۱۳۸۴ ق) بوده است. (۳) گفتنی است که اولاد و احفاد مرحوم علامه حاج میرزا جمال الدین، نام خانوادگی خود را در شناسنامه «کلباسی غروی» برگزیده اند. (۴)

علامه میرزا جمال الدین کلباسی در آثار دیگران

در کتاب احوال حاجی کرباسی و اولادش:

«مرحوم حاجی میرزا جمال الدین از علما و فقها و مانند پدر اهل زهد و تقوی و ذکر و فکر و عبادت بود...» (۵)

در کتاب الاجازه الکبیره:

«استاذی العلامة آیةالله الحاج میرزا جمال الدین الکرباسی بن العلامة المیرزا ابی المعالی ابن العلامة الحاج محمد ابراهیم الکرباسی، عالم فاضل ورع...» (۶)

در کتاب ماضی النجف و حاضرها:

«الشیخ میرزا جمال الدین.... کان عالماً فاضلاً منزویاً عن الناس متأسیاً بآبائه فی الورع... کان مصاحباً لآخیه ابی الهدی الی ان توفی و له الید الطولی فی الهیئه مستقلاً

ص: ۱۰۷

۱- همان؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۲- بنگرید به: خاندان کلباسی: ۲۴۷ - ۲۴۶

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۴- خاندان کلباسی: ۲۴۶

۵- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۱ - ۱۰۰

۶- الاجازه الکبیره: ۳۵

فی التدریس فی داره....»(۱)

در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان:

«حاج میرزا جمال الدین کلباسی فرزند آقا میرزا ابوالمعالی، از اعظم علما و مجتهدین، ازهد زهاد و عابدترین افراد زمان خود بود.... مدت عمر دقیقه ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود و در مسجد جورجیر (جوجی) جنب مسجد حکیم اقامه ی جماعت می فرمود و نماز ایشان از زبده ترین جماعات اصفهان محسوب می شد.»(۲)

در کتاب خاندن کلباسی:

«حضرت حجهالاسلام و المسلمین عمده العلماء و المجتهدین مرحوم آقای حاج میرزا جمال الدین کلباسی، از بزرگان عصر خود بود و در فقه و اصول ید طولایی داشت و در زهد و تقوا و عبادت و احتیاط به پدر و جدّ بزرگوارش تأسی نموده بود....»(۳)

آیت الله حاج میرزا محمود مقتدایی

حاج میرزا محمود مقتدایی در سال ۱۲۷۸ خورشیدی در خوراسگان اصفهان دیده به جهان گشود. پدر وی آمیرزا علی مقتدایی، از علما و بزرگان خوراسگان و فردی عابد، زاهد و سالک بوده است. آمیرزا علی دائم الذکر و همواره زبانش مترنم به اذکار و او را شرعیه بوده به طوری که هیچ گاه و در هیچ حالتی، از آن غافل نبوده

ص: ۱۰۸

۱- ماضی النجف و حاضرها ۳: ۲۳۶

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸

۳- خاندان کلباسی: ۲۴۴

است. وی در زادگاهش از دنیا رفت و در امام زاده اسحاق خوراسگان مدفون گردید. پدر آمیرزا علی یعنی مرحوم آملامحمد باقر معروف به آخوند نیز از بزرگان اهل معنی و زهد و تقوی بوده و کرامتی نیز از ایشان، پس از فوتش مشاهده شده است. نقل می کنند که به هنگام تعمیر امام زاده اسحاق بن موسی بن جعفر علیهما السلام و سنگ فرش حرم، ناگهان سقف یکی از قبور خراب شده و پیکر مرحوم آملامحمد باقر پیدا می شود. بلافاصله چند نفر به نزد مرحوم حاج شیخ محمود مقتدایی آمده و به ایشان خبر می دهند که در جریان تعمیر امام زاده، قبر آخوند خرابی پیدا کرده و جنازه کاملاً سالم مشهود است. ایشان به همراه چند تن از جمله فرزند خردسالش (۱) به امام زاده می روند و مرحوم حاج میرزا محمود به همراه افرادی که برای دیدار قبر رفته بودند، می بینند که جنازه ی آخوند (آملامحمد باقر) حتی رنگ حنای محاسن ایشان هنوزتر و تازه است. (۲)

حاج میرزا محمود مقتدایی که در خاندان علم و زهد و تقوی، تربیت یافته بود، نزد علما و بزرگان اصفهان به تحصیل علم پرداخت و به ویژه از محضر فقیه اصولی و مجتهد نامی علامه ی محقق مرحوم حاج آقا میر سید محمد نجف آبادی استفاده ی بسیار برد و موفق به کسب اجازه ی اجتهاد استاد خود گردید که متن اجازه نامه به دست خط مبارک استاد نزد فرزند مجاز، موجود است. از مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی اردکانی - از بزرگان علماء و مدرسین حوزه ی علمیه ی اصفهان و از بهترین مدرسین کفایه الاصول در دوران اخیر - که با مرحوم میرزا محمود مقتدایی در درس

ص: ۱۰۹

-
- ۱- یعنی جناب آقای حاج شیخ مرتضی مقتدایی که اکنون از علما و مدرسین حوزه علمیه قم می باشند. با سپاس گذاری از معظم له که اطلاعات و اسناد ارزشمندی درباره ی پدر و خاندان گرامی شان در اختیار نگارنده قرار دادند.
 - ۲- خبرگان ملت ۱: ۴۲۵.

علامه میر سید محمد نجف آبادی، هم مباحثه بوده اند، نقل شده است که فرمود: مرحوم حاج میرزا محمود، فردی با استعداد بسیار قوی و همچنین پر کار بوده و مطالعه و تحقیق بسیاری می نموده است. (۱)

مرحوم حاج میرزا محمود مقتدایی، چند ماهی نیز از محضر مؤسس حوزه علمیه قم، مرجع و فقیه عالی قدر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده نمود. ایشان در دوران اقامت و تحصیل در قم با بزرگانی مانند امام خمینی و مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت الله داماد هم مباحثه بوده است. از آنجا که مرحوم آ میرزا علی به فرزندش میرزا محمود، علاقه و وابستگی بسیاری داشته است، به قم مشرف شده و خطاب به فرزندش فرموده بوده که دیگر راضی به ماندن میرزا محمود در قم نیست و لذا مرحوم میرزا محمود پس از یکی دو ماه توقف در قم، راهی اصفهان می گردد.

از امتیازات مرحوم حاج میرزا محمود مقتدایی، این بوده است که معظم له در زمانی که به دستور رضاخان ستمگر، قانون متحد الشکل بودن لباس وضع گردید و عمامه از سر روحانیت برداشته شد، ایشان دارای جواز استفاده از لباس روحانیت بوده است. در آن زمان، از سوی اداره فرهنگ، امتحانات بسیار دشواری از روحانیون گرفته می شود و هر چند بنای ممتحنین بر آن بود که کسی پذیرفته نشود، اما در صورتی که فرد از این آزمون سخت، نمره ی قبولی می آورد، به او برگه ای داده می شد که از آن به جواز مدرّسی تعبیر می کردند و شخص با داشتن این برگه و به فعالیت های اجتماعی اش اجازه ی تدریس و پوشیدن عمامه و اشتغال را داشت. مرحوم حاج میرزا محمود مقتدایی که توانسته بود این امتحان را با موفقیت پشت سر گذراند، از

ص: ۱۱۰

۱- این مطلب را مرحوم آیت الله اردکانی به آقای حاج شیخ مرتضی مقتدایی فرموده بوده اند.

معدود کسانی بود که برگه ی جواز را دریافت نمود و در آن زمان در شهر اصفهان، ظاهراً کمتر از ده نفر از روحانیون دارای این جواز بوده اند. این برگه ی جواز در اسناد و مدارک خانوادگی محفوظ مانده است. با این حال، ایشان از شهر به روستای خوراسگان محله پزوه که زادگان ایشان بود مهاجرت و در آن محل به جماعت و منبر و امور شرعی و عرفی ارباب رجوع، اشتغال داشت! (۱)

نکته ی شایان توجه دیگر در باره ی مرحوم حاج میرزا محمود، جریان ازدواج ایشان با دختر مرحوم آیت الله حاج میرزا جمال الدین کلباسی است. میرزا محمود برای خواستگاری از دختر حاج میرزا جمال، عموزاده ی ایشان یعنی مرحوم آیت الله حاج میرزا رضا کلباسی - از فقها و حکما و مدرسین نامدار حوزه های اصفهان و مشهد مقدس، متوفی به سال ۱۳۳۸ ق. و مدفون در حرم رضوی - را واسطه ی این کار خیر می کند. مرحوم حاج میرزا رضا نزد حاج آقا جمال رفته و شروع به بیان اوصاف اخلاقی و درجات علمی میرزا محمود می نماید و مرحوم حاج آقا جمال با شنیدن ویژگی های پسندیده ی میرزا محمود، بدون هیچ مضایقه ای، با این پیوند موافقت کرده و با مهریه ی بسیار اندکی حاجیه خانم فاطمه کلباسی که خود، اهل علم و تقوی و تهجد و درستکاری بوده، را به عقد میرزا محمود در می آورند.

وضعیت زندگی میرزا محمود و خانواده اش، بسیار ساده و بی آلایش و پائین تر از حد متوسط آن زمان بوده است. مراجعات روزانه به معظم له زیاد بوده، به گونه ای که برخی مراجعان، سؤالات دینی و مسائل شرعی مطرح می کرده اند و برخی برای پرداخت وجوهات و حساب سال و عقد نکاح و حتی اختلافات و نزاع های خانوادگی و غیره و تصدیق معاملات - که آن موقع پس از امضاء و تأیید ایشان به منزله

ص: ۱۱۱

سند رسمی و دارای اعتبار تلقی می شد - مراجعه می کردند.

از دیگر ویژگی های حاج میرزا محمود مقتدایی این بوده است که به هیچ وجه از سهم مبارک امام و وجوهات شرعیه در زندگی خود و خانواده اش مصرف نمی کرد. از جمله فرزند ایشان نقل می کنند که: «زمانی، ایشان نیاز به پول خرد داشت، یک اسکناس پنج تومانی به من داد تا خُرد کنم و این در حالی بود که دیدم در کیف پولشان، اسکناس های یک تومانی و بیست ریالی موجود است. پرسیدم: چرا از این ها بر نمی داری؟ فرمود: این ها سهم مبارک امام است، من تصرف نمی کنم.»^(۱)

گفتنی است که از مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود مقتدایی، جزواتی در فقه که تقریرات درس خارج فقه استادش آقا میر سید محمد نجف آبادی بوده، باقی مانده است که تصویری از آن در پایان کتاب آمده است. حاج میرزا محمود سرانجام در روز سه شنبه بیست و دوم جمادی الاولی سال ۱۳۸۴ ق. بدرود حیات گفت و در جوار تربت پدر همسرش حاج میرزا جمال الدین کلباسی، داخل بقعه، مدفون گردید.^(۲)

از ایشان یک فرزند پسر و یک دختر به جای مانده است. پسر ایشان جناب آقای حاج شیخ مرتضی مقتدایی روز سیزدهم رجب مطابق با ۱۳۱۴ ش. در محله مسجد حکیم شهر اصفهان دیده به جهان گشود. در روستای خوراسگان علاوه بر رفتن به مدرسه ی ابتدایی، نزد پدر خواندن مقدمات را تمام نمود. از اساتید ایشان در حوزه ی اصفهان می توان به حضرات آیات: حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، شیخ احمد فیاض، سید ابوالحسن شمس آبادی، حاج آقا میرزا رضا کلباسی، حاج میرزا علی آقا شیرزای، حاج سید حسین خادمی، مجد العلماء، و در حوزه ی قم به آیات عظام: حاج

ص: ۱۱۲

۱- همان: ۴۲۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱.

سید حسین بروجردی، حاج سید روح الله خمینی، حاج سید محمد حسین طباطبایی، حاج سید محمد محقق داماد، حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج سید محمد رضا گلپایگانی اشاره کرد.

آیت الله مقتدایی، بیش از دو دهه است که به تدریس و تربیت طلاب در حوزه علمیه قم و به ویژه در چند سال اخیر به تدریس خارج قضا و شهادت اشتغال دارد. به همت ایشان، برای مردم خوراسگان: صندوق قرض الحسنه، انجمن ایتم و تأسیس بنای مدرسه امام صادق علیه السلام و جامعه فاطمه الزهراء علیها السلام راه اندازی شده است. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به مشاغل مهم و مصادر حساسی اشتغال داشته است که از جمله می توان به: عضو و سخن گوی شورای عالی قضایی، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دادرسی دیوان عالی و دادستانی کل کشور، عضویت در جامعه مدرسین و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، اشاره کرد. (۱)

از دختر مرحوم حاج میرزا محمود مقتدایی نیز چندین فرزند فاضل دانشمند از پزشک و روحانی [با نا خانوادگی فراهینی] به جای مانده است که به وظایف دینی و فعالیت های اجتماعی خود مشغول می باشند.

ص: ۱۱۳

نام، لقب و کنیه

دومین پسر علامه میرزا ابوالمعالی، ملقب به کمال الدین و مکنی به ابوالهدی می باشد. (۱) میرزا کمال الدین نیز مانند پدر بزرگوار خود به کنیه اش مشهور بوده و در میان خواص و عوام به میرزا ابوالهدی یا حاج میرزا هدی شهرت داشته است. از عبارات فقیه علامه میر سید محمد هاشم چهارسویی، در اجازه نامه ای که برای میرزا ابوالهدی صادر فرموده، روشن می گردد که میرزا ابوالمعالی خود، کنیه ی ابوالهدی را برای فرزندش برگزیده است. (۲)

تولد

تا پیش از این هیچ آگاهی از تاریخ تولد میرزا ابوالهدی در دست نبود و حتی فرزند بزرگوار میرزا ابوالهدی نیز در مقدمه ی بر سماء المقال پدر گرامی اش، در این خصوص، اظهار بی اطلاعی کرده اند. نگارنده در بین یادداشت های مرحوم آیت الله

ص: ۱۱۴

۱- البدر التمام: ۴۵

۲- همان: ۴۶

حاج شیخ محمد کلباسی - یگانه پسر میرزا ابوالهدی - به برگه ای دست یافت که تاریخ دقیق روز و ماه و سال تولد پدر خود را با استناد به منبع موثق گزارش کرده که احتمالاً بعدها خود نیز آن را فراموش کرده بوده اند. عین عبارات ایشان چنین است:

«تاریخ تولد ایشان [مرحوم والد] را نقل می نمایم از آنچه جناب آقای سید ابوالحسن کتابی سلمه الله تعالی نقل نموده اند و هذا عین عبارتته: منقول بظهر الفیه محمودیه به خط مرحوم حاج میرزا هدی «رحمه الله علیه» «تاریخ تولدی ۲۲ شهر شعبان المعظم من سنه ۱۲۷۸ ربنا وفقنا الخ کمال الدین ابوالهدی انتهى.» و اگرچه در نظرم دارم موقعی ایشان برای تشخیص سنّ به الفیه خطی خویش مراجعه و سنّ تقریبی خویش را به دست آوردند و آن کاملاً با همین نقل نزدیک است؛ و ضمناً معلوم می شود ایشان ضبط سنّ خویش را در ظهر الفیه محمودیه فراموش نموده بوده اند. محمد بن ابوالهدی الکلباسی».

و از این عبارات معلوم می شود که فرزند گرامی میرزا ابوالهدی نیز، این مطلب را فراموش کرده و یا پس از چاپ سماء المقال بدان دست یافته اند که البته بعید است، زیرا در چاپ دوم سماءالمقال که در اواخر عمر ایشان انجام گرفت، همچنان در مقدمه ی جدید آن، از این مطلب اظهار بی اطلاعی کرده و اظهار داشته اند که علت پنهان ماندن این مطلب، عدم اهتمام جدّ گرامیشان میرزا ابوالمعالی نسبت به ضبط این گونه امور بوده است. (۱)

تربیت و تحصیلات

میرزا ابوالهدی در کنار برادرش میرزا جمال الدین در آغوش گرم مادر پرهیزکار

ص: ۱۱۵

عابد و پدر علامه ی زاهدشان قرار گرفتند و از کمالات و فضائل والدین خود تأثیر بسزایی پذیرفتند. ایشان در مورد تحصیلات خود می نویسد: «عمده ی تحصیل من در خدمت والد محقق بود و چون عمده ی تدریس ایشان در اصول و کمی هم در فقه و رجال بود، لذا در خلال این مدت و بعداً نیز به طور مستقل به فقه و رجال نیز پرداختم.»^(۱) وی هم زمان با استفاده از محضر پدر، در حوزه ی درسی فقیه اصولی نامدار حاج شیخ محمد باقر نجفی نیز شرکت کرد و با آرا و اندیشه های این دانشمند بزرگ آشنا گشت.^(۲) مرحوم ابوالهدی در خلال این ایام، موفق به کسب اجازه ی روایتی از محضر سیدالفقها علامه میر محمد هاشم چهارسویی نیز گردید که متن کامل آن را در بدرالتمام آورده است.^(۳)

علامه ابوالهدی که تا زمان فوت پدر بزرگوارش از محضر پرفیض او استفاده ی کامل کرده و اینک خود فقیهی خبیر و مجتهدی بصیر و محقق عمیق گشته بود و حتی دارای حوزه ی درسی نیز بود، با این حال پس از فوت پدر، برای آگاهی از دیگر مکاتب فقهی و اصولی جهان تشیع به همراه برادر گرامی اش راهی عتبات عالیات و استفاده از محضر فقها و مراجع نامدار آن دیار عرشی شد. اساتید ایشان در نجف اشرف آیات عظام: ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه بوده اند.^(۴) که از ناحیه ی این دو بزرگوار موفق به دریافت اجازه نیز گردید. وی در عتبات عالیات از محضر دو فقیه محدث و متکلم متبحر: حاج سید حسن صدر کاظمینی و حاج ملا علی محمد نجف آبادی، مفتخر به

ص: ۱۱۶

۱- بدرالتمام: ۴۵

۲- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۲

۳- بدرالتمام: ۴۶ - ۴۵

۴- مقدمه ی سماءالمقال ۱: ۳۳؛ یادداشت های شخصی ابوالهدی: دفترچه ی بیاض

أخذ اجازة شد. (۱)

بدین ترتیب مجموع اساتید و مشایخ علامه میرزا ابوالهدی، هفت تن از بزرگان فقها و اصولیین و حکمای الهی بوده اند یعنی حضرات آیات عظام:

میرزا ابوالمعالی کلباسی (۱۲۴۷ - ۱۳۱۵ ق)

شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی (۱۲۳۵ - ۱۳۰۱ ق)

سید محمد هاشم چهارسویی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ق)

ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق)

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ق)

سید حسن صدر کاظمینی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق)

ملا علی محمد نجف آبادی (متوفی ۱۳۳۲ ق)

به جز نفر دوم که تنها، استاد درس میرزا ابوالهدی بوده است، شش نفر دیگر از مشایخ اجازة ی او به شمار می روند که البته نفرات اول تا پنجم، استاد درس نیز بوده اند و لی نفرات ششم و هفتم، فقط شیخ اجازة ی ایشان قلمداد می شوند.

گفتنی است که در برخی منابع از فقیه اصولی و مرجع نامی شیخ الشریعه اصفهانی نیز به عنوان استاد فقه میرزا ابوالهدی یاد شده است. (۲)

معاصران

عصری که علامه میرزا ابوالهدی در اصفهان مشغول به تحصیل و تدریس و تربیت دانش پژوهان بود، اصفهان از مراکز مهم ترویج و تعلیم علوم اسلامی و معارف

ص: ۱۱۷

۱- مقدمه ی سماءالمقال ۱ : ۳۴

۲- المسلسلات ۲ : ۵۳

شیعی به شمار می رفت. مرحوم ابوالهدی خود با بسیاری از بزرگان فقها و حکمای امامیه در قرن چهاردهم هجری هم زمان بود که بسیاری از آن ها، از شاگردان پدر گرامیش میرزا ابوالمعالی نیز به شمار می رفتند. از جمله مشاهیر معاصران وی می توان به حضرات آیات عظام: سید محمد باقر درچه ای، سید ابوالقاسم دهکردی، میر سید محمد تقی مدرّس، میر سید محمد صادق خاتون آبادی، شیخ آقا منیرالدین بروجردی، شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی، سید عبدالله ثقهالاسلام، ملا اسماعیل درب کوشکی اصفهانی، شیخ اسدالله حکیم، آخوند گزی و حاج محمد جواد سرجویی بیدآبادی اشاره نمود.

مقام علمی و حوزه تدریس

میرزا ابوالهدی شب و روز با جدّیت تمام، چه در اصفهان و چه در ایام اقامت در عتبات به ویژه نجف اشرف، به بحث و درس و تألیف و تدریس اشتغال داشت و از عمر شریف خود بهترین استفاده را برد و بالاترین استفاده را نیز به دیگران داد. ایشان در همان ایامی که از محضر پدر علامه اش میرزا ابوالمعالی در اصفهان بهره می برد، خود به تدریس و تربیت فضلا و طلاب نیز اشتغال داشت و در فقه و اصول و رجال تدریس می کرد.^(۱) در همین دوران بوده است که زعیم اعظم مرحوم آیت الله بروجردی رسائل شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالهدی می خوانده است.^(۲) علامه ابوالهدی که در ایام اقامت در نجف اشرف موفق به درک دو دوره درس کفایه ی استادش آخوند خراسانی شده و در فقه نیز بیشترین بهره را از محضر صاحب

ص: ۱۱۸

۱- سماءالمقال، مقدمه، ۱: ۳۳

۲- سماءالمقال، مقدمه، ۱: ۳۳

عروهلوثقی برده بود،(۱) با بازگشت به اصفهان حوزه تدریس فقه و اصول و به ویژه رجال را گسترانید و در این اواخر بیشترین تدریس ایشان در فنّ رجال و بر اساس کتاب بی نظیرش سماءالمقال بود، به گونه ای که این کتاب را چندین بار در معرض بحث و تحقیق و تدریس قرار داد.(۲) از جمله کسانی که این کتاب را نزد وی - در نجف اشرف - قرائت نمود، مرحوم آیت الله مرعشی نجفی بوده است.(۳) حوزه ی درس رجال معظم له از هر جهت ممتاز و تبحر و استادی ایشان در این علم مورد اتفاق عموم علما و دانشمندان بود و دانش پژوهان را از دیگر بلاد و شهرهای دور و نزدیک به این حوزه کشانید.

محل تدریس میرزا ابوالهدی همچون پدر و جدّ گرامی اش، ابتدا در مدرسه ی کلباسی بوده است ولی چون مرحوم ابوالهدی از معاشرت با مردم گریزان بود، اهل فضل و دانش جهت استفاده ی علمی به منزل ایشان می رفتند و حوزه ی تدریس معظم له بیشتر در خانه ی شخصی شان - که همان خانه ی پدر و جدّ گرامیشان جنب مدرسه ی مذکور در محلّه ی مسجد حکیم قرار داشته - تشکیل می شده است.(۴)

شاگردان و راویان

تعداد بسیاری از طلاب و فضلا از محضر پرفیض علامه ابوالهدی - چه در اصفهان و چه در نجف اشرف بهره برده اند که متأسفانه تاکنون به جز اندکی، از نام بقیه آگاهی نداریم. نام برخی از شاگردان و یا کسانی که از ایشان روایت کرده اند و محلّ

ص: ۱۱۹

۱- سماءالمقال، مقدمه : ۳۳

۲- همان

۳- المسلسلات ۲ : ۵۴

۴- حقوق زن و میراث، مقدمه : ۵ - ۴

تحصیل یا دریافت اجازه ی آن ها اصفهان یا عتبات عالیات بوده است،^(۱) عبارتند از حضرات آیات عظام و حجج اسلام:

سید ابوالحسن کرونى شیخ ابوالفضل نجفی اصفهانی شیخ احمد فیاض سدهی سید حسن خراسانی شیخ ذبیح الله محلاتی سید شهاب الدین مرعشی نجفی شیخ عبدالحسین گروسی شیخ میرزا علی آقا شیرازی شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی شیخ محمد باقر زند کرمانی سید محمد حسین بروجردی طباطبایی سید محمد حسین مهدوی اردکانی شیخ محمد کاظم [اصفهانى] شیخ هبه الله هرندى البته شاگردان میرزا ابوالهدی بسیار بیش از این تعداد بوده است و می توان حدس زد که با توجه به تبحر علمی و اوصاف ملکوتی و زهد و مکارم اخلاقی معظم له،

ص: ۱۲۰

۱- بنگرید به: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۲۸۵ و ۳۰۷ و ۳۵۳؛ وقایع الایام: ۲۶۷؛ تربت پاکان قم ۱: ۲۵۲؛ ارمغان اصفهان: ۹۰؛ مجله ی حوزه، ش ۸۳: ۳۶؛ الاجازه الکبیره: ۲۱؛ المسلسلات ۲: ۵۴ - ۵۵؛ مقدمه ی سماءالمقال ۱: ۳۴؛ فطرت بیدار زمان: ۴۵؛ اجازات (مخطوط).

بسیاری از علما و مدرّسین نامدار حوزه ی اصفهان در دوران اخیر از محضر ایشان استفاده کرده اند. بنابر این، احتمال می رود که بزرگانی مانند حضرات آیات: حاج سید عبدالحسین طّیب، حاج سید محمدرضا خراسانی، حاج سید حسین خادمی، حاج شیخ محمود مفید، حاج شیخ مرتضی اردکانی، آقا سید حسن مدرّس اصفهانی، حاج شیخ نورالدین اشنی و حاج شیخ عباسعلی ادیب از محضر میرزا ابوالهدی بهره برده باشند.

جایگاه ممتاز علامه میرزا ابوالهدی در علم رجال و داریه

از آثار و تألیفات به جای مانده از میرزا ابوالهدی و مقام علمی شاگردان وی به خوبی روشن است که این عالم بزرگ در علوم مختلف اسلامی مانند فقه، اصول، رجال، تفسیر و کلام، تبحری به سزا داشته و از بزرگان فقها و اصولیین و محدّثین قرن چهاردهم هجری به شمار می رود. با این حال، معظم له در میان علوم و معارف اسلامی به علم رجال و درایه عنایت ویژه ای داشت و زحمت و تلاش بسیاری در تحصیل آن و نیز تألیف و تصنیف در آن متحمل گشت، به گونه ای که مجلس درس او نیز در علم رجال، منحصر به فرد بود.^(۱) ایشان در علم رجال و تشخیص و تمیز روایات و اصحاب ائمه علیهم السلام تبعی کافی و تبحری وافی داشت و حوزه ی تدریس او در این رشته، از هر جهت ممتاز و استادی او در این دانش، مورد اتفاق عموم علما و دانشمندان بود. آوازه ی کرسی تدریس او در علم رجال، طلاب و دانش پژوهان را از شهرهای دور و نزدیک به سوی او کشانید و توجه علما و فضلا را به خود جلب نمود. حتّی در این اواخر بیشترین تدریس معظم له در فن رجال و درایه بود و کتاب

ص: ۱۲۱

معروف خود سماءالمقال را برای شاگردان تدریس می نمود و آن را در معرض بحث و نظر قرار می داد.^(۱)

خبرگی علامه ابوالهدی در این فن، مورد اعتراف فقها و محدّثین نامدار شیعه قرار داشت، از جمله علامه رجالی و فقیه اصولی، آیت الله حاج سید ابو محمد حسن صدرالدین کاظمی در اجازه ی مفصلی که به میرزا ابوالهدی داده است، وی را چنین توصیف می کند: «... و هو من افضل علماء الدرايه و فقهاء الاحكام و الهدايه».^(۲)

به عقیده ی فقیه زاهد و مرجع کامل مرحوم حاج سید عبدالهادی شیرازی نیز، میرزا ابوالهدی، علم رجال را از حالت نقل و حکایت به جایگاه تحقیق و درایه، ترفیع داده است.^(۳) فقیه نامی و مرجع بزرگ و مدرس نامدار حوزه علمیه قم مرحوم حاج سید صدرالدین صدر نیز در تقریظ خود بر سماءالمقال به ممتاز و یگانه بودن آن و مؤلفش در میان آثار علمی و علمای شیعی اذعان کرده است.^(۴)

علت توجه میرزا ابوالهدی به علم رجال

انگیزه ی اساسی میرزا ابوالهدی در روی آوردن به فن رجال و اختصاص بسیاری از نوشتجات خود به این رشته علمی و نیز به تدریس در آن، این بود که این علم را در زمان خود، دانشی مهجور و محلّ بی اعتنایی دانشمندان و علما می دید. «انصاف این است که آنچه در علم رجال نوشته ام، نظیر و مانند آن در بیشتر ازمنه و ادوار مهجور

ص: ۱۲۲

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۰؛ المسلسلات ۲: ۵۳؛ وقایع الایام: ۲۶۷

۲- سماءالمقال، مقدمه: ۳۳

۳- همان: ۳۸

۴- متن تقریظ آیهاالله صدر به خط خود ایشان در پایان این کتاب به طور کامل خواهد آمد.

است...» (۱) ایشان در مقدمه‌ی فوائد رجالی خود نیز یادآور شده است که هرچند در این دوران، تمامی علوم اسلامی دچار زوال و در معرض اضمحلال قرار گرفته‌اند اما علم درایه و رجال بیش از بقیه مورد بی‌مهری قرار گرفته و لذا در نظر دارد تا به احیا و زدودن غبار از چهره‌ی آن پردازد. (۲)

به نظر میرزا ابوالهدی، دانش رجال یکی از ارکانِ دو علم فقه و اصول به شمار می‌رود و شناخت آن و فهم مسائل و مطالبش، برای رسیدن به درجه‌ی اجتهاد، امری کاملاً لازم و ضروری است. ایشان در یکی از رسائل خود اشاره دارد که بسیاری از علمای اعلام اثبات کرده‌اند که آگاهی از احوال روات، از شرایط اجتهاد می‌باشد. از جمله فاضل بحرانی در کتاب خود معراج اهل الکمال می‌گوید: شناخت نسبت به احوال روات و مراتب ایشان، اساس شناخت احکام شرعی است. حاجی کرباسی نیز در اشارات با برشمردن علم رجال از شرایط اجتهاد، طلاب و فضلا را از هرگونه کاهلی یا روی گردانی از آن، بر حذر داشته است. آن‌گاه به شیوه‌ی علمای بزرگ شیعه در به جای گذاشتن آثار مهمی در علم رجال اشاره می‌کند و در این خصوص از بزرگانی چون شیخ طوسی، فاضل حلّی، صاحب معالم، شیخ محمد، سید داماد، علامه بهبهانی، سید سند نجفی، حاجی کرباسی و سید حجه‌الاسلام نام می‌برد. سپس به آثار پدر علامه محققش میرزا ابوالمعالی در علم رجال اشاره و آنها را در بین متقدمین و متأخرین بی‌نظیر دانسته است. (۳) میرزا ابوالهدی در یکی از رسائل رجالی خود اشاره می‌کند که اهمیت و لزوم دانش رجالی نزد پدر علامه اش میرزا ابوالمعالی

ص: ۱۲۳

۱- البدرالتمام: ۴۵

۲- الفوائد الرجالیه (نسخه خطی): مقدمه

۳- اجازه نامه‌ی شیخ عبدالحسین گروسی (خطی)

تا بدان جا بوده است که هنگامی که یکی از علما از ایشان درخواست اجازه کرده بود، ایشان از شناخت او نسبت به علم رجال سؤال می کند و چون عدم وقوف او را می بیند، از دادن اجازه خودداری می فرماید. (۱)

بدین ترتیب علمای محقق و بزرگان مدقق از متقدمین تا متأخرین و معاصرین، توجهی خاص به علم رجال داشته و تصانیف بی مانندی در آن، از خود به جای گذاشته اند زیرا که تحقیق درباره مسائل متوقف بر آن است و مناط، جز با رجوع به آن به دست نمی آید. در واقع، بیشتر احکام دینی، از اخبار نبوی صلی الله علیه و آله و آثار معصومین علیهم السلام به دست آمده و لذا شناخت رجالی که ناقل این اخبار بوده اند، امری ضروری و پایه ی شناخت احکام شرعی به شمار می رود. (۲)

احوال شخصی و فضایل اخلاقی

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی اهل علم و عمل هردو بود و میان کردار و رفتارش سازگاری کامل برقرار بود. او فرزند و نواده ی شایسته ی پدر و جدّ گرامی اش بود و همچون آن دو بزرگوار در زهد و تقوی، عبادت و طهارت نفس، اخلاق فاضله و اوصاف حمیده، کناره گیری از دنیا و توجه به آخرت، یگانه ی دوران بود و حتّی صاحب مکاشفات و خوارق عاداتی بود که از کمتر کسی مانند او تاکنون شنیده یا دیده شده است.

ص: ۱۲۴

۱- رساله در تعریف و موضوع و فائده رجال (خطی)

۲- همان

زهد و ورع میرزا ابوالهدی تا اندازه ای بود که به گفته ی آیت الله بروجردی، او و برادرش میرزا جمال الدین نزد مردم به سلمان و اباذر معروف بودند.^(۱) میرزا ابوالهدی از دنیا و زینت های آن چشم پوشی کرده و در کنج خلوت خویش به ذکر و عبادت و ریاضت مشغول بود. وی با آن که از علما و مدرسین بزرگ زمان خود بود و حوزه ی درسی اش محل توجه خواص قرار داشت، اما انزوا را بر اجتماع ترجیح داده بود و زهد او مانع شهرتش، آن گونه که باید، گردید.

مرحوم حاج آقا سید صدرالدین هاطلی کوهپایی (۱۳۰۱ - ۱۳۷۲ ق.) که خود عالمی زاهد و وارسته و از فقیهان و حکیمان بنام و مدرسین بزرگ حوزه ی اصفهان به شمار می رفت، در اصفهان به آقایان: میرزا ابوالهدی کلباسی و حاج ملاحسینعلی صدیقین ارادتی تمام داشت و نماز خود را به ایشان اقتدا می نمود.^(۲)

میرزا ابوالهدی و جمال الدین فرشتگان بر روی زمین

مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد فیاض - از شاگردان و مریدان میرزا ابوالهدی و میرزا جمال الدین - در وصف دو استاد و مراد خود می فرماید: حاج میرزا هدی در علم حدیث بسیار وارد بود و درسی در رجال حدیث داشت که خدمتشان می رفتیم و تألیفاتی هم داشت و مرحوم میرزا جمال درس و بحثی نداشت فقط منزلشان رفت و آمد داشتیم. [این دو] خیلی مواظب بودند که حرف لغوی نزنند و ما حرف لغوی از ایشان نشینیدیم. همیشه مشغول ذکر و فکر و درس بودند. حاج آقا رحیم ارباب

ص: ۱۲۵

۱- سماءالمقال، مقدمه : ۳۹

۲- علوم و عقاید: ۳۳

فرموده بودند که: این دو برادر به ملک اشبهند تا به انسان.^(۱)

فناعت و پرهیز از تجمل

میرزا ابوالهدی، در خوراک و پوشاک و مسکن و دیگر وسائل معیشتی به ضروریات اکتفا می نمود و هیچگاه توجهی به زخارف دنیوی نشان نمی داد^(۲) و گویی دنیا را به تاسی از مولایش امیر مؤمنان علی علیه السلام سه طلاقه کرده بود.

عنایت ویژه به نماز در اول وقت و تأکید بر تعقیبات

ایشان همواره فریضه ی خود را در اول وقت انجام می داد و از کسانی که ادای فریضه را به تأخیر می اندازند، اظهار شگفتی می نمود. در یکی از شب هایی که ایشان برای ادای نماز مغرب آماده می شد، صدای کوبیدن درب منزل آمد و آن مرحوم فرموده بود: بدانید این کسی که مشغول در زدن در این هنگام است، نادان [احمق] است زیرا نماز مغرب را ترک کرده و اینجا آمده است.^(۳)

ایشان پس از ادای فریضه، تا چند ساعت بعد به ذکر و دعا و سجده مشغول می شد. گویند در یکی از روزها ایشان که برای درس از منزل خارج شده بود، با تأخیر به منزل برگشته بود. جریان از این قرار بوده است که به هنگام بازگشت، چون مسیرش از راه مسجد حکیم بوده است، به مسجد رفته و در یکی از زوایای آن، با حالتی مخصوص به ذکر و دعا و عبادت مشغول می شود. همان گونه که بیشتر اوقات شب نیز در منزلش

ص: ۱۲۶

۱- مجله حوزه، ش ۱۸ : ۳۶ - ۳۵

۲- المسلسلات ۲ : ۵۴

۳- سماءالمقال، مقدمه : ۳۹

تواضع و غلبه ی بر هوی

ابوالهدی به راستی اهل هُدی و غالب بر هوی بود. حکایت خواندنی زیر دلالت بر طهارت نفس و پاکی روح و خالی بودن از هوی و هوس در او می نماید. مرحوم آیت الله بروجردی خطاب به فرزند میرزا ابوالهدی فرموده است:

«من، در اصفهان که بودم، مقداری از رسائل را خدمت ابوی شما خواندم، بعد به نجف که رفتم و در درس مرحوم آخوند خراسانی حاضر می شدم. ایشان [ابوالهدی] هم آمده بود نجف و در درس مرحوم آخوند شرکت می کرد. گاهی می شد که به

درس نمی آمد یا دیر می آمد، در جلسه تقریر من حاضر می شد، با این که استاد من بود. از این جا دانستم او عالم ربانی و خالی از هوای نفسانی است.» (۲)

کرامات معنوی و مکاشفات روحانی

نفس قدسی و طهارت روحی ابوالهدی تا بدان پایه بود که بین همگان در مکاشفات، شهرت یافته بود و عوام و خواص به راحتی و بدون شبهه، صدور این گونه امور را از او می پذیرفتند. ایشان برخی از احوال روحانی و مواجید معنوی و تجارب شخصی عرفانی اش را به خط شریف خود یادداشت نموده که به لطف پروردگار تاکنون محفوظ مانده است. برخی از این احوال و مکاشفات نیز از سوی نزدیکان او مانند همسر و خاندان بزرگوار یا برخی شاگردانش نقل شده است.

ص: ۱۲۷

۱- همان: ۴۰

۲- مجله حوزه، ش ۸۳: ۳۷ - ۳۶؛ سماءالمقال، مقدمه: ۳۹

«از عجایب آن که شب گذشته فی الجمله تهجدی به جا آمد و چون کثیراً به تجربه حقیر رسیده که تهجد شب، اسباب خیری و وسعتی [می گردد] حاصل قریب به ظهر بود مشغول مطالعه [بودم] شخصی آمد و ظرف بزرگی از قوت در مقابل حقیر گذاشت؛ بعد از قلیل از زمانی سر را بلند نمودم که قدری از آن میل نمایم. به قلبم خطور کرد که این، تأثیر آن مطلب است؛ چون خواستم فی الجمله مشغول شوم در مقابل، جمله ای از کتب من جمله قرآن بود، برداشتم که بگذارم در محلی، بی اختیار قرآن باز کردم، نظرم افتاد به این آیه: «... و ان کُلَّ ذَلِکَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَیْوَةِ الدُّنْیَا وِ الْآخِرَةِ عِنْدَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِینَ» (۱).» (۲)

ندای غیبی

ابوالهدی در ابتدای یکی از کتب خویش به خط خود چنین می نویسد: «انی سمعت فی بعض احوال اشتغالی للذکر و الدعا من وراء عالم الغیب «و لیستعدّ الانسان لطرق الرحمن.»» (۳)

دعوت شده ی به بهشت

فرزند میرزا ابوالهدی می فرماید: در یکی از شب های تابستان، با این که حال عمومی پدرم رو به ضعف و ناتوانی بود، اما در آن شب او را مسرور و خوشحال بدون

ص: ۱۲۸

۱- سوره زخرف، آیه ۳۵

۲- نسخه ی بیاض میرزا ابوالهدی: ۱۵۹

۳- سماءالمقال، مقدمه: ۳۹ و نسخه ی خطی

سستی و ضعف دیدم. پدرم خود فرمود: پس از نماز مغرب نیاز به تطهیر و گرفتن وضو پیدا کردم امّا بخاطر ضعف کمی استراحت کردم، پس از مدتی که نماز عشايم را هنوز نخوانده بودم، صدای واضح روشن و و صریحی شنیدم که می گفت: «کسی که موعود به جنّات عدن است نباید در نماز مساهله نماید».(۱)

تجلی معارف توحیدی و نیل به مرتبه یقین

مرحوم ابوالهدی مدّتی برای اینکه در معارف، یقین بیشتر پیدا کند و ببیند آیا دارای مقام توحید هست یا نه، به پیشگاه خدا تضرع نموده و در حین خواندن برخی از اذکار، مکاشفه ای عجیب برایش رخ می دهد:

«روز گذشته که روز چهارشنبه بیست و هفتم ماه صفرالمظفر بود، بعد از ادای فریضه نماز صبح مشغول تعقیب به بعضی از اذکار بودم و مطنون این است که «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» بود، در حال قرائت بیرون نعسه و نحو آن علی الظاهر بل المقطوع حال عجیبی رخ نمود به این معنی، زمانی است مدیده که اِکثار می نمایم در دعای در حصول زیادتى در یقین در معارف، چنانچه در اخبار، همین در امر سؤال زیاد شدن یقین و همین دعا مشتمل بر زیاد شدن یقین وارد شده. ناگاه ملاحظه نمودم که به حدّ یقین در مرحله ی توحید و نحو آن حاصل شده که در تعجب شدن و کانه این معارف از محلی به خط خوش در کمال صفا و کَمعان نوشته شده که گویا در آینه نوشته اند و گویا کانه آینه مذکور، صفحه ی قلب حقیر است که چنین یقینی در قلب ملاحظه می نمایم و نحو مسرتی در قلب حاصل شده به جهت این حصول مرام قطعی

ص: ۱۲۹

بشارت حسینی

فقیه عارف سالک میرزا ابوالهدی در یادداشت های خود پیرامون تشریف به کربلای معلی تحت عنوان «بشاره حسینی» داستان شگفتی آورده است که مضمون آن به فارسی چنین است:

از نعمت هایی که به فضل الهی بر من ارزانی شد و همان، باعث امیدواری ام و نشانه ی این شد که طینت من از زیادی طینت ائمه علیهم السلام است، این بود که: چون از ناحیه مقدسه ی سامرا جهت زیارت اربعین سال -۱۳ به کربلای معلی مشرف شدم، به زیارت حضرت سیدالشهدا و برادرشان ابوالفضل علیهما السلام رفتم و سینه ام بابت انتظاراتی که از ایشان داشتم تنگ شده بود و چند روزی در این حالت بودم تا اینکه به یادم آمد که هرکدام از انبیاء و اولیاء علیهم السلام که پا به این ارض مقدس گذاشته اند، دچار بلا- یا مصیبتی می شده اند. از این رو با خود گفتم: اگر در باطن بین تو و اولیای خدا، ربط و مناسبتی هست پس نشانه و علامت آن کو؟! و از این بابت اندوهناک بودم. لذا در روضه ی مقدسه تو به حقیقی نمودم و با مواظبت بر حال خود، به منزل یکی از دوستان که از سادات بزرگوار بود وارد شدم. هنگامی که می خواستم از منزل او بیرون روم، از پله ها پایین می آمدم که ناگهان پیشانی و محل سجده ام به شدت با دیوار برخورد نمود. همان دم متوجه شدم که این همان بلای محبوبی است که ناراحتش بودم، امّا از دوست میزبان خود، آنرا پنهان نمودم و پس از خروج از منزل، به خاطر شدت درد دستم را روی پیشانی ام گذاشتم که دیدم خون از آن جاری است. خداوند را

ص: ۱۳۰

به خاطر جاری شدن خون از محل سجده ام سپاس گفتم، همان گونه که خون از پیشانی مولای مظلومان جاری بود. بالاخره برای تطهیر و اقامه ی نماز مغرب به مدرسه حسین خان رفتم اما تا مدتی خون بند نمی آمد و من سرانجام وضو گرفتم و عمامه ی خود را بر پیشانیم بستم و داخل روضه ی مقدس حسینی شدم. خدا می داند چه حالی داشتم، نمی توانم آن را وصف نمایم! در همان حال، چندین رکعت نماز گزاردم و این حالت قدسی تا هفت یا هشت ساعت به درازا کشید.

نزول سُندُس و اِسْتَبْرَق از آسمان

حاجیه خانم خادمی همسر بزرگوار میرزا ابوالهدی نقل می کنند ه در سال آخر عمر آقا، شبی ایشان در حال گرفتن وضو بر سر حوض بودند. من حُلّه را برای ایشان بردم تا سر و صورتشان را با آن خشک نمایند. نزدیک آقا آمدم و به ایشان گفتم حُلّه را آورده ام. اما دیدم مات و مبهوت ایستاده و به آسمان نگاه می کنند. چندین بار حرف خود را تکرار کردم: آقا، حُلّه تان را آورده ام و گویی در این عالم نبودند. تا اینکه یک مرتبه آقا به خودشان آمدند و فرمودند: مگر نمی بینی الآن حوریان بهشتی از آسمان برایم سُندُس و اِسْتَبْرَق (۱) آوردند، بناست که بزودی بروم! (۲)

ص: ۱۳۱

۱- سُندُس به معنای پارچه ی نازکی که از ابریشم بافته شده و بعضی، قید «زربافت» را نیز به آن افزوده اند. استبرق به معنای پارچه ی ابریشمی ضخیم است و در قرآن هردو، از جامه های اهل بهشت شمرده شده است. (دخان / ۵۳). بعضی اهل لغت، هردو کلمه را در اصل، فارسی می دانند که بعداً به زبان عرب داخل شده است. ر.ک: مجمع البحرین ۴ : ۷۷؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم ۱ : ۲۴۱ - ۲۴۳ و ۵ : ۲۷۰ - ۲۷۲ .

۲- به نقل از مهندس حاج علی آقا کلباسی نواده ی میرزا ابوالهدی. گفتمی است که آیت الله آقای حاج سید محمدعلی روضاتی از ارحام و دوستان نزدیک و هم مباحثه ی مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی نیز این حکایت را از قول مرحوم کلباسی برای نگارنده نقل فرمودند.

میرزا ابوالهدی در دفترچه بیاض و یادداشت های شخصی خود، درباره برخی از علما و بزرگان معاصرش، حکایاتی ذکر فرموده است که بعضاً منحصر بفرد بوده و از لحاظ تاریخی و رجالی نیز حائز اهمیت فراوان و در بر دارنده ی فواید بسیاری است.

فوت شگفت آقا سید محمد باقر درچه ای

«فوت مرحوم مغفور عالم کامل و فاضل عالم سید محمد باقر درچه ای در روز جمعه پنجم شهر جمادی الاولی ۱۳۴۲ واقع و بسیار عجیب بود زیرا که ایشان در حمام رفته بودند. چون در خزینه بوده و همیشه زمان تطهیر تنها بوده اند؛ در خزینه منقلب می شوند، یک مقدار طول می کشد [تا اینکه] استاد حمامی می آید در خزینه که مطلب را بفهمد. ایشان در حال انقلاب بوده اند و دست ایشان بلند می شود و به آب می خورد. [استاد حمامی] گمان می کند که ایشان می گویند پس برو. می رود، و باز طول می کشد. دوباره می رود که ببیند، [متوجه می شود] که ایشان روی آب افتاده اند. می آید در خزینه و ایشان را بیرون می آورند، می بینند حال نیستند. تلفان می کنند [و] طیب حاضر می کنند. می گویند امر گذشته است. پس از مقداری، امر فوت مشخص می شود. خبر به شهر رسید. اقامه ی عزا اولاً در مسجد شاه بر سبیل تفصیل اقامه شد. پس از آن جا در مسجد نو و سپس در مسجد حکیم. و دفن ایشان در تکیه ی معروف به تکیه حاجی محمد حسین کازرونی در جنب مرحوم مغفور عالم عامل آخوند ملا عبدالکریم جزی رحمہ اللہ تعالی علیہما» (۱)

ص: ۱۳۲

«نقل نمود ثقه ای از عالم فاضل آقا سید هاشم مهدوی که ایشان گفته بودند زمانی بر من سخت شد بی بضاعتی، مشغول به بعضی اوراد و اذکار شدم، فایده ننمود. رفتم در رواق حضرت یعسوب الدین «صلوات الله تعالی علیه» در بالای سر متوسل شدم تا پانزده روز طول کشید. روز پانزدهم قریب به ظهر بود، بسیار گرم بود. از حضرت اشاره شد قریب به این مضامین که: «برو در مسجد سهله در مقام صاحب الزمان «عجل الله تعالی فرجه» به فرزندم بگو، حاجت تو برآورده می شود.» بسیار از این مطلب مسرور شدم و قاطع شدم به این که حواله به حضرت حجه‌الله است. با کمال تعجیل همان وقت گرما رفتم تا به مسجد سهله رسیدم، رفتم در مقام صاحب علیه السلام دیدم آقای حاجی سید اسدالله آنجا مشرف می باشند. بسیار اوقات بر من تلخ شد که این

سعی و زحمت من بی فایده شد و از اوقات تلخی به ایشان سلام هم نکردم و اعراض کردم. دیدم ایشان صدا زدند و دست کردند زیر جانماز کیسه یا دستمالی به من لطف فرمودند. دیدم بسیار سنگین است تعجب کردم. دیدم فرمودند: این شصت تومان است. چهل تومان آن به جهت قرض تو است و بیست تومان به جهت سایر مخارج تو. بسیار متعجب شدم از واقعه و لا سیما از گفتن این که چهل تومان به جهت قرض، و حال آن که ایشان ابداً اطلاع از این که قرض من چهل تومان است نداشتند.» (۱)

اقتدای فرشتگان به سید بحر العلوم

«و در نظرم است که مرحوم آقا [میرزا ابوالمعالی] رحمه الله تعالی نقل کرده اند از مرحوم جدّ [حاجی کرباسی] اعلی الله مقامه که ایشان گفتند وقتی نماز خواندم در

ص: ۱۳۳

مسجد کوفه با مرحوم بحرالعلوم و جمعیت زیادی بود. بعد از فراغ کسی را ندیدم. تعجب کردم که این جمعیت چه نحو رفتند؟! مطلب را به نحو تعجب به جناب بحرالعلوم عرض کردم. ایشان فرمودند قریب به این مضامین که چه بُعدی دارد که آنها ملائکه بوده باشند! (۱)

راه نجات به ولایت و اصلاح امور ناس

«حکایت فرمود عالم جلیل آقا سید ابوالقاسم دهکردی مد ظلّه اینکه برخی خواب دیدند مرحوم آقا شیخ حاجی محمد اصفهانی را و سؤال کردند از ایشان که به چه امر نجات یافتید؟ جواب دادند به ولایت. و از شیخ العراقین سؤال کردند که ایشان به چه نجات یافتند؟ جواب دادند: به اصلاح امور ناس.» (۲)

آثار و تألیفات

اشاره

یکی از ویژگی های حیرت آور مرحوم علامه میرزا ابوالهدی، تعداد آثار علمی به جای مانده از ایشان است. معظم له از هیچ لحظه و دقیقه ای در امر تصنیف و نوشتن فروگذار نکرده و در رشته های گوناگون علوم و معارف اسلامی، آثار متعددی به رشته تحریر در آورده است. آنچه مایه ی تأسف می باشد، اولاً فقدان برخی از این آثار پس از فوت آن مرحوم است و ثانیاً آن مقدار هم که باقی مانده است، متأسفانه در اثر مرور زمان و عدم توجه به حفظ و نگهداری صحیح از آن ها، اکثراً ناخوانا، ناقص، پاره و از هم گسیخته، می باشد. در هر حال، تصنیفات به جای مانده از ایشان را بر اساس

ص: ۱۳۴

۱- یادداشت های متفرقه میرزا ابوالهدی

۲- نسخه بیاض: ۸۵

موضوعات فقه، اصول، رجال و حدیث، تفسیر، کلام و حکمت، اخلاق، هیئت و نجوم، سیره و تاریخ، شرح خطب و ادعیه ی معصومین علیهم السلام و مباحث متفرقه ی دیگر، تقسیم بندی کرده هر کدام از کتب و رسائل آن مرحوم را ذیل موضوعات نامبرده می آوریم. (۱)

فقه

۱. تعلیقات بر بخشی از ریاض المسائل آقا میر سید علی طباطبایی حایری اصفهانی، که به ویژه شامل بخش کتاب الموارث آن می شود.

۲. شرح کتاب ارثِ روضه البهیة. میرزا ابوالهدی در مقدمه ی کتاب می نویسد که از آن جا که کتاب ارث از مشکلات کتب فقهی و مشتمل بر مسائل پیچیده و فروض غریبه و فروع عجیبه بوده و شارح محقق لمعه دمشقیه با عبارات موجز به شرح آن پرداخته، لذا برخی علما و فضلا از من درخواست نمودند تا آنرا به وضوح و مبسوط شرح نمایم و بر درخواست خود پافشاری نمودند. تاریخ اتمام این کتاب سال ۱۳۰۵ ق. بوده است.

۳. رساله ای فارسی در تبیین کیفیت تقسیم ترکه بر وارث. مؤلف علامه در مقدمه ی این کتاب می نویسد: «... چون که کیفیت تقسیم ترکه بر وارث مبنی بر بعضی قواعد حسابیه بود و لذا خالی از اشکال نبود، لهذا به جهت توضیح مرام چنین به نظر رسید که رساله فارسیه مخصوصه که اسباب حل اشکال.... بوده باشد معمول شود و منه التوفیق والاستعانه...». اساس این کتاب، شرح عبارات ریاض المسائل می باشد.

ص: ۱۳۵

۱- در این جا لازم می دانم تا از جناب مهندس حاج علی آقا کلباسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی و نواده ی علامه میرزا ابوالهدی، بخاطر همکاری صمیمانه با نگارنده، سپاسگزاری نمایم. ایشان که اکنون مدیریت صدا و سیمای مرکز اصفهان را بر عهده دارند، با وجود مشاغل و گرفتاری ها، با کمال بزرگواری، آثار و نوشتجات پدر و اجداد گرامی شان همراه با اطلاعاتی ارزشمند را در اختیار این جانب قرار دادند.

۴. رساله فی عدم شرطیه البلوغ فی جل الاحکام. تاریخ اتمام این رساله در دهه اول ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۰ ق. در کربلای معلی بوده است.

۵. رساله فی حکم الصلوه فی الصّدف و اللئالی المستخرجه منه. این رساله در دو فصل است که مؤلف در فصل نخست درباره ی حکم نماز در صدف و اصل حیوان بودن یا نبودن صدف و اقسام آن بحث کرده و به نقل کلمات ارسطو و برخی از متأخرین و طرح دیدگاه فقها پرداخته است. فصل دوم درباره ی جواز نماز در لئالی مستخرج از صدف می باشد.

۶. یک دوره فقه استدلالی. این کتاب شامل تمام ابواب فقه و به ترتیب مباحث شرح لمعه است و در آن، مؤلف محقق به بیان و نقد و بررسی آرا و نظرات فقهای امامیه پرداخته است.

۷. رساله ای در بیان ارتداد که شامل سه بخش: اسباب و اقسام و احکام ارتداد می شود. مؤلف در مقدمه ی این رساله پس از توضیح درباره ی شیعیانی که در معرفت به حق دوازده امام و اسم و ترتیب و بعض صفات ایشان کوتاهی می کنند و حکم این جور اشخاص از بابت طهارت بدن اشکالی ندارد ولی از باب احکام خصوصاً در آخرت، کارشان مشکل می شود، می نویسد: «اشخاصی که امر ایشان از همه اشدّ و کار ایشان از همه مشکل تر یعنی کسانی که اختیار طریقه ی حق نموده اند و بعد برای ایشان ارتداد حاصل می شود. و چون این مسأله اهم مسائل است، لهذا بعون الله تعالی تفصیل آن در سه مقام بیان می شود: در اسباب ارتداد، در اقسام ارتداد، در احکام ارتداد. اما اسباب: بدان که ارتداد، حاصل می شود به یکی از سه چیز اول به دل، دوّم به زبان، سیّم به اعضا و جوارح.....».

۸. رساله در معنای اخلاص در عبادات. آغاز رساله: «قد اشتهر بین الفقهاء رضوان الله تعالی علیهم الاستدلال لوجوب الاخلاص فی العبادات بقوله تعالی و اعبدو الله

مخلصين له الدين و هو محل كلام.....»

۹. رساله ای در رضاع و احکام و مسائل آن

۱۰. رساله ای در بیان معنا و حقیقت عدالت

۱۱. رساله در بیان اوقات صلوه

۱۲. رساله در اسباب ضمان

۱۳. رساله فی ان الاصل فی الانسان الفسق او عدمه

۱۴. رسائل متفرقه در مباحث مختلف فقهی

اصول فقه

۱۵. رساله فی حجیه الاستصحاب: مؤلف در این رساله گاهی از پدر گرامی اش به:

«قال الوالد المحقق دام ظلّه» تعبیر می کند، که معلوم می شود آن را در زمان حیات پدر خود، نوشته و تألیف آن پس از فوت ایشان نیز هم چنان ادامه داشته است.

۱۶. رساله فی اصل البرائه

۱۷. رساله فی التخصیص و التقیید

۱۸. رساله فی ان الاصل فی العبادات الحرمه او الجواز

۱۹. رساله فی ان النهی انما یقتضی فساد المنهی عنه ام لا، که شامل مباحثی از این قرار است:

الاولی: ان النزاع فی المقام انما یطرد فی النهی التریهی ام لا

الثانیه: المنهی عنه من العبادات او المعاملات

الثالثه: انه انما یختص النزاع بما اذا كانت فی الشرع مقتضی لصحه المنهی عنه بل النزاع اعم منه و من غیره

الرابعه: انه ینقسم تعلق النهی علی اقسام

۲۰. رساله فی النزاع فی حجیه الظن

۲۱. رساله فی اقتضاء الامر للاجزاء و عدمه

۲۲. رساله فی الاستقراء

۲۳. رساله فی القياس المنصوص العله

۲۴. رساله فی المنطوق و المفهوم

۲۵. رساله فی العلم الاجمالی و التفصیلی

۲۶. رساله فی ان الاوامر الواقعه فی الاحادیث الائمہ علیهم الاف الثنا و التحیه علی سبیل الوجوب ام لا

۲۷. رساله فی ان المراد من الالفاظ هو المعانی الحقیقه اللغویه او المعانی العرفیه

۲۸. رسائل متفرقه در مباحث مختلف اصولی

۲۹. حاشیه بر فرائد الاصول

۳۰. حاشیه بر کفایه الاصول استادش آخوند خراسانی این حواشی در فاصله ی سال های ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ ق. به رشته ی تحریر درآمده است. ایشان در نسخه ی بیاض خود می نویسند: «الیوم که یوم دوشنبه ۸ یا ۹ شهر ربیع الاخر سنه ۱۳۲۸ ما سه چهار سال است ظاهراً که در نجف اشرف مشرف شده ایم... و در این مدت، دوره ی درس اصول عمده المحققین آقای آخوند را سیر و ملاحظه نمودیم و حواشی بر کفایه نوشتیم.»

از تاریخ حواشی بر کفایه معلوم می شود که معظم له دو دوره ی اخیر درس کفایه ی استادش را درک کرده بوده است.

۳۱. رساله در دوران امر بین وجوب تعیینی و تخییری

۳۲. رساله در نزاع در اقتضاء امر ظاهری شرعی و عدم آن

رجال و حدیث

۳۳. سماءالمقال فی تحقیق علم الرجال

ص: ۱۳۸

این کتاب، مفصلترین و مهمترین اثر مؤلف بوده که در میان آثار دیگرش، به آن اعتنایی ویژه داشته است. ایشان از دوران جوانی و ایام حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۳۰۲ ق. تألیف این اثر را آغاز کرده و حدود سی سال با رنج و زحمت بسیار در نوشتن آن، در تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۰ ق. در نجف اشرف، به انجام رسانیده است. (۱) مؤلف خود، در این باره فرموده است: «خدا می داند که چه رنج و مشقتی در تألیف این کتاب متحمل شده ام. بدرستی که این کتاب، نتیجه ی عمر من و محصولِ زندگانی ام است» (۲). مصنف محقق برای مصادر مباحث کتاب خود، به مآخذ و منابع بسیاری ارجاع داده است که با وجود تمامی امکانات موجود در عصر کنونی برای یافتن منابع و مآخذ آثار گوناگون باز هم برخی از مآخذ این کتاب به دست نیامده است و این حاکی از همت خارق العاده ی مؤلف می نماید که با وجود کمی وسائل و فقدان امکانات و مجامع کنونی در آن زمان، توانسته است بر چنین منابعی دسترسی پیدا کند.

اهمیت و جایگاه این کتاب در فن رجال تا بدان جاست که آن را به منزله ی جواهر الکلام در فقه دانسته اند. به عقیده ی برخی از محققین، در علم رجال، کتابی به گستردگی و ژرفای علمی مانند سماءالمقال نوشته نشده است و با حجم به ظاهر کمش، در بر دارنده ی نکاتی است که در کتب حجیم و مفصل، دیده نمی شود. (۳) به عقیده فقیه و مرجع بزرگ مرحوم آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی، مرحوم علامه میرزا ابوالهدی با تألیف سماءالمقال، علم رجال را از جنبه ی نقل و حکایت به جایگاه تحقیق و درایت، ترفیع داد زیرا وی در ثبوت عدالت راوی یا عدم آن و

ص: ۱۳۹

۱- نسخه ی خطی سماءالمقال: خاتمه

۲- سماءالمقال، مقدمه ۱: ۳۶

۳- همان: ۲۹

اختلاف علمای رجال در آن، به مانند فقیه ماهر متبعی بحث می نماید که رأی خود را اثبات نموده و آنچه را که حق و صحیح می داند، بیان می کند.»^(۱).

این کتاب تاکنون دو مرتبه به چاپ رسیده است. بار نخست در سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۳۷۲ ق) بامقدمه ی فرزند دانشمند مؤلف و به تصحیح علّامه رجالی معاصر آیت الله حاج سیّد محمدعلی روضاتی توسط مکتبه برقی در قم و در دو مجلد به چاپ رسیده است. بار دوم، با رفع اغلاط چاپ اول و تحقیق آقای سیّد محمد حسینی قزوینی و نیز مقدمه ی جدید فرزند مؤلف در دو مجلد در سال ۱۴۱۹ ق. توسط مؤسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انتشار یافت.

۳۴. الدّر الثمین فی جمله من المصنفات و المصنفین

این کتاب مشتمل بر هشت باب است که هر بابی به تحقیق و بحث پیرامون نام مؤلف، حیات و نسبت کتاب به او، پرداخته است. از جمله کتبی که در این اثر مورد بحث قرار گرفته عبارتند از: تفسیر عسکری، صحیفه سجادیه، قرب الاسناد، دعائم الاسلام و فقه الرضوی.^(۲)

۳۵. زلّات الاقدام: فی التنبیه علی الاشتباهات الواقعه للعلماء فی المطالب الرّجالیه^(۳)

۳۶. الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم. این کتاب در چهار فصل است و مؤلف در آن، مهمات بحث رجال و درایه را از کتاب سماءالمقال خود استخراج کرده است.^(۴)

ص: ۱۴۰

۱- همان: ۳۸

۲- البدرالتمام: ۴۵

۳- سماءالمقال، مقدمه ۱: ۳۵ - ۳۶

۴- الذریعه ۱۵: ۳۴

۳۷. الفوائد الرجاليه که مشتمل بر سی فایده در علم رجال و درایه است. این کتاب به خط مؤلف، در کتابخانه ی عالم فاضل مرحوم حاج شیخ احمد بیان الواعظین موجود بوده است. (۱) در ابتدای این کتاب که برخی از قسمت های آن در کتابخانه ی فرزند دانشمند مؤلف موجود است، آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي نرجوا من فضله ان تحيي موات اراضى ضمائرنا برواشح انواره القدسيه... اما بعد يقول العبد المفتاق الى رحمه ربه الصمداني ابن ابى المعالى بن محمد ابراهيم المدعو بابى الهدى كمال الدين الاصفهاني اطلقه الله من فضله العميم من يدى النفس و الامانى انه و ان كان اشرف مراسم العلوم على الانطماس من شينه الزمان لكنّه قد بلغ حدّ كماله فى تلك الاعصار.... و لا سيما علم الدرايه و الرجال فما بقى منه اثر فى تلك الازمنه

فاردت انتقاد شطر من خلاصه نفايس فائده و كشف الاستار عن وجوها فرائده فصرفت برهه من الزمان فى تشيد ارکان هذا البنيان و صنّف هذا الكتاب الذى لم ارمثله فى كتب الاصحاب فانه بحمد الله و سبحانه حاويا لمهمات مطالبه و جامع لامهات ماربّه....» (۲)

۳۸. رساله ای در شرح احوال و ذکر آثار مشاهیر علمای رجالی از متقدمین و متأخرین و معاصرین، مانند: نجاشی، محمد بن الکشی، ابی علی، ابن عقده، ابن طاوس، تقی الدین حسن بن داود، شیخ حسن بن زین الدین، فاضل تستری، عقیقی، میرداماد، شیخ بهایی، ابن شهر آشوب، علامه حلی، شیخ حسن عاملی، ملا محمد تقی مجلسی، ملا محمد باقر مجلسی، شیخ سلیمان بحرانی، ملا اسماعیل خواجویی،

ص: ۱۴۱

۱- خلد برین: ۵۴

۲- نسخه خطی

۳۹. التحفه الی سلاله النبوه: اجازه ی روایتی که علامه میرزا ابوالهدی برای نسّابه دهر و فقیه و مرجع نامی مرحوم آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی صادر فرموده است. تاریخ این اجازه نامه سال ۱۳۵۰ قمری است. این اجازه نامه در مجموعه ارزشمند المسلسلات به چاپ رسیده است. (۲)

۴۰. الدرّہ البیضاء فی اجازه الرّوایه من الامناء: اجازه ی روایتی مؤلف برای عالم فاضل سید حسن خراسانی در سال ۱۳۳۲ ق. (۳)

۴۱. اجازه نامه شیخ عبدالحسین گروسی: اجازه روایتی که مؤلف «ره» برای عالم فاضل شیخ گروسی در تاریخ ۲۰ شوال ۱۳۳۸ ق. صادر فرموده است. ابتدای اجازه نامه: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي له في كل صنف من غرائب فطرته و عجایب صنعته آیه...» در اواسط این اجازه نامه آمده است: «... و لقد منّ الله سبحانه بفضله العميم و منه الجسيم على مولينا العالم الفاضل و الكامل الباذل المحظوظ بتحصيل اصناف من العلوم من النحو و الفقه و القراءه و النجوم فكانه فلكك و هي اقمار و شمس الشيخ عبدالحسين من اهل كروس... قد استجاز العالم المذكور... عن هذا اللعبد... فاجزت له ان يروي عنى ما اروه...». و انجام رساله: «و كان الفراغ بيد العبد الذي هو اكثر ذنوبا... كمال الدين المكنى بابي الهدى ابن ابى المعالى بن محمد ابراهيم الخراسانى الشهير بالكرباسى فى يوم السبت من العشر العاشر من الثلث الثانى من الربع الثانى من الثلث الثالث من سنه ۱۳۳۸ من الهجره

ص: ۱۴۲

۱- نسخه خطی

۲- بنگرید به: المسلسلات ۱: ۷۴ - ۵۹

۳- بر اساس نسخ خطی موجود در کتابخانه آیت الله کلباسی

النبویه علی ہاجرہا الف سلام و تحیہ»(۱).

۴۲. اجازہ نامہ ی میرزا ابوالہدی بہ شیخ محمد کاظم.

در بخشی از این اجازہ نامہ آمدہ است: «و لقد منّ اللّٰہ سبحانہ بفضلہ العظیم و منّہ الجسیم علی العالم الفاضل و المجد الباذل، المورد نفسہ فی مواقف متاعب التحصیلات حتی برز منہ مصنفات فی مجلدات فللّٰہ درہ و کثر اللّٰہ تعالیٰ نظائرہ، الساعی لاحیا المراسم الشیخ محمد کاظم فیما وفقہ اللّٰہ تعالیٰ لصرّف الامان فی تحصیل العلوم الشرعیہ و تکمیل المراقب العلمیہ و استجاز من هذا العبد الضعیف المسکین.....»(۲).

۴۳. البدرالتمام و البحر الطمطم: در شرح حال پدر و جدّ گرامی مؤلف و نیز مختصری در بیان احوال خویش، کہ در سال ۱۳۱۷ ق. در پایان مجموعہ رسائل پانزدہ گانہ میرزا ابوالمعالی چاپ شدہ است.(۳)

۴۴. رسالہ ی مستقل در شرح احوال سید حجہالاسلام شفتی، جدّ مادری مؤلف.(۴)

۴۵. تعلیقہ بر منہج المقال میرزا محمّد استرآبادی.(۵)

۴۶. تعلیقہ بر معراج اهل الکمال الی معرفہ الرجال شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی. این کتاب ہمراہ با چند تعلیقہ از میرزا ابوالہدی در سال ۱۴۱۲ ق. و با تحقیق دانشمند فاضل آقای سید مہدی رجایی در قم چاپ و منتشر شدہ است.

ص: ۱۴۳

۱- بر اساس نسخ خطی موجود در کتابخانہ آیت اللّٰہ کلباسی

۲- همان

۳- این کتاب بہ صورت رحلی در چہل و ہفت صفحہ در ضمن رسائل اصولی میرزا ابوالمعالی چاپ شدہ است.

۴- نسخہ خطی

۵- المسلسلات ۲ : ۵۵

۴۷. ردّ علی رساله فصل القضا فی مسأله حجیه فقه الرضا که از آثار شیخ اجازه اش سید حسن صدرالدین کاظمینی است. (۱)

۴۸. رسائل متفرقه در مباحث و مسائل مختلف رجال و حدیث و درایه. (۲)

تفسیر قرآن و شرح خطب و ادعیه امامان علیهم السلام

۴۹. رساله ای در تفسیر آیه ی مبارکه ی «و لقد ذرانا لجهنم کثیراً من الجن و الانس (۳)....»

۵۰. رساله در تفسیر آیه ی مبارکه ی «و کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون (۴)». (۵)

۵۱. رساله در تفسیر سوره مبارکه ی توحید. (۶)

۵۲. شرح خطبه ای در توحید از حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیهما آلاف التحیه و الثناء.

در بخشی از این رساله آمده است: «.... و بتجهیره الجواهر عُرف ان لا جوهر له و به آفریدن او جوهرها را دانسته شد که او را جوهری نیست. یعنی او از جنس این حقایق ممکنه نیست و اگر نه مثل این ها محتاج به علت می بود....» پایان رساله: «و در شرح این خطبه کتابها کافی نیست و باعتبار ضیق مجال بهمین اکتفا شد و بیان برخی از دقایق و اسرار این خطبه و سایر خطبه ها که مضامین آن ها مشارکتی با این خطبه دارد در کتاب بحار الانوار شده است و الحمد لله اولاً و اخرأ و صلی الله علی محمد و اله

ص: ۱۴۴

۱- همان

۲- نسخ خطی

۳- سوره اعراف، آیه ۱۷۹

۴- سوره ذاریات، آیه ۱۷

۵- نسخه خطی

۶- همان

۵۳. رساله در شرح حدیث «اعرفوا الله بالله و الرسول بالرساله و اولی الامر بالمعروف و العدل و الاحسان....» (۲).

۵۴. رساله ای در بیان بعضی از استخاره های مجزّب که با قرآن انجام گرفته است. (۳).

۵۵. تعلیقه و حواشی بر شرح مفتاح الفلاح ملا اسماعیل خواجویی که شامل معارف جلیل و نکات عرفانی و اخلاقی عمیق می باشد. برخی از اشعار مرحوم ابوالهدی نیز در این حواشی دیده می شود: (۴).

ما را غرور عافیت از دست برده بود

بی مهری زمانه بفریاد ما رسید

یا: آسایش تن غافلیم از ذکر خدا کرد

همواری این راه مرا سر بهوی کرد

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی، در سال ۱۳۳۴ قمری، نسخه ی شرح خواجویی بر مفتاح الفلاح را به طور کامل به خط خود استنساخ و ظاهراً تعالیقی نیز از خود بر آن افزوده است. عبارات پایانی نسخه ی استنساخی میرزا ابوالهدی چنین است:

«قد فرغ من تحريره العبد المستغرق في بحار الاثم و العصيان الراجي من عظيم فضل ربه الوهاب المنان.... ابن ابی المعالی بن محمد ابراهیم الکرباسی الخراسانی ابوالهدی المکنی بکمال الدین النجفی الاصفهانی، استنساخاً من خط الشریف الفاضل المحشی.....».

ص: ۱۴۵

۱- نسخه خطی

۲- همان

۳- همان

۴- الذریعه ۶: ۲۱۵؛ خاتمه ی شرح مفتاح الفلاح خواجویی: ۸۰۰.

۵۶. رساله ای در بیان معنای کفر و اساس و بنیان آن. ابتدای رساله چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله العالم بالسر و الجهار و الصلوه على النبي المصطفى المختار و اله العتره الاطهار الاخير ما تعاقب الليل و النهار اما بعد فيقول العبد المذنب المسكين ابن ابي المعالي ابوالهدى المدعو بكمال الدين نورالله تعالى قلبه بنوراليقين انه اختلف في ان المدار في الكفر على الجحود و الانكار او كفايه الشك في المضممار....» (۱).

۵۷. رساله در بيان معنا و حقيقت اسلام و ايمان (۲)

۵۸. حواشی بر اسفار اربعه ملاصدراى شیرازی (۳)

۵۹. حواشی بر شرح منظومه حکیم سبزواری (۴)

۶۰. رساله در بیان ماهیت و کشف حقیقت چشم. ابتدای رساله چنین است: فی بیان ماهیتها و الکشف عن حقیقتها. فيقول انه اختلف فيه على اقوال. الاول انه تمتد من العين اجزاء فتتصل بالشخص المستحسن فيوثر و تسرى فيه كتأثير اللسع و السم و النار....» (۵).

۶۱. رساله در تجرد نفس از دیدگاه حکما و شرح دیدگاه میرداماد و ملاصدرا (۶)

۶۲. رساله در بیان معنای اصول دین. در بخشی از این رساله آمده است: و ربما

ص: ۱۴۶

۱- نسخه خطی

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- همان

۶- همان

يعبر عنه [اصول دين] باصول الايمان والمراد بها الاجزاء التي يبنى عليه الدين و الايمان فهي عمادهما و اساسهما و ضياء نبراسهما...»(۱)

۶۳. رساله در توضیح حرکت در مقولات چهارگانه.(۲)

اخلاق و عرفان

۶۴. رساله ای در مذمت دنیا و توصیه به پرهیز از محبت دنیا

مصنف در این رساله با ذکر روایاتی از اهل بیت علیهم السلام و نقل کلمات حکما و عرفا بویژه صدرالمتألهین شیرازی، در نکوهش دنیا دوستی، به ذکر برخی از حکایات عبرت آموز به نقل از احیاءالعلوم غزالی و نقل عبارات شیخ الرئیس در خاتمه رساله الطیر او و نیز اشعاری از حافظ مبادرت ورزیده و برخی از ختوم و اذکار مجرّبه و طرق استغاثه به محضر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه را ذکر فرموده است.(۳)

۶۵. رساله ای در اخلاق و آداب اسلامی

این کتاب مشتمل بر یکصد مقاله است و هر مقاله به یکی از موضوعات اخلاقی یا آداب و سنن اسلامی پرداخته است. نثر کتاب بسیار زیبا و ادیبانه و از حیث تأثیر سخن و نفوذ کلام، فوق العاده است. برخی از موضوعات مطرح در مقالات این کتاب عبارتند از: فی النهی عن العمل بالظن، فی الحث علی الاتیان بالسین، فی ان شرّ العلوم بالطلب للمرآء، فی الحث علی تحصیل الصفات الجمیله، فی انّ حرمه مال المسلم کحرمه دمه، فی اوصاف الورع، فی حسن السکوت، فی ذمّ الالقاب العریضه، فی ان

ص: ۱۴۷

۱- همان

۲- همان

۳- نسخه خطی

الفقيه من احیی الفؤاد لا- من استفاد و افاد، فی ان حمله العلم فریقان احدهما خازن و الآخر خائن، فی عدم الاعتنا بظواهر الاشیا، فی حسن الذکر، فی ذم الغفله، فی حسن النساء و النکاح، فی الحث علی رفض الدنیا. (۱)

۶۶. رساله در بیان برخی از اذکار و ختومات مجرب و نقل حکایاتی از اهل سلوک.

مؤلف در این رساله، مطالبی ارزشمند از قبیل کرامات بزرگان و برخی از اذکار مؤثر و مجرب را، بی واسطه یا با واسطه از قول عارف زاهد و سالک واصل مرحوم حاجی محمد جواد بیدآبادی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۴ ق.) آورده است. از مضمون این رساله و احوال و مکاشفات مؤلف، بخوبی می توان به طریقه سلوکی معظم له پی برد.

ابتدای رساله چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم.... سالک مسالک زهد و سداد حاجی محمد جواد اصرار به اربعین صباح و خلوص نیت در جمیع حرکات و سکناات لله تعالی عز و جل و مراقبه و محاسبه نمودند....» پایان رساله: «و از مرحوم حاجی ملا علی محمد نجف آبادی نقل شده که.... از برای حاجت چهل و یک مرتبه بخواند در هر روز بلکه بیشتر را هم شنیدم.... اللهم انی اسئلك بحق روح علی بن ابيطالب.... و هر حاجت دارد الحاق نماید.» متن کامل این رساله همراه با توضیح رویه سلوکی مؤلف، در مجله ی حوزه ی اصفهان شماره ۱۴ به چاپ رسیده است.

تاریخ و سیره

۶۷. هدایه المؤمنین فی معرفه احوال المعصومین «صلوات الله عليهم اجمعین». مؤلف پس از ایراد خطبه در حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر اشرف انبیاء صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، در بیان سبب تألیف این کتاب می نویسد:

«بسم الله الرحمن الرحيم و به استعین.... فيقول العبد الذليل الفاني ابن ابي المعالي

ص: ۱۴۸

بن محمد ابراهیم الخراسانی ابوالهدی لما رایت الاطلاع علی احوال اشرف الکائنات و عترته الهداه صلوات اللّٰه و سلامه علیهم اجمعین من احسن ما توجهت الیه الهمم فعرفت علی تصنیف کتاب یحتوی علی شطر من حال-تہم و نبذہ من آیاتہم....» این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، چهارده نور و یک خاتمه است. هر نور اختصاص به یکی از چهارده معصوم علیہم السلام دارد و خود مشتمل بر چندین لمعه است. مقدمه ی کتاب به بحث پیرامون وجوب معرفت می پردازد کہ ابتدای آن چنین است: «فی وجوب المعرفه فنقول انه قد قامت علیہ الادله و وردت به الاخبار المعتره و نحن نقتصر علی ذکر ثلاثہ منها....» (۱)

۶۸. کتابی در بیان معجزات و کرامات معصومین علیہم السلام و درجات و مقامات ملکوتی آن ها.

علامه میرزا ابوالهدی عقیده داشت کہ ثبت و ضبط معجزات و کرامات اهل بیت علیہم السلام ثواب دارد و لذا مسموعات و مطالعات خود را با حفظ سند جمع آوری کرده است. از جمله فصول این کتاب عبارتند از: فی سَمَوِ مقامہم فی حال الصغر، فی ان فضلہم صعب مستصعب، فی معرفه الحیوانات لدرجاتہم السامیہ، فی استجابہ دعواتہم، فی علمہم و احاطتہم بکتب الانبیاء السابقین، انہم یعلمون منطق الطیور و الوحوش، اخبارہم عن مضمرات النفس، انہم اعلم من فی الارض من الزّماہ، فی التوسل الیہم و.... (۲)

ص: ۱۴۹

۱- همان

۲- همان

۶۹. رساله‌ی مستقل در کلیات هیئت و نجوم (۱)

۷۰. رساله‌ی در شناخت افلاک به فارسی. مؤلف پس از ذکر مقدمه می‌گوید: فصل اول بدان که افلاک کلیه در مشهور نه است بعدد حرکات محسوسه چه نه حرکت مختلف یافته اند، هفت از کواکب هفتگانه و یکی از ثوابت و.....» (۲)

۷۱. تعلیقات و حواشی بر شرح چغمینی موسی بن محمود قاضی زاده الرومی (۳)

۷۲. رساله در حروف مقطعه و علم اعداد. در بخشی از این رساله آمده است: «طریقه مضبوطه ینطق بها المطالب تکتب حروف المطلوب مقطعه و تسقط المتماثلات و تجعل لها اربع مراتب احاد عشرات و مئه و الوف فتحصل العدد علی قواعد الضرب و القسمة و التضعیف و الجذر والجبر و تکتب الاعداد حروفا و ضابطه.....» (۴)

رسائل متفرقه

۷۳. نسخه‌ی بیاض، مجموعه‌ی نفیس و گرانقدر در مطالب متنوع و در بر دارنده‌ی فواید بسیار. این مجموعه حدود یکصد و نود صفحه است و موضوعات مختلف فقهی، اصولی، حکمی، کلامی، تفسیری، روایی، تاریخی، رجالی و نیز برخی تجارب و مکاشفات و مشاهدات ملکوتی شخصی مؤلف را در بر می‌گیرد. بعضی از عناوین مباحث مطرح در این رساله چنین است:

گزارشی از برخی سفرهای زیارتی، بیان اشتباهات عجیب برخی از علما، اشعاری

ص: ۱۵۰

۱- نسخه خطی

۲- همان

۳- همان

۴- نسخه خطی

از حلاج، حکایاتی از دارالسلام عراقی، معالجه با آب آسمان بدستور امیر مؤمنان علی علیه السلام، بحثی درباره استحباب یا جواز زیارت معصومین علیهم السلام از راه دور و شرایط و آداب آن، درباره برخی از امام زادگان، عقاید و آرای ابوحنیفه، بحثی درباره وجود نفسی و رابطی و رابط، اشعاری از مثنوی مولوی، ذکر گفتاری از علامه مجلسی، فروع مختلف فقهی، نصایح عارف ربانی آقا محمد بیدآبادی، جریان فوت آقا سید محمدباقر درچه ای، نماز شب و برکات آن و حکایاتی در این باب، کراماتی از حاج محمد جواد بیدآبادی، بحثی درباره خارج محمول، شرح حدیث اعرفوا الله بالله، احوال و عاقبت کار ابن حمزه بطائنی، بطلان عمل جاهل معذور یا غیرمعذور، برخی مکاشفات شخصی مؤلف، بحثی درباره معنای لهُو و حرمت آن.

بازگشت به سوی معبود

سرانجام روز دیدار محبوب فرا رسید و ابوالهدی که مشتاق لقای پروردگار خود بود، برای این هجرت ادی آماده می شد. وی به ویژه در یکسال مانده به آخر عمر خود و در روزهای پایانی آن، حالات عجیبی داشت و مکاشفات بسیاری برای او در این زمان رخ داد. گویی آسمانی ها نیز برای دیدار او تعجیل داشتند و به او مژده ی ساعت وصل و پایان ایام هجر را می دادند. در همین روزها بود که ابوالهدی از دست دوشیزگان بهشتی سندس و استبرق دریافت نمود^(۱) و در حالات مناجات و عبادت

ص: ۱۵۱

۱- بنگرید به: کرامات معنوی و مکاشفات روحانی، مکاشفه ی ششم

پروردگار خود نیز، از عالم غیب متوجه آمادگی سفر ابدی شده و مژده ی دیدار دوست به او داده شد. (۱)

میرزا ابوالهدی زمان دقیق فوت خود را می دانست و لذا در ساعات پایانی عمر شریفش همه چیز را برای زیارت اولیای حق، آنانی که عمری را در انتظار دیدارشان بود، آماده می کرد. همسر گرامی ابوالهدی نقل می کند که ایشان، در شب وفات خود، به من فرمودند که امشب بچه ها را در اتاق پایین بخوابانید، تا اینکه نزدیک سحر شد، ناگهان دیدم آقا به من فرمودند چرا بلند نمی شوید! احترام بگذارید! مگر نمی بینید که حضرات معصومین علیهم السلام تشریف آورده اند! و این آخرین سخنی بود که از زبان ابوالهدی، محبوب اولیای خدا، شنیده شد. او لب فرو بست و به لقای الهی پیوست. پس از مدتی ناگهان درب خانه به صدا درآمد. در را که باز کردم دیدم عالم ربّانی و عارف صمدانی حاج ملا حسینعلی صدیقین است، شگفت زده شدم که ایشان این وقت سحر اینجا چه می کنند! از من پرسیدند حال آقا چطور است؟! گفتم به رحمت خدا رفتند. مرحوم صدیقین فرمود: الآن در عالم رؤیا دیدم درهای آسمان باز شد و ملائکه به سوی زمین می آیند. فهمیدم حاج میرزا ابوالهدی دار فانی را وداع کرده است. (۲)

وفات و مدفن

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی در نصف شب سه شنبه بیست و هفتم ماه ربیع الآخر سال ۱۳۵۶ قمری برابر با پانزدهم تیرماه سال ۱۳۱۶ ش. در اصفهان وفات کرد و در

ص: ۱۵۲

۱- بنگرید به: کرامات معنوی و مکاشفات روحانی، مکاشفه ی سوّم

۲- به نقل از جناب آقای مهندس حاج علی آقا کلباسی فرزند ارشد مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی

تخت فولاد در داخل بقعه ی پدر علامه اش، جنب پدر و برادر بزرگوار خود مدفون گردید. (۱)

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، ماده تاریخ فوت میرزا ابوالهدی را چنین سروده است: (۲)

جاء البشر مهيمناً و مورخا

اتل السلام على من اتبع الهدى ۱۳۱۶

مرحوم معلم حبیب آبادی در انتقاد از ماده تاریخ فوق می نویسد: «و از اینکه این تاریخ - مانند بسیاری از تواریخ دیگری که در این سنواتی که سال شمسی در ایران معمول شده - بدون تصریح و تقييد به شمسی، بر وفق شمسی سروده شده، چنان که ما در چندین موضع از تألیفات خودمان نوشته ایم، خطایی بین و خطی واضح است. زیرا پس از این برای محققین از مورخین موجب زحمت عظیم در تعیین سال وفات هر کسی خواهد شد.» (۳)

روی سنگ قبر ایشان چنین نوشته شده است:

«هو الحی الذی لا یموت آرامگاه آیهالله العظمی حاج میرزا ابوالهدی کلباسی ملقب به کمال الدین طاب ثراه وفات ربیع الثانی ۱۳۵۶ قمری فرزند آیهالله العظمی مرحوم مغفور آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی اعلى الله مقامه الشریف»

ص: ۱۵۳

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۲- تاریخ اصفهان: ۲۹۴

۳- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۶ - ۱۰۷

میرزا ابوالهدی که سالیان سال از همسر نخست خود صاحب فرزندى نشده بود، به پیشنهاد عالم فاضل مرحوم حاج میر سید علی خادم الشریعه برادر مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی با دختر وی به نام عزت بیگم ازدواج می کند. گفتنی است که پدر حاج میر سیدعلی، عالم فاضل کامل مرحوم حاج سید ابوجعفر خادم الشریعه و حاج ابوجعفر نیز پسر فقیه اصولی، علامه رجالی و بزرگ مرد جهان تشیع آقا سید صدر الدین عاملی بوده و مادر میر سید علی مذکور نیز دختر آقا سید زین العابدین شفتی ۱ تی، سید زین العابدین، ۳۶ - پسر سید حجهالاسلام - بوده است. (۱) همسر آقا میر سید علی خادمی (مادر زوجه ی میرزا ابوالهدی) نیز دختر آقا میر سید علی خوانساری - بن حاج میرزا محمد بن میرزا زین العابدین خوانساری - و همسر آقا سید علی خوانساری دختر فقیه علامه مجتهد نامی آقا میر سید محمد هاشم چهارسویی بوده است. (۲) بدین ترتیب همسر حاج میرزا ابوالهدی، وارث چهار خاندان بزرگ علمی: صدر، کاشف الغطاء، شفتی و چهارسویی خوانساری بود و برای ابوالهدی، دو فرزند پسر و دختر به دنیا آورد.

۱. آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی یگانه پسر و جانشین پدر در علم و عمل، که در سال ۱۳۴۳ ق. برابر با اول مهرماه ۱۳۰۴ شمسی دیده به جهان گشود. وی بخشی از مقدمات را نزد والد علامه اش آموخت، (۳) امّا دست اجل، او را از نعمت پدر و استادی بزرگ، محروم ساخت. او پیش از سن بلوغ، پدر خود را از دست داد امّا با همت عالی

ص: ۱۵۴

- ۱- بنگرید به: بیان المفاجر، ۲ : ۱۷۱ . امّا مرحوم معلم، مادر حاج میر سید علی را دختر حاج میر سید محمد مهدی - فرزند دیگر سید حجهالاسلام - معرفی کرده است. (احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۷)
- ۲- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۰۷
- ۳- مصاحبه صدا و سیمای مرکز اصفهان با آیت الله کلباسی: ۱

و پشتکار قوی، تحصیلات خود را در مدارس جدید و قدیم هر دو ادامه داد. تحصیلات جدید خود را تا مقطع دبیرستان خواند و آنگاه راه پدران و اجداد گرامی خود را در تحصیل علوم و معارف اسلامی ادامه داد. اساتید ایشان در اصفهان و قم، از سطوح گرفته تا خارج و در علوم مختلف نقلی و عقلی عبارت بوده اند از حجج اسلام و حضرات آیات عظام: شیخ هبه الله هرنندی، شیخ احمد فیاض، سید آقا جان، حاج سید محمدباقر ابطحی سدهی، حاج آقا مصطفی بهشتی، حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا صدر کوهپایی، شیخ محمد جواد فریدنی، حاج آقا سید محمدرضا گلپایگانی، حاج سید روح الله خمینی، حاج آقا مرتضی حائری، حاج سید حسین بروجردی طباطبایی، حاج آقا محمد علی اراکی، حاج سید محمد محقق داماد و حاج سید محمد حسین طباطبایی. ایشان پس از بیست و چهار سال اقامت در قم و تحصیل و تدریس در آن حوزه ی بزرگ، به زادگاهش اصفهان بازگشت و به مناصب علمی و اجتماعی مانند: تدریس در سطوح و خارج، امامت جماعت، منبر و سخنرانی، اداره ی جلسات هفتگی در قرائت و تفسیر قرآن، تألیف و پژوهش و مانند آن اشتغال ورزید. (۱) از ایشان آثاری در فقه، اصول، کلام، تفسیر و حدیث به جای مانده که برخی به چاپ رسیده و بیشتر آن ها به صورت خطی باقی مانده است. تألیفات معظم له عبارتند از: ۱ - حقوق زن و میراث که در سال ۱۳۵۲ ش. چاپ شده است. ۲ - تقریرات فقه استادش زعیم اعظم آیت الله بروجردی. ۳ - تقریرات اصول آیت الله بروجردی. ۴ - رساله ی فوائد شامل هفده فائده در مباحث اصولی و رجالی. عناوین مباحث مذکور عبارتند از: [۱. بحث دخول مسئله حجیت خبر در علم اصول ۲. بحث در

ص: ۱۵۵

۱- بنگرید به: مصاحبه با مجله حوزه: ش ۸۳؛ مصاحبه با صدا و سیما ی مرکز اصفهان: خطی؛ خاندان کلباسی: ۲۵۳ - ۲۵۲

اطراف کان تاّمه و کان ناقصه ۳. تفاوت قضیه حقیقه و خارجیه ۴. عدم ترتیب آثار عقلیه و عادیه بر مستصحب ۵. معنی لاضرر و لاجرح ۶. قطع طریقی و موضوعی ۷. تقسیم جواز ۸. القاب بعضی از ائمه علیهم السلام ۹. اعتبار فتوی یا روایت ائمه علیهم السلام ۱۰. جمع سنن عامه و اخبار شیعیه ۱۱. فرق میان تخصیص و حکومت و تخصص و ورود ۱۲. فی اقسام الریاح الاربع ۱۳. در موالید رجال ۱۴. در معنی بیع محاقله و مزاینه و عرایا ۱۵. در معنی کافر (مرتد فطری و مرتد ملی) ۱۶. اقسام حج ۱۷. مجاز مرسل و مجاز مشهور و عموم مجاز] ۵ - رسائل فقهی که شامل جزوه های متعدد و مباحث متنوعی مانند مباحث ذیل است: ماء بثر، ماء غسله، ماء مستعمل در حدث اصغر و اکبر، کتاب القضا و بحث در حقوق اسلام، کتاب الطهاره، کتاب الخمس، فی المضایقه و الموسعه، شکایات نماز، سجده سهو، حدیث رفع، صحیح لاعتاد، بحث خلل، در نقیصه، در زیاده، در قاعده تجاوز و فراغ، صلوه احتیاط و....

۶ - رسائلی در کلام و حدیث. ۷ - تفسیر قرآن. ۸ - دیوان اشعار با تخلص پروانه. ۹ - یادداشت های شخصی که در بر دارنده ی نکات مفید بسیار و خاطراتی از اساتید و علمای بزرگ حوزه ی اصفهان از جمله آیت الله ارباب «ره» است. ۱۰ - مصاحبه با مجله حوزه (۱) و صدا و سیمای مرکز اصفهان. ۱۱ - تألیف مقدمه ی سماءالمقال. ۱۲ - رساله ای در رؤیاهای صادق مؤلف. ۱۳ - رساله ای در مطایبات. ۱۴ - در تفسیر آیه مباحله. ۱۵ - رساله در احوال امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا. (۲)

آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی، پس از ابتلای به سکتته ی قلبی و مغزی سرانجام در بیمارستان خورشید اصفهان در سن هشتاد سالگی در شب سه شنبه سوم ربیع الاول

ص: ۱۵۶

۱- مجله حوزه، شماره ۸۳: ۵۲ - ۳۵

۲- سماءالمقال ۱: ۴۰ - ۳۲. گفتنی است که در تنظیم این آثار، از رسائل و یادداشت های شخصی مؤلف بهره برده ام.

۱۴۲۴ ق. برابر با پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۲ ش. به رحمت ایزدی پیوست. پیکر ایشان پس از تشییع توسط علما و طلاب و عموم مؤمنین اصفهان از مرد و زن، داخل مقبره ی نیای بزرگ و جد امجدش حاجی کرباسی روبروی مسجد حکیم، پایین قبر مرحوم حاجی، به خاک سپرده شد. از ایشان سه فرزند پسر به نام های: ۱ - مهندس حاج علی آقا

کلباسی، دارای کارشناسی ارشد در رشته ی مهندسی صنایع و مدیر کل صدا و سیمای مرکز اصفهان، ۲ - آقای حسن کلباسی، ۳ - آقای مهندس حسین کلباسی، باقی مانده است. (۱)

۲. حاجیه طوسی خانم متولد ۱۳۰۷ شمی که با آقای دکتر حاج حسین نجفی متولد ۱۳۰۱ ش. حقوقدان مشهور - از احفاد دخترت فقیه اصولی نامدار حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی صاحب هدایه المسترشدین - ازدواج کرده است. صبیّه حاج میرزا ابوالهدی اکنون در قید حیاتند و همراه با همسر بزرگوار خود به فعالیت های فردی و اجتماعی مشغول می باشند.

میرزا ابوالهدی از نگاه علما و بزرگان

۱. فقیه علامه میر سید محمد هاشم چهارسویی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ق.) در اجازه ی اجتهاد و روایتی به میرزا ابوالهدی:

«.... العالم الكامل المحقق المدقق الجامع لسنوف الفضائل و الفواضل.... و یجلس اعلی مجالس الارشاد و الافاده و لله در والده العلامة المیرزا ابی المعالی مدّ ظله العالی حیث کئی ولده هذا بابی الهدی و قد احلت تنظر فی جمله مما افاد فوجدته صاحب القوه القدسیه و ملکه الاجتهاد و قد من الله تعالی علیه بخروجه عن ربقة التقلید و

ص: ۱۵۷

۱- خاندان کلباسی: ۲۵۳.

النقاهه و بلوغه درجه الاجتهاد و الفقاهه بجده الشديد و كده السديد....»(۱).

۲. علامه رجالی و فقیه اصولی حاج سید حسن صدر کاظمینی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق.) شیخ اجازه ی میرزا ابوالهدی:

«... و هو من افضل علماء الدرايه و فقهاء الاحكام و الهدايه....»(۲).

۳. فقیه و مرجع بزرگ حاج سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹ - ۱۳۷۳ ق.):

«.... شيخنا الاكرم علم الاعلام كهف الانام حجهالاسلام الحاج ميرزا ابوالهدى طيب الله ثراه و جعل الجنة مأواه.... ولد فى بيت الفضل و الكمال و ارتفع من ثدى العلم و التقوى و تربى فى حجر المكارم و الفضائل و نشأ بين العلماء و الافاضل....»(۳).

۴. حاج شیخ محمد علی مدرّس تبریزی (۱۲۹۶ - ۱۳۷۳ ق.)

«ابوالهدى ابن ميرزا ابوالمعالي محمد بن محمد ابراهيم، كرباسى الشهره، اصفهانى الولاده و الوفاه و النشاء، نجفى التحصيل، كمال الدين اللقب، از اكابر علمای معاصر، عالمی است عامل فاضل كامل اديب بارع فقيه اصولی رجالی، عابد زاهد متقی، در زهد و ورع و تقوی بی بدل و ضرب المثل، در تجلی به صفات فاضله و تخلی از اوصاف نازله طاق، دارای مکارم اخلاق و بعضی از مکاشفات و امور غریبه بدو منسوب است.»(۴)

۵. حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۹ ق.):

«دیگر از اشخاص برجسته اصفهان در آن اوقات، مرحوم آقای حاج میرزا هدی

ص: ۱۵۸

۱- البدرالتمام: ۴۶ - ۴۵

۲- سماءالمقال، مقدمه ۱: ۳۳

۳- متن تقریظ آیهاالله صدر بر سماءالمقال (خطی)

۴- ریحانهاالادب ۷: ۲۹۸

کلباسی که از رجال علم رجال و مردان زاهد عصر ما بود، باید نام برد. این بزرگوار که در این فن قابل همه گونه استفاده بود، ضعیف البنیه و علیل المزاج بود و زیاد تحریر می فرمود و مشغول تألیف بود. حتی به [حضور] در مسجد هم کمتر موفق می شد. ذاتاً انزوا را بر مصاحبت دیگران و تألیف را بر تدریس ترجیح می دادند»^(۱).

۶. حاج شیخ محمد کلباسی حائری (۱۳۲۴ - ۱۳۹۹ ق.):

«حجهالاسلام و المسلمین عمده العلماء العاملين آقای حاج میرزا کمال الدین مشهور به حاج میرزا ابوالهدی کلباسی، متصنف به اخلاق حمیده و نفس قدسی، فقیه اصولی و رجالی بوده و در عبادت و زهد و احتیاط، ثانی پدر و ثالث جدش مرحوم حاجی محمد ابراهیم کلباسی بود. او عالمی بود با عمل، زاهد، با ورع و صاحب مکاشفات و امور غریبه. در علم فقه و اصول و رجال کتاب هایی تصنیف نموده و مخصوصاً در علم هیئت و رجال، وحید عصر خود بوده؛ بزرگانی از اطراف، برای استفاده از درس آن مرحوم شدّ رحال می نمودند و به درس ایشان حاضر می شدند»^(۲).

۷. علامه دهر و نسابه عصر آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ ق.):

«العلامه شیخی و استاذی سلمان الزاهدین و قدوه العابدین حجهالاسلام آیهالله الحاج المیرزا ابوالهدی الکرباسی الاصفهانی...»^(۳).

«کان شیخنا الکرباسی و ابوه و اخوه فی غایه الزهد و الورع و التقوی یضرب بهم

ص: ۱۵۹

۱- فطرت بیدار زمان: ۴۵

۲- خاندان کلباسی: ۲۴۷

۳- الاجازه الکبیره: ۲۱

المثل في العزوف عن الدنيا و زخارفها و التوجه الى الآخره و شؤونها، تضيعون من الدنيا بالعفاف و الكفاف... كان قليل النظير في مكارم الاخلاق و افاضل الثيم و الصفات و الحالات الروحانيه حتى انه تدور على اللسن له احاديث مكاشفات و امور غريبه صدرت منه لا- تصدر إلّا من المهذيين المنخلعين عن التوجهات النفسانيه الرخيصه...» «كان هذا الرجل من مصاديق قوله عليه السلام المخالف لهواه و المطيع لامر مولاه، آيه من آيات ربّه

في العلم و التقى و الفضل و الجحى، كان منظره مذكراً للآخره و مسلياً عن الشهوات، قلّ من رأيت في من ادركته مثله، و كان اكثر اوقاته مشغلاً بالتأليف و التصنيف و المطالعه و الإفاده...» (١).

٨. حاج سيد مصلح الدين مهدوي (١٣٣٤ - ١٤١٦ ق.).

«حاج ميرزا كمال الدين ابوالهدى كلباسي فرزند ميرزا ابوالمعالي، عالم فقيه زاهد مجتهد اصولي در زهد و تقوى مانند پدر بزرگوار و برادر عالمقدار خود بي مثل و مانند بود. در مكارم اخلاق و صفات و حالات روحاني كم نظير.... حوزه درس ايشان خصوصاً در قسمت رجال مورد نظر و عنایت اهل فضل بوده...» (٢).

اعقاب دختری میرزا ابوالمعالي كلباسي

پيشتر گفته شد كه دختر مرحوم ميرزا ابوالمعالي، همسر فقيه فاضل و منجم ماهر مرحوم حاج مير سيد احمد ملاباشي بوده است. پدر و نياكان ملا احمد از فضلا و دانشمندان و بويژه صاحب نظر در علم نجوم بوده اند. نخستين فرد از اين خاندان كه به اصفهان آمده و در اين شهر سكونت گزید، مرحوم ميرزا محمد علي تفرشي بن

ص: ١٦٠

١- المسلسلات ٢: ٥٤

٢- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ١٠٦

میرزا عبدالله بن سید علاءالدین (۱) است که از اجلای سادات و بزرگان تفرش بوده و در اواسط سن از شیراز به اصفهان آمده است. میرزا محمد علی، خواهر استاد الکل میر محمد صادق اصفهانی خاتون آبادی متوفی ۱۲۴۴ ق. - که در علم اختر شماری و ستاره شناسی از اعجاب وقت بود و بر بسیاری از علوم از جمله فقه و اصول تسلط داشت - را به همسری برگزیده است. وی در سال ۱۲۸۲ ق. وفات یافته و از آثارش: دفتر تقویم است. حاصل ازدواج میرزا محمد علی با همسرش پسری به نام میرزا محمد حسن اصفهانی است که از فحول علمای نجوم و صنایع اساتید این فن بوده و اقتداری فوق العاده در آن داشته است. در واقع میرزا حسن از طرف پدر و مادر خبرگی و استادی در علم نجوم و استخراج احکام و تقویم را به ارث برد و سالیان متمادی به کار استخراج، اشتغال داشت. این رو همواره مورد توجه پادشاهان قاجار و امنای دولت بود و به منصب منجم باشیگری مفتخر گردید. میرزا محمد حسن منجم باشی رساله ای در طالع و احکام میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک - که در اواخر عمر صدر اعظم شد - نوشته است. میرزا محمد حسن در سال ۱۲۹۸ ق. وفات یافت و دو فرزند پسر از او می شناسیم به نام های: میرزا سید محمد - جد آقایان سادات نجومی - و حاج میرزا احمد، که منصب و لقب منجم باشیگری به میرزا احمد رسید.

میرزا احمد منجم باشی (۲) که به ملا باشی نیز معروف است - و بعدها همین

ص: ۱۶۱

- ۱- میر سید علاءالدین تفرشی از بزرگان تفرش بوده و صاحب مزاری معروف در این شهر می باشد.
- ۲- لازم به ذکر است که در دوره ای نزدیک به هم، چندین دانشمند اهل نجوم با نام و القاب مشترک وجود داشته اند. از جمله: سید میرزا احمد منجم باشی بن محمد حسن بن محمد علی بن میرزا عبدالله اصفهانی تفرشی (متوفی ۱۳۳۱ ق.) و شیخ احمد منجم بن شیخ محمد حسن منجم بن شیخ محمد علی منجم رشتی (متوفی ۱۳۱۵ ق.) که ساکن نجف بوده است. هم چنین در همین دوران، عالم دیگری به نام حاج میرزا احمد منجم باشی بن محمد جعفر شیرازی (متوفی ۱۳۴۴ ق.) نیز در شیراز بسر می برده است. به نظر می رسد که همین اشتراک نام و لقب باعث شده است نویسندگان فهرست اعلام الذریعه (۱: ۱۳۸) میان سید احمد منجم باشی با شیخ احمد منجم باشی رشتی که نام پدر و جد هر دو نیز دقیقاً یکسان است، اشتباه نمایند.

شهرت نام خانوادگی اعقاب و احفاد او گردید - دانشمند و ادیبی فاضل، فقیهی کامل و منجمی متبحر بود و در اصفهان، مصدر امور شرعی و عرفی بوده است. از اساتید او به نام پدرش میرزا محمد حسن و نیز میرزا ابوالمعالی کلباسی که پدر همسر ملا احمد بوده، اشاره شده است، اما استفاده ی ملا احمد از دیگر علمای معاصر ابوالمعالی نیز احتمال می رود. و حاج میرزا احمد ملا باشی در روز پنج شنبه یازدهم ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ ق. در اصفهان رحلت کرد و نخست در جوار استاد و پدر همسرش میرزا ابوالمعالی در داخل بقعه ی ایشان که به همت و سرمایه ی خود او ساخته شده بود به خاک سپرده شد و سپس پیکرش به نجف اشرف انتقال داده شد و در آن مکان مقدس مدفون گردید. گفتنی است که میرزا احمد ملا باشی پس از وفات پدرش میرزا محمد حسن، جانشین او در استخراج تقویم بود و از جمله آثارش دفتر تقویم است. (۱)

ثمره ی پیوند حاج میرزا احمد ملا باشی با دختر میرزا ابوالمعالی، دو پسر برومند و یک دختر دانشمند به نام ها و شرح ذیل بوده است، عبارت از:

۱. حاج میرزا محمد رضا ملا باشی از علما و فضلا ی اصفهان و از شاگردان جدّ مادری اش علامه میرزا ابوالمعالی و نیز حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی و جمعی دیگر از علمای اصفهان بوده است. حاج میرزا رضا، فردی نیکوکار و صاحب موقوفات و از اجزای سه گانه ی عدالت خانه اصفهان بوده است. اعضای عدالت خانه ی اصفهان که به دستور ناصرالدین شاه در این شهر تأسیس شده بود:

ص: ۱۶۲

۱- بنگرید به: المآثر و الآثار ۱: ۲۸۵ و ۲۸۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸ - ۱۰۷؛ الذریعه ۸: ۲۱۶؛ بیان المفخر ۲: ۱۷۵ - ۱۷۴.

رکن الملک، شیخ الاسلام و ملاًباشی بوده اند. از جمله کارهای نیک مرحوم حاج میرزا رضا ملاًباشی، این بوده است که قسمتی از املاک خود را در لنجان وقف کرده و مصرف آن را کمک به ارحام فقیر خود قرار داده است. حاج میرزا رضا ملاًباشی با زهرا خانم دختر فقیه و دانشمند نامی آقا شیخ محمد تقی نجفی ازدواج کرد و مادر زهرا خانم یعنی علویه مریم بیگم نیز دختر علامه فقیه محقق مرحوم آقا میرزا هاشم چهارسویی بوده است. حاج میرزا رضا ملاًباشی در سال ۱۳۳۴ ق. در اصفهان وفات یافت و ابتدا در مقبره ی پدر زوجه اش آقا نجفی مدفون گردید و سپس به اعتبار مقدسه ی ائمه ی عراق علیهم السلام منتقل گردید.^(۱) از مرحوم میرزا رضا، هفت فرزند: شش پسر و یک دختر به جای ماند. نام فرزندان وی به ترتیب سنی عبارت است

از: علاءالدین، مهدی، حسن، جواد، مریم بیگم، مرتضی و صادق. نامبردگان اشخاصی متین، متدین، امین و صاحب نفوذ بوده و اکثراً اهل علم و از دانشمندان و علمای اصفهان به شمار می رفته اند. سید علاءالدین، صاحب اطلاعات وسیعی در زمینه ی نجوم و در واقع، وارث و جانشین نیاکان خود در دانش ستاره شناسی بوده است. وی در زیرزمین خانه ی مسکونی اش، رصدخانه ای بزرگ داشته - که ظاهراً از نیکانش به ارث برده بوده - و در این محل به رصد کردن ستارگان و نیز تحقیق و مطالعه مشغول بوده است. وی که مدتی به بیماری های روحی و مغزی مبتلا بود، در سن حدود سی و شش سالگی به دار باقی شتافت. گویند که پیش از وفات، خانه ی مسکونی اش را خراب نمود و تمامی آثار به جای مانده از نیاکان از جمله رصدخانه و کتب و رسائل خاندان، مدفون گردید.

فرزند دوم حاج میرزا رضا یعنی سید مهدی - که لقب خانوادگی اش را «فقیه»

ص: ۱۶۳

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳: ۲۲۳ - ۲۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۹-۱۸؛ مزارات اصفهان: ۵۶.

گذاشته بود - به تحصیل علوم دینی مشغول و در کسوت روحانیت بوده است اما در زمان رضاخان، به ناچار لباس روحانیت را کنار گذاشت.

حاج سید جواد، فرزند چهارم میرزا رضا، که نام خانوادگی خود را «توانفر» برگزیده بود، مدت ها سردفتر اسناد رسمی بود و طبع شعر نیز داشت. از دختر میرزا رضا یعنی آغامریم بیگم نیز همین اندازه می دانیم که همسر یکی از خوانین به نام ناصرقلی خان سمیرمی بوده است.^(۱) و اما شرح احوال سه پسر دیگر میرزا رضا ه از دانشمندان و فضیلتی اصفهان بوده اند، چنین است:

الف) حاج آقا حسن متولد حدود ۱۳۲۸ ق. در اصفهان و شاگرد بزرگانی مانند: آقا شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمد حکیم خراسانی و شیخ محمد علی فتحی دزفولی و سرانجام در نهم جمادی الاولی ۱۳۹۸ ق. حدود هفتاد سالگی در اصفهان وفات یافت و در بقعه آقا نجفی جنب امام زاده احمد از اعقاب حضرت باقر العلوم علیه السلام مدفون گردید. حاج آقا حسن ملاًباشی دارای طبع شعر نیز بوده و «صافی» تخلص می نموده و صاحب دیوانی شامل ترجیع، رباعیات و مثنویات است.^(۲)

ب) حاج آقا مرتضی ملاًباشی عالم نامی و از شاگردان حضرات آیات: آقا شیخ علی مدرّس یزدی، سید آقا جان ریزی، شیخ محمد علی فتحی دزفولی، شیخ محمد حکیم خراسانی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا رحیم ارباب، میر سید علی نجف آبادی، میر سید محمد نجف آبادی و حاج آقا حسین بروجردی بوده است. حاج آقا مرتضی ملاًباشی که از فضیلتی معروف اصفهان به شمار می رفت، در سال ۱۳۸۷

ص: ۱۶۴

۱- مصاحبه با دانشمند و شاعر فرزانه جناب آقای حاج محمود ملاًباشی (بن محمد حسین بن محمود بن میرزا احمد ملاًباشی).

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳: ۲۱۶ - ۲۱۴؛ مزارات اصفهان: ۵۶.

ق. در این شهر وفات یافت و پیکرش در مشهد مقدس حضرت رضاعلیه السلام در باغ فردوس مدفون گردید. (۱)

ج) حاج آقا صادق ملباشی: وی آخرین فرزند حاج میرزا رضا و متولد سال ۱۲۸۷ ش. در اصفهان بوده است. ایشان از علما و دانشمندان اصفهان استفاده نمود و خود، یکی از فضلاء اصفهان به شمار می رفته است. حاج آقا صادق در سن ۸۳ سالگی در سال ۱۳۷۰ ش. وفات یافت و در خواجه ربیع مشهد مقدس به خاک سپرده شد. گفتنی است که مرحوم حاج آقا صادق، دختر عالم ربانی و عارف صمدانی علامه محمدباقر الفت اصفهانی را به همسری برگزید. ثمره ی این ازدواج چهار دختر بوده است که همسران آن ها عبارت بوده اند از: مرحوم حاج آقا حبیب الله ملباشی، مرحوم حاج فضل الله آقای قزوینی، حاج آقا مصطفی آقا رشتی و حاج آقا محمود ملباشی که هر چهار تن، از دانشمندان اصفهان و اهل علم و فرهنگ و ادب بوده و هستند.

۲. حاج میرزا محمود ملباشی، عالم فاضل و از شاگردان آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران بوده و با دختر حاج میرزا هاشم خاتون آبادی امام جمعه ی اصفهان - از رؤسا و متنفذین و آخرین امام جمعه مقتدر شهر متوفی ۱۳۲۱ ق. - ازدواج کرده است. وی در تاریخ ۱۳۱۵ ش. در اصفهان رحلت نمود و داخل بقعه ی میرزا ابوالمعالی در جوار قبر پدرش به خاک سپرده شد. در کتاب سیری در تخت فولاد، حاج میرزا محمود را پسر میرزا محمد حسن نوشته است (۲) که منظور همان حاج میرزا محمود بن احمد بن میرزا محمد حسن می باشد. گفتنی است که پیکر مرحوم حاج آقا محمود ملباشی در حدود سال ۱۳۲۰ ش، به نجف اشرف منتقل

ص: ۱۶۵

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳: ۲۶۸ - ۲۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۸۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱.

گردید و در وادی السلام این شهر، مدفون شد. از نکات قابل توجه درباره ی میرزا محمود، این است که ایشان در زمان ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت، دارای جواز رسمی استفاده از این لباس بوده است. از مرحوم حاج سید محمود ملباشی، ده فرزند: هفت پسر و سه دختر به جای ماند که به ترتیب سنی عبارتند از: میرزا عبدالله، نصرت آغا، میرزا احمد، عصمت آغا، میرزا محمدعلی، هاشم، سید محمد، انیس آغا، محمدحسین و سید حبیب. دامادهای حاج میرزا محمود ملباشی عبارت بوده اند از: ۱. عالم فاضل حاج شیخ محمدباقر نجفی فرزند فقیه فاضل مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی، که همسر نصرت آغا بوده است. ۲. مرحوم حاج محمدتقی گلشنی همسر عصمت آغا. ۳. حاج آقا تقی سمسار، همسر انیس آغا و مؤسس مسجدالهادی در خیابان سید علیخان. در میان پسران حاج میرزا محمود، آخرین ایشان یعنی حاج میرزا حبیب، از علما و دانشمندان زمان خود بوده که شرح احوال وی به اختصار چنین است: حاج میرزا حبیب ملباشی در سال ۱۳۰۳ ش. دیده به جهان گشود و پس از استفاده از

محضر پدر، تحصیلات خود را در شهرهای اصفهان، قم و نجف ادامه داد. از اساتید ایشان می توان به حضرات آیات: حاج آقا رحیم ارباب، آقا سید حسن مدرّس هاشمی، آقا سید شهاب الدین مرعشی، حاج سید حسین بروجردی، حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، و مرحوم حاج شیخ حسینعلی راشد اشاره کرد. حاج آقا حبیب که مادرش دختر آقا سید هاشم خاتون آبادی امام جمعه ی وقت اصفهان و لذا از احفاد دختری علامه مجلسی بود، از علامه مجلسی به جدّ خویش تعبیر می نمود و علاقه ی بسیاری به ایشان داشت، به طوری که سالیان بسیاری را به مطالعه و تحقیق در احوال علامه محمدباقر مجلسی اختصاص داد و نوشتجات مفصلی در این زمینه گرد آورد. حواشی مفصلی نیز از ایشان بر کفایهالاصول آخوند باقی مانده است. از ویژگی های حاج آقا حبیب، حافظه ی قوی ایشان بوده است، به گونه ای که عبارات

قنوت های پدرش - که قنوت های طولانی می خوانده - را در سن چهار، پنج سالگی از بر داشته است. مرحوم حاج آقا حبیب به هیچ وجه سهم مبارک امام علیه السلام را نمی گرفت و مدتی نیز در دبیرستان های اصفهان تدریس کرد اما پولی بابت آن دریافت نکرد. حاج آقا حبیب ملباشی در سن ۷۹ سالگی در مرداد سال ۱۳۸۱ ش. درگذشت و در قبرستان نو در شهر قم به خاک سپرده شد.

۳. کوکب خانم یگانه دختر میرزا احمد ملباشی و همسر عموزاده اش آقا فضل الله نجومی - فرزند عالم فاضل حاج سید محمد منجم باشی برادر میرزا احمد - بوده است. از کوکب خانم یک دختر به نام طلعت - همسر عالم فاضل مرحوم حاج آقا سید محمدرضا شفتی - و یک پسر به نام دکتر جلال نجومی - دندان پزشک - بر جای ماند. گفتنی است که مادر مرحوم حاج آقا رضا شفتی، دختر حاج سید محمد منجم باشی بوده است. (۱)

شجره نامه ی خاندان ملباشی

بر اساس گفته های برخی از افراد خاندان ملباشی، نسبت این خاندان به امام همام حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام می رسد. امّا در سلسله ی این خاندان، از نام و احوال میر سید علاءالدین تفرشی تا اجداد گرامی اش، هنوز آگاهی نداریم. نام شماری از فرزندان و نوادگان و احفاد سید علاءالدین، که تاکنون به دست ما رسیده است، به شرح ذیل می باشد:

(۲)

ص: ۱۶۷

۱- با سپاس از حاجیه طوسی خانم کلباسی یگانه دختر علامه میرزا ابوالهدی که برخی از آگاهی های فوق را توسط برادرزاده ی خود جناب آقای مهندس حاج علی کلباسی در اختیار نگارنده قرار دادند. نیز بنگرید به: بیان المفخر ۲: ۱۹۳ .

۲- ۱ - جناب آقای مهندس محمدعلی نجفی کارگردان مشهور سینما. ۲ - جناب آقای دکتر مهدی گلشنی فیزیک دان نامدار و ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی، از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف. ۳ - وی در امر فلاح و کشاورزی، اطلاعاتی گسترده و مهارتی بسزا داشت و زمین های بایر بسیاری را آباد کرد و وقف کارهای عام المنفعه نمود. ایشان دارای طبع شعر نیز بود و «طاهر» تخلص می نمود. ۴ - آگاهی از افراد سلسله جلیل سادات ملباشی در اصفهان و نیز تصاویری از علمای خاندان رامدیون آقای محمود ملباشی هستیم. ایشان از فرهنگیان برجسته و دبیران شایسته و کم نظیر شعر و ادب فارسی در اصفهان به شمار می رود که خود نیز طبعی لطیف در سرودن شعر داشته و بیتی نیز در باره ی شجره نامه ی خاندان گرامی اش سروده است: درخت خاندان ما که خاکش عنبر آگین است «علا» در ریشه اش جا دارد و بار و برش دین است با سپاسگزاری از ایشان و همسر گرامی شان - دختر مرحوم حاج آقا صادق بن محمدرضا بن میرزا احمد ملباشی - که با بزرگواری تمام، نگارنده را یاری کردند.

اشاره

نخستین فرد از خانواده ای که بعداً به کرباسی یا کلباسی شهرت یافتند، شخصیت بزرگواری است با نام حاج محمد حسن خراسانی کاخکی کرباسی که بنیانگذار سلسله ای درخشان از عالمان و فرهیختگان مسلمان و پیشوایان دینی جامعه شیعی به شمار می رود، به گونه ای که نزدیک به سه قرن، ستارگان این خاندان پی در پی درخشیدند و آثار علمی و فرهنگی و خدمات دینی و اجتماعی بسیاری از خود بجای گذاشتند.

تولد و والدین

حاج محمد حسن در سال ۱۱۱۵ ق. دیده به جهان گشود. (۱) درباره ی محل تولد وی، به اختلاف سخن گفته اند ولی تردیدی در این نیست که ایشان در خراسان و ظاهراً مابین هرات تا کاخک به دنیا آمده است.

برخی تولد ایشان را در محله ی حوض کرباس هرات (۲) و بعضی نیز در کاخک

ص: ۱۶۹

۱- مجله المرشد: ۱۱۷

۲- احوال حاجی کرباسی و اولاد: ۸- ۷؛ تذکره القبور: ۸۹

بر اساس آنچه در منابع تاریخی و رجالی نوشته اند، نام پدر حاج محمدحسن، حاج محمدقاسم بوده و این اندازه گفته اند که وی از فضلا و اخیار به شمار می رفته و ظاهراً در حوض کرباس یا محلی دیگر از خراسان مقیم بوده و در آن جا وفات یافته است. (۲) اما در چند سال اخیر برخی از علمای خاندان کلباسی، نام پدر و جدّ اول و جدّ دوم حاج محمدحسن را به شرح زیر چنین آورده اند: (۳) حاج محمدحسن فرزند حاج محمدجعفر کرباسی و وی فرزند حاج محمدقاسم و ایشان نیز فرزند حاج محمدصادق بوده است.

بر اساس این گفته، شجره نامه ی حاج محمد حسن کرباسی، چنین ترسیم می شود:

محمد صادق الشریف ۱۰۰۰ - ۱۰۷۴ ق.

محمد رضا محمد - قاسم الطاهر محمد تقی ۱۰۵۰ - ۱۱۲۰ ق.

محمد جعفر آخوند کرباسی ۱۰۸۰ - ۱۱۵۰ ق.

محمد حسن کاخی کرباسی ۱۱۱۵ - ۱۱۹۰ ق.

ص: ۱۷۰

۱- تاریخی و جغرافیای گناباد: ۱۸۹ - ۱۸۸

۲- مقدمه مهدوی بر حقوق زن و میراث: ۲۲

۳- آل الکرباسی: ۶۳

ملا محمدجعفر معروف به آخوند کرباسی از علما و فقهای زمان شاه سلطان حسین صفوی بوده و صاحب حدایق و صاحب جواهر بعضی از آرا و فتاوی فقهی او را ذکر کرده است. (۱) البته در همین دوران، فقیه عارف و محدث کامل و متکلم ماهر دیگری با نام مولی محمدجعفر خراسانی کرباسی فرزند محمدطاهر طوسی - از شاگردان و مجازین علامه مجلسی و فاضل سراب - در اصفهان بسر می برده که صاحب آثاری مانند تباشیر و اکلیل المنهج بوده است. (۲) طبق گفته ی این دسته از علمای خاندان، این دو شخص، یکی بوده اند اما تاریخ وفات صاحب تباشیر، سال ۱۱۷۵ ق. ذکر شده در حالی که سال وفات آخوند کرباسی - طبق نوشته ی کتیبه ی سنگ قبرش در یزد - سال ۱۱۵۰ ق. بوده است. آخوند کرباسی صاحب مزاری معروف در محله ی گذرگاه «جوب هرهر» یزد می باشد. (۳) در هر حال سلسله ی انتساب مذکور جای تحقیق و تأمل جدی دارد.

آگاهی دیگر اینکه نسب خاندان حاج محمد حسن، به مالک اشتر نخعی، حواری امیر مؤمنان علی علیه السلام، می رسد و مرحوم حاجی کرباسی به فرزندان خود امر فرموده بوده که برای ضبط و صیانت این نسبت، آن را نقش مهر و کاغذ خود نمایند. (۴)

از بعضی از احفاد مرحوم حاجی نقل شده است که معظم له، با چهارده واسطه به مالک اشتر متصل می شود. (۵)

ص: ۱۷۱

۱- جواهرالکلام ۳۲: ۲۹۲؛ حدائق الشیعه ۲۵: ۴۸۹

۲- روضات الجنات ۳: ۲۶۱؛ الکواکب المنتشرة: ۱۴۱

۳- خاندان کلباسی: ۸۴ - ۸۲. نگارنده در پانوش، صفحات کتاب نامبرده، توضیحاتی در این باره آورده است.

۴- البدرالتمام: ۸

۵- خاندان کلباسی: ۸۶

مرحوم حاج محمد حسن، مدّتی در هرات ساکن بوده است و محل سکونت ایشان، محله ای با نام حوض کرباس بوده است. علت نامگذاری این محله نیز آن بوده است که زنی از شیعیان، از درآمد حاصل از پنبه ریسی و کرباس بافی، آب انبار وسیع یا حوضی بزرگ در این محل بنا کرد و بر شیعیان آن جا وقف نمود، از این رو این محل رفته رفته به حوض کرباس شهرت یافت؛^(۱) یعنی حوضی که از بافتن و فروش کرباس، ساخته شده است، بعدها لفظ حوض را نیز به تدریج، از راه تخفیف و در اثر شدت استعمال، انداخته و اهالی آن را «کرباسی» نامیده اند. از آن جا که مرحوم حاج محمد حسن مدتی ساکن این محل، و از طرف حاکم وقت، برای امامت شیعیان آن محل، تعیین شده بود، به کرباسی مشهور شد.^(۲) گفتنی است که به مرور زمان - بنا به دلایلی^(۳) - راء تبدیل به لام شد و این خاندان به «کلباسی» شهرت یافتند. البته علمای بزرگ و نامی خاندان مانند علامه میرزا ابوالهدی بر استعمال لقب خانوادگی شان به راء «کرباسی» پافشاری داشتند و تبدیل راء به لام را تحریف دانسته اند و علامه نسابه رجالی شناس فقیه مرجع نامی مرحوم آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی و برخی دیگر از علمای محقق مانند علامه محدث متبّع آیت الله حاج سید محمدعلی روضاتی نیز بر همین ضبط اصرار داشته و دارند.^(۴) اما از آن جا که امروزه این خاندان به «کلباسی» مشهورند و برخی از معاصرین خاندان، از بکار بردن لقب «کرباسی» برای خود، ناخشنودند، ما نیز در این کتاب، از اولاد و اعقاب حاجی به بعد را بیشتر با

ص: ۱۷۲

۱- شرح روضات الجنات ۱: ۸۵

۲- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۸؛ ریحانها لادب: ۵؛ ۴۴؛ البدرالتمام: ۸

۳- خاندان کلباسی: ۳۲۸

۴- همان: ۳۲۵ - ۳۲۶

آثار خیر و فعالیت‌های اجتماعی حاج محمد حسن

یکی از ویژگی‌های پسندیده‌ی حاج محمد حسن، این بوده است که به هر شهر و دیاری که پا گذاشته، آثار نیک فرهنگی و خدمات دینی و اجتماعی بسیاری از خود به یادگار گذاشته است. مسیر حرکت ایشان از هرات به طرف اصفهان، از شهرهای کاخک، مشهد و یزد بوده است، هرچند اینکه آیا پیش از این هم سفری به اصفهان داشته یا نه، چندان روشن نیست ولی با توجه به اینکه از همان زمان ورود به اصفهان، آشنایی صمیمی میان وی و آقا محمد بیدآبادی برقرار بوده، شاید بتوان گفت بیشتر نیز رفت و آمدی به اصفهان داشته است.

در هرات، همان گونه که گفته شد، پیشوای روحانی و امام جمعه و جماعت مردم آن دیار و مشغول به وظایف دینی و اجتماعی خود بوده است. هنگامی که از هرات به کاخک - نزدیک به گناباد - رسید، مدرسه‌ای برای طلاب علوم دینی در کاخک بنا کرد، مغازه‌هایی را نیز وقف آن نمود و کتب مورد نیاز طلاب را نیز خریده و وقف نمود. (۱) از کاخک به سوی مشهد مقدس رفت و در این شهر نیز مدرسه‌ی مخروبه‌ای را تعمیر نموده و کاروانسرای را هم جهت صرف منافعش برای مدرسه‌ی مزبور، خریداری و وقف نمود و تا این اواخر هم مدرسه فوق به مدرسه‌ی «حاجی حسن» مشهور بود. (۲) پس از مشهد، وارد یزد شد و شبستان وسیعی نیز برای مسجد ریگی این شهر،

ص: ۱۷۳

۱- البدرالتمام: ۸؛ خاندان کلباسی: ۸۸ - ۸۷

۲- منتخب التواریخ: ۶۵۶؛ تاریخ آستان قدس رضوی ۲: ۶۳۵

ساخت. (۱) حاج محمد حسن پس از مسافرت های طولانی به شهرهای مختلف، نهایتاً وارد دارالعلم اصفهان شد و از همان ابتدا، از یاران خاص و دوستان نزدیک حکیم متأله آقا محمد بیدآبادی گردید. (۲) از جمله آثار خیر و برکات وجودی او در اصفهان عبارتند از: تعمیر مدرسه ی الماسیه، تعمیر و احیای مدرسه ی مبارکیه، بیرون کردن لُرها از مدرسه ی شاهزاده ها و تعمیر اساسی آن و برگرداندن آن به طلب علم دینی، خریدن حمام علی اکبر واقع در محله ی مسجد حکیم اصفهان و وقف منافع آن برای روغن چراغ طلاب مدرسه های سه گانه ی مذکور. (۳) نکته ی جالب توجه این است که مرحوم حاج محمد حسن با تمام مقامات علمی و زهد و مراتب معنوی اش، خود شخصاً در تعمیر و بنای مدارس، شرکت می کرده است. (۴)

حاج محمد حسن کرباسی و آقا محمد بیدآبادی

مرحوم حاج محمد حسن در دوران سکونت در اصفهان، با جمله ای از اوتاد و اخیار و علمای پرهیزکار، محشور و مأنوس گردید و به ویژه با حکیم متأله و فقیه عارف متشرع آقا محمد بیدآبادی، مصاحبت اختیار نمود. آشنایی و صمیمیت میان این دو عالم ربّانی، تا بدان جا رسید که مرحوم حاج محمد حسن، پیش از فوت، عارف بیدآبادی را قیّم و وصیّ خود در امور فرزند عزیزش محمد ابراهیم قرار داد و از مرحوم بیدآبادی خواست تا او را تحت نظر خود، تعلیم و تربیت نماید. (۵) آقا

ص: ۱۷۴

۱- بدرالتمام: ۸

۲- همان: ۸

۳- همان: ۸؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۹ - ۱۰

۴- رساله ای در شرح احوال حاج محمد حسن و حاج محمد ابراهیم کرباسی به قلم میرزا ابوالمعالی (مخطوط).

۵- بدرالتمام: ۹

محمد بیدآبادی نیز حق دوستی و مصاحبت را ادا نمود و از محمد ابراهیم، مانند یکی از فرزندان خود، مراقبت نمود، به گونه ای که محمد ابراهیم، سالیانی چند - حدود یک دهه - در خدمت و ملازم رکاب مرحوم بیدآبادی بود و حتی در بیت و منزل او بسر می برد و در علم و عمل، به شیخ و مراد خود تأسی می جست. حاج محمد حسن بخوبی می دانست که فرزند خود را به چه کس بسپارد و چنین بود که از بیت بیدآبادی، شخصیتی تربیت شد که آوازه او در عالم پیچید و شهرتش جهانگیر شد، و او کسی جز حاجی کرباسی نبود که خدماتش به عالم تشیع قابل وصف نیست. به تعبیر محدث قمی: «و کل مانا له الکرباسی من برکات هذا العالم الزبانی»^(۱).

مقامات علمی و معنوی و جایگاه ممتاز حاج محمد حسن کرباسی

از مجموع گفتار بزرگان درباره ی حاجی محمد حسن و نیز مناصب دینی و اجتماعی معظم له و عنایت معاصرینش نسبت به او، به خوبی رفعت مقام و بزرگی شأن و منزلتش معلوم می شود.

فقیه و اصولی نامدار جهان تشیع میرزای قمی «ره» در اجازه ی اجتهادی که برای حاجی کرباسی صادر فرموده است، در وصف پدر حاجی می نویسد: «العالم العامل العابد الباذل المبرور المغفور الحاج محمد حسن الشهير بالكرباسی»^(۲).

حاجی کرباسی در ذکر نام اساتید خود، نخست نام پدر بزرگوارش را چنین می آورد: «اولاً تحصیل نزد والد ماجد با قدسیت نفس..... از اوتاد ارض و ارکان

ص: ۱۷۵

۱- فوائد الرضویه: ۶۱۹

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۷

صاحب بدرالتمام نیز در بیان مقام والای جدّ امجدش حاجی محمد حسن می نویسد: «مرحوم حاج محمد حسن - طاب ثراه - از جمله علمای عاملین و عباد و زهاد و سالکین الی الله بوده و راغب در خیرات و ساعی در مبرّات و آمر به معروف و ناهی از منکر و مروّج امورات شرعیه و صاحب کرامات و مقتدای مردم در جماعات بوده است.»(۲).

شاید درباره حاج محمد حسن، کافی است سخنی که یکی از بزرگان آن عصر در حق او گفته است که: «حاج محمد ابراهیم کرباسی، حسنه ای است از حسنات حاج محمد حسن»(۳).

با توجه به سخنان مذکور، و از این که مرحوم حاج محمد حسن با آقا محمد بیدآبادی مصاحبت داشته، چندان که او را وصی خود قرار داده و نیز این که شاعر نامی هاتف اصفهانی که خود قدوه ی عرفا و موخّدین عصر خویش بوده، مرثیه ای زیبا و رسا درباره ی مرحوم حاج محمد حسن سروده،(۴) معلوم می شود که آن مرحوم خود نیز از اهل عبادت و ریاضت و تقوی بوده است.(۵)

وفات و مدفن

حاج محمد حسن خراسانی کرباسی پس از هفتاد و پنج سال عمر پربرکت، در

ص: ۱۷۶

۱- بدرالتمام: ۱۸

۲- همان: ۸

۳- تذکره‌العظیمیه: ۳۲

۴- در ادامه، مرثیه بطور کامل آمده است.

۵- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۱۲ - ۱۱

سال ۱۱۹۰ ق. به دیدار معبود شتافت. (۱) پیکر آن مرحوم در تخت فولاد اصفهان، نزدیک مقبره حکیم الهی و فقید صمدانی ملا اسماعیل خواجویی، به خاک سپرده شد، و بیش از

یک قرن پس از آن، واده ی عزیزش، مجتهد نامی و فقیه اصولی بزرگ علامه میرزا ابوالمعالی نیز به فاصله ی تقریباً دو بیست متر، روبروی قبر وی، آرمید. بر روی قبر شریفش، سنگ مرتفعی نهادند که اشعار هاتف اصفهانی (متوفی ۱۱۹۸ ق.) شامل اسم و ماده تاریخ و اوصاف آن مرحوم، بر روی آن نقش بسته است. (۲)

«هذا مرقد العالم العامل و البحر الفاضل الكامل مقيم الفرائض و مودالسنن محمد حسن اسکنه الله فی فرادیس الجنان و ریاض الغفران و هو والد الحاج محمد ابراهیم الکلباسی»

هزار افسوس کز بیداد گردون

ز دنیا قدوه ی اهل زمین رفت

امام و مقتدای اهل دین شد

سر و سر حلقه ی اهل یقین رفت

فلک برد از جهان حاجی حسن را

رواج و رونق شرع مبین رفت

در این غمخانه شد دلگیر جانش

بعشرت خانه ی خلد برین رفت

بدار الخلد چون بستند جانش

ندای فادخلوها خالدین رفت

بپاکی زاده شد در خاک و شد پاک

چنان آمد بدنیا و چنین رفت

غرض چون زین سرای پُر دَد و دام

سوی آرامگاه حور عین رفت

به تاریخش رقم زد کَلکِ هاتف

ز دنیا پیشوای اهل دین رفت

ص: ۱۷۷

۱- روضات الجنات: ۱/۸۵

۲- گفتنی است که اشعار مذکور، بر اساس نوشته ی سنگ قبر آورده شده و در دیوان مرحوم هاتف، با اندکی اختلاف در یکی دو بیت آن آمده است. (بنگرید به: دیوان هاتف به تصحیح استاد وحید دستگردی)

تا آن جا که آگاهی داریم، مرحوم حاج محمد حسن کرباسی، سه فرزند پسر و دو دختر از خود به جای گذاشته است. پسران او به نام های: محمد ابراهیم، محمد جعفر و محمد قاسم بوده اند. دختران ایشان نیز، یکی، همسر حاج ملا علی بیدختی - از علما و زهاد گناباد از احفاد حاج قاسمعلی شیرازی و متوفی پس از ۱۲۶۳ ق. - و دیگری، همسر فقیه جلیل و عالم زاهد نبیل مرحوم حاج ملا محمد نائینی (متوفی ۱۲۶۳ ق.) بوده اند. (۱)

ص: ۱۷۸

۱- بنگرید به: خاندان کلباسی: ۹۱ - ۹۰

فرزند حاج شیخ ابوتراب و متولد روز یکشنبه ۲۷ صفر ۱۳۰۸ ق. در نجف اشرف است.

والدین و نیاکان

حاج شیخ ابوتراب (۱۲۷۹ - ۱۳۳۷ ق.) پنجمین و آخرین پسر حاج شیخ محمدجعفر فرزند حاجی کرباسی است که خود از علما و فقهای نامدار نجف اشرف بوده و از محضر بزرگانی مانند آخوند خراسانی و حاج شیخ حسین خلیلی استفاده کرده و از این استاد اخیرش اجازه ی اجازة نیز داشته است. حاج شیخ ابوتراب صاحب تألیفاتی در فقه و غیر آن از جمله شرحی بر کفایه ی استادش نیز بوده است. (۱) پدر حاج شیخ ابوتراب یعنی مرحوم حاج شیخ محمدجعفر (۱۲۲۹ - ۱۲۹۲ ق.) سومین پسر حاجی کرباسی و خود از علما و فقهای اصفهان و شاگرد پدرش و سید حجهالاسلام بوده و آثار متعددی در فقه و اصول از او باقی است. (۲)

مادر مرحوم حاج شیخ محمدباقر، دختر مرحوم آیت الله حاج سید ابوالقاسم بن

ص: ۱۷۹

-
- ۱- بنگرید به: خاندان کلباسی: ۲۰۰ - ۱۹۸؛ نقباء البشر ۱: ۲۹؛ ماضی النجف ۳: ۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۹.
 - ۲- بنگرید به: دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸؛ کرام البرره ۲: ۲۴۱ - ۲۴۰؛ بیان المفخر ۱: ۲۸۷ - ۲۸۵؛ خاندان کلباسی: ۱۸۷ - ۱۸۴

سید احمد حسینی کاشانی (متوفی ۱۳۱۸ ق.) از یاران میرزای شیرازی مجدد بود. وی صاحب آثاری در فقه و اصول، بوده است. (۱)

تحصیلات

شیخ محمدباقر، مقدمات را در زادگاهش نجف اشرف به پایان رساند و در حدود سال ۱۳۳۰ ق. به موطن آباء و اجدادی اش اصفهان بازگشت و با پشت سر گذراندن سطوح عالی، موفق به استفاده از دروس خارج فقه و اصول فقیهان نامداری مانند حضرات آیات: آخوند فشارکی، آخوند گزی و آقا سید محمدباقر درچه ای شد.

حاج شیخ محمدباقر از علمای صاحب نفوذ در اصفهان بوده و ملجأ و پناه مردم این شهر به شمار می رفت. همت عالی، عزم راسخ، حل مشکلات مردم و زعامت دینی و اجتماعی، از جمله ویژگی های این عالم روحانی بوده است. ایشان همچنین به تدریس و نیز سالیان متمادی در مسجد حکیم اصفهان، همچون پدران و نیاکان والاتبار خود، به امامت جماعت و ارشاد و راهنمایی خلق، مشغول بود. (۲)

وفات و مدفن

آقای حاج شیخ محمدباقر کلباسی در ماه شعبان ۱۳۹۵ ق. در سن حدود ۸۸ سالگی بدرود حیات گفت و در تکیه ی آقا میرزا ابوالمعالی - عموی پدرش - آرمید. قبر ایشان در داخل خود بقعه واقع شده است. (۳) گفتنی است که ایشان داماد مرحوم حاج شیخ

ص: ۱۸۰

۱- نقباءالبشر ۱: ۶۰؛ شجره طیبه ۲: ۹؛ گنجینه دانشمندان ۹: ۲۸۱.

۲- خاندان کلباسی: ۲۰۰ - ۲۰۱

۳- همان: ۲۰۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

محمد هاشم كلباسى بوده است. بر روى سنگ قبر ايشان چنين نوشته شده است:

هو الحى الذى لا- يموت قد ارتحل من دارالفناء الى دارالبقاء العالم العامل مرجع الانام حجهالاسلام و المسلمين الحاج شيخ
محمد باقر الكلباسى طاب ثراه فى ٢ شعبان المعظم سنه ١٣٩٥ نوزدهم مردادماه ١٣٥٤ .

ص: ١٨١

فرزند حاج محمدجعفر و متولد شعبان ۱۲۸۸ ق. (مطابق ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۱ ش.) در اصفهان است. پدر وی مرحوم حاج شیخ محمدجعفر، سومین پسر حاجی کرباسی، از علما و فقهای نامی اصفهان بوده است و بنابراین حاج شیخ موسی، با یک واسطه به جدّ گرامی اش حاجی کرباسی می رسد. از این رو آنچه در کتاب سیری در تاریخ تخت فولاد درباره ی حاج شیخ موسی آورده و او را فرزند حاج شیخ ابوتراب نوشته اند، اشتباه است. (۱) حاج شیخ ابوتراب، برادر ارشد مرحوم حاج شیخ موسی بوده است.

گفتنی است که در پشت نسخه ای از قرآن کریم به خط مرحوم حاج شیخ محمدجعفر، تاریخ دقیق ولادت فرزندش شیخ موسی، شب پنج شنبه ۲۵ شعبان المعظم سال ۱۲۸۸ ق. و نام او را تبرکاً به اسم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و لقب او را «رضی» و کنیه اش را «ابی البرکات» گذاشته و سپس برای پیشرفت علمی و عملی و سعادت اخروی او دعا کرده است. (۲)

ص: ۱۸۲

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲

۲- آل الکرباسی: ۲۵۹

شیخ موسی، دروس مقدماتی و سطوح را نزد علمای اصفهان به انجام رسانید و سپس به همراه برادرش حاج شیخ ابوتراب، رهسپار نجف اشرف شد و در محضر فقهای آن دیار، اندوخته های خود را تکمیل نمود^(۱) و ظاهراً در درس بزرگانی مانند آخوند خراسانی شرکت کرده است. گفتنی است که به احتمال زیاد مرحوم حاج شیخ موسی در ایام تحصیلاتش در اصفهان، از محضر عموی علامه اش میرزا ابوالمعالی نیز بهره برده است.

مرحوم حاج شیخ موسی در نجف اشرف با یکی از دختران مرحوم آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی ازدواج کرد - وی در واقع، باجناب برادرش حاج شیخ ابوتراب شد - و پس از اتمام تحصیلات، راهی اصفهان گردید.

از جمله فعالیت های ایشان می توان به تدریس فقه و اصول در حوزه ی علمیه ی اصفهان اشاره کرد. با اینکه ایشان نواده ی حاجی کرباسی بوده و از شهرت بسیار و جاهت بالایی در میان مردم برخوردار بود و طبعاً انتظار می رفت که امامت جماعت مسجد حکیم را همچون پدران خود برعهده گیرد، اما به علت وسواسی که در قرائت حمد و سوره داشت، این مسئولیت را نپذیرفت و بیشتر اوقات خود را در منزل شخصی اش می گذراند.^(۲)

وفات و مدفن

حاج شیخ موسی در ماه صفر سال ۱۳۵۸ ق. برابر با ۱۳۱۸ ش. در سن حدود ۷۰

ص: ۱۸۳

۱- خاندان کلباسی: ۱۹۶ - ۱۹۵

۲- همان: ۱۹۶

سالگی، به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه ی عموی بزرگوارش میرزا ابوالمعالی - داخل بقعه - آرام گرفت. (۱)

عبارات زیر بر روی سنگ قبر وی نوشته شده است:

هوالحی الذی لا- یموت آرامگاه آیهالله العظمی حاج شیخ موسی کلباسی وفات ۱۳۵۸ هجری قمری فرزند آیهالله العظمی
حاج شیخ محمدجعفر ابن علامه آیهالله العظمی مرجع تقلید شیعیان جهان حاج محمد ابراهیم کلباسی

ص: ۱۸۴

۱- همان: ۱۹۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲

تولد و والدین

فرزند حاج شیخ محمدرضا و متولد ۹ شعبان ۱۲۵۴ ق. برابر با ۱۲۱۷ ش. در اصفهان است. وی فرزند ارشد پدر خود و از علما و فقهای نامدار اصفهان به شمار می رود. پدرش مرحوم حاج شیخ محمدرضا (۱۲۱۹ - ۱۲۴۸ ق.) معروف به شیخ الاسلام، از علمای متنفذ شهر و دارای مناصب اجتماعی و فعالیت های سیاسی نیز بوده است. حاج شیخ محمدرضا، فرزند چهارم حاجی کرباسی و شاگرد پدر خود و سید حجهالاسلام بوده است. (۱)

گفتنی است از آن جا که به هنگام تولد عبدالرحیم، پدرش برای مأموریتی که از طرف حاجی و سید حجهالاسلام به هرات رفته بود، حضور نداشت، از این رو عمویش مرحوم حاج شیخ محمدجعفر - فرزند سوم حاجی - آداب میلاد و نام گذاری او را انجام داد. (۲)

ص: ۱۸۵

-
- ۱- بنگرید به: احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۴۹ - ۴۷؛ مکارم الآثار ۵: ۱۴۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۳۲؛ نقباءالبشر ۳: ۱۱۰۴؛ خاندان کلباسی: ۲۱۴ - ۲۱۳
 - ۲- خاندان کلباسی: ۲۱۴

عبدالرحیم که در خاندان علم و اجتهاد چشم به جهان گشوده بود، تحت تربیت پدر و عموی گرامی اش، پس از دوران کودکی به تحصیل علم پرداخت و در اصفهان و نجف اشرف نزد علمای بزرگ شاگردی نمود. از اساتید و مشایخ او در اصفهان می توان به حضرات آیات: میرزا محمد هاشم چهارسویی، صاحب روضات و شاید برخی از عموهایش، و در نجف اشرف نیز به: شیخ زین العابدین مازندرانی، مولی محمد ایروانی، مولی لطف الله مازندرانی، حاجی میرزا حسین طهرانی، حاج میرزا حبیب الله رشتی، میرزا ابوالقاسم کلباسی (شیخ العراقین) و میرزا ابوالقاسم طباطبایی اشاره کرد. (۱)

میرزا عبدالرحیم از بسیاری از بزرگان فوق دارای اجازه ی اجتهاد بوده که متن کامل آن ها را در مجموعه ای گردآوری کرده است و فرزند مؤلف یعنی مرحوم حاج میرزا محمد ابراهیم نیز برخی از آن ها را در رساله ای که در شرح حال پدر و اجداد گرامی اش نوشته، آورده است. (۲)

فعالیت های دینی و اجتماعی و ویژگی های اخلاقی

میرزا عبدالرحیم در خلال تحصیلات و پس از آن، مسافرت های متعددی به شهرهای گوناگون نموده است. از جمله سفر به مشهد مقدس و سه سفر به عتبات عالیات - که در سفر سوم، مدت هفت سال در آنجا ماند و به تحصیل علم پرداخت و

ص: ۱۸۶

۱- تذکره العظیمیه: ۱۴ - ۴۰؛ خاندان کلباسی: ۲۱۵؛ نقباء البشر ۳: ۱۱۰۴

۲- تذکره العظیمیه: ۴۵ - ۴۱

سفری نیز به تهران داشت که دو سال به درازا کشید. (۱) از فعالیت های مهم ایشان می توان به اقامه ی جماعت و ایراد سخنرانی و بیان مواعظ و احکام دینی در مساجدی مانند مسجد تخت فولاد و مسجد تکیه اشاره کرد. وی در منبر و وعظ ید طولایی داشته و بیان خوش و تقریر عالی اش، از جذابیتی خاص برخوردار بوده است. معظم له در خانه ی شخصی اش به تدریس فقه و اصول و ریاضیات نیز اشتغال داشت و تا نزدیک زمان رحلتش، غالباً شب و روز، به مطالعه و تحقیق و تألیف و نیز عبادت و مناجات مشغول بود. (۲)

از اوصاف پسندیده ی ایشان، سعی بسیار در صله ی ارحام بود. به نزدیکان و خویشان خود، تفقد بسیار می نمود و دائماً به آن ها سرکشی می نمود و از اوضاع و احوال آن ها جويا می شد و هرگونه احسانی، از زبانی و مالی و غیره، که می توانست از آن ها دریغ نمی نمود. (۳) همچنین نقل می کنند که ایشان ده سال پیش از فوت، تمام دارایی اش را بین فرزندان و اولاد خود تقسیم نمود و

در واقع دنیا را ترک کرد، به گونه ای که از جامه به یک لباس و از خوراک، به شام و نهار مختصری، به یک قرص نان یا نصف آن، اکتفا می نمود. (۴)

آثار و تألیفات علمی

آقا میرزا عبدالرحیم، در علوم و دانش های گوناگون مانند فقه، اصول، تفسیر،

ص: ۱۸۷

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۵۰

۲- همان: ۴۹؛ تذکرها لعظیمیه: ۴۵؛ خاندان کلباسی: ۲۱۶

۳- تذکرها لعظیمیه: ۴۶ - ۴۵

۴- همان؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۵۳

حدیث و ریاضیات آثار ارزشمندی به جای گذاشت که اهم آن ها عبارتند از: (۱)

۱ - تعلیقات و حواشی بر رسائل شیخ انصاری «ره».

۲ - رساله ای در تیمم، که شرح بر مقصد تیمم یعنی مقصد پنجم کتاب منهاج الهدایه ی جدّ امجدش حاجی کرباسی است.

۳ - کشف الحجاب در علم حساب در شرح خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی است و در واقع ترجمه ی فارسی شرح ملا محمدجواد کاظمینی بر خلاصه الحساب شیخ بهایی، با حذف ادله و براهین هندسی آن است. آغاز تألیف آن اوائل ماه مبارک رمضان و انجام آن ۲۰ شوال ۱۲۷۳ ق. بوده است.

۴ - تفسیر و معانی لغات قرآن در حواشی قرآن

۵ - رساله ای در جمع اجازات خود از علمای اعلام

۶ - مجموعه ای در مطالب متفرقه که از آن به «جنگ» نیز تعبیر شده است

۷ - کتابی در مواعظ و اخبار آل اطهار علیهم السلام

در کتاب تذکره‌العظیمیه همچنین آمده است که آقا میرزا عبدالرحیم خط نسخ را نیکو می نوشتند و اجزائی از قرآن و کتاب الفیه با حواشی به خط شریف ایشان موجود است. (۲)

وفات و مدفن

آقا میرزا عبدالرحیم پس از دو روز بیماری، در عصر روز ۹ شعبان (شب جمعه) سال ۱۳۳۵ ق. برابر با ۱۲۹۶ ش. در سن هشتاد و یک سالگی به دیار ابدی شتافت.

ص: ۱۸۸

۱- بنگرید به: تذکره‌العظیمیه: ۴۵؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش: ۵۲ - ۵۱؛ خاندان کلباسی: ۲۱۶ - ۲۱۵

۲- تذکره‌العظیمیه: ۴۵

پیکر ایشان در تخت فولاد در تکیه ی عموییش میرزا ابوالمعالی بیرون از بقعه ی ابوالمعالی - به هنگام ورود از در تکیه، در اطاق اول، طرف راست و بالای اطاق - در جوار قبر فرزندش حسام الدین دفن گردید. (۱)

بر روی سنگ قبر ایشان، عبارات زیر نقش بسته است:

«هوالحی الذی لا یموت وفد الی ربه الرحیم مع الحسنات و القلب السلیم العالم العامل العلم العلیم یومه علی آل الرسول عظیم السائر فی ریاض النعیم شیخ الکلباسی من آل ابراهیم المیرزا عبدالرحیم و قد فاز بالقول العظیم فی تاسع شعبان من الخامس سنه ثلاثین ثلاثمائه بعد الالف من هجره رسول الکریم»

عبدالرحیم در بر رب رحیم رفت

زاد معاد خویش ز قلب سلیم برد

دل در میانه آمد و تاریخ فوت شد

عبدالرحیم سر بجوار رحیم برد

۱۳۳۵

اولاد و فرزندان

بسیاری از اولاد و نوادگان و احفاد معظم له، اهل علم و در زمره ی دانشمندان و فقها و بزرگان اصفهان و مایه ی افتخار جهان تشیع به شمار می روند. حاصل ازدواج مرحوم میرزا عبدالرحیم با علویه عالمه عابده خورشید بیگم - از احفاد سید الفقها و الحکما میرداماد - چندین فرزند پسر از جمله دو نور چشم گرامی اش حضرات آیات: میرزا محمدرضا (۱۲۹۵ - ۱۳۸۳ ق) و میرزا محمد ابراهیم کلباسی (۱۳۰۲ - ۱۳۶۲ ق) و از این دو بزرگوار نیز فرزندان عالم و دانشمندی باقی ماند که در کتاب

ص: ۱۸۹

خاندان کلباسی، شرح احوال و ذکر آثار هر کدام به تفصیل آمده است. (۱)

همچنین گفتنی است که میرزا محمد حسام الدین، یکی از فرزندان مرحوم میرزا عبدالرحیم بوده است که در حیات پدر، از دنیا رفت و در تکیه ی میرزا ابوالمعالی دفن شد. وی امام جماعت مسجد درب کوشک اصفهان بود. (۲)

در پایان این قسمت، چند حکایت شیرین و شنیدنی درباره ی مرحوم آیت الله آقا شیخ میرزا عبدالرحیم کلباسی را به خوانندگان گرامی تقدیم می نمائیم.

ترغیب آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تحصیل علم توسط میرزا عبدالرحیم کلباسی

یکی از بزرگان فقهای خاندان کلباسی (۳) نقل می کند که در جلسه ای که در زمان ریاست و زعامت مرجع کل مرحوم آیت الله حاج آقا سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق.) در نجف اشرف برگزار شده بود و جمع زیادی از علما و بزرگان در آن حضور داشتند، مرحوم آقا سید ابوالحسن به من رو کرده و فرمودند: آقا، من به هر جا که رسیده ام و پیشرفت هایی که داشته ام را مدیون خاندان شما هستم و مرحوم آقا میرزا عبدالرحیم بود که مرا به این وادی کشانید. آنگاه به تفصیل، جریان را بازگو کردند که خلاصه ی آن را می آوریم.

ص: ۱۹۰

۱- بنگرید به: خاندان کلباسی: ۲۲۸ - ۲۱۶

۲- خاندان کلباسی: ۲۱۶

۳- مقصود، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین بن محمد رضا بن محمد علی بن محمد جعفر بن حاجی کرباسی است. داستان فوق را عالم فاضل جناب آقای حاج شیخ احمد کلباسی - حفید میرزا عبدالرحیم - از قول عالم فاضل جناب آقای حاج شیخ محمد علی نجفی کلباسی و ایشان نیز از قول پدرشان مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی کلباسی نقل کرده اند.

مرحوم میرزا عبدالرحیم، که در مدیسه - از توابع لنجان اصفهان - صاحب املا-ک و اراضی بوده، هرچندی یک بار برای سرکشی به زمین های خود به مدیسه می رفته است. در یکی از این رفت و آمدها، میرزا عبدالرحیم با سید محمد پدر آقا سید ابوالحسن که از کشاورزان آنجا بوده، آشنا می شود و متوجه استعداد و قابلیت فرزند او یعنی سید ابوالحسن - که مقداری از مقدمات را خواننده بود - می گردد و از او می خواهد که درس طلبگی را ادامه دهد. میرزا عبدالرحیم پس از صحبت و گفتگوی زیاد، پدر و مادر سید ابوالحسن را راضی می کند تا فرزندشان را روانه ی اصفهان و حوزه ی آن سامان کنند. سید که ابتدا دو سه ماهی در منزل میرزا عبدالرحیم و سپس در یکی از حجرات مدرسه به نام نیماورد اقامت گزید، حدوده نه سال در حوزه ی علمیه ی اصفهان به یادگیری مقدمات و سطوح عالی و دروس خارج پرداخت. (۱) در این مدت، پدر سید، ماهی یک من نان و سی شاهی برای فرزندش، به عنوان خرجی می فرستاده است. یک روز میرزا عبدالرحیم متوجه می شود که خبری از سید ابوالحسن نیست و به او می گویند که سید، دو سه ماهی است که درس را رها کرده و به مدیسه رفته است. میرزا در ضمن سرکشی از زمین های خود، به سراغ سید ابوالحسن رفته و جریان را جویا می شود. سید پاسخ می دهد که پدرم پیام فرستاد که من پیر و فرتوت و از کار افتاده شده ام، دیگر نمی توانم خرجی برایت بفرستم، اگر می توانی بیا خودت بیل بزن و کار بکن! میرزا عبدالرحیم به سید می فرماید: چرا این مطلب را به من نگفتی و درس را رها کردی؟ سید باز می گوید که بر فرض که مشکل خرجی من

ص: ۱۹۱

۱- آیت الله سید ابوالحسن مدیسه ای در حوزه ی اصفهان از محضر حضرات آیات: سید مهدی نحوی، سید محمدباقر درچه ای، میرزا ابوالعالی کلباسی، آخوند ملا محمد کاشانی، میر سید محمدتقی مدرّس، میرزا سید محمدهاشم چهارسویی و جهانگیرخان قشقایی، استفاده کرده است.

هم برطرف شود، دیگر در حوزه ی اصفهان بیش از این پیشرفتی نخواهم داشت و باید به عتبات و حوزه ی نجف بروم و میرزا هم در پاسخ می فرماید که خوب، اشکالی ندارد، شما را به نجف اشرف می فرستم. میرزا عبدالرحیم در این جا با مخالفت پدر روبرو می شود و پس از گفتگوی زیاد، پدر سید را راضی می کند. اما مادر سید اظهار ناراحتی شدید می کند و از اینکه نمی تواند فراق فرزند عزیزش را تحمل کند، با این امر، به شدت مخالفت می کند. میرزا عبدالرحیم، با مادر سید مذاکره ای طولانی کرده و به او گوشزد می نماید که آیا نمی خواهید پسران یکی از ستاره های درخشان آسمان تشیع شود و در مقابل جد بزرگوارتان امیرالمؤمنین علیه السلام سرفراز باشید؟! سرانجام مادر سید نیز رضایت می دهد و میرزا عبدالرحیم مبلغ بیست تومان آن روز به سید داده و او را روانه ی دیار عرشی نجف اشرف می نماید.

مرحوم آقا سید ابوالحسن پس از نقل ماجرای بالا، فرموده بودند که با بیست تومان آقا میرزا عبدالرحیم، هم اسب و هم کتاب و هم خرجی راه را تهیه کردم و هنگامی که به نجف رسیدم، هنوز بیست و هفت ریال دیگر آن باقی بود و همین مقدار باقی مانده، خرج شش ماه اقامت مرا در نجف اشرف، تأمین نمود.

نماز باران و به منبر رفتن میرزا عبدالرحیم به دستور آقا نجفی

نماز باران و به منبر رفتن میرزا عبدالرحیم به دستور آقا نجفی (۱)

در یکی از سال های خشکسالی که مردم اصفهان در تنگنای بی آبی و قحطی قرار گرفته بودند، میرزا سلیمان خان رکن الملک نایب الحکومه اصفهان از مرحوم آقا نجفی می خواهد تا نماز استسقا خوانده و از خدا رفع این گرفتاری را بخواهند. از

ص: ۱۹۲

۱- این داستان را عالم فاضل جناب آقای حاج شیخ احمد کلباسی از قول پدر بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج شیخ صدرالدین و ایشان نیز از قول پدر علامه اش آیت الله حاج میرزا رضا بن میرزا عبدالرحیم کلباسی نقل کرده اند.

آنجا که میرزا عبدالرحیم، عالمی فاضل و خطیبی ماهر و خوش سخن و عارفی کثیرالبکا بود و در وعظ و خطابه، دستی تمام و نفسی گیرا و تأثیری بسزا داشت، پس از آنکه مقدمات برای انجام نماز باران فراهم گشت و مردم پس از چند روز، روزه داری برای این امر عظیم آماده شده بودند، آقا نجفی از میرزا عبدالرحیم درخواست نمود که بر منبر برود و مردم را موعظه نماید و با گریز و توسل، زمینه را آماده نماید تا نماز باران در کمال خشوع و بندگی به جای آورده شود. میرزا عبدالرحیم به آقا نجفی می گوید که اجازه بدهید که این موعظه و خطابه را پسر من میرزا رضا انجام دهد و او به منبر برود، اما آقا نجفی در پاسخ می گوید که نمی تواند جلسه چنین مهمی را به دست نوجوانی هفده هجده ساله بسپارد. سرانجام میرزا عبدالرحیم به روی منبر رفته و پس از آنکه مقداری سخن می گوید، می فرماید که ادامه ی این منبر را به پسر من میرزا رضا واگذار می کنم. میرزا رضا که صدایش آهنگی رسا و نوایی زیبا داشته و همچون پدر بزرگوارش کثیرالبکا و سخنوری توانا بوده است، جلسه را به صحرای محشر تبدیل می کند و زلزله و تکانی عجیب به مجلس می دهد به گونه ای که صدای ضجه و ناله و گریه مرد و زن، و کوچک و بزرگ بلند می شود و مجلس از هر جهت برای ادای نماز باران مهیا می گردد. مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی که صحنه را می بیند و به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد، همان جا به رکن الملک می گوید که شما مسجدی در تخت فولاد بسازید که ایشان (آقا میرزا رضا) در آن، دعای کمیل بخوانند و به وعظ و خطابه پردازند و بدین ترتیب بنای مسجد رکن الملک گذاشته می شود.

وی مشهور به فاضل کلباسی بوده و از احوال ایشان همین اندازه می دانیم که فرزند بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد حسن و او نیز فرزند حاج شیخ محمد جعفر بن حاجی کرباسی بوده است. شیخ محمد حسن از جمله علما و فضلاهی اصفهان بوده است تا اینکه به عتبات عالیات می رود و از جانب مرحوم حاج محمد صادق تاجر اصفهانی، متصدی توسعه و تعمیر و کاشی کاری صحن حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در کربلا شده و سرانجام در سال ۱۳۱۴ ق. در اثر اصابت چند گلوله که ظاهراً از روی اشتباه به ایشان اصابت کرده است، از دنیا رفت و در صحن حضرت ابوالفضل علیه السلام مدفون گردید.

فرزند ارشد او مرحوم حاج شیخ ابوالفضل در اصفهان به دنیا آمد و سکونت گزید و از جمله علمای زمان خود بوده است. وی به زهد و تقوا و صلاح موصوف، و دارای اخلاق حسنه و مؤدب به آداب شرعی و شوخ طبع بوده است. حاج شیخ ابوالفضل در سال ۱۳۴۵ ق. برابر با ۱۳۰۵ ش. از این جهان رخت بربست و در تکیه ی آقا میرزا ابوالمعالی به خاک سپرده شد. (۱)

ص: ۱۹۴

حاج شیخ محمد علی کلباسی

وی فرزند اول مرحوم حاج شیخ محمد جعفر بن حاجی کرباسی است و خود از علمای اصفهان بوده است. زادگاه و محل وفات و مدفن او در اصفهان بوده و در بیرون تکیه ی میرزا ابوالمعالی مدفون شده است. گفتنی است که ایشان داماد مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد حسینی خویی معروف به آقا سید محمد ترک - از علمای نامدار و صاحب کشف و کرامات، متوفی ۱۲۶۶ ق. - بوده است. فرزند ارشد او مرحوم حاج شیخ محمد رضا (متوفی ۱۳۶۶ ق.) و نواده اش مرحوم حاج شیخ محمد حسین کلباسی (۱۳۲۳ - ۱۴۱۸ ق.) از علما و فقهای به نام بوده اند. (۱)

حاج میرزا علی محمد کلباسی

اکبر و اعلم فرزندان حاج میرزا محمد علی بن میرزا عبدالجواد بن حاج محمد مهدی بن حاجی کلباسی بوده است. پدرش حاج محمد علی، امام جماعت مسجد حکیم و دارای زعامت و ریاست و برخوردار از نفوذ اجتماعی بوده است. حاج محمد علی در سال ۱۳۴۲ ق. در اصفهان وفات نمود و در بقعه ی جدش حاجی کرباسی دفن شد.

حاج میرزا علی محمد نیز به جای پدر، امامت جماعت مسجد حکیم را داشته و همچون پدرانش، انزوا و گوشه نشینی را اختیار کرده بود. میرزا علی محمد در سال ۱۳۲۱ ش. در اصفهان رحلت نمود و در تکیه ی آقا میرزا ابوالمعالی آرمید. وی داماد عمویش مرحوم حاج میرزا محمد هاشم کلباسی بوده است. (۲)

ص: ۱۹۵

۱- همان: ۱۸۷

۲- خاندان کلباسی: ۱۵۸ - ۱۵۷

عبارات زیر بر روی سنگ قبر وی نوشته شده است:

هوالباقی آرامگاه مرحوم حجهالاسلام آقای میرزا علی محمد کلباسی فرزند مرحوم حجهالاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا محمدعلی کلباسی که در تاریخ ۱۳۲۱ شمسی برحمت ایزدی پیوست.

آقا رضا کلباسی

فرزند حاج میزا محمد هاشم کلباسی بن حاج میرزا عبدالجواد بن حاج محمد مهدی ب حاجی کرباسی بوده که در سن جوانی در سال ۱۳۱۹ ق. چشم از جهان فرو بست و در تکیه ی ابوالمعالی مدفون گردیده است. وی شخصی با خلوص، باوفا و همت عالی و محبوب نزد مردم بوده است. (۱)

میرزا محمد حسین کلباسی

فرزند حاج آقا محمد بن حاجی کلباسی، از علما و فضیلابی اصفهان بوده است. از احوال او آگاهی نداریم جز آنکه در بیست و سوم شعبان سال ۱۳۳۵ ق. وفات نموده و بیرون تکیه ی میرزا ابوالمعالی نزدیک قبر نیای بزرگش حاجی محمد حسن خراسانی کرباسی دفن شده است. (۲)

ص: ۱۹۶

۱- همان: ۱۶۰

۲- همان: ۱۷۸

تولد و والدین

وی فرزند حاج ملا محمد بن حاج ملا علی است که در حدود سال ۱۲۸۵ ق. در قودجان گلپایگان دیده به جهان گشود. پدر و جد او هر دو از علما و فضلا و زهاد زمان خود بودند و محمد حسین در خانواده ای علمی و مذهبی رشد نمود و تحت تربیت پدری دانشمند و مادری متدین دوران کودکی و نوجوانی را گذراند. (۱)

تحصیلات

شیخ محمد حسین که آوازه ی حوزه ی علمی اصفهان و پیشینه ی کهن آن را بارها شنیده بود راهی اصفهان شد و از محضر رجال علمی و دانشمندان نامی این شهر بهره های فراوان برد. از جمله اساتید وی در دارالعلم اصفهان می توان به حضرات آیات عظام: میرزا ابوالمعالی کلباسی، میر سید محمد تقی مدرّس، آقا شیخ محمد تقی نجفی و سید محمد باقر درچه ای اشاره کرد. (۲) مرحوم قودجانی که از دوستان

ص: ۲۰۰

۱- بر اساس اطلاعاتی که حاجیه خانم آقا کثیری عروس حاج شیخ محمد حسین و همسر حاج شیخ نورالدین اُشنی در اختیار نگارنده قرار دادند.

۲- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: ۹۴؛ دیباچه دیار نور: ۱۳۰۶؛ ستاره ای از شرق: ۶۶۳

صمیمی و هم مباحثه ای های نزدیک آیهالله بروجردی و آیهالله ارباب بوده است، از محضر آخوند کاشی و احتمالاً جهانگیرخان قشقایی نیز استفاده کرده است.

مرحوم حاج شیخ محمدحسین پس از استفاده از محضر فقیهان و حکیمان نامی اصفهان، راهی عتبات عالیات شد و با نظرات و دیدگاه های فقها و دانشمندان آن دیار نیز آشنا گشت. در آن زمان، صاحب نظران و مدرّسان معروف نجف، حضرات آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی طباطبایی، شیخ الشریعه اصفهانی و مانند آن ها بوده اند و مرحوم قودجانی به احتمال زیاد، نزد آن ها به ویژه صاحب کفایه و صاحب عروه شاگردی کرده است.

دوستان و معاصران

از معاصران مرحوم حاج شیخ محمدحسین قودجانی و از دوستان و یاران نزدیک او می توان به حضرات آیات عظام: حاج سید حسین طباطبایی بروجردی و حاج آقا رحیم ارباب اشاره کرد. این بزرگان در دروس اساتیدی مانند میرزا ابوالمعالی، مدرّس، درچه ای و دیگر اساتید وقت اصفهان، با یکدیگر آشنا شده و تا آخر عمر با یکدیگر مراوده و مکاتبه داشته اند. (۱)

هجرت به قودجان و اشن

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از بازگشت از نجف، به خواهش یار و دوست صمیمی اش زعیم اعظم مرحوم آیت الله بروجردی راهی روستای اشن از قرای کرون علیا معروف به عربستان در شمال غربی نجف آباد شد تا

ص: ۲۰۱

به تبلیغ و ترویج احکام آیین اسلام پردازد. (۱) ایشان سالیان سال در قریه ی اشن سکونت اختیار می کند و از همین رو به «اشنی» نیز شهرت می یابد. در همین دوران سکونت در قریه ی اشن بود که فرزندش نورالدین دیده به جهان گشود و لذا وی نیز بعدها به «اشنی» شهرت یافت. (۲)

آقای حاج شیخ محمدحسین، مدتی نیز، در زمان رضاخان، به گلپایگان رفت و در زادگاهش قودجان اقامت گزید و امتیاز دفتر اسناد رسمی گرفت. (۳)

تدریس و شاگردان

مرحوم حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از سال ها اقامت در اشن، سرانجام در ده سال آخر عمر خود، پس از سال ۱۳۶۵ ق. به اصرار برخی از علما و نیز بعضی از خیرین اصفهان مانند مرحوم رحیم زاده به اصفهان بازگشت و در مدرسه درب کوشک، به تدریس خارج فقه و اصول همت گمارد و عده ای از فضلا، از محضرش بهره مند می شدند. (۴) از جمله بزرگانی که به درس ایشان حاضر می شده مرحوم آیت الله علامه میر سید حسن مدرس هاشمی اصفهانی و فرزند خودشان مرحوم آیت الله حاج شیخ نورالدین اشنی بوده اند. مرحوم مدرس خود برای نگارنده می فرمود که درس ایشان عمیق و تحقیقی بود و افاضل وقت در درس معظم له شرکت می کرده اند. مرحوم حاج شیخ محمد حسین قودجانی در بین شاگردان خود، به آقا میر سید حسن مدرس، عنایت و توجه ویژه ای داشته و همواره از او تعریف و

ص: ۲۰۲

-
- ۱- همان؛ مصاحبه با مرحوم حجهالاسلام آقا میر سید حسین مدرس
 - ۲- اطلاعات بدست آمده از خاندان گرامی حاج شیخ نورالدین اشنی قودجانی.
 - ۳- دست نوشته های میرزا ابراهیم جواهری
 - ۴- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: ۹۴

تمجید و حُسن استعداد و قوت حافظه اش را می ستوده است. (۱) آیت الله قودجانی، مهارت بسزایی در فقه و اصول داشت و بعضی از علما، وی را اعلم فقهای اصفهان و مجتهد طراز اول شهر می دانستند. مرحوم حاج آقا صدر کوهپایی به فقاہت ایشان معترف بود. (۲) مرحوم استاد سید مصلح الدین مهدوی از آیت الله قودجانی به: «علامه فقیه، عالم عامل، مجتهد کامل، و جامع المعقول و المنقول» تعبیر نموده است. (۳)

ویژگی های اخلاقی و روحی

مرحوم مدرس، بارها، از مراتب علمی و فضایل اخلاقی آیه الله قودجانی سخن می گفت و سلامت نفس و پاکی روح او را می ستود. حاج شیخ محمد حسین قودجانی فقیهی پرهیزکار و عالمی عابد و زاهد و مجتهدی بزرگ بود و زهد و وارستگی او زبانزد همگان بود و خواص علما و بزرگان اصفهان به وی ارادت می ورزیدند. (۴) به ویژه مرحوم آیت الله ارباب که تقوی و خداترسی مرحوم قودجانی و اعراض او از هوای نفسانی را بسیار می ستوده است.

آیت الله قودجانی با اینکه از علمای طراز اول اصفهان بود و محل عنایت و توجه خاص زعیم اعظم آیت الله بروجردی قرار داشت، امّا به خاطر سال ها گوشه گیری و انزوا و نیز بواسطه ی اینکه امام جماعت نبود، اغلب مردم او را نمی شناختند و جز خواص، کسی با او مرآوده نداشت.

ص: ۲۰۳

۱- همان

۲- دست نوشته های میرزا ابراهیم جواهری

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۲ - ۳۵۳

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۵۵۱؛ نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: ۹۳

مرحوم آقا میر سید حسن مدرّس هاشمی از قول مرحوم آقا نور اُشنی نقل می فرمود که ایشان می گفت: پدرم مرحوم آقا شیخ محمدحسین اُشنی در تهجد و نماز شب خود مقید بود که هر شب در قنوت وترش نام چهل مؤمن را ذکر کند و نام تمام اساتیدی را که نزد آنان درس خوانده بود و یا علما و صاحبان تراجم را که دیده بود، یک یک با ذکر نام پدر هر کدام در قنوت می آورد. من از این وضعیت خسته شدم و پیش خود گفتم بجای این همه زحمت و گرفته شدن وقت، خوب است همین طور فقط

بگوئید: اللهم اغفر للماضین، و خلاصه یک شب از پدرم پرسیدم که این چه زحمتی است که شما به خودتان می دهید؟ در جواب فرمود: آری پسر من هم یک بار چنین فکری کردم. حقیقتش، من مدتها این کار را می کردم و نام یک یک اساتید و بزرگان را در قنوت می آوردم و به آنها دعا می کردم تا اینکه یک بار به ذهنم رسید که این چه کاری است که من می کنم و مدتی این کار را ترک کردم. تا این که شبی در عالم رؤیا خدمت یکی از بزرگان رسیدم و سلام کردم. ایشان با کراهت جواب سلام مرا دادند. گفتم: آقا من چه کار کرده ام که اینگونه از من ناراحتید؟ ایشان فرمود: برو، تو که مرسوم ما را قطع کردی! و خلاصه فهمیدم که ارواح اموات منتظرند و از ما توقع دارند؛ لذا دومرتبه همان کار خود را شروع کردم.

همچنین از مرحوم اُشنی حکایتی شنیدنی و عبرت آموز در باره ی استقامت و بردباری استادش آیت الله سید محمد باقر درچه ای در جریان شیوع بیماری وبا در شهر نجف نقل شده است که خوانندگان محترم می توانند تفسیر آنرا در احوال درچه ای مطالعه نمایند. (۱)

ص: ۲۰۴

حاج شیخ محمدحسین اشنی در ۳ ساعت بعد از ظهر یکشنبه بیست و چهارم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۵ قمری جهان فانی را بدرود گفت و در روز دوشنبه بیست و پنجم ماه رمضان در داخل بقعه ی استادش میرزا ابوالمعالی کلباسی، مدفون گردید. (۱)

گویند روز وفات ایشان در اصفهان غوغایی برپا بود و مراسم تشییع باشکوهی در تجلیل از مقام شامخ علمی و معنوی این عالم ربّانی برگزار شد. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب در روز وفات این دوست و یار صمیمی اش، مسجد خود را تعطیل نمود و به جمع مؤمنین تشییع کننده پیوست. ظاهراً نماز بر پیکر ایشان نیز توسط آیت الله ارباب خوانده شده است. (۲)

عبارات زیر بر روی سنگ قبر آن مرحوم نوشته شده است:

«هو الحی الذی لا یموت هذا مرقد المرحوم المبرور حجهالاسلام و المسلمین استاد العلماء و المجتهدین آیهالله العظمی الحاج شیخ محمدحسین الاشنی نورالله ضریحه المتوفی فی یوم ۲۴ رمضان المبارک سنه ۱۳۷۵ من الهجره النبویه علی هاجرهما السلام»

فرزندان

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین قودجانی از دو همسر خود، مجموعاً پنج فرزند به جای گذاشت. از همسر اول دو پسر و یک دختر: آقا نورالدین، آقا جلال و

ص: ۲۰۵

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۲- به نقل از جناب آقای حاج عبدالحسین بابا صفری که از تجار متدین و علاقمند به روحانیت و ساکن رهنان می باشد.

فاطمه خانم و از همسر دوم نیز یک پسر و یک دختر: آقا مهدی و خانم تاج. (۱) مرحوم حاج شیخ نورالدین فرزند ارشد پدر و جانشین او در علم و عمل و وارث زهد و تقوای او بود که شرح احوالش در ادامه خواهد آمد.

ص: ۲۰۶

۱- اطلاعات بدست آمده از خاندان آیت الله قودجانی در این جا بر خود لازم می بینم از جناب حاجیه خانم کثیری همسر مرحوم آیت الله حاج شیخ نورالدین قودجانی و نیز جناب آقای آصف قودجانی پسر ارشد آن مرحوم، به خاطر همکاری صمیمانه با نگارنده سپاسگزاری نمایم.

تولد

نورالدین در سال ۱۲۸۲ شمسی (برابر با ۱۳۲۱ قمری) در قریه آشن دیده به جهان گشود. (۱) او که در خاندان علم و اجتهاد و بیت فضیلت و اخلاق به دنیا آمده بود، تحت تربیت و ارشاد پدر و مادر قرار گرفت و زمینه برای پیشرفت او در مراحل بعدی هموار گردید.

تحصیلات و اساتید

وی تحصیلات خود را نزد پدر دانشمندش آغاز نمود و هم زمان، از محضر علمای بزرگ اصفهان استفاده نمود. از جمله اساتید او در اصفهان، حضرات آیات عظام: سید محمدباقر درچه ای، شیخ محمدرضا نجفی، شیخ محمدحکیم خراسانی، برشمرده شده اند. (۲) استاد دیگر او، به ویژه در سطوح و ادبیات، علامه میرزا

ص: ۲۰۷

-
- ۱- بر اساس اطلاعات بدست آمده از همسر و خاندان گرامی حاج شیخ نورالدین. اما در برخی منابع نوشته اند که ایشان در نجف اشرف بدنیا آمده است. (بنگرید به: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۳)
 - ۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۳؛ دیباچه دیار نور: ۱۳۶؛ گلپایگان در آینه تاریخ: ۷۵۴؛ ستاره ای از شرق: ۶۶۴

جلال‌الدین همایی بوده است.^(۱) با توجه به سال‌هایی که ایشان در اصفهان مشغول تحصیل علم بوده است می‌توان حدس زد که معظم له از محضر بزرگانی مانند حضرات آیات میر سید علی و میر سید محمد نجف آبادی و اعظامی چون: حاج آقا رحیم ارباب، میرزا ابوالهدی کلباسی، سید ابوالقاسم دهکردی و میر سید محمدصادق خاتون آبادی نیز بهره برده است. مرحوم حاج شیخ نورالدین آشنی پس از استفاده از محضر علمای اصفهان، راهی حوزه علمی قم گردید و از محضر مؤسس نامی آن، فقیه اصولی نامدار حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و نیز فقیه

محدث بزرگ حاج سید محمد حجت کوه‌کمری و در تهران نیز از محضر فقیه عارف سالک حاج شیخ محمدعلی شاه آبادی بهره فراوان برد.^(۲)

حاج شیخ نورالدین در زمان تحصیل در قم، موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد از سوی آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری گردید که متن آن نزد خاندان گرامی اش موجود است.

یادآوری

در کتاب یادنامه‌ی مرحوم حاج سید اسماعیل هاشمی، نویسنده گمان کرده است که منظور از آقای آشنی در صفحه‌ی دوازده یادنامه‌ی مذکور، مرحوم حاج شیخ نورالدین بوده و لذا وی را شاگرد میرزا ابوالمعالی کلباسی دانسته است. در حالی که سال وفات میرزا ابوالمعالی پنج سال قبل از سال تولد حاج شیخ نورالدین بوده است. منظور از آقای آشنی در صفحه‌ی ذکر شده، مرحوم حاج شیخ محمدحسین پدر حاج

ص: ۲۰۸

۱- مجله معارف اسلامی، شماره ۴: ۲۹

۲- نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: ۹۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۳

معاصرین

حاج شیخ نورالدین با بسیاری از بزرگان علمای معاصر و فقهای دوران اخیر، هم دوره و هم مباحثه بوده است. ایشان در مجلس درس استاد همایی، در دروسی مانند مغنی و مطول و شرح شمسیه، که در مسجد جارچی منعقد بود و پیوسته ۷۰ و ۸۰ تن از فضلاء اصفهان در آن شرکت می کرده اند، با حضرات آیات: آقا سید حسن مدرس، حاج شیخ مرتضی اردکانی و حاج شیخ عباسعلی ادیب، هم مباحثه بوده است. (۱) همچنین در دروس قم با مرحوم مدرس و در درس عارف شاه آبادی نیز با امام خمینی هم دوره بوده است. (۲) ایشان در حوزه علمیه قم، پنج سال هم حجره ای امام بوده است. (۳)

مشاغل و مناصب اجتماعی

حاج شیخ نورالدین قودجانی با اینکه مقام علمی والایی داشت، هیچگاه از وظایف اجتماعی خود و رابطه اش با مردم غافل نبود. ایشان خود را محدود به تدریس نکرد بلکه علاوه بر آن به تبلیغ آیین مبین اسلام و سخنرانی در مجالس عمومی و خصوصی و حتی به کار و کالت نیز اشتغال داشت. در مجموع، فعالیت ها و مشاغل اجتماعی معظم له را می توان چنین تقسیم بندی نمود. (۴)

ص: ۲۰۹

۱- معارف اسلامی، ش ۴: ۲۹-۲۸

۲- نگاهی به احوال و آرای حکیم مدرس اصفهانی: ۹۴

۳- اطلاعات بدست آمده از خاندان آن مرحوم

۴- یادداشت های شخصی و نسخ خطی و نیز اطلاعات خاندان آن مرحوم.

۱. اقامه ی جماعت در برخی مساجد اصفهان و حل و فصل سؤالات و مشکلات مردم

۲. منبر و وعظ و ایراد سخنرانی در مجالس مختلف شهر اصفهان و برخی از دیگر شهرها و روستاهای ایران

۳. اداره برخی جلسات هفتگی و پاسخ به سؤالات علمی طلاب و دانشجویان

۴. سردفتری اسناد رسمی در گلپایگان و اصفهان(۱)

۵. سرپرستی سازمان جوانان اسلامی

۶. تدریس در حوزه علمیه ی اصفهان

۷. تألیف و تصنیف

وعظ و سخنرانی

حاج شیخ نورالدین قودجانی با اینکه از چهره های ممتاز علمی در دوران معاصر به شمار می رفت. توجه خاصی به منبر و خطابه نشان می داد، کاری که برخی از آقایان علما، آن را مایه ی کسر شأن یک عالم فاضل و ملای محقق می دانستند. شاید از همین رو، یا به خاطر عوامل دیگری، بود که شأن و مقام علمی حاج آقا نورالدین حتی در نزد بسیاری از اهل علم و کمال نیز مجهول بود.(۲) ایشان با توجه به تسلطش بر فقه و حکمت و حدیث و کلام و تفسیر و ذوق شاعرانه و عرفانی، منبرها و سخنرانی های جذّاب و گیرایی داشت و الحق عالمی جلیل و واعظی فصیح و شیرین بیان بود. آن گونه که از نوشتجات آن مرحوم پیداست، مطالعه و تحقیق بسیاری، پیش از هر

ص: ۲۱۰

۱- محل دفترخانه ایشان، در خیابان سپه(دنبال چهل ستون) بوده است.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۳

سخنرانی خود می کرده، به گونه ای که اگر نوارهای ضبط شده از آن ها پیاده و چاپ شوند، چندین مجلد از مطالب نفیس و نکات و فواید عمیق در علوم نقلی و عقلی خواهد شد. ویژگی دیگر خطابه های ایشان، مخالفت صریح با ظلم و فساد رژیم شاهنشاهی بوده است. ایشان در سخنرانی های خود به طور علنی با بی حجابی و بی عفتی و ستم ها و بی دادی های آن روزگار مبارزه می کرده است، به همین سبب چندین بار از سوی اداره شهربانی وقت اصفهان، احضار شده بود.

به گفته ی برخی از علماء مرحوم اشنی، مظلوم از دنیا رفت زیرا آدمی بسیار نجیب و مطلع از سیاست دنیا و صهیونیست ها بود، امری که چندان در اصفهان به آن اقبال نشان نمی دادند.^(۱)

مجالس روضه و وعظ آیت الله قودجانی، شهرت بسیاری در اصفهان داشت و مردم، علاقه زیادی به بیانات ایشان نشان می دادند، بطوری که معظم له بر اساس دعوت مردم و مجامع مختلف، در سی سال آخر عمرش، بطور منظم، منبر و مجلس سخنرانی داشت. در آن زمان جلسات متعددی در شهر اصفهان در باب مسائل اجتماعی و مذهبی برقرار بود. در این بین، جلسات بزرگانی مانند حضرات آیات: حاج سید عبدالحسین طیب، حاج شیخ محمد باقر زند کرمانی، حاج شیخ نورالدین اشنی و آقا سید حسن مدرّس، اهمیت خاصی داشت و مشهورتر از بقیه بود. مرحوم آیت الله اشنی قودجانی، که شخصیتی بزرگوار و برخوردار از دانش وسیع بود، مجالس هفتگی اش بیشتر در زمینه فلسفه احکام بود.

سرپرستی سازمان جوانان اسلامی

مرحوم آیت الله حاج شیخ نورالدین قودجانی، که در میان روحانیون و اهل علم،

ص: ۲۱۱

به روشن اندیشی مشهور بود و فلسفه و تفکر جدید غربی را نیز مطالعه و تحقیق می کرد، مدتی سرپرست سازمان جوانان اسلامی اصفهان بود و برای روشنفکران و متجددین، سخنرانی می کرد. از ایشان همچنین سلسله مقالاتی در روزنامه ی طوفان به یادگار مانده است. (۱)

تدریس و شاگردان

آیت الله حاج شیخ نورالدین آشنی، با اینکه جامع معقول و منقول بود و خارج فقه و اصول تدریس می نمود، هیچ ابایی از تدریس در مراتب پایین تر حتی در مرتبه سطح و مقدمات نداشت. نقل می کنند که معظم له در اوج سرمای زمستان به منزل یکی از سرهنگ های ارتش می رفته و به او مقدمات درس می داد. (۲)

ایشان در مدارس گوناگون حوزه ی علمیه اصفهان: صدر بازار، چهارباغ، مسجد نو بازار و در دفتر و کالت و حتی منزل شخصی اش تدریس می نمود و متونی مانند فرائد، مکاسب، کفایه، منظومه، اسفار و برخی متون کلامی و عرفانی را نیز به طلاب و فضلا درس می داد. (۳) معظم له مدت ها از مدرسین برجسته ی مدرسه ی صدر بود و کتبی مانند منظومه، قوانین و فرائد را در آن جا تدریس می کرد. ایشان دارای درس تفسیر قرآن برای طلاب مدرسه ی صدر نیز بوده است که جمعی از فضلا در آن شرکت می کرده اند.

نقل می کنند که حدود سیصد تن از طلاب و فضلا در درس ایشان در محل مسجد

ص: ۲۱۲

۱- دست نوشته های میرزا ابراهیم جواهری

۲- بر اساس فرموده ی جناب آقای اصف قودجانی پسر ارشد حاج شیخ نورالدین

۳- بر اساس اطلاعات برخی از علما و نیز خاندان و شاگردان آن مرحوم.

نو بازار شرکت می کردند. علاوه بر آن، شاگردان خصوصی نیز داشت که در منزل یا محل کار خود به آن ها درس می داد. شاگردان او اعم از آقایان و خانم ها بودند و به خواهش برخی بانوان متدین اصفهان به منزل آن ها می رفته و به آن ها تدریس می نمود. از جمله شاگردان معظم له می توان به حضرات آیات و حجج اسلام: حاج شیخ حسین مظاهری، مرحوم حاج شیخ احمد قمی نژاد، شیخ پارسا و بانوانی چون: علویه زینت السادات همایونی و مرحوم علویه عفت الزمان امین اشاره کرد. (۱)

در برخی منابع از آیت الله قودجانی به «عالم فاضل جلیل و واعظ صالح نبیل، فقیه متکلم حکیم» تعبیر شده است. (۲)

تألیفات و آثار

اشاره

مرحوم حاج شیخ نورالدین آشنی، با وجود مشاغل اجتماعی و کثرت سخنرانی و پرداختن به وکالت، نوشتن و تألیف را نیز رها نکرد. بیشترین حجم نوشته های ایشان را تفسیر قرآن تشکیل می دهد زیرا اشرف علوم را شناخت و معرفت نسبت به قرآن مجید می دانست و همت عالی خود را چه در بیان و سخنرانی و چه در تدریس و یا نوشتجات خود، به امر تفسیر قرآن کریم اختصاص داده است.

بطور کلی می توان آثار باقی مانده از ایشان را به پنج موضوع کلی تقسیم نمود: ۱- تفسیر ۲- کلام و اخلاق ۳- حکمت و عرفان ۴- حدیث ۵- مباحث متفرقه

ص: ۲۱۳

۱- اطلاعات بدست آمده از خاندان آن مرحوم؛ مشاهیر زنان اصفهان: ۷۲

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۳۵۳

۱. تفسیر آیه ی شریفه ی «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ» (۱)

۲. تفسیر آیه ی شریفه ی «الْمُ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (۲)

۳. تفسیر آیه ی شریفه ی «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۳)

۴. تفسیر آیه ی شریفه ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (۴)

۵. تفسیر آیه ی شریفه ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۵)

۶. تفسیر آیه ی مبارکه ی نور

۷. تفسیر آیاتی از سوره مبارکه ی واقعه

۸. تفسیر آیه شریفه «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ

ص: ۲۱۴

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹۰

۲- سوره ابراهیم، آیه ۲۴

۳- سوره قصص، آیه ۵

۴- سوره ممتحنه، آیه ۱

۵- سوره فاطر، آیه ۱۵

۹. معنای انفاق در «مما رزقناهم ينفقون»
۱۰. وجه تقدم «بما انزل اليك» بر «ما انزل من قبلك»
۱۱. تقوی در قرآن و اجتناب از فجور
۱۲. تبیین معنای «اخلاف» و «خليفة» در قرآن
۱۳. اعاده بعد از مرگ در قرآن
۱۴. نسبت مؤمن با مسلم در قرآن
۱۵. تفسیر آیه ی «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»(۲)
۱۶. بلاد معینه در قرآن
۱۷. شفاعت در قرآن
۱۸. معنای «خیره» در آیه ی «وَ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ»(۳)
۱۹. مقصود از «نور» در آیه ی «فَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الزُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»(۴)
۲۰. تفسیر آیه ی «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى»(۵)
۲۱. احکام قرآن

ص: ۲۱۵

۱- سوره زمر، آیه ۲۷

۲- سوره یس، آیه ۳۸

۳- سوره قصص، آیه ۶۸

۴- سوره تغابن، آیه ۸

۵- سوره اعلی، آیه ۱۸

۲۲. رساله ی فوز فیضی در بیان جبر و تفویض و امر بین الامرین.

آغاز رساله چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله. اما بعد، غرض از نگارش این رساله که مسمی به فوز فیضی است، بیان جبر و تفویض و امر بین الامرین است از لحاظ قرآن کریم و احادیث متواتره و عقل سلیم و شرع انور مآلاً فوز عظیم و فیض ربّ کریم. خواننده محترم باید بداند که دانشمندان اسلامی از اشاعره (جبریین) و معتزله (تفویضیین) و معتقدان به حضرت امام صادق علیه السلام (شیعه اثنا عشری) و فرق دیگر اسلامی و غیر اسلامی، مطالعه بسیار به طور مفصل یا مجمل، به عربی و فارسی، مستقلاً یا ضمن کتب و بحث های کلامی و دینی درباره جبر و تفویض و امر بین الامرین نوشته اند.... و هر سه طایفه باختلاف در مقابل معطلاتی قرار گرفته اند که هیچ راه استخلاص و فرار آنها را نیافته اند و بعقیده ی این نگارنده از ابتدای امر درباره ی این مسأله راه غیر مطلوب را پیش گرفته اند و باید از قرآن و فیض شامل خداوند جداً خواسته باشند تا مشکل آنها حل شود....».

۲۳. رساله ی اصول دین به زبان روان و همراه با تمثیل و استنتاج در هر فصل می باشد. این رساله مفصل بوده و شامل مباحث زیر می شود:

لزوم دین برای بشر، دین تنها برنامه ی عمل و حافظ نظم، اصول و فروع دین، اسلام و ایمان، توحید، دلایل توحید، صفات خداوند، عدل، طاعت و محبت خدا، نبوت عامه، امتیازات پیغمبر، نیل به مقام نبوت، نبوت خاصه، آداب پیامبر خاتم (ص)، عقل و سیاست پیامبر خاتم (ص)، معجزات پیامبر خاتم (ص)، شرح معجزه بودن قرآن، امامت مطلقه، امامت خاصه، دلیل بر امامت علی بن ابی طالب علیه السلام، دلیل عام بر امامت تمام امامان علیهم السلام.

مؤلف در مقدمه ی، در بیان انگیزه ی تألیف این کتاب می نویسد:

«در این زمان که سال ۱۳۹۲ هجری قمری است، غبار و تیرگی خاطرها در نتیجه نادانی و جهالت نسبت به واقعیات عوالم صنع الهی که طبعاً پرده و حجاب ضخیمی میان قوت عقل و قدرت فکر صحیح و خواست و تمایل و عمل افراد به وجود آورده و جز محسوس و ماده و منافع امروز چیز دیگری باعث کار و رفتار و گفتار آنان نیست، بسیار مشکل است که بتوان با نگارش حقیقت و نشر حقایق از غبار تیرگی افهام کاست بخصوص که بیان حقیقت هم کار انسانی نیست و چون جهالت افراد، خود دارای اثرات محدود کننده و نتایج شکننده است در همه ی امور، طبعاً نسبت به زبان و قلم هم اثر گذاشته، مع الوصف با اتکای به قدرت خداوند که اصل حقایق است و با اتکال به نیروی حقیقت و نورانیت قرآن که هم حق است و هم کلام حق تعالی است به نگارش این کتاب که به نام زودگذر او امروز و فردا نامیده شده است می پردازم و از حق جلّ و علا یاری و توفیق می طلبم. مقصود از نگارش که تمام مطالب این کتاب بر محور آن دور می زند، این است که تفاوت مکتب انبیا و راهی را که به امر خداوند متعال، انبیا به بشر نمایانند با مکتب کسانی که امروز افراد و اجتماعات را به زری یا به زور یا تبلیغ به دنبال خود و در راه مخالف حق می کشانند تا حد امکان روشن شود...».

این کتاب مشتمل بر چهل فصل و یک مقدمه و یک تذکر است. عناوین فصول آن عبارت است از:

۱ - خداشناسی ۲ - معاد ۳ - مرگ ۴ - رسالت ۵ - نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ۶ - قرآن ۷ - اعجاز ۸ - بعضی از موارد اعجاز در قرآن ۹ - معنای اسلام ۱۰ - معنای ایمان ۱۱ - عوامل سعادت ۱۲ - عوامل شقاوت ۱۳ - مطالعه حالات جامعه

۱۴ - اقوال و مکاتیب ۱۵ - معرفت ۱۶ - اتحاد ۱۷ - اختلاف ۱۸ - عدالت ۱۹ - فرق زن و مرد ۲۰ - حقوق یک خانواده ۲۱ - طرز تفکر ۲۲ - اخلاق ۲۳ - روش عمل و کار ۲۴ - تقسیم اوقات ۲۵ - تقسیم افراد ۲۶ - تقسیم جماعات ۲۷ - وضع گذشته ۲۸ - وضع حاضر ۲۹ - پیش بینی اوضاع آینده ۳۰ - شناخت اشخاص ۳۱ - شناخت علائم راه ۳۲ - امید ۳۳ - بیم ۳۴ - تقوی ۳۵ - طاعت ۳۶ - استقامت ۳۷ - تاریخ ۳۸ - علم ۳۹ - دنیا ۴۰ - آخرت.

۲۵. رساله ای مشتمل بر موضوعات متنوع فقهی، کلامی، اخلاقی و حکمی. این رساله مشتمل بر سی فصل به بیان زیر است:

۱ - نظم ۲ - ایمان و اسلام ۳ - عبادت و معصیت ۴ - ضامن بقا ۵ - معرفت ۶ - صراط مستقیم ۷ - دنیا و آخرت ۸ - عدالت و ظلم ۹ - نعمت و نعمت ۱۰ - فقر و غنا ۱۱ -

قوه و ضعف ۱۲ - کم و کیف ۱۳ - شهوت و غضب ۱۴ - انسان و بهایم ۱۵ - حیات و ممات ۱۶

- عقل و وهم ۱۷ - علم جهل ۱۸ - خدا و خلق ۱۹ - کتاب گفتار ۲۰ - امامت و مقتدی ۲۱ - اصلاح و تخریب ۲۲ - سمع و بصر ۲۳ - طهارت و پلیدی ۲۴ - جهاد و دفاع ۲۵ -

یقین و ظن ۲۶ - نوم و یقظه ۲۷ - زمان و حرکت ۲۸ - بسط و قبض ۲۹ - دعا و ثنا ۳۰ - جشن و عزا

۲۶. رساله در ردّ شبهات وارده بر مهدویت، مؤلف در مقدمه ی این رساله با اشاره به اینکه با جزوه ای برخورد کرده که نویسنده ی آن بر اساس آیه ای از قرآن به ردّ مهدویت مبادرت ورزیده است، به بیان شرایط و چگونگی استفاده از قرآن و استخراج عقاید از آن پرداخته و دیدگاه نویسنده را ردّ کرده است.

۲۷. پندنامه های اخلاقی به فرزندان و نزدیکان. مؤلف در این رساله، به پند و اندرز فرزندان و آشنایان خود پرداخته و توجه آنها را به برخی مسائل اعتقادی و رعایت قواعد مهم اخلاقی جلب نموده است.

۲۸. رساله‌ی دانش بشر و نفس و روح انسانی. آغاز رساله چنین است: «شکی نیست که حقیقت انسان بستگی به امری دارد که آن را نفس و روح بری می‌نامند و اطلاعات بشر از این امر از دو جنبه کسب اهمیت می‌کند: اول اینکه مستقیماً مربوط به زندگی و حیات خود بشر است و مسلماً روشن شدن این موضوع در خوشی و طرز زندگی انسان مؤثر است و دوم اینکه مرتبه‌ی جماد و نبات و حیوان نازل تر و پایین تر از حقیقت انسان است و روی این اصل اگر اطلاعات نسبت به روح و نفس بدست آید در عالم دانش ارزش بیشتری دارد....».

۲۹. رساله‌ی جهان دانش و حیات و زندگی. مؤلف این رساله را در روز جمعه ششم مردادماه ۱۳۴۰ شمسی برابر با ۱۴ صفرالمظفر نوشته و آغاز آن چنین است: «اگر اندکی توجه و دقت شود در اطراف معقولات و موجودات مشهود و محسوسات موجود و متن و حاشیه‌ی زندگی خود را نیز عمیقاً مورد مطالعه قرار دهیم به یک اصل مسلم و روشن، یقین پیدا می‌کنیم که آن

اصل در بسیاری از امور علمی و در کلیه شوون زندگی، راهنمای همیشگی و ثابت و حقیقی است و آن اصل پربرکت و اصیل، عبارت از حقیقتی است که از آن به کلمه حیات و زندگی تعبیر می‌شود....».

۳۰. رساله در عالم مثال

۳۱. رساله در عالم ارواح

۳۲. حواشی بر اسفار الاربعه ملاصدرا ۳۳. حواشی بر شرح منظومه سبزواری ۳۴. حواشی بر شرح اسماءالحسنی سبزواری

۳۵. شرح حدیث شریف «حاسبوا قبل ان یحاسبوا»

۳۶. شرح حدیث شریف «الصوم لی و انا اجزی علیه»

۳۷. شرح حدیث شریف «ان تصوموا خیر لکم»

۳۸. شرح حدیث شریف «الدنیا مزرعه الآخره»

۵ - مباحث متفرقه

۳۹. رساله ی نکات و خاطرات. آغاز این رساله چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم. بنام آنکه جان را فکرت آموخت، چراغ دل بنور جان برافروخت. در روز سیزدهم رجب (میلاد مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام) سال ۱۳۷۵ ق. مطابق ششم اسفند ۱۳۳۴ ساعت یازده بامداد در قله کوه آتشگاه اصفهان. نگارش این مجموعه به نام نکات و خاطرات آغاز گردید و از خداوند، استمداد و توفیق انجام این خدمت علمی را به دوستان و همفکران خود می طلبم.»

این مجموعه شامل موضوعات متنوع و مطالب بسیاری است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

توضیح العجله من الشیطان، ذکر احادیثی از اهل بیت علیهم السلام درباره ی برخورد درست با مردم، گردآوری نکات مهم تاریخی و اجتماعی از دائره المعارف فرید وجدی، دلیل بر واقعی نبودن دنیا، درباره ی ولایت و شجره طیبه، مبحثی درباره آیات آغازین سفر خروج تورات، تفسیر آیاتی از قرآن کریم، اشعاری از مؤلف، ابیاتی از مثنوی مولوی.

۴۰. رساله ی نوروز یا روز نو. مؤلف در این رساله با تقسیم نوروز به نوروز خاص و نوروز عام و توضیح آن، به بیان داستان تاریخی نوروز و اهمیت آن و برخی آداب و

شرایط آن پرداخته است.

۴۱. مکاتبات مؤلف با امام خمینی

۴۲. یادداشت های شخصی مؤلف

۴۳. تألیف مقدمه ی کتاب «روش خوشبختی» بانوی مجتهده ایرانی ۴۴. اشعاری از مؤلف. ایشان در لابلای برخی از رسائل یا یادداشت های شخصی خود، اشعاری را که با ذکر تاریخ و زمان آن سروده، آورده است. در این جا چند بیتی که مؤلف در مدح حضرت امیر مؤمنان علیه السلام سروده است را می آوریم:

تراوش قریحه نورالدین قودجانی در نوزدهم رمضان ۱۳۹۳

گر بگویم آفتابی یا علی گویند از آن روشن تر است

ور بگویم رهبری گویند فزون از رهبر است

گر که نزد عاقلان گویم دهم عقل است علی

جمله گویندم که بر کل عقول او سرور است

گر تو را هفت آسمان خوانم که آمد در نبی

هاتف از بالا همی گوید علی روشنگر است

گر بگویم آدمی باشد علی بی نقص و عیب

گویند اندر آدمی عیب است علی اخر فرشته اش

۲۳/۱۱/۵۲

قصیده ای دیگر از آیت الله قودجانی

روزگاری است کنون تیره و تاریک و سیاه

کار افراد بشر جمله هدر عمر تباه

ص: ۲۲۱

نه ز هم نوع گمان مدد و چشم امید
نه فروغی که بجویند رهی سوی اله
همه بیچاره و سرگشته و رنجور مزاج
همه پژمرده و افسرده و وامانده ز راه
آسمان خشک و زمین خشک و نفس خشک تر است
که نروید ز زمین دلمان ناله و آه
نه رعیت دل خوش دارد و نه راعی آن
نگران بسکه گدا و نگران تر زو شاه
بچه سو روی کند جم غفیر بشری
به که از سیل حوادث ببرند جمله پناه
قلعه هستی هر کس ز همه سو محصور
قید و بند و الم و غصه شدندیش سپاه
نیمی از هستی مظلوم شده طعمه ی غیر
تا شود نیم دگر صرف حمایت از جاه
آنچه ز اوضاع جهان هیچ نیاید بحساب
عمرهایی که تلف بیّهده شد بهر رفاه
شیوه شیطنت و مغلطه کاری هر روز
بکند با الفی قامت، که را چون کاه
یا ز گاهی بر باید الف و عکس کند
تا گهی باز نماید که سر برده نماه

١٤/٨/١٣٤١

ص: ٢٢٢

مرحوم آیت الله حاج شیخ نورالدین از دوستان نزدیک و هم مباحثه‌ی خصوصی امام بود و مکاتباتی نیز با ایشان داشته است. یکی از علمای معاصر اصفهان از قول مرحوم اشنی نقل می‌کند که روزی یکی از آقایان به مزاح به امام می‌گوید: نمی‌خواهید به ما سوری بدهید؟ ایشان شوخی را جدی گرفته و فرمود: چرا می‌خواهم سور بدهم. یکی دیگر از آقایان می‌گوید: اگر قرار است سور بدهید بهتر آن که در جای خوش آب و هوایی باشد و من، خمین را پیشنهاد می‌کنم! ایشان هم در پاسخ می‌گوید که مانعی ندارد. پس از چند روز، امام وسیله‌ای تهیه کرده و با آقایان به طرف خمین می‌روند. هنگامی که به دلیجان می‌رسند ماشین خراب شده و راننده و کمک راننده دست به کار تعمیر آن می‌شوند، در این فاصله آقایان که از ماشین پیاده شده بودند، برای سرگرمی عمامه‌های خود را باز کرده و دو باره می‌بستند. امام که برای تجدید وضو رفته و برگشته بود، از این کار بسیار ناراحت می‌شود. یکی از همراهان که ناراحتی ایشان را می‌بیند می‌گوید: آقا، نه دعوتی شما را می‌خواهیم و نه این ناراحتی را! امام در پاسخ می‌فرماید: «دلم به حال شما می‌سوزد که چرا این فرصت‌ها را این گونه از دست می‌دهید؟ می‌توانستید به جای این کار بی‌ثمر، یک فرع فقهی مطرح کنید و با یکدیگر بحث کنید.»^(۱)

وفات و مدفن

آیت الله آقای حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی که بیشتر نیز به ناراحتی قلبی مبتلا بوده و یکبار در سال ۱۳۵۵ ش. (۱۳۹۶ ق) دچار حمله قلبی شده بود، سرانجام

ص: ۲۲۳

در ساعت های آغازین روز دوازدهم ذی قعدة ی سال ۱۳۹۸ ق. برابر با بیست و سوم مهرماه ۱۳۵۷ ش. دچار سکتة قلبی شد و از هم و غم دنیا آسوده گشت. همسر گرامی ایشان درباره سبب فوت ناگهانی معظم له نقل کردند که حال عمومی آیت الله قودجانی در چند روز قبل از وفاتشان، خوب بود و مشکل خاصی نداشتند اما از شب قبل از وفات مقداری اظهار ناراحتی کردند و صبح زود روز بعد، با اینکه شیوه ی ایشان این بود که هر روز مقداری در حیاط منزلشان پیاده روی می کردند، نتوانستند این کار را مثل روزهای قبل انجام دهند و به اتاق خود برگشتند. پس سراغ رادیو رفتند و یک مرتبه من دیدم که آقا دستشان را خیلی محکم بر روی دست و زانویشان زدند و بعداً متوجه شدم که ایشان خبر تبعید امام از عراق به پاریس را از اخبار شنیده و بسیار ناراحت شده اند و چندین بار پشت سر هم گفتند که این ها می خواهند آقای خمینی را بکشند، این ها می خواهند هواپیمای ایشان را ساقط کنند...! بعد از این بود که آقا که خیلی منقلب شده بودند قصد بیرون رفتن از منزل را کردند که من به ایشان گفتم حال شما خوب نیست، چطور می خواهید بیرون بروید و نهایتاً استخاره ی ایشان برای بیرون رفتن از منزل بد آمد. آقا همین طور با حالت ناراحتی، به پشتی خود تکیه داده بودند و من مشغول تهیه صبحانه ی ایشان بودم و تصور می کردم که ایشان خواب رفته اند. چندین بار ایشان را صدا زدم که بلند شوید، صبحانه آماده است. اما بیدار نشدند. همان ساعتی که ما فکر می کردیم آقا خوابند، به راحتی و آسودگی، به خواب ابدی رفته بودند.

پیکر آن مرحوم پس از تشییع و اقامه نماز توسط مرحوم آیت الله آقا میرزا دهکردی، در تکیه ی میرزا ابوالمعالی کلباسی، در داخل بقعه جنب قبر پدر بزرگوارش دفن گردید. رحمها لله علیه رحمه واسعه

بر روی سنگ قبر وی جملات زیر نقش بسته است:

«كَلَّ مِنْ عَلَيْهَا فَان هَذَا مَرَقِدَ الْمَرْحُومِ الْمَبْرُورِ الْعَلَامَةِ الْحِجَّةِ شَيْخِ الْفُقَهَاءِ وَالْحُكَمَاءِ وَالْخُطَبَاءِ وَالْعَارِفِ الرَّبَّانِيِّ أَبِيهَا اللَّهُ الْحَاجِّ الشَّيْخِ نُوْرَالدِيْنِ الْأَشْنِيِّ ابْنِ الْمَرْحُومِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ حَسِيْنِ طَابَ رَمْسُهُمَا الْمَتُوفِي فِي ١٢ ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَتَسْعِيْنٍ ثَلَاثِمِائَةٍ بَعْدَ الْآلِفِ ١٣٩٨»

همسر و فرزندان

مرحوم آیت الله قودجانی آشنی از همسر بزرگوار خود حاجیه خانم آقا کثیری صاحب دو فرزند پسر به نام های: آصف و اسعد و چهار دختر گردید.

ص: ۲۲۵

وی فرزند عالم فاضل مرحوم حاج میرزا عبدالرزاق رشتی (داماد حاج سید جعفر بیدآبادی متوفی ۱۳۲۰ ق. در نجف اشرف) و نواده ی حاج محمد کاظم و حفید حکیم متأله نامدار حاج محمد جعفر لنگرودی اصفهانی - شاگرد آخوند ملا علی نوری و مؤلف شرح مشاعر - است.

حاج آقا مرتضی در حدود سال ۱۳۰۰ ق. در اصفهان دیده به جهان گشود و احتمالاً از محضر بزرگانی مانند: آخوند کاشی، جهانگیر خان قشقایی، سید محمد باقر درچه ای و دیگران استفاده کرد. وی عالمی عامل، خلیق، زاهد عباد و متقی بود و احترام و جایگاه خاصی نزد عموم اهالی اصفهان از علما و مؤمنین داشت و محفل او، مجمع فضلا و دانشمندان بوده است. حاج آقا مرتضی رشتی که داماد عالم جلیل مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی بود در اصفهان از دنیا رفت و نخست در داخل بقعه ی میرزا ابوالمعالی به خاک سپرده شد و پس از سالیانی چند، پیکرش به نجف اشرف منتقل گردید. فرزند وی نیز به نام آقا میرزا محمد علی رشتی، متوفی به سال ۱۴۰۰ ق. داخل بقعه در جوار پدر آرمید. (۱)

ص: ۲۲۶

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۳: ۲۶۹ - ۲۶۸؛ بیان المفآخر ۲: ۱۹۵ - ۱۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۱۴ - ۴۱۳.

فرزند مرحوم ملا محسن سدهی است که در سده به دنیا آمد و عالمی فاضل، زاهد و متقی بوده و از دانشمندان نامدار سده به شمار می‌رفته است. وی از شاگردان میرزا ابوالمعالی کلباسی و جمعی دیگر از علمای اصفهان بوده و در فروشان به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخته است. ایشان معتمد و مرجع حل مشکلات مردم و نیازمندی‌های آن‌ها در منطقه مذکور بوده و به دیگر شئون روحانیت نیز اشتغال داشته است. ملا مصطفیٰ فروشانی پس از وفات در صحن تکیه‌ی استادش میرزا ابوالمعالی دفن گردید. وی پدر عالم جلیل القدر، فقیه زاهد و مدرّس نامدار حوزه علمیه اصفهان مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد فیاض سدهی (۱۳۲۴ - ۱۴۰۷ ق.) است. (۱)

حاج سید محمد حسن موسوی کاشانی (حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۲۰ ق.)

تولد و تحصیلات

سید محمد حسن معروف به سید حسن واعظ کاشی و ملقب به سلطان الواعظین از دانشمندان و اعلام اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری به شمار می‌رود. وی در حدود پیش از سال ۱۲۵۰ ق. در کاشان دیده به جهان گشود. نام پدر او سید محمد موسوی کاشانی (۲) بوده و آگاهی دیگری درباره‌ی پدر و نیاکانش در دست نیست. وی ظاهراً علوم مقدماتی را در کاشان خوانده و سپس راهی دارالعلم اصفهان

ص: ۲۲۷

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲: ۲۸۵؛ مجله حوزه: ش ۱۸: ۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲

شد تا از محضر فقیهان و حکیمان نامدار آن استفاده نماید. از اساتید او تنها از فقیه اصولی و عالم رجالی، محدث و مفسر نامی علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی، نام برده شده است. (۱) در زمانی که سید کاشی در اصفهان به تحصیل علم مشغول بود، بزرگانی مانند حضرات آیات: شیخ محمدباقر نجفی، آخوند کاشی، علمای خاندان خوانساری چهارسویی، شاگردان حوزه ی آخوند ملا علی نوری، میرزا محمدحسن نجفی، ملا محمدباقر فشارکی و بسیاری از عالمان دیگر به تدریس و تربیت دانش پژوهان اشتغال داشته اند و به نظر می رسد که سید حسن کاشی نیز از محضر بسیاری از آنها، استفاده کرده باشد.

جایگاه و منزلت علمی

حاج سید حسن کاشی، از اساتید علوم عقلی و نقلی در اصفهان استفاده ی بسیاری نمود و خود، در علوم و دانش های مختلف مانند فقه، تاریخ و کلام، صاحب نظر گردید. از آثاری که از ایشان در زمینه های متنوع فقه، کلام، تاریخ، اخلاق و تفسیر باقی مانده، به خوبی می توان به فضل، تبخر، تتبع و گستردگی معلوماتش پی برد.

رئیس خطیبان و سلطان الواعظین

از القاب مشهور حاج سید حسن کاشانی که بعضاً به همین عنوان نیز شناخته می شود، لقب سلطان الواعظین می باشد. در احوال او نقل شده که از همان دوران کودکی و نوجوانی به وعظ و خطابه علاقمند بوده است به طوری که از سن پانزده

ص: ۲۲۸

سالگی به سخنرانی و ارشاد مردم، همّت گماشته است. (۱) حاج سید حسن، در قدرت بیان و فصاحت کلام، کم نظیر بوده و از مشاهیر گویندگان و خطبا و رؤسای اهل منبر اصفهان به شمار می رفته است. (۲) ایشان سالیان متمادی، از طریق وعظ و خطابه، به هدایت و ارشاد مؤمنین اشتغال داشته و به مدح فضایل و ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام می پرداخته است. فقیه حکیم علامه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی که خود، پای منبر حاج سید حسن واعظ بوده و از مواعظ و خطابه های او استفاده می برده است نقل می فرماید که مرحوم کاشی در منبرهای خود به ذکر مصائب اهل بیت می پرداخت و گریه و زاری شدید و ناله های اندوهناکی سر می داد. (۳) تبّخر حاج سید حسن در وعظ و تسلط کم نظیرش بر خطابه باعث شد که واژه ی واعظ جزء لقب او قرار گرفته و رئیس گویندگان و امیر سخنوران شناخته شود.

آثار و تألیفات

اشاره

از مرحوم سلطان الواعظین، چندین اثر به شرح ذیل باقی مانده است:

۱. ینابیع الحیاه فی موارد الآیات

در این کتاب، آیه های قرآن کریم را در موضوع های مختلف، دسته بندی کرده و همچنین راجع به آیات ناسخ و منسوخ و ترجمه بعضی از لغات مشکل به فارسی و پاره ای مطالب قرآنی دیگر را گردآوری کرده است. مؤلف در این اثر، آیات اعتقادی و اخلاقی را در دوازده باب به روش موضوعی برای واعظان و سخنگویان تنظیم کرده

ص: ۲۲۹

۱- تراجم الرّجال ۱ : ۲۵۷

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۰

۳- زواهر الجواهر، مقدمه : ۳۸

و این کتاب را در سن ۵۵ سالگی پس از کتاب دیگرش، *منهج الواعظین*..... تألیف نموده است.

آغاز کتاب: «الحمد لله الذی فتح علی العالمین بمفتاح فاتحه کتابه ابواب النعماء و جعل ذبح البقره الصفراء هدایه لآل عمران من الرجال و النساء» انجام آن: «قیل هی مکیه لا ناسخ فیها و لا منسوخ و کذا معوذتین و اختلف فی نزولهما» چند نسخه از این کتاب در برخی از کتابخانه های معتبر قم موجود است. (۱)

۲. مواظظ حسنه

در این کتاب، مطالبی پیرامون لزوم اطاعت امر سلطان وقت ناصرالدین شاه قاجار و ظلّ السلطان نوشته بوده و نشر آن رساله سبب تکفیر وی شده است. این کتاب در سال ۱۲۹۵ ق. به سرمایه ی ظلّ السلطان حاکم وقت اصفهان، چاپ و منتشر گردید. (۲)

۳. رساله در امر به معروف و نهی از منکر

در این کتاب درباره ی امر به معروف و نهی از منکر و نکوهش کذب و غیب و نمایی و تهمت و شمه ای از مناقب و فضل علمای دین نوشته شده است. این رساله دارای یک مقدمه، چهار مقاله و یک خاتمه است و مؤلف آن را به منظور دفع تهمت تکفیر از خود نگاشته است. (۳)

۴. منهج الواعظین و مسلک الراشدین

مؤلف، این کتاب را پیش از *ینابیع الحیاه* و ظاهراً نخستین کتابی باشد که نوشته است. وی در رساله ی امر به معروف و نهی از منکر از کتاب *منهج الواعظین* و آثار

ص: ۲۳۰

۱- بنگرید به: فهرست کتب خطی کتابخانه گلبایگانی ۲: ۶۶- ۶۵؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۲: ۱۱۴- ۱۱۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۰

۳- فهرست کتاب های خطی کتابخانه آیت الله گلبایگانی ۲: ۲۶۷

۵. رساله ای از حاج سید حسن کاشی در جواب نامه ی حاج ملا علی کنی (۲)

ماجرای تکفیر یا تفسیق حاج سید حسن کاشی و سب آن

همانطور که پیشتر گفته شد، سید کاشی رساله ی با نام مواعظ حسنه ظاهراً به دستور ظل السلطان در سال ۱۲۹۵ ق. نوشته که به خرج و سرمایه ی او نیز چاپ و منتشر شده است. آنچه نام وی را مشهور خاص و عام کرد، انتشار همین رساله بود چرا که او در این کتاب، در تفسیر آیه ی شریفه ی «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (۳)، آن را به حکام و سلاطین تفسیر نموده و عبارات آن موهم این بود که پادشاه (ناصرالدین شاه قاجار و ظل السلطان حاکم مستبد اصفهان) از مصادیق اولی الامرند و اطاعتشان لازم می باشد. نشر این رساله در بین علما و مجتهدین عصر، سر و صدایی راه انداخت و موجب شد برخی از فقهای آن عصر، او را تخطئه و تکفیر کنند. از جمله فقیهان و مجتهدان نامداری که حکم به تفسیق و تکفیر او نمودند می توان به حضرات آیات عظام: میرزا محمد هاشم چهارسویی، صاحب روضات، میرزا محمد حسن نجفی اصفهانی و حاج سید علی اکبر فال اسیری شیرازی اشاره کرد. (۴) سید کاشی از ترس عواقب فتوای مفتیان شه، فرار را بر قرار ترجیح داد و به دارالخلافه (تهران) گریخت و برای حفظ جان خود در سال ۱۳۰۵ ق. به علما و مجتهدین عراق و سایر شهرهای ایران متوسل شد تا از آنان در تبرئه ی خود کمک

ص: ۲۳۱

۱- همان ؛ سیری در تخت فولاد: ۶۲

۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی ۲: ۲۶۵

۳- نساء: ۵۹

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۰؛ زواهر الجواهر، مقدمه: ۳۸

بگیرد. سید حسن خیلی زود برای تطهیر و تبرئه ی خود اقدام نمود و به جمیع وسائل ممکن، متشبث شد و نامه ها نوشته و سفرها کرده و همگان را به یاری خود خواند و عقاید حقه ی خود را عرضه داشت با اینکه سید کاشی، از احترام به سلطان وقت و حکومت زمان، دست برنداشت. با این وجود بسیاری از مراجع و بزرگان به یاری اش شتافته و او را تبرئه کردند. (۱)

سید کاشی برای تبرئه ی خود، آن رساله را به نظر چند نفر از علمای بزرگ رسانید و از آنان خواست که نظریه ی خود را درباره ی او و رساله اش بنویسند. آنان او را تبرئه کرده و گفتند: مقصودش، لزوم اطاعت سلطان نبوده بلکه می خواسته مطلب صحیحی را بیان کند ولی عبارات او نارسا بوده که باعث چنین توهمی شده است. (۲)

سید کاشی پس از دریافت گواهی ها و نامه های متعدد از علما و فقها، به اشکال مختلف، آن ها را تکثیر و نشر داد که صورت تمامی آن ها در خاتمه ی رساله ی او امر به معروف و نهی از منکر آمده است. (۳) در رساله ی جداگانه ای نیز - که چاپ هم شده است - نوشته های گروهی از علمای اصفهان و کاشان و غیره در تبرئه ی سید کاشی، ذکر شده است. نام چند نفر از عالمان و فقیهانی که سید را تأیید و تبرئه کرده اند، عبارت است از حضرات آیات: حاج ملا-علی کنی، آقا میرزا محمدتقی، میرزا ابوالقاسم مدرّس، حاج میرزا فخرالدین، آقا شیخ محمدتقی، حاج میرزا ابوالقاسم بن حجهالاسلام، میرزا ابوالقاسم بن محمد نراقی و ملا حبیب الله کاشانی. (۴)

ص: ۲۳۲

۱- فهرست کتاب های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی ۲: ۲۶۹

۲- همان: ۲۶۵

۳- همان: ۲۶۷

۴- همان: ۲۶۵

عالم محقق متتبع آیت الله آقای حاج سید محمدعلی روضاتی «دام ظلّه» - حفید صاحب روضات - که نسخه‌ی اصل رساله‌ی مذکور در اختیارشان است، در معرفی این رساله می‌نویسند: «... نسخه به خط مؤلف است و صورت نامه‌های علما [که در خاتمه‌ی کتاب آمده] به خط کاتب می‌باشد. تاریخ تألیف و تحریر در نسخه نیست لکن برخی از نامه‌ها به تاریخ ۱۳۰۵ می‌باشد. تعداد اوراق اصل کتاب ۷۰ ورق (۱۴۰ صفحه).

آغاز رساله: بسمله الحمد لله الذی جعل لسان العلماء مفتاحاً لیبیان بدایع المعانی.... انجام: و لازم شد که به جهت رفع شکوک و شبهات از خواطر اهل ایمان و عموم شیعیان صورت این اوراق و رسائل، ثبت این رساله موجه گردد تا مطالعه کنندگان بر سبیل حق مستقیم باشند و گمان بد به ذریه طیبیه فاطمه «سَلام الله علیها» نبرند و جمیع اصول مهمور در این سوداها در نزد داعی

حاضر است. هر کس می‌خواهد به نظر او می‌رسانم والسلام علی من اتبع الهدی. ورق ۷۱ صورت نامه‌ای است از زبان مردم اصفهان به علمای نجف اشرف و سپس گواهی‌های علمای اعلام است و نامه‌های آنان تا ورق ۱۱۵.

پس از آن..... شرحی است که یکی از علمای عراق (ظ) درباره رساله‌ی اصلیه حاج سید حسن نگاهشته و کلمات او را در آن رساله بعد (قوله. قوله) به فارسی شرح کرده و توضیح داده است و خلاصه، مطالب او را تأدیل و سید را از نسبت کفر و انحراف تبرئه نموده...»^(۱)

ص: ۲۳۳

در میان احکام تکفیر و تفسیق که از سوی علما در حق سید کاشی صادر شد، فتوای صاحب روضات، در خور توجه جداگانه است. پس از آنکه گروهی از فقیهان نامدار اصفهان حکم کفر سید کاشی را صادر می کنند و سید از اصفهان متواری می شود و خبر به شهرهای دیگر از جمله تهران می رسد، عالم و مفتی نامی تهران مرحوم حاج ملا علی کنی، نامه ای به علامه فقیه صاحب روضات نوشته و در خصوص سید از ایشان جویا می شود. (۱) صاحب روضات که حتی در تحریر فتاوا هم بسیار فصیح و بلیغ می نوشته و تسلط کامل و آگاهی تمام بر ادب عربی و فارسی، نظماً و نثراً، داشته است، در پاسخ علامه کنی و دیگر کسانی که در خصوص کفر سید از ایشان سؤال کرده بودند، چنین می نویسد: «بسم الله الرحمن الرحيم. این سید کاشی ناشی؛ مشغول به دین تراشی؛ یا در متن کفر است یا در حواشی». (۲)

سرانجام کار سلطان الواعظین

حاج سید حسن کاشی سرانجام موفق شد طوماری بلند بالا به دست خط و مهر جمعی کثیر از علمای روزگار در تأیید ایمان و تأکید اسلام خویش ترتیب داده تا بلکه به جان امان یابد. بدین ترتیب با دریافت برائت نامه پس از دو سال به اصفهان بازگشت و بدین تمهید از مرگ رست اما باز لکه تفسیق و تکفیر همچنان بر جای خود ماند و دیگر نتوانست آب رفته را به جوی باز آورد. گویند پس از بازگشت به اصفهان دیگر آن عنوان و شخصیت اولیه را نداشت و در این شهر به مرده نامی زیست تا آنکه جان

ص: ۲۳۴

۱- همان: ۲۶۶؛ النهیره، مقدمه: ۱۶

۲- احسن الودیعه ۱: ۱۳۳

البته همانطور که پیشتر از قول مرحوم آیت الله ارباب نقل شد، معظم له سال های آخر حیات سید کاشی در اصفهان را درک کرده و تحت تأثیر منبرهای گیرا، مواعظ رسا و ناله های حزن آور سید بر مصائب اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته بوده است. بنابراین معلوم می شود که سید واعظ پس از بازگشت مجدد به اصفهان، از گفتار و کردار قبلی خود پشیمان شده و سرانجام نیز با اسلام و ایمان از دنیا رفت. (۲)

وفات و مدفن

سلطان الواعظین مرحوم حاج سید محمد حسن کاشانی سرانجام در روز نخست ماه ربیع الثانی سال ۱۳۲۰ ق. جان به جان آفرین تسلیم کرد و در تخت فولاد اصفهان، تکیه ی استادش میرزا ابوالمعالی کلباسی در اطاقی مخصوص (حجره دست راست) به خاک خفت. این حجره با دفن فرزند و اعقاب سید در آن، بعدها به مقبره ی خانوادگی ایشان مشهور شد. (۳) گفتنی است که جنس سنگ قبر مرحوم آقا سید حسن کاشی از کاشی سبز رنگ بوده و از میان رفته است.

خاندان و فرزندان

از نام و خاندان همسر مرحوم سید حسن کاشی، آگاهی نداریم، اما چندین فرزند عالم، فاضل و صاحب اثر و تألیف داشته است که لقب و نام خانوادگی شان «مطهری»

ص: ۲۳۵

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲؛ تاریخ اصفهان (تعلیقات استاد مظاهری): ۲۵۹

۲- زواهر الجواهر، مقدمه: ۳۹

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲

بوده است. به نظر می رسد که سبب تغییر نام خانوادگی فرزندان سید، بدنامی او در جریان حادثه ی تکفیر بوده است. در هر حال، فرزندان سید که سادات جلیل القدری بوده اند، تا این اواخر در قید حیات بوده و دارای وعظ و منبر و خطابه بوده و با کمال احترام می زیسته اند.^(۱) نام فرزندان بلاواسطه ی سید کاشی عبارت است از:

۱. آقا سید اسدالله ثقهالواعظین مطهری، واعظ فاضل و ادیب شاعر و از محترمین اهل منبر و مسلط در وعظ و خطابه بوده است. وی شخصیتی بسیار محترم و معتدل بوده و هیچ گونه انحراف و کج روی از او مشاهده نشده است. آقا سید اسدالله دارای آثار و تألیفات بسیاری بوده که از آن ها در پشت جزوه ای که در ترجمه و شرح حدیث کسا به طبع رسانیده، چنین نام آورده است:

۱. آثار باقریه ۲. بغیها لامجد فی لغات الاضداد ۳. ترجمه و شرح حدیث کساء ۴.

درالتمین ۵. دیوان السادات ۶. سرور العباد فی صدق المعاد ۷. سلطان المقاتل ۸. کرامهالایمه فی معرفه الایمه ۹. لئالی الصدف و خیرالتحف ۱۰. مجمع الاخران ۱۱. معاجزالاقرآن ۱۲. المعراجیه ۱۳. منتخب اللغه و غیره.

ثقهالواعظین سرانجام در شب پنج شنبه ۲۶ ذی حجه ی سال ۱۳۸۰ ق. برابر با ۲۰ خرداد ۱۳۴۰ ش. وفات یافت و جنب پدر در داخل حجره ی مخصوص آرمید.^(۲) بر روی سنگ قبر وی - که جنس آن آهنی خاکستری و دارای آسیب دیدگی جزئی است - چنین نوشته شده است: «قد ارتحل من هذه الدار الفنا الی دارالکرامه الله العالم الربانی و الفاضل الصمدانی قدوه الواعظین و سید المتکلمین مرحوم المبرور السید اسدالله مطهری ثقهالمحدثین طاب ثراه و جعل الجنة مثواه فی ۲۰ خرداد ۱۳۴۰»

ص: ۲۳۶

۱- فهرست کتاب های خطی کتابخانه گلپایگانی ۲: ۲۶۹

۲- همان؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۰

۲. آقا سید زین العابدین مطهری، ملقب به «افتخار الواعظین» عالم فاضل محدث که بیش از هشتاد و پنج سال زیست و صاحب آثاری از جمله کتاب دفینه‌الدرر در امام زاده های اصفهان بود. وی پس از تحصیل در حوزه ی علمیه ی اصفهان به ارشاد مردم و ایراد وعظ و خطابه پرداخت و سرانجام در سوم رمضان المبارک سال ۱۳۶۰ ق. دار فانی را وداع گفت و در حجره ی پدر واقع در تکیه ی ابوالمعالی مدفون گردید. (۱) بر روی سنگ قبرش نوشته شده است: آرامگاه مرحوم مغفور افتخار الواعظین سید زین العابدین المطهری ولد مرحوم سید حسن واعظ ۳ رمضان ۱۳۶۰.

۳. حاج میرزا محمدعلی واعظ صالح محدث کامل، که تاریخ وفاتش معلوم نیست و نزد پدر و دو برادر دیگر دفن شده است. (۲)

۴. دکتر سید جواد مطهری متوفی ۱۴ تیرماه سال ۱۳۱۳ ش. و مدفون در تکیه ی ابوالمعالی. (۳) بر روی سنگ قبر وی نوشته: وی فرزند سید حسن سلطان الذاکرین معرفی شده که ظاهراً همان سلطان الواعظین بوده است.

گفتنی است که ظاهراً از میان فرزندزادگان سید کاشی، هیچیک در کسوت روحانیت نبوده و برخی از آن ها دارای تحصیلات دانشگاهی بوده اند.

ص: ۲۳۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۲۵۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۱

۳- نوشته های سنگ قبور واقع در تکیه ی ابوالمعالی

فصل پنجم: هنرمندان و شاعران در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی

اشاره

ص: ۲۳۸

یکی از معروف ترین نوازندگان نی - از کهن ترین سازهای موسیقی بادی - مهدی اصفهانی معروف به مهدی نوایی فرزند حاج ملا علی اکبر(۱) بوده است که در سال ۱۳۱۰ ق. / ۱۲۵۸ ش.(۲) در اصفهان چشم به جهان گشود. مرحوم همایی می گوید وی از اهالی محله گلبهار اصفهان بوده است.(۳) از دوران جوانی و نوجوانی وی اطلاع چندانی در دست نیست. آنچه هست اینکه با حرفه هایی مانند پیشه عطاری(۴) روزگار می گذرانید.

شهرت نوایی بیشتر در زمینه موسیقی بوده است. چنانکه هر جا یادی از وی شده او را در ردیف نوازندگان مشهور نی زن یا نوازنده مشهور اصفهانی نام برده اند.(۵) مرحوم همایی در همین زمینه نوایی را در فن موسیقی یگانه استاد در زمان خودش می داند.(۶)

نوایی هنر موسیقی را در ابتدا در نزد سلیمان اصفهانی که نخستین استادش بود و

ص: ۲۴۰

-
- ۱- نام آوران ۳: ۶۶ - ۶۵
 - ۲- ۴۹۷. ستایشگر، نام نامه موسیقی ایران ۳: ۵۸۶؛ ساسان سپنتا، چشم انداز موسیقی: ۱۷۷
 - ۳- تاریخ اصفهان(مجله هنرمندان): ۲۴۱ - ۲۴۰
 - ۴- تاریخ موسیقی ایران ۲: ۶۲۰ - ۶۱۹
 - ۵- به ترتیب نام نامه موسیقی ایران ۳: ۵۸۶ و ۶۶ - ۶۵. اصفهان زادگاه جمال و کمال، نعمت الله میرعظیمی: ۳۵۸
 - ۶- تاریخ اصفهان: ۲۴۱ - ۲۴۰

در همسایگی ایشان منزل داشت فرا گرفت. (۱) و سپس نزد نایب اسدالله هنر خود را تکمیل کرد. (۲) نایب اسدالله اهل اصفهان و از عجایب روزگارش بود و ملقب به خداوندی (۳) بوده است. همایی در مورد تأثیر سحرآمیز نوایش می نویسد: «چون دم در نی می دمید هر سنگدلی را از خود بی خود می ساخت.» و سپس اضافه می کند: «از بزرگان اهل فن شنیده ام که هیچ خواننده ای و نوازنده ای یارایی اینکه با او هم نوایی و هماهنگی کند نداشت.» (۴)

نایب اسدالله از نوازندگان هفت بند عصر ناصری بود که به دربار او راه یافت و در سبک و سیاق نوازندگی روش های ابتکاری داشت که مرحوم سپنتا به تفصیل آن را در کتاب تاریخ تحول ضبط موسیقی ایرانی آورده است. (۵)

همین ویژگی ها بود که نایب اسدالله را در بین اقران و هم ردیف های خود مشهور

ص: ۲۴۱

۱- تاریخ تحول ضبط موسیقی ایران، پاورقی: ۲۰۳

۲- چشم انداز موسیقی ایران: ۱۷۷

۳- شعبانی، نوازندگان موسیقی از کورش تا پهلوی ۱: ۱۷۸

۴- تاریخ اصفهان (مجلد هنرمندان): ۲۴۱ - ۲۴۰

۵- تاریخ تحول ضبط موسیقی ایران: ۶۹ - ۶۵. نام اصلی او نایب اسدالله اصفهانی معروف به نایب اسدالله است که در نزد حسینقلی نی زن اصفهانی، نی را فرا گرفت و در ردیف و نوازندگی نی هفت بند در عصر ناصرالدین شاه استاد بود. تا جایی که به دربار راه یافت و در زمره گروه موزیک در خدمت مشاهیر سیاسی عصر قاجار چون ظل السلطان از نوازندگان خاصه محسوب می شد. نایب اسدالله در سبک نوازندگی و طریقه نواختن نی دارای سبک ابتکاری بود و در به کارگیری و استقرار نی هفت بند در هنگام نواختن روش ویژه ای را به کار می برد. وی از تعالیم ابراهیم آغاباشی که معاصر و هم نوازش بود نیز بهره گرفت و جزو نخستین هنرمندانی بود که صدای سازش در لوله های فنوگراف ضبط شده است نایب اسدالله مسلک درویشی داشته و سرانجام در حدود سال ۱۳۴۳ در سن قریب به ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت. (بنگرید به: تاریخ اصفهان: ۲۴ - ۲۳۸؛ نام نامه موسیقی ۳: ۵۵۶ - ۵۵۵ به نقل از مجله نیما، رجال ناصری و...)

گردانیده و سبب جذب کسانی چون مهدی نوایی شد که پرورش استعدادهای خود را در گرو تلمذ در محضر استاد می دانستند. به همین جهت بود که نوایی در اندک زمانی از ممتازان و برجسته ترین شاگردان استاد گردید. (۱) اخلاق و منش استاد نایب اسدالله در شاگردانش نیز اثر گذاشت؛ (۲) و باعث شد تا نوایی بر خلاف شهرتی که در هنر خود به دست آورد از مسلک درویشی و قرار گرفتن در کنار رفقای بینوایش دریغ نرزد و نوازندگی را تنها به صورت تفننی دنبال کند (۳) و بیشتر وقتش را در بین دوستانش با نواختن نی سپری کند. بی دلیل نیست که مرحوم همایی می نویسد: «صفیر نای مهدی تا حدود یک فرسخ شنیده شده است حقیقتاً در هنر خود سحاری می کند. مهدی نوایی با افتتاح رادیو در سال ۱۳۱۹ ش. با دیگر هنرمندان و در دسته های هم نوایی ارائه برنامه های هنری فعالیت می کرد (۴) و این فعالیت تا بیش از سال ۱۳۳۰ ش. ادامه یافت. (۵)

خلاقیت های مهدی نوایی در این موارد محدود نبود بلکه بسیاری از طالبان نوازندگی نی در نزد وی شاگردی کرده و هر کدام خاطرات شیرینی از استاد خود به

ص: ۲۴۲

۱- تاریخ اصفهان، همایی: ۲۴۱ - ۲۴۰؛ نام نامه موسیقی ایران ۳: ۵۵۶ - ۵۵۵. حسن مشحون در این رابطه می نویسد: «پس از مربی خود که به استادی در نوازندگی این ساز شهرت پیدا کرد و شاگردانی را نیز تربیت نمود. تاریخ موسیقی ایران ۲: ۶۱۸.

۲- تاریخ اصفهان، همایی: ۲۴۱ - ۲۴۰

۳- همان

۴- چشم انداز موسیقی: ۱۷۷

۵- تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران: ۳۰۹. مؤلف کتاب تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران برنامه یک هفته رادیو را که در مورد موسیقی بوده آورده که این برنامه ۳ بخش داشته است در یک مورد مهدی نوایی که به نوا شهرت داشت در بخش سوم به همراه سنتور حبیب سمعی برنامه ای را اجرا کرده است. همان: ۳۰۷ و صفحات قبل و بعد.

یادگار دارند.» با این حال از بین این تعداد، شاگردان، نویسندگان، تنها به نام دو نفر از آنها اشاره کرده اند:

(۱) حسن کسایی: که از معروف ترین شاگردان مرحوم نوایی بوده است و خود از نوازندگان به نام ایرانی معاصر است. نویسندگان یکی از افتخارات استاد را در تربیت کسایی دانسته اند.^(۱) کسایی در شرح حال خود مدت شاگردی در نزد استاد را ۳ ماه نوشته است.^(۲)

(۲) حسین یآوری: یکی دیگر از شاگردان معروف استاد نوایی بوده است که در ابتدا چند سالی را در خدمت نایب اسدالله شاگردی کرده و پس از آن از طرف وی به نوایی که از شاگردان ممتاز وی بود معرفی شد و ۵ سال نیز در نزد وی هنر نوازندگی نی را فرا گرفت. و چنانکه خود نوشته است به مدت ۲۰ سال با استاد رفت و آمد داشته و از وی استفاده می کرده است و در ارتباط با شاگردان استاد می نویسد: «غیر از من شاگردان دیگری نیز داشت.»^(۳)

به نظر می رسد استاد نوایی در شعر نیز چون نوازندگی^(۴) نی نوا یا نوایی تخلص می کرد و شاید اصلاً نوایی عنوانی بر شخصیت هنری او می باشد. اما برخلاف اعتراف نویسندگان به ذوق شاعری وی، تنها یک بیت زیر از نوایی باقی مانده است:

ص: ۲۴۳

۱- نوازندگان موسیقی از کوروش تا پهلوی: ۱۷۹
۲- چشم انداز موسیقی: ۲۱۱. حسن کسایی فرزند آقا سید جواد کسایی، مدیر کارخانه ریسباف اصفهان، در سن ۱۳ سالگی به مکتب نوایی راه یافت و در نواختن نی از مشاهیر استادان نی زن عصر خود به شمار می رفت. بنگرید به: نوازندگان موسیقی از کوروش تا پهلوی: ۱۷۹ و شرح حال وی در چشم انداز موسیقی: ۲۱۱ و صفحات بعد و اصفهان زادگاه جمال و جلال: ۳۵۸.

۳- تاریخ موسیقی ایران ۲: ۶۲۰ - ۶۱۹. (شرح حال وی به زبان خودش)

۴- تاریخ تحول ضبط موسیقی: ۳۰۷

چه گزارش است یارب به تفنن نوایی

که به گوش دل بنالد به نوای بینوایی (۱)

شاید بتوان گفت همین یک بیت شعر، مسلک درویشی و روح هنری شاعر را به گویی هم نوا و به هم مرتبط ساخته است.

اگرچه از سبک و روش نوازندگی نی استاد نوایی اطلاعات زیادی در دست نیست، به نظر می رسد با شاگردی در نزد نایب اسدالله، شیوه نی هفت بند را نیز در سازهای خود می نواخته اند. برخی از آثار ضبط شده وی که در رادیو اجرا شده است اکنون موجود است. (۲)

مهدی نوایی پس از عمری فعالیت هنری در تاریخ چهاردهم فروردین ماه سال ۱۳۲۶ ش. در اصفهان بدرود حیات گفت و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در جوار مقبره آن علامه بزرگ با فاصله چند متری در شمال شرق بقعه به خاک سپرده شد. قبر مرحوم نوایی موجود و سنگ قبر مرمر سفید بالابسته و بر روی سطح سنگ نوشته مشخصات وی و نقوش تزئینی به شیوه امروزی حجاری شده است.

سنگ قبر آن مرحوم آهکی خاکستری در ابعاد ۶۶ * ۱۸۶ است و در حال حاضر فرسوده و آسیب دیده است. متن سنگ نوشته به خط نستعلیق است و عبارات زیر بر آن حکاکی شده است:

«جنت مکان محمد مهدی نوایی ولد مرحوم حاجی علی اکبر فی غره شهر جمادی الاولی ۱۳۶۶ مطابق ۴ فروردین ۱۳۲۶.

یک از جمادی یک بود چهار فروردین

ز روی اهل حلقه ادب فتاد نگین

ص: ۲۴۴

۱- نام نامه موسیقی ایران ۳: ۵۸۶

۲- صفحات ضبط شده و موارد دیگر را در منابع گوناگون ذکر کرده اند. بنگرید به: تاریخ تحول ضبط موسیقی: ۲۰۹ و ۲۰۶ - ۲۰۰ و ۲۳۷؛ چشم انداز موسیقی: ۱۷۷؛ تاریخ موسیقی ایران ۲: ۶۱۹؛ سرگذشت موسیقی ۱: ۲۹۲؛ نام آوران ۳: ۵۸۶ و ۶۶ - ۶۵؛ همایی، تاریخ اصفهان (مجلد هنرمندان): ۲۴۱ - ۲۴۰.

بزرگ ادیب که چشم پیر فلک

ندیده بود چو او پیش گوی و آخر بین

ز طبع شاد و دانش گلوش جاری

سخت سنج طبع و لطایف شیرین

نسیم پرورد فرخ نوا و موسیقی

نبود هیچ کس اندر حضور او غمگین

ز بهر فرمانش نهاده بودم گوش

که بشنوم آوازی از روضین

بناله خاست از جان بگفت

نوی نای نوایی رسید خلد برین

ص: ۲۴۵

آقا میرزا موسی انصاری در سال ۱۲۷۳ ق. در اصفهان متولد شد. بیشترین شهرت وی در زمینه شعر و ادب و لغت بوده است. و به ویژه در هنر نویسندگی است. در احوالات وی ذکر شده که از اعضاء و استادان انجمن ادبی «شیدا» بوده و از انواع قوالب شعری غزل را ماهرانه می سروده است. در اشعار تلخیص انصاری می کرد. انصاری به شیخ الانصار هم شهرت داشته، که البته این لقب در هیچ کدام از منابع مکتوب نیامده و تنها بر روی سنگ قبرش این عنوان حکاکی شده است. صاحب عنوان علاوه بر تبحر در انواع ادبیات، دارای تألیفاتی بوده که با استناد به آنچه در منابع مکتوب آمده است عبارتند از:

(۱) دیوان اشعار (۲) کتاب خلاصهاللغه این کتاب در ذی قعدة سنه ۱۳۳۱ به چاپ رسید. شیخ الانصار در مقدمه این کتاب در باب علت تألیف کتاب و موضوعات و فواید آن می نویسد:

«لهذا این بنده از دانش عادی موسی انصاری برای مبتدیان مدارس جدید و محصن تسهیل یاد گرفتن زبان شیرین بیان از عربی و فارسی و ترکی که زبان متداول این زمان است بجمع این مختصر که منتخب از لغات است بترتیب مخصوصی و قواعد جدید که هر جدولش جامعیت دارد اقدام نمود.... و این جلد را دوره اول قرار دادیم و حتی المقدمه را ایجازاً بمفردات کلمات پرداختیم و از قواعد مشکله چشم پوشیده که از یاد گرفتن لغات مندرجه صعوبتی پیدا و ملالتی حاصل نشود. بعون الله

نسخه دویم که محتوی بر قواعد علمیه لغت و مرکبات از سؤال و جواب باشد بطور مسهل و اکمل نوشته خواهد شد که مبتدی بتواند عبارت عربی را به فارسی و فارسی را به عربی ترجمه و تلفظ نماید. این کتاب در ۹۶ صفحه به چاپ رسیده و جلد اول آن در دست است. (خلاصه اللغه - مقدمه)

۳) انشاء جدید که از آن میان انشاء و کتاب خلاصه اللغه به چاپ رسیده است:

که می توان به نوع تخصص انصاری پی برد. متأسفانه از سبک شعری مرحوم انصاری و قوالب و نمونه های شعری شاعر اطلاعی در دست نیست. وی در روز چهارشنبه ۲۲ محرم سنه ۱۳۶۰ ق. در اصفهان وفات یافت و در تکیه ابوالمعالی به خاک سپرده شد. (۱) محل قبر آن مرحوم در ضلع شمالی تکیه و سنگ قبر از جنس مرمر زرد در ابعاد ۳۵ * ۵۲ سانتی متر باشد. متن سنگ نوشته به خط نستعلیق به شرح زیر است:

«هوالباقی

آرامگاه مرحوم موسی شیخ الاسلام

سال وفاتم ز خرد خواستم

گرچه نداند کس جز باریا

پا ز ادب لیگ نمود و بگفت

بشراک بالجنه انصاریا

محرم ۱۳۶۰»

میرزا عبدالحسین فرزند غلامرضا حکیم الهی (شهرضایی)

در شهر قمشه (شهرضا) متولد شد. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست ولی

ص: ۲۴۷

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد: ۶۲؛ تذکرهالشغراء معاصر اصفهان: ۷۰-۶۸؛ فرهنگ سخنوران: ۸۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی ۶ : ۳۳۰؛ رجال اصفهان، مهدوی: ۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۸؛ مکارم الآثار ۶: ۲۰۵۸-۲۰۵۹

تحصیلات خود را در اصفهان گذرانید. و سپس به عنوان معلم و مدرس به تدریس در مدرسه گلپهار اشتغال ورزید. ولی به این امر نیز اکتفا نکرد و به عنوان وکیل دعاوی در دادگستری مشغول به کار شد و تا آخر عمر در این مقام ایفای نقش کرد.

میرزا عبدالحسین علاوه بر شرکت در فعالیت های اجتماعی و تعلیم و تربیت و به تحقیق و تألیف نیز اشتغال داشت. آثاری از وی به جای مانده است که از آن جمله می توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. تاریخ اسلام که به صورت جامع و مختصر برای مدارس تألیف شد. این کتاب در سال ۱۳۵۵ ق. به زیور طبع آراسته شد.

۲. حواشی برقرآن کریم.

گویا صاحب عنوان تألیفات دیگری هم داشته است چرا که مرحوم مهدوی از کتب و تألیفات دیگر میرزا عبدالحسین هم یاد می کند ولی ذکری از نام آنها نمی کند.

مرحوم حکیم الهی، مردی الهی و عارف بود و در ادبیات فارسی و عربی دستی قوی داشت و شعر نیز نیکو می سرود. (۱)

مرحوم حکیم الهی قمشه ای پس از عمری تکاپو در تاریخ ۲۳ شوال ۱۳۵۲ ق. به دیار باقی شتافت و جسدش را در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی به خاک سپردند. مرحوم مهدوی در کتب خود، ایشان را در زمره مدفونین تکیه سید العراقرین آورده و تاریخ فوت نامبرده را ۱۳۵۵ ق. ثبت کرده است. (۲) در حالی که با ثبت سنگ قبر تکیه ابوالمعالی، سنگ قبر ایشان در این تکیه پیدا شد و در تکیه سید العراقرین قبری از نامبرده یافت نشد. هم اکنون سنگ قبر الهی قمشه ای در جنوب غربی تکیه ابوالمعالی

ص: ۲۴۸

۱- مجله وحید؛ سال دوم، خرداد ۱۳۴۴، شماره ۵: ۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۶۳؛ سیری در تخت فولاد: ۱۴۴

در سمت سکوی بالایی قرار دارد.

سنگ قبر آهکی، خاکستری است و شکستگی دارد و بر روی متن سنگ اشعاری از مرحوم الفت با ماده تاریخ حکاکی شده است.

از دیگر مشاهیر تکیه ابوالمعالی کلباسی می توان به افراد زیر اشاره کرد که مستندات ما با اکتفا به متن سنگ نوشته های مدفونین است:

استاد علی بدیع الصنایع: مشهور به «علی حاج جعفر»، از اساتید برجسته معماری و از بازماندگان نسل قدیم معماران هنرمند اصفهان بود.

وی در محله دردشت اصفهان به دنیا آمد و نزد پدرش استاد حاج جعفر به کاربنایی پرداخت و فنون معماری سنتی را به خوبی فراگرفت و استادی زبر دست شد. از آثار ارزنده به جای مانده از او معماری، ساخت و تعمیرات مساجد و ابنیه مهم از جمله مسجد سلام، مسجد آقای درچه ای و مسجد خواجه اعلم (همگی در حوالی میدان کهنه اصفهان) است. استاد علی، سرانجام در دوشنبه ۵ ذیحجه ۱۳۸۲ ه. ق. چشم از جهان فرو بست و در تکیه میرزا ابوالمعالی به خاک سپرده شد. فرزندش جعفر بدیع الصنایع که در عنفوان جوانی به دیار باقی شتافت استعداد فوق العاده ای در فنون معماری از خود بروز داده بود و می توانست جانشین شایسته ای برای پدر باشد.

باقر خان عراقی: فرزند محمد انصار ترک همدانی، از چهره های آزادیخواه و مبارز عصر مشروطیت و پس از آن است.

وی در حدود سال ۱۲۸۹ ه. ق. در اصفهان به دنیا آمد. در ۵ سالگی پدر را از دست داد اما تحصیلاتش را دنبال کرد و آنرا به پایان رساند و در اصفهان به تدریس پرداخت. وی پس از آشنایی با حیدرخان عمو اوغلی به سوسیالیسم تمایل نشان داد و به نهضت جنگل پیوست. وی در نبردهایی که در گیلان اتفاق افتاد و در طالش مجروح گردید و پس از مدتی در گذشت و جسدش در اصفهان تکیه میرزا ابوالمعالی

ص: ۲۴۹

به خاک سپرده شد. باقر خان عراقی برادر بزرگتر تقی فداکار است. (۱)

مرحوم حاج محمد مهدی مغزیان: فرزند حاج عبدالغفور، متولد ۱۲۷۰ ش. از افراد خیر و نیکو کار اصفهان بود. ایشان بانی و مؤسس مسجد بهشت در خیابان شهید آیت الله صدوقی (آبادانای سابق) می باشد. ساختمان این مسجد به سال ۱۳۴۶ ش. شروع و به سال ۱۳۵۴ ش. به اتمام رسید و توسط مرحوم آیت الله خراسانی و مرحوم حجه الاسلام شفتی، صیغه مسجد خوانده شد و نخستین نماز جماعت توسط حجه الاسلام شفتی در مسجد برپا گردید. مسجد بهشت در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی یکی از پایگاه های مهم و قوی انقلاب اسلامی بوده است. مرحوم مغزیان در طول عمر متوجه ذکر و عبادت و نماز شب و اعمال خیر بود و سرانجام در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۹۹ ه. ق. از دنیا رفت و پیکر ایشان در جانب شمال شرقی تکیه ابوالمعالی دفن گردید. (۲)

فهرست اسامی دیگر هنرمندان مدفون در تکیه ابوالمعالی عبارت است از:

استاد آقاچان کاشی پز فرزند آسید حسن از هنرمندان کاشی کار و کاشی ساز دوران قاجاریه و متوفی ۱۳۳۶ ق. و مدفون در جنوب غرب بقعه

میرزا عبدالله ایلپاء کاشی ساز فرزند استاد آقاچان و دارای حرفه ی پدر، متوفی ۱۳۵۱ ق.

حاج ابوالقاسم ایلپاء کاشی ساز فرزند استاد آقاچان، متوفی ۵ ربیع الاول ۱۳۶۹ و مدفون در جنوب غرب بقعه

حاج کریم شریفیان، فرزند قاسم مینیا توریست، متوفی ۱۳۶۱ ش. (۱۴۰۳ ق) در

ص: ۲۵۰

۱- اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران: ۴۴۲.

۲- بر اساس متن زندگینامه دست نویس فرزندان وی، که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می نمایم.

استاد مصطفی شریفیان، فرزند محمدحسین، استاد توانمند مینیاتور اصفهان، متوفی ۱۳۵۷ ش. و مدفون در جنوب غرب تکیه

دست خط میرزا ابوالمعالی کلباسی

ص: ۲۵۳

دست خط میرزا ابوالمعالی از رسائل رجالی معظم له

ص: ۲۵۴

دست خط میرزا ابوالمعالی از رسائل اصولی

ص: ۲۵۵

بخشی از رسائل اصولی میرزا ابوالمعالی به خط معظم له

ص: ۲۵۶

دست خط میرزا ابوالمعالی از رساله ی استصحاب

ص: ۲۵۷

برگه ای از نسخه ی خطی بدر التمام به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۵۸

اجازہ نامہ ی میرزا ابوالہدی بہ شیخ عبدالحسین گروسی

ص: ۲۵۹

پایان اجازه نامه ی میرزا ابوالهدی به شیخ گروسی

به خط مجیز

ص: ۲۶۰

اجازہ نامہ ی میرزا ابوالہدی بہ آقا سید شہاب الدین مرعشی نجفی

ص: ۲۶۱

رساله ای در اخلاق و مواعظ به خط میرزا ابوالمعالی و میرزا ابوالهدی

ص: ۲۶۲

نوشتجات متفرقه به قلم ميرزا ابوالمعالي

ص: ۲۶۳

رساله ای در تجرّد نفس به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۶۴

آغاز رساله صلوه المسافر به خط ميرزا جمال الدين كلباسى

ص: ۲۶۵

پایان رساله صلوه المسافر به خط میرزا جمال الدین

ص: ۲۶۶

رساله ای در معنا و معیار کفر به خامه ی میرزا ابوالهدی

ص: ۲۶۷

رساله ای در باره ماهیت زخم چشم به قلم میرزا ابوالهدی

ص: ۲۶۸

رساله ی هدایه المؤمنین میرزا ابوالهدی به خط معظم له

ص: ۲۶۹

شرح احوال میرداماد از رسائل رجالی میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۰

شرح احوال شیخ بهایی از رسائل رجالی میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۱

فوائد رجاليه به خط ميرزا ابوالهدى

ص: ۲۷۲

رساله ای در تعریف و خصوصیات علم رجال از میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۳

رساله ی میرزا ابوالهدی در توضیح کیفیت تقسیم ترکه بر وارث

ص: ۲۷۴

شرح بخشی از روضه البهیه به قلم میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۶

رساله ای در شرح خطبه ی حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۷

بخشی از رساله ی میرزا ابوالهدی در نجوم و هیئت

ص: ۲۷۸

بخشی از رسائل اصولی میرزا ابوالهدی

ص: ۲۷۹

صفحه ای از تفسیر صدرالمتألهین شیرازی بر قرآن کریم

به خط زیبای میرزا جمال الدین کلباسی

ص: ۲۸۰

پایان رساله ای فقهی به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۸۱

بحثی در باره کلام نفسی به خامه ی میرزا ابوالهدی

ص: ۲۸۲

آغاز شرح ریاض المسائل به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۸۳

احوال معنوی میرزا ابوالهدی در کربلای معلی به خط معظم له

ص: ۲۸۴

دست خط مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی

در باره تاریخ تولد و وفات پدر و نیاکان بزرگوارش

ص: ۲۸۵

تقریظ آیت ا... سید صدر الدین صدر بر کتاب سماء المقال علامہ میرزا ابوالہدی کلہاسی

ص: ۲۸۶

پایان کتاب سماء المقال به خط میرزا ابوالهدی

ص: ۲۸۷

وقف نامه كتاب البشارات ميرزا ابوالمعالي به خط معظم له

ص: ۲۸۸

رساله ی میرزا ابوالمعالی در اعراب قرآن به خط معظم له

ص: ۲۸۹

رساله ی سیر و سلوک میرزا ابوالهدی به خط معظم له

ص: ۲۹۰

دست خط مرحوم حاج شیخ محمد حسین قودجانی اشنی (نامه به فرزند گرامی اش)

ص: ۲۹۱

رساله ی دانش بشر به خط حاج شیخ نور الدین قودجانی اشنی

ص: ۲۹۲

رساله ی جهان دانش و حیات و زندگی به خط حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی

ص: ۲۹۳

رساله ای در فقه به خط حاج میرزا محمود مقتدایی

ص: ۲۹۴

مکاشفه ای از میرزا ابوالهدی به خط معظم له

ص: ۲۹۵

صورت قبالة ی ازدواج آیت الله حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی که مهر و امضای برخی از مراجع و فقهای بزرگ در حواشی آن دیده می شود.

ص: ۲۹۶

نامه ای از امام خمینی به مرحوم آیت الله حاج آقا نورالدین قودجانی

ص: ۲۹۷

نمونه هایی از دست خط شریف آیت الله حاج آقا رحیم ارباب

ص: ۲۹۸

تصویر استفتاء حاج شیخ محمد کلباسی

از زعیم اعظم آیت الله بروجردی و پاسخ معظم له

ص: ۲۹۹

پاسخ زعيم اعظم آيت الله بروجردى به نامه ي مرحوم حاج شيخ محمد كلباسى

ص: ۳۰۰

غزلی از حاج شیخ محمد ابن ابوالهدی کلباسی متخلص به پروانه

ص: ۳۰۱

تصاویری از خاندان، آشنایان و آرامگاه میرزا ابوالمعالی کلباسی

علامه میرزا ابوالهدی و علامه میرزا جمال الدین کلباسی

ص: ۳۰۳

حاج ميرزا رضا ملاباشي

فرزند بزرگ ميرزا احمد

سمت چپ تصوير

مرحوم ميرزا محمود ملاباشي

فرزند ميرزا احمد

ص: ۳۰۴

حاج آقا میرزا مهدی ملباشی

پسر دوم حاج میرزا رضا

مرحوم حاج آقا صادق ملباشی

آخرین پسر حاج میرزا رضا

ص: ۳۰۵

از راست به چپ: مرحوم حاج محمد حسین ملباشی - مرحوم حاج آقا تقی سمسار - مرحوم حاج آقا حبیب ا... ملباشی و
مرحوم سید محمد ملباشی

فرزندان و (نفر دوم) داماد حاج آقا میرزا محمود بن میرزا احمد ملباشی

حاج آقا شیخ محمد کلباسی

یگانه پسر حاج میرزا ابوالهدی

ص: ۳۰۶

مرحوم حاج شیخ حاج شیخ محمد کلباسی «ره»

محمود مقتدایی داماد علامه حاج

میرزا جمال الدین کلباسی

حاج شیخ محمدحسین قودجانی اشنی «ره» حاج شیخ نور الدین قودجانی اشنی «ره»

ص: ۳۰۷

از سمت چپ: حضرات آقایان مرحوم حاج سید ابوالحسن کتابی - جناب آقای حاج سید محمدعلی روضاتی «مدّظله» و
مرحوم حاج شیخ محمد کلباسی (یگانه پسر علامه میرزا ابوالهدی)

از سمت راست: مرحوم حاج شیخ محمد کلباسی - آیت .. حاج آقا رحیم ارباب

و آقای علی حجتی کرمانی

ص: ۳۰۸

تصویر A۶ در یک صفحه

مقبره و تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی

ص: ۳۰۹

تصویر

A۷ در یک صفحه

مقبره ی میرزا ابوالمعالی کلباسی

ص: ۳۱۰

سنگ قبر میرزا ابوالمعالی کلباسی

و دو فرزندش میرزا جمال و میرزا ابوالهدی در داخل بقعه

بقعه ی حکیم فقیه ملا اسماعیل خواجهویی

ص: ۳۱۱

سنگ قبر میرزا ابوالمعالی کلباسی

ص: ۳۱۲

تصاویر جمعی از مشاهیر شاگردان میرزا ابوالمعالی کلباسی

مرحوم آیت الله حاج مرحوم آیت الله حاج

سید حسین بروجردی سید محمد باقر درچه ای

(متوفی ۱۳۸۰ ق) (متوفی ۱۳۴۲ ق)

مرحوم آیت الله مرحوم آیت الله حاج

حاج آقا رحیم ارباب شیخ محمد حسین نائینی

(متوفی ۱۳۹۶ ق) (متوفی ۱۳۵۵ ق)

ص: ۳۱۴

مرحوم آیت الله حاج مرحوم آیت الله حاج

سید ابوالحسن اصفهانی سید محمد مهدی درچه ای

(متوفی ۱۳۶۵ ق) (متوفی ۱۳۶۴ ق)

مرحوم آیت الله مرحوم آیت الله حاج

آقا ضیاء الدین عراقی شیخ ابوالقاسم کبیر قمی

(متوفی ۱۳۶۱ ق) (متوفی ۱۳۶۹ ق)

ص: ۳۱۵

مرحوم آیت الله مرحوم آیت الله حاج

حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی سید محمد مدرس

(متوفی ۱۳۶۱ ق) (متوفی ۱۳۶۶ ق)

مرحوم آیت الله

حاج سید ابوالقاسم دهکردی

(متوفی ۱۳۵۳ ق)

ص: ۳۱۶

فهرست اعلام

آخوند کاشی، ۵۱، ۲۲۹

آشتیانی، یوسف (مستوفی الممالک)، ۱۶۲

آغاباشی، ۲۳

آقابزرگ، سید محمدعلی، ۶۳

آقا رشتی، مصطفی، ۱۶۶

آقا کثیری، حاجیه خانم، ۲۲۶

آقای قزوینی، فضل الله، ۱۶۶

ابطحی سدهی، سید محمدعلی، ۶۵

ابطحی سدهی، سید محمدباقر، ۱۵۶

ابطحی، سید محمدباقر موحد، ۸۲

ابن ابی عمیر، ۷۷

ابن الرضا، سید محمود، ۶۵

ابن حمزه بطائنی، ۱۵۲

ابن شهر آشوب، ۱۴۲

ابن طاوس، ۱۴۲

ابن عقده، ۱۴۲

ابن غضائری، ۷۷

ابوالقاسم بن محمد نراقی، ۲۳۳

ابی بکر الحضرمی، ۷۷

ابی علی، ۱۴۲

احمد الحسین، ۷۷

احمد بن محمد، ۷۸

ادیب، شیخ عباسعلی، ۱۲۲، ۲۱۰

اراکلی، محمدعلی، ۱۱۴، ۱۵۶

ارباب، رحیم، ۶۲، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۷، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۳۶

اردستانی، سید محمدحسین، ۶۳

اردکانی، فاضل، ۴۶

اردکانی، مرتضی، ۱۱۰، ۱۲۲، ۲۱۰

اسحاق بن موسی بن جعفرعلیهم السلام، ۱۱۰

اسدالله بن حسین، ۶۲

اسیری شیرازی، سید علی اکبرخان، ۲۳۲

اصفهانلی خاتون آبادی، محمدصادق، ۱۶۲

اصفهانلی، سلیمان، ۲۴۱

اصفهانلی، سید ابوالحسن مدیسه ای، ۶۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳

اصفهانلی، شیخ الشریعه، ۴۸، ۱۱۸

اصفهانلی، شیخ حاجی محمد، ۱۳۵

[اصفهانلی]، محمد کاظم، ۱۲۱، ۱۴۴

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۹۲

الحسین بن محمد، ۷۶

الفت اصفهانی، محمدباقر، ۱۶۶

امام زاده احمد، ۱۶۵

امین العلماء، محمدجعفر، ۶۳

امین، بانوی مجتهده ایرانی، ۲۲۲

امین عاملی، سید حسن، ۹۴

امین، عفت الزمان، ۲۱۴

انصاری اصفهانی، موسی خان، ۲۲، ۲۴۷

انیس آغا، ۱۶۷

ایروانی، محمد، ۱۸۷

ایلیا، آسید حسن، ۲۵۱

ایلیا کاشی ساز، آقاجان، ۲۲، ۲۵۱

ایلیا کاشی ساز، ابوالقاسم، ۲۲، ۲۵۱

ایلیا کاشی ساز، عبدالله، ۲۲، ۲۵۱

باباقاسم، ۴۵

بحرالعلوم، سید محمد مهدی، ۴۴، ۱۲۴، ۱۳۴

بدیع الصنایع، جعفر، ۲۵۰

بدیع الصنایع، حاج جعفر، ۲۵۰

بدیع الصنایع، علی، ۲۲، ۲۵۰

بروجردی، ابوالحسن، ۶۴

بروجردی، سید حسین طباطبائی، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۶۷، ۲۰۲، ۲۰۴

بروجردی، سید نوح الدین، ۶۴

بروجردی، منیرالدین، ۶۴، ۱۱۹

بروجنی، سید محمدحسین، ۶۳

بکایی جزی، علی، ۶۵

بهبهانی، آقا محمدباقر، ۱۲۴، ۱۴۳

بهشتی، مصطفی، ۱۵۶

بیان الواعظین، احمد، ۱۴۲

بیدآبادی، آقا محمد، ۱۵۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶

بیدآبادی، سید جعفر، ۲۲۷

بیدآبادی، محمدجواد سرجویی، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۲

بیدختی، ملاعلی، ۱۷۹

پارسا، ۲۱۴

تابنده، سلطان حسین، ۹۶

تاجر اصفهانی، محمدصادق، ۱۹۵

ترک، آقا سید محمد، ۱۹۶

ترک همدانی، محمدانصار، ۲۵۰

تفرشی، سید علاءالدین، ۱۶۲، ۱۶۸

تفرشی، عبدالله، ۱۶۲

تفرشی، محمدعلی، ۱۶۱، ۱۶۲

تقی الدین حسن بن داود، ۱۴۲

توانفر، ۱۶۵

ثقهالاسلام، سید عبداللہ، ۱۱۹

جابری انصاری، حسن خان، ۶۴، ۸۸، ۹۵، ۱۵۴

جابلقی بروجردی، سید رضا، ۶۲

جرقویہ ای، علی، ۶۳

چهارسویی، سید حسن، ۶۴

چهارسویی، سید محمدہاشم، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴،

ص: ۳۱۹

چهارسوی، محمد هاشم، ۱۸۷

حائری، مرتضی، ۱۵۶

حاتمی لنکرانی، مجتبی، ۱۲۱

حاجی کرباسی، ر کرباسی، حاج محمد ابراهیم

حافظ، ۱۴۸

حایری یزدی، شیخ عبدالکریم، ۱۱۱، ۲۰۹

حجت کوه کمری، سید محمد، ۲۰۹

حجهالاسلام شفتی، سید محمد باقر، ۵۰، ۶۶، ۹۲، ۹۳، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۸۰، ۱۸۶

حسین بن عبدالله، ۷۸

حسینی قزوینی، سید محمد، ۱۴۱

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، ۱۹۵

حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام، ۱۶۸

حضرت باقر العلوم علیه السلام، ۱۶۵

حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیهما السلام، ۱۴۵

حضرت حجهالله علیه السلام، ۸۲، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۸

حضرت رضاعلیه السلام ر حضرت ثامن الائمه

حضرت سید الساجدین علیه السلام ر حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام

حضرت سیدالشهدا علیه السلام، ۵۷، ۱۳۱

حضرت صادق علیه السلام، ۵۶، ۱۱۴، ۲۱۷

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام، ۵۷، ۱۱۴، ۲۳۴

حضرت محمد صلی الله علیه وآله، ۵۸، ۶۷، ۸۷، ۲۱۷، ۲۱۸

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، ۱۸۳

حضرت یعسوب الدین علیهما السلام ر حضرت علی علیه السلام

حضرت عسکری علیه السلام، ۷۸، ۱۴۱

حضرت علی علیه السلام، ۹۰، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۲۲

حفص بن غیاث، ۷۷

حکیم، اسدالله، ۱۱۹

حکیم الهی، عبدالحسین، ۲۲، ۲۴۸

حکیم الهی، غلامرضا، ۲۴۸

حکیم خراسانی، محمدر خراسانی، محمد حکیم

حماد بن عثمان، ۷۶

حواریین، ۵۷، ۶۰، ۹۲

خاتون آبادی، سید محمد صادق، ۱۱۹، ۲۰۹

خاتون آبادی، سید هاشم، ۱۶۷

خاتون آبادی، میرزا هاشم، ۱۶۶

خادم الشریعه، سید ابوجعفر، ۱۰۱، ۱۵۵

خادم الشریعه، سید علی، ۱۵۵

خادمی، حاجیه خانم، ۱۳۲

خادمی، سید حسین، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۵۵

خراسانی، آخوند ملا محمد کاظم، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۸۰، ۱۸۴،

ص: ۳۲۰

خراسانی، سید حسن، ۱۲۱، ۱۴۳

خراسانی، سید محمدرضا، ۱۲۲، ۲۵۱

خراسانی، محمدحکیم، ۱۶۵، ۲۰۸

خراسانی، محمدقاسم، ۱۷۱

خضر نبی علیه السلام، ۳۹

خلیفه سلطانی، اسماعیل، ۲۱

خلیلی طهرانی، حسین، ۱۸۰، ۱۸۷

خمینی، سید روح الله، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵

خوئینی قزوینی، ۴۸

خواجهوی، ملا اسماعیل، ۵۶، ۸۹، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۷۸

خوانساری، آقا حسین، ۷۸

خوانساری، زین العابدین، ۱۵۵

خوانساری، سید علی، ۱۵۵

خوانساری، سید فخرالدین، ۶۳

خوانساری، سید محمود، ۶۴

خوانساری صفایی، سید احمد، ۶۲

خوانساری، محمد، ۱۵۵

خوانساری، محمدحسن، ۶۴

خوانساری، محمد مهدی فاضل، ۶۵

خورشید بیگم، ۱۹۰

درایتی، محمدحسین، ۸۲

درب امامی، بدیع، ۴۶

درب کوشکی، ملا اسماعیل حکیم، ۱۱۹، ۵۱

درچه ای، سید محمدباقر، ۶۱، ۶۳، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۲۷

درچه ای، سید محمد مهدی، ۶۴

دزفولی، محمد طاهر، ۴۸

دولت آبادی، ابوالقاسم، ۶۵

دولت آبادی، حسن، ۶۵

دولت آبادی، سید علی محمد، ۶۵

دولت آبادی، مهدی، ۶۴

دهکردی، سید ابوالقاسم، ۴۳، ۶۲، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۶۶، ۲۰۹

دهکردی، سید محمدباقر، ۴۳، ۴۹

دهکردی، میرزا، ۲۲۵

راشد، شیخ حسینعلی، ۱۶۷

رجایی، سید مهدی، ۱۴۴

رحیم زاده، ۲۰۳

رسولی، ۲۰

رشتی، عبدالرزاق، ۲۲۷

رشتی، محمدعلی، ۲۲۷

رشتی، مرتضی، ۲۲، ۲۲۷

رشتی، میرزا حبیب الله، ۱۸۷

رضاخان، ۱۱۱، ۲۰۳

رضوی، سید ابوالقاسم، ۶۲

رضوی، سید حسین، ۶۲

رکن الملک، سلیمان خان، ۱۹۳، ۱۹۴

روحانی، سید حسین، ۶۲

ص: ۳۲۱

روضاتی، سید محمدعلی، ۱۴۱، ۱۷۳، ۲۳۴

ریزی، سید آقاجان، ۱۶۵

ریزی لنجانی، مرتضی، ۵۱

زاهد، محمدعلی، ۶۵

زنجانی، سید احمد، ۱۱۱

زند کرمانی، شیخ محمدباقر، ۱۲۱، ۱۵۹، ۲۱۲

سبزواری، ملا محمدباقر، ۷۲، ۷۳

سبزواری، ملاهادی، ۱۴۷، ۲۲۰

سپنتا، ۲۴۲

سدهی اصفهانی، سید محمدحسن، ۶۵

سدهی، محمدخلیل، ۳۵

سراب، ملا محمد تنکابنی (فاضل)، ۱۷۲

سربندی بروجردی، محمدصادق، ۶۳

سلطانی طباطبایی، سید محمدباقر، ۱۶۷

سلیمان بن داود، ۷۷

سمسار، تقی، ۱۶۷

سمیرمی، ناصر قلی خان، ۱۶۵

سید آقا جان، ۱۵۶

سید العراقین، ۲۴۹

سید سند نجفی ر بحر العلوم

سید علیخان، ۱۶۷

شاکریان، محمدحسین، ۶۵

شاه آبادی، محمدعلی، ۲۰۹، ۲۱۰

شاه سلطان حسین صفوی، ۱۷۲

شریفیان، کریم، ۲۲، ۲۵۱

شریفیان، محمدحسین، ۲۵۲

شریفیان، مصطفی، ۲۲، ۲۵۲

شفتی، سید اسدالله، ۱۳۴

شفتی، سید زین العابدین، ۹۳، ۱۰۱، ۱۵۵

شفتی، سید محمدرضا، ۱۶۸

شمس آبادی، سید ابوالحسن، ۱۱۳

شوشتری، سید عبدالحسین موسوی، ۸۲

شهشانی، سید محمد، ۱۹، ۳۴، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۱

شیخ الاسلام، علی اکبر، ۶۵

شیخ الرئيس، ۱۴۸

شیخ الشریعه اصفهانی ر اصفهانی، شیخ الشریعه

شیخ العراقین، ۱۳۵

شیخ انصاری، ۱۸۹

شیخ بهایی، ۲۰، ۷۸، ۱۴۲، ۱۸۹

شیخ صدوق، ۷۵

شیخ طوسی، ۱۲۴

شیخ محمد، ۱۲۴

شیرازی، سید عبدالهادی، ۱۲۳، ۱۴۰

شیرازی، قاسمعلی، ۱۷۹

شیرازی، ملاصدرای، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۲۰

شیرازی، میرزا علی آقا، ۶۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۶۵

صاحب بدرالتمام ر کلباسی، ابوالهدی

صاحب جواهر، ۱۷۲

ص: ۳۲۲

صاحب حاشیه، ۴۶

صاحب حدائق، ۱۷۲

صاحب روضات، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۱۸۷، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵

صاحب عروهاالوثقی ر یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی

صاحب کفایهالاصول ر خراسانی، ملا محمد کاظم

صاحب معالم، ۱۲۴

صافی گلپایگانی، محمدجواد، ۶۴

صدرالواعظین، سید محمد، ۶۵

صدر، سید صدرالدین، ۱۲۳، ۱۵۹

صدر کاظمینی، سید حسن، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۵۹

صدوقی، محمد، ۲۵۱

صدیقین، حسینعلی، ۱۵۳

صدیقین، ملا حسینعلی، ۱۲۶، ۱۵۳

صراف، ۲۰

صهری، سید محمدجعفر، ۶۳

صیرفیان پور، ۲۰

طالقانی، محمدحسن، ۶۳

طالقانی، مرتضی، ۶۴

طباطبایی، ابوالقاسم، ۱۸۷

طباطبایی حایری، سید علی، ۱۳۶

طباطبائي، سيد محمد حسين، ١١٤، ١٥٦

طرب، ابوالقاسم، ٦٥

طهراني، آقابزرگ، ٩٥

طهراني، هادي، ٤٦

طيب، سيد عبدالحسين، ١٢٢، ٢١٢

ظلّ السلطان، ٢٣١، ٢٣٢

عاملی، شيخ حسن، ١٤٢

عبدالغفار بن حاج محمد اسماعيل، ٨١

عبدالله بن محمد، ٧٧

عبرت نائيني، ٣٤

عراقي، باقرخان، ٢٢، ٢٥٠

عراقي، ضياء الدين، ٦٢

عراقي، ميثم، ١٥٢

عزت بيگم، ١٥٥

عصار، ٢٠

عقيقي، ١٤٢

علامه حلي، ١٢٤، ١٤٢

علوي، سيد حسين، ٦٥

علي بن الحكم، ٧٧

علي بن السندي، ٧٧

علی بن محمد، ۷۶

عمو اوغلی، حیدرخان، ۲۵۰

عیسی علیه السلام علیهم السلام، ۵۷، ۶۰، ۹۲

غزالی، ۱۴۸

فاضل بحرانی، ۱۲۴

فاضل تستری، ۱۴۲

فتحی دزفولی، محمدعلی، ۱۶۵

فراهینی، ۱۱۴

ص: ۳۲۳

فروشانی اصفهانی، مصطفی، ۶۴، ۲۲، ۲۲۸

فریدنی، محمدجواد، ۱۵۶

فشارکی، آخوند محمدحسین، ۱۸۱

فشارکی، محمدباقر، ۴۸، ۵۱، ۲۲۹

فیاض، احمد، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۵۶، ۲۲۸

فیروز، ۲۰

قاسم بن محمد، ۷۷

قاضی زاده رومی، موسی بن محمود، ۱۵۱

قاضی زاهدی، عباسعلی، ۶۳

قزوینی، ۲۰

قشقایی، جهانگیرخان، ۱۹، ۵۱، ۲۰۲، ۲۲۷

قمشه ای، محمدرضا، ۴۸

قمشه ای، مرتضی، ۶۴

قمی، شیخ ابوالقاسم کبیر، ۶۲، ۶۸

قمی، شیخ عباس، ۹۴

قمی نژاد، احمد، ۲۱۴

قوچانی، سید محمدحسن، ۹۴

قودجانی، آصف، ۲۲۶

قودجانی، اسعد، ۲۲۶

قودجانی اشنی، محمدحسین، ۲۲، ۲۰۱، ۶۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹

قودجانی اشنی، نورالدین، ۲۲، ۱۲۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۴

قودجانی، تاج، ۲۰۷

قودجانی، فاطمه، ۲۰۷

قودجانی، ملاعلی، ۲۰۱

قودجانی، ملامحمد، ۲۰۱

قودجانی، مهدی، ۲۰۷

قودجانی، جلال، ۲۰۶

کازرونی، محمدحسین، ۱۳۳

کاشانی، حبیب الله، ۹۲، ۲۳۳

کاشانی، سید ابوالقاسم، ۱۸۰، ۱۸۴

کاشانی، سید محمدحسن موسوی، ۲۲، ۶۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۳۸

کاشانی، محتشم، ۵۷

کاشانی، محمدحسن موسوی، ۲۲

کاشف الغطاء، شیخ جعفر، ۱۰۱

کاشی، سید محمدحسن موسوی ر کاشانی، سید محمد حسن

کاظمینی، ملا محمدجواد، ۱۸۹

کتابی، سید ابوالحسن، ۱۱۶

کرباسی، حاجی محمد ابراهیم، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۸۵، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۶

۱۹۷

کرباسی طوسی، محمدطاهر، ۱۷۲

کرباسی، محمد تقی، ۱۷۱

کرباسی، محمد جعفر، ۱۷۲

کرباسی، محمد جعفر (آخوند کرباسی)، ۱۷۱،

ص: ۳۲۴

کرباسی، محمدجعفر (بن محمدحسن)، ۱۷۹

کرباسی، محمدجعفر (بن محمدقاسم)، ۱۷۱

کرباسی، محمدحسن خراسانی، ۳۴، ۴۰، ۵۵، ۸۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹

کرباسی، محمدرضا، ۱۷۱

کرباسی، محمدصادق (الشریف)، ۱۷۱

کرباسی، محمدقاسم (پدر محمدحسن)، ۱۷۱

کرباسی، محمدقاسم (بن محمدحسن)، ۱۷۹

کرمانی، محمدحسین، ۶۳

کرمانی، محمدعلی، ۶۵

کرونی، سید ابوالحسن، ۱۲۱

کرهرودی، محمدحسین، ۶۳

کسایبی، حسن، ۲۴۴

کلاهدوزان، ۲۰

کلباسی، ابوالفضل، ۲۱، ۱۹۵

کلباسی، ابوالقاسم، ۱۸۷

کلباسی، ابوالمعالی، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱

کلباسی، ابوالهدی، ۲۱، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴

١٠٥، ١٠٨، ١١٥، ١١٦، ١١٨، ١١٩، ١٢٠، ١٢١، ١٢٢، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٨، ١٣٠، ١٣٢، ١٣٥، ١٣٦، ١٤٠، ١٤٢، ١٤٣، ١٤٤،
١٤٦، ١٥٠، ١٥٢، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٩، ١٦٠، ١٦١، ١٧٣، ١٧٧، ٢٠٩

كلباسى، ابوتراب، ١٠٧، ١٨٠، ١٨٣، ١٨٤

كلباسى، جمال الدين، ٢١، ٦٢، ٦٨، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩، ١١٢، ١١٣، ١٢٦

كلباسى حائرى، محمد، ١٦٠

كلباسى، حسن، ١٥٨

كلباسى، حسين، ١٥٨

كلباسى، رضا، ٢١

كلباسى، شيخ محمد (ابن ابوالهدى)، ١١٦، ١٥٥، ١٥٧

كلباسى، شيخ محمد رضا (بن محمد على)، ١٩٦

كلباسى، طوسى، ١٥٨

كلباسى، عبدالجواد، ١٩٦، ١٩٧

كلباسى، عبدالرحيم، ٢١، ١٨٦، ١٨٧، ١٨٨

ص: ٣٢٥

۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴

کلباسی، علی (بن محمد بن ابوالهدی)، ۱۵۸

کلباسی، علی محمد، ۲۱، ۱۹۶، ۱۹۷

کلباسی غروی، ۱۰۸

کلباسی، فاطمه، ۱۱۲

کلباسی، محمد، ۳۵، ۱۹۷

کلباسی، محمد ابراهیم (بن عبدالرحیم)، ۱۹۰

کلباسی، محمد باقر، ۲۱، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲

کلباسی، محمد جعفر (بن حاجی کرباسی)، ۳۵، ۱۰۷، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۶

کلباسی، محمد حسام الدین، ۲۲، ۱۹۰، ۱۹۱

کلباسی، محمد حسن (بن حاج محمد جعفر)، ۱۹۵

کلباسی، محمد حسین، ۱۹۶

کلباسی، محمد حسین (بن محمد بن حاجی)، ۱۹۷

کلباسی، محمد رضا (بن حاجی کرباسی)، ۳۵، ۱۸۶

کلباسی، محمد علی، ۲۲، ۱۹۶، ۱۹۷

کلباسی، محمد مهدی، ۳۵، ۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷

کلباسی، محمد هاشم، ۱۸۲، ۱۹۶، ۱۹۷

کلباسی، موسی، ۲۲، ۱۸۳، ۱۸۵

کلباسی، میرزا محمد رضا (بن عبدالرحیم)، ۶۴، ۱۱۲، ۱۹۰، ۱۹۴

کلباسی، نورالله، ۳۵

کنی، ملاعلی، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵

کوکب خانم، ۱۶۸

کوهپایی، سید صدرالدین هاطلی، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۰۴

گروسی، عبدالحسین، ۱۲۱، ۱۴۳

گری، آخوند ملا عبدالکریم، ۵۷، ۹۲، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۸۱

گلپایگانی، سید جمال الدین، ۶۲

گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۱۴، ۱۵۶

گلشنی، محمد تقی، ۱۶۷

لاهیجی، محمد کاظم، ۳۵

لنگرودی اصفهانی، محمدجعفر، ۲۲۷

لنگرودی، محمد کاظم، ۲۲۷

ماحوزی بحرانی، شیخ سلیمان، ۱۴۲، ۱۴۴

مازندرانی، زین العابدین، ۱۸۷

مازندرانی، لطف الله، ۱۸۷

مالک اشتر نخعی، ۱۷۲

مجاهد، سید محمد، ۴۶

مجد العلماء، ۱۱۳

مجلسی، علامه محمدباقر، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۶۷

مجلسی، ملا محمد تقی، ۱۴۲

محب آل رسول اصفهانی، محمدحسن، ۸۲

محدث حائري، عبدالرزاق، ٦٥

محقق داماد، سيد محمد، ١١١، ١١٤، ١٥٦

محلّاتی، ذبيح الله، ١٢١

محمد بن الحسن، ٧٦

ص: ٣٢٦

محمد بن الكشي، ١٤٢

محمد بن زياد، ٧٦

محمد بن سنان، ٧٧

محمد بن شريح، ٧٧

محمد بن عبدالله، ٧٦

محمد بن فضيل، ٧٦

محمد بن قيس، ٧٧

مدرّس، ٤٨

مدرّس، ابوالقاسم، ٢٣٣

مدرّس اصفهاني، سيّد محمدتقي، ٥١، ٤١، ١١٩، ٢٠١، ٢٠٢

مدرّس تبريزي، محمدعلي، ٩٥، ١٥٩

مدرّس، سيّد حسن، ٤٤، ٤٥، ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥١، ٤٩، ٢١٢

مدرّس، مير سيّد محمد، ٦٣

مدرّس، سيّد محمدحسن، ٦٤

مدرّس كهنگي، سيّد محمدحسين، ٦٣

مدرّس هاشمي، سيّد حسن، ١٢٢، ١٦٧، ٢٠٣، ٢٠٥، ٢١٠

مدرّس يزدي، علي، ١٦٥

مديسه اي، سيّد محمد، ١٩٢

مرتضوي، سيّد محمدحسين، ٦٣

مرعشي نجفي، سيّد شهاب الدين، ١٠٥، ١٢٠، ١٢١، ١٤٣، ١٦٠، ١٦٧، ١٧٣

مرعشی نجفی، سید محمود، ۶۴، ۶۸

مریم بیگم، ۱۶۴

مصاحبی، احمد، ۳۴

مصاحبی نائینی، محمدجعفر، ۳۴

مطهری، ۲۰

مطهری، اسدالله (ثقالواعظین)، ۲۱

مطهری، سید اسدالله (ثقالواعظین)، ۲۳۷

مطهری، سید جواد، ۲۳۸

مطهری، سید زین العابدین (افتخارالواعظین)، ۲۱، ۲۳۸

مظاهری، حسین، ۲۱۴

مظفرالدین شاه قاجار، ۵۱

معاویه بن شریح، ۷۶

معلم حبیب آبادی، میرزا محمدعلی، ۸۸، ۹۵، ۱۵۴

مغزیان، عبدالغفور، ۲۵۱

مغزیان، محمد مهدی، ۲۲، ۲۵۱

مفید، محمود، ۶۵، ۱۲۲

مقتدایی خوراسگانی، محمود ر مقتدایی، محمود

مقتدایی، محمود، ۲۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴

مقتدایی، مرتضی، ۱۱۳

[مقتدایی] آملاً محمدباقر، ۱۱۰

[مقتدایی] آمیرزا علی، ۱۰۹

ملاّباشی، آغامریم بیگم، ۱۶۴، ۱۶۵

ملاّباشی، احمد بن محمود، ۱۶۷

ملاّباشی اصفهانی، محمدحسن، ۱۶۲، ۱۶۳

ص: ۳۲۷

ملاّباشى، انيس آغا، ۱۶۷

ملاّباشى، جواد، ۱۶۴

ملاّباشى، حبيب الله، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸

ملاّباشى، حسن، ۱۶۴، ۱۶۵

ملاّباشى، سيد جواد، ۱۶۵

ملاّباشى، سيد حبيب، ۱۶۷

ملاّباشى، سيد رضا، ۶۲

ملاّباشى، سيد محمد، ۱۶۷

ملاّباشى، سيد مهدى، ۱۶۴

ملاّباشى، صادق، ۱۶۴، ۱۶۶

ملاّباشى، عصمت آغا، ۱۶۷

ملاّباشى، علاءالدين، ۱۶۴

ملاّباشى، محمد حسين، ۱۶۷

ملاّباشى، محمدرضا، ۱۶۳، ۱۶۶

ملاّباشى، محمود، ۲۲، ۱۶۷

ملاّباشى، محمود (بن محمد حسين)، ۱۶۶

ملاّباشى، محمود (بن ميرزا احمد)، ۱۶۶

ملاّباشى، مرتضى، ۱۶۴، ۱۶۵

ملاّباشى، مهدى، ۱۶۴

ملاّباشى، ميرزا احمد، ۱۹، ۲۱، ۶۲، ۸۱، ۸۹، ۱۰۲، ۱۶۱

ملاّباشی، میرزا عبداللّٰه (بن محمود)، ۱۶۷

ملاّباشی، میرزا محمدعلی، ۱۶۷

ملاّباشی، نصرت آغا، ۱۶۷

ملاّباشی، هاشم، ۱۶۷

ملک التجار، ۹۱

منجم باشی، سیّد محمد، ۱۶۸

منجم باشی، میرزا احمد، ۱۶۲

منشی ء، ۲۰

موسوی اسفیدواجانی، سیّد محمد کاظم، ۶۴

موسوی درب امامی، بدیع، ۱۶۳

موسوی ریاضی، سیّد محمود، ۶۴

موسوی، سیّد ابراهیم، ۶۱

موسوی عاملی، سیّد صدرالدین، ۱۰۱، ۱۵۵

موسوی هاشمی، سیّد محمد حسن، ۶۳

مولوی، ۱۵۲

مهدوی اردکانی، سیّد محمد حسین، ۱۲۱

مهدوی، سیّد مصلح الدین، ۹۶، ۱۶۱، ۲۰۴

مهدوی، سیّد هاشم، ۱۳۴

میرداماد، سیّد محمد باقر، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۹۰

میرزای شیرازی، ۴۶، ۴۸، ۱۸۱

میرزای قمی، ۴۱، ۱۷۶

میرمحمد صادقی، ۴۹

میرمحمد صادقی، سید حسن، ۵۰

مؤیدالاسلام، سید جلال الدین، ۶۲

نائب باقرخان، ۸۹

نائینی، حبیب الله، ۳۴

نائینی، عبدالخالق، ۳۴

نائینی، محمدحسین، ۶۳

نائینی، ملا محمد (فاضل)، ۳۶، ۱۷۹

ناصرالدین شاه قاجار، ۱۶۳، ۲۳۱، ۲۳۲

ص: ۳۲۸

نایب اسدالله، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵

نجاشی، ۱۴۲

نجف آبادی، سید علی، ۶۴، ۱۶۵، ۲۰۹

نجف آبادی، سید محمد، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۶۵، ۲۰۹

نجف آبادی، شیخ محمدحسن عالم، ۶۵، ۱۱۳

نجف آبادی، علی محمد، ۶۳، ۶۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۴۹

نجفی اصفهانی، ابوالفضل، ۱۲۱

نجفی اصفهانی، شیخ محمدتقی، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۱

نجفی اصفهانی، محمدباقر، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۲۲۹

نجفی اصفهانی، محمدرضا، ۱۱۹

نجفی، جمال الدین، ۱۶۷

نجفی، حسین، ۱۵۸

نجفی قوچانی، سید محمدحسن، ۶۴، ۷۱

نجفی، محمدباقر (بن جمال الدین)، ۱۶۷

نجفی، محمدحسن، ۴۸، ۵۱، ۲۲۹، ۲۳۲

نجفی، محمدرضا، ۲۰۸

نجفی مسجد شاهی، جمال الدین، ۲۲۷

نجومی، جلال، ۱۶۸

نجومی، سید محمد، ۱۶۲

نجومی، فضل الله، ۱۶۸

نحوی، سید حسن، ۶۲

نحوی، سید شهاب الدین، ۶۲

نخعی گلپایگانی، زین العابدین، ۶۲، ۹۳

نخودکی، حسنعلی، ۶۲

نوایی، حاجی علی اکبر، ۲۴۱، ۲۴۵

نوایی، محمد مهدی، ۲۲، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵

نوری، آخوند ملاعلی، ۵۰، ۲۲۷، ۲۲۹

نوری، عبدالجواد، ۳۵

واعظ، محمدعلی، ۲۳۸

هاتف اصفهانی، ۱۷۷، ۱۷۸

هادی زاده، مجید، ۸۲

هاشمی، سید اسماعیل، ۲۰۹

هرندی، هبهال-له، ۱۲۱، ۱۵۶

همایونی، زینت السادات، ۲۱۴

همایی، جلال الدین، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۴۱، ۲۴۳

یاوری، حسین، ۲۴۴

یزدی، اسدالله ثقهالاسلام، ۶۲

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۲۰۲

یزدی صدرآبادی، علی اکبر، ۶۳

یزدی واعظ، سید یحیی، ۶۴

- ۱- آل محبوبه، الشیخ جعفر ۱۴۰۶. ماضی النجف و حاضرها، ج ۳، بیروت: دارالاضواء
- ۲- ابن الرضا، السید مهدی ۱۴۲۴. ضیاء الابصار، ۴ مجلد، قم: انصاریان
- ۳- اتینگهاوزن، ریچارد ۱۳۸۱. هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: میراث فرهنگی
- ۴- اثر آفرینان ۱۳۸۰. زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران، ج ۵، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۵- استادی، رضا؟. نسخه های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی: ج ۲، قم: مهر
- ۶- استادی، رضا ۱۳۸۱. علمای گلپایگان، ج ۲ و ۳، قم: کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان
- ۷- اشراقی، فیروز ۱۳۸۳. گلپایگان در آینه تاریخ، اصفهان: چهارباغ
- ۸- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان ۱۳۶۳. المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران، ج اول، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر
- ۹- الامین، السید محسن ۱۴۰۳. اعیان الشیعه، ج ۲ و ۴ و ۷، بیروت: دارالتعارف
- ۱۰- امین، السید حسن ۱۴۲۳. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶ و ۹، بیروت: دارالتعارف المطبوعات
- ۱۱- الامینی، الشیخ محمد هادی ۱۴۱۳. معجم رجال الفکر و الادب فی النجف، الطبعة الثانية، ج ۳، النجف.
- ۱۲- بامداد، مهدی ۱۳۵۱. شرح حال رجال ایران، ج ۱، تهران: زوآر
- ۱۳- بهرامی، محمدعلی ۱۳۴۵. جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، شهرضا: ندا
- ۱۴- تابنده، سلطان حسین ۱۳۴۸. تاریخ و جغرافیای گناباد، تهران: دانشگاه تهران
- ۱۵- تفضلی و فضایی، آذر و مهین ۱۳۷۲. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، مشهد: آستان قدس

- ۱۶ - التیمی، محمد علی جعفر؟ . مشهد الامام او مدینہالنجف، الجزء الاول و الجزء الثالث، نجف
- ۱۷ - جابری انصاری، میرزا حسن ۱۳۷۸ . تاریخ اصفهان: اصفهان: مشعل
- ۱۸ - دایرہالمعارف تشیع ۱۳۷۱ . ج ۳ ، تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط
- ۱۹ - جرفادقانی، م ۱۳۶۴ ، علمای بزرگ شیعه، قم: معارف اسلامی
- ۲۰ - جواهری، میرزا ابراهیم(؟). علوم و عقاید، اصفهان: چاپخانه گیتی
- ۲۱ - جواهری، میرزا ابراهیم(مخطوط). دست نوشته ها
- ۲۲ - حجت بلاغی، سید عبدالحسین ۱۳۶۹ . تاریخ نائین، تهران: مظاهری
- ۲۳ - حسینی، سید احمد ۱۳۵۷ . نسخه های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی: ج ۱ ، قم: خیام
- ۲۴ - حسینی، سید احمد ۱۴۲۲ . تراجم الرجال: ج ۱ ، قم: دلیل ما
- ۲۵ - حسینی، سید احمد ۱۳۱۵ . نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ج ۱۲ ، قم: کتابخانه مرعشی
- ۲۶ - خبرگان ملت: ۱۳۷۹. شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، دفتر اول، قم: مجلس خبرگان، دبیرخانه
- ۲۷ - خراسانی، محمد هاشم ۱۴۴۹ . منتخب التواریخ، اصفهان: اتحادیه کتابفروشان
- ۲۸ - الخوانساری، السید محمد باقر ۱۳۴۱ . شرح روضات الجنات، تحقیق و شرح الشریف الفاضل السید محمد علی روضاتی، اصفهان: دارالنشر لنفائس المخطوطات الاسلامیه
- ۲۹ - درچه ای، سید تقی ۱۳۸۱. قصه های خواندنی از چهره ای ماندنی، تهران: اطلاعات
- ۳۰ - درچه ای، سید تقی ۱۳۸۳ . ستاره ای از شرق، شرح احوال و وقایع عصر علامه سید محمدباقر درچه ای، تهران: اطلاعات
- ۳۱ - رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم ۱۳۶۷ . آتشکده اردستان، ج ۲ ، تهران: دهخدا
- ۳۲ - روضاتی، سید احمد ۱۳۵۳ . مقدمه ی مناهج المعارف، تهران: حیدری
- ۳۳ - روضاتی، میر سید احمد ۱۳۳۸ . مقدمه زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر: سلسله المخطوطات

۳۴ - روضاتی، میر سید احمد ۱۳۳۷ . مقدمه ی النهریه: اصفهان: سلسله المخطوطات

ص: ۳۳۱

- ۳۵ - ریحان یزدی، سید علیرضا ۱۳۷۲. آینه دانشوران، با مقدمه و تعلیقات ناصر باقری بید هندی، قم: کتابخانه مرعشی
- ۳۶ - زاهد نجفی، محمد ۱۳۸۲. فطرت بیدار زمان، شرح احوال مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی، اصفهان: عطر عترت
- ۳۷ - الزرکلی، خیرالدین ۱۹۶۹. قاموس الاعلام، ج ۵.
- ۳۸ - ساعدی خراسانی، محمد باقر ۱۳۸۹. ترجمه روضات الجنات، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة
- ۳۹ - شریف رازی، شیخ محمد ۱۳۵۳. گنجینه دانشمندان، ۸ مجلد، تهران: اسلامیة
- ۴۰ - الطهرانی، آغابزرگ ۱۳۷۲. الکواکب المنتشرة، بیروت: دارالاضواء
- ۴۱ - الطهرانی، آغابزرگ ۱۳۳۷. مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، تصحیح احمد منزوی، تهران
- ۴۲ - الطهرانی، آغابزرگ ۱۳۷۳. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، نجف: المطبعة العمیه
- ۴۳ - الطهرانی، آغابزرگ ۱۴۰۳. الذریعه، مجلدات مختلف، بیروت: دارالاضواء
- ۴۴ - علوی طباطبایی، سید محمد حسین ۱۳۴۱. زندگانی آیت الله بروجردی، قم
- ۴۵ - الغروی، السید محمد ۱۴۲۰. مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، بیروت: دارالثقلین
- ۴۶ - الفاضلی، الشیخ حسین ۱۴۲۰. المرشد، العددان ۱۲ - ۱۱، بیروت: دارالمجتبی
- ۴۷ - قرقانی، مهدی ۱۳۷۱. زندگانی حکیم جهانگیر خان قشقایی، اصفهان: گلها
- ۴۸ - قمی، شیخ عباس ۱۳۶۱. الکنی و الالقاب، ج ۱، تهران: مکتبه الصدر
- ۴۹ - قمی، شیخ عباس؟ فوائد الرضویه،
- ۵۰ - قمی، شیخ عباس ۱۳۶۱. هدیه الاحباب، تهران: امیرکبیر
- ۵۱ - قودجانی آشنی، نورالدین (مخطوط). رسائل و کتب
- ۵۲ - قودجانی آشنی، نورالدین (مخطوط). یادداشت های شخصی
- ۵۳ - کاشانی، ملا حبیب الله ۱۳۷۸. لباب الالقاب فی القاب الاطیاب، تهران: مصطفوی

٥٤ - كاظمى اصفهانى، مير سيّد محمد مهدي ١٣٤٨ ق. احسن الوديعه: ج ١، بغداد

٥٥- كتابى، سيّد محمد باقر، ١٣٧٥. رجال اصفهان، اصفهان: گلها

٥٦ - كحاله، عمر رضا ١٣٧٦. معجم المؤلفين، ج ١٣، دمشق: مكتبه الترقى

ص: ٣٣٢

۵۷ - کرباسی زاده اصفهانی، علی. اطلاعات متفرقه و مصاحبه با مرحوم حجهالاسلام میر سید حسین مدرس هاشمی

۵۸ - کرباسی زاده اصفهانی، علی ۱۳۸۰. نگاهی به احوال و آرای حکیم مدرس اصفهانی، اصفهان: کانون پژوهش

۵۹ - کرباسی زاده اصفهانی، علی ۱۳۷۹. بزرگ مدرس دارالعلم اصفهان، حوزه ی اصفهان، ش

۱، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی

۶۰ - کرباسی زاده اصفهانی، علی ۱۳۸۳. حیات معنوی و رویه سلوکی علامه میرزا ابوالهدی، مجله حوزه اصفهان، ش ۱۴،

اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی

۶۱ - کرباسی زاده اصفهانی، علی (مخطوط): شرح احوال مدرس مؤسس

۶۲ - کرباسی زاده اصفهانی، علی. مصاحبه با جناب آقای حاج محمود ملاباشی حفید حاج میرزا احمد ملاباشی

۶۳ - کرباسی زاده اصفهانی، علی. مصاحبه با جناب آقای مهندس حاج علی آقا کلباسی حفید علامه میرزا ابوالمعالی

۶۴ - کرباسی زاده اصفهانی، علی. مصاحبه با همسر و خاندان گرامی مرحوم حاج شیخ نورالدین قودجانی اشنی

۶۵ - الکرباسی، الشیخ محمد ۱۴۲۵. آل الکرباسی، بیروت: بیت العلم للنابهین.

۶۶ - کشمیری، میرزا محمد علی ۱۳۹۷. تکمله نجوم السماء، ج ۱، قم: بصیرتی

۶۷ - کشوری، احمد رضا ۱۳۷۸. فرزندگان خوانسار، قم: دفتر کنگره محقق خوانساری

۶۸ - کلباسی حائری، شیخ محمد ۱۳۸۱. خاندان کلباسی، مقدمه، تعلیقات و اضافات محمدعلی نجفی کلباسی و علی

کرباسی زاده اصفهانی، اصفهان: کانون پژوهش

۶۹ - کلباسی، شیخ محمد ۱۳۷۶. مصاحبه با مجله حوزه، ش ۸۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

۷۰ - کلباسی، شیخ محمد ۱۳۷۲ ق. مقدمه ی اول و دوم سماءالمقال، ج ۱، قم: مکتبه البرقعی

۷۱ - کلباسی، شیخ محمد (مخطوط) آثار و رسائل

۷۲ - کلباسی، محمد ابراهیم ۱۳۴۶. تذکره العظیمیه، طهران: برادران باقرزاده

۷۳ - کلباسی، میرزا ابوالمعالی ۱۳۸۰. رجال الکلباسی، ج ۱، مقدمه به قلم محمد حسین درایتی، قم: دارالحدیث

۷۴ - کلباسی، میرزا ابوالمعالی ۱۳۱۰. شرح زیارت عاشورا، چاپ سنگی

۷۵ - الكلباسی، میرزا ابوالمعالی ۱۴۱۱. الاستخاره، قم: مؤسسه الامام المهدي (ع)

۷۶ - کلباسی، میرزا ابوالمعالی (مخطوط). رساله ی شرح احوال خود و پدر گرامی به فارسی

۷۷ - کلباسی، میرزا ابوالهدی ۱۳۱۷. البدر التمام فی ترجمه الوالد القمقام والجد العلام، تهران: چاپ سنگی

۷۸ - کلباسی، میرزا ابوالهدی (مخطوط) آثار و رسائل

۷۹ - کلباسی، میرزا ابوالهدی (مخطوط) نسخه بیاض

۸۰ - کیانی، محمدیوسف ۱۳۷۶. تزیینات و ابسته به معماری دوران اسلامی، تهران: میراث فرهنگی

۸۱ - کیانی، محمدیوسف ۱۳۷۹. معماری ایران (دوره اسلامی)، مجموعه مقالات، تهران: سمت

۸۲ - گزی اصفهانی، شیخ عبدالکریم ۱۳۷۱. تذکره القبور، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

۸۳ - گلی زواره، غلامرضا ۱۳۷۸. ناصح صالح، قم: حضور

۸۴ - مجله معارف اسلامی، ۱۳۴۶ ش، شماره چهارم،

۸۵ - مدرس تبریزی، محمد علی ۱۳۷۴. ریحانه الادب، ج ۷، تهران: خیام

۸۶ - مدرسی و کاظمینی، سید محمد رضا و میرزا محمد ۱۳۸۲. مفاخر یزد، مجلد ۱ و ۲، یزد: ریحانه الرسول

۸۷ - المرعشی النجفی، السید شهاب الدین ۱۴۱۴. الاجازه الکبیره، قم: مکتبه المرعشی

۸۸ - المرعشی النجفی، السید محمود ۱۴۱۶. المسلسلات، ج ۲، قم: مکتبه المرعشی

۸۹ - مشار، خان بابا، ۱۳۴۰. مؤلفین کتب چاپی، ج ۱، تهران: رنگین

۹۰ - المصطفوی، حسن ۱۳۶۰. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱ و ج ۵، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۹۱ - معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی ۱۳۹۶. مکارم الآثار، ج ۴ و ۵، اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر

۹۲ - معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی (مخطوط). احوال حاجی کرباسی و اولادش.

- ۹۳ - مولانا، غلامرضا؟ تاریخ بروجرد، قم: مهر
- ۹۴ - مهدوی، سید مصلح الدین ۱۳۷۰. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، اصفهان: انجمن کتابخانه های عمومی
- ۹۵ - مهدوی، سید مصلح الدین ۱۳۴۸. دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان: ثقفی
- ۹۶ - مهدوی، سید مصلح الدین ۱۳۵۲. مقدمه بر میراث و حقوق زن، تهران: عمادزاده
- ۹۷ - مهدوی، سید مصلح الدین ۱۳۶۸. بیان المفاخر، جلد دوم، اصفهان: کتابخانه مسجد سید
- ۹۸ - مهدوی، سید مصلح الدین ۱۳۶۷. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳ مجلد قم: الهدایه
- ۹۹ - میرخلف زاده، قاسم ۱۳۸۱. داستان هایی از بزرگان دین، قم: شهید احمد میرخلف زاده
- ۱۰۰ - میردامادی، سید باقر (تاریخ مقدمه) ۱۳۸۱. خمینی شهر، قم: میرداماد
- ۱۰۱ - نجفی قوچانی، سید محمدحسن ۱۳۶۲. سیاحت شرق، تصحیح ر.ع. شاکری، تهران: امیرکبیر
- ۱۰۲ - همایی، جلال الدین ۱۳۸۱. تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما
- ۱۰۳ - همایی، جلال الدین ۱۳۷۵. تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان) به کوشش ماهدخت بانو همایی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
- ۱۰۴ - هنرفر، لطف الله ۱۳۷۸. اصفهان، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی
- ۱۰۵ - یادنامه آیت الله حاج سید اسماعیل هاشمی ۱۳۷۸. اصفهان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۰۶ - یزدانی نجف آبادی، علی ۱۳۷۲. دیباچه دیار نور، نجف آباد: بهار
- ۱۰۷ - یعقوبی، اسماعیل ۱۳۷۵. آشنایی با مشاهیر طالقان، تهران: محسنی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

